

تجلی غدیر در عصر ظهور

تجلی غدیر در عصر ظهور

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : تجلی غدیر در عصر ظهور: مجموعه مقالات درباره جلوه های تحقق غدیر در عصر ظهور بقیه الله اعظم (ع)/ تالیف مرکز غدیرستان کوثر نبی (ص).

مشخصات نشر : تهران: دلیل ما، 1392.

مشخصات ظاهری : 336ص.

شابک : 978-964-397-847-1

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : مهدویت-- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : مهدویت-- انتظار-- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : غدیر خم -- مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده : مرکز غدیرستان کوثر نبی(ص)

رده بندی کنگره : BP224/4/ت27 1392

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 3054908

ص: 1

اشاره

ص: 2

اهداء به آنان که

در انتظارِ تحقق غدیر،

روزگار ظهور را لحظه شماری می کنند.

سپاس غدیرستان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

«غدیر» این نام دیر آشنای شیعیان علی علیه السلام، پیوسته در انتظار روزی به نام «ظهور» است، تا «تجلی» تمام عیار خود را به بشریت نشان دهد.

دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام هر صبح را با نام زیبای غدیر آغاز می کنند، و روزهای مانده تا ظهور را به شماره می آورند، تا مگر به پایان آن دست یابند و بیعت با آخرین وارث غدیر را تجربه کنند.

غدیریان نفرین بر سقیفه را وِرد زبان خود ساخته اند که نگذاشت آرمان های الهی غدیر تحقق یابد. آنان هر روز از زندگی سخت در کنارِ سقیفه را، به امیدِ رسیدن به ایام روح افزای ظهورِ منجی بشریت برای اجرای قانون نامه غدیر سپری می کنند.

چهارده قرن است که پرچمِ غدیر با شعارِ «اَشهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهِ» به دست غدیریان بر بام دنیا در اهتزاز است، و این عَلَم آل محمدعلیهم السلام برافراشته خواهد ماند تا روزی که صاحب آن بیاید و عظمت و اقتدار غدیر را به جهانیان بنمایاند؛ و غدیرستانی به گستردگی جای جای زمین بر پا کند و همه انسان ها قائم آل رسول علیهم السلام را تنها امام خلق بشناسند و بهشتِ روی زمین شکل گیرد.

انتخاب موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور»

با توجه به اهداف بنیانگذار مؤسسه «غدیرستان» حضرت آیه اللَّه سید حسن فقیه امامی رحمه اللّٰه علیه، موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» برای تحقیق در دو بُعد «غدیر» و «ظهور» انتخاب شد. با این دیدگاه «غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله» نشست ها و فراخوانی برای مقالات بر محور این موضوع ترتیب داد، تا با بهره وری از تحقیقات پژوهشگران در این باره بتواند گام نخست را در مطرح ساختن جدی ارتباطِ غدیر و ظهور بردارد؛ و به این عنوان جدیدِ اعتقادی رسمیتِ علمی بخشد.

خوشبختانه طی سه کنفرانس، گروهی از متخصصین علوم اهل بیت علیهم السلام پیشقدم شدند و طی سخنرانی ها و ارائه مقالات در این باره، اولین پایه های فکری غدیر و ظهور را بنیان گذاری کردند و راه را برای علاقمندان بحث در موضوع هموار ساختند.

«غدیرستان» خود را موظف دانست برای نشر این مقالات در سطح عموم دست به کار شود، و با تنظیم و ویراستاری و چینش فنی آنها کتابی را آماده کند که حاوی مسیر طی شده در این راه باشد. کتاب حاضر ثمره تلاش گروه فرهنگی غدیرستان برای ارائه نهایی این مجموعه مقالات است، که به دنیای تشیع تقدیم می گردد. ذیلاً به شرح اقدامات انجام شده در این دو جهت می پردازیم:

الف . شیوه تنظیم مقالات.

ب . گزارشی از نشست ها.

تنظیم مقالات «غدیر و ظهور»

تدوین و تنظیم مقالات رسیده در موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» طی مراحل زیر به انجام رسید:

الف . تعداد مقالات

مقالات برگزیده 19 مقاله است، که در کتاب حاضر با در نظر گرفتن مسیر علميِ بحث چینش شده است، به گونه ای که خواننده مقالات با مطالعه هر یک از آنها وارد مرحله بعدی بحث می شود و گام به گام با موضوع آشنایی بیشتری پیدا می کند و به هدف نزدیک می گردد؛ تا انتهای کتاب که همه جوانب بحث در ذهن او تبلور می یابد.

ب . نویسندگان مقالات

با احترام به مقام علمی همه نویسندگان محترم مقالات در این مجموعه، به ذکر نام ایشان اکتفا شده و از آوردن هرگونه القاب علمی پرهیز گردیده است.

ج . چینش مقالات

ترتیب مقالات فقط بر اساس روند فکری مسئله «تجلی غدیر در عصر ظهور» است، که مراحل آن چنین است:

مقاله اول ملخصی برگرفته از همه مقالات و نوعی نتیجه گیری از مجموع آنهاست، که ذهن خواننده را کاملاً آماده ورود به بحث می نماید. در مقاله دوم به زمینه های بحث «تجلی غدیر در ظهور» پرداخته شده است. مقاله سوم فطری بودن غدیر و انتظار، و تجلی این مسئله فطری در اعتقاد را بیان می کند. مقاله چهارم ضرورت احیای غدیر را بررسی می کند، که در ظهور تحقق خواهد یافت.

بُعد اعتقادی مسئله را در اتصال بعثت و غدیر و ظهور باید جستجو کرد، که مقاله پنجم بدان پرداخته است. ایجاد انتظار برای تحقق غدیر به دست حضرت ولی عصرعلیه السلام یکی از ابعاد جدی موضوع است، که مقاله ششم بیان آن را بر عهده گرفته است. مقاله هفتم به لزوم تکامل و آمادگی انسان ها برای تحقق غدیر می پردازد که در عصر ظهور به حد لازم خواهد رسید. نگاهی دیگر در این باره اهداف غدیر و موانع تحقق آن را به صورت یک مقایسه کنار هم قرار می دهد، که مقاله هشتم به تبیین آن پرداخته است.

این پایه فکری که همه حق متعلق به غدیر است و این حق حتماً باید اعاده گردد و ظرفی جز ظهور ندارد، نکته حساسی است، که در مقاله نهم بیان شده است. نگاه به غدیر به عنوان هدف اَکمَل خلقت لزوم تحقق آن در روز ظهور را روشن تر می نماید، و این مهم فکری در مقاله دهم مشروحاً مورد بحث قرار گرفته است. تأسف از غلبه باطل در طول زمان ها و انتظار تحقق حق غدیر در روزگار ظهور زاویه دیگری است، که مقاله یازدهم بیان آن را بر عهده دارد. پنجره ای دیگر به سوی این بحث، تحقق امامتِ الهی است که جانِ غدیر را تشکیل می دهد و تحقق عمَليِ کامل آن در ظهور خواهد بود، که در مقاله دوازدهم بیان شده است.

عدالت آن گونه که خدا می خواهد فقط در امامت غدیر جلوه گر است و تحقق آن در روزگار ظهور خواهد بود، که مقاله سیزدهم بدان پرداخته است. زاویه ای دیگر از تحقق غدیر، نشرِ علم الهی و در نتیجه هدایتی است که در سایه آن علم تحقق می یابد، و این جز در ایام ظهور محقق نخواهد شد، که مقاله چهاردهم در بردارنده این موضوع است. نظم جهانی و وحدت بر اساس غدیر نقطه دیگری است که ایام ظهور وعده گاه آن است، و مقاله پانزدهم به این جهت اختصاص دارد. آنچه از عدالت در حکومت صاحب غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام جلوه گر شده اما فرصت تکمیل آن پیدا نشد، باید در روزگار ظهور در کامل ترین صورت جلوه کند، که مقاله شانزدهم بدان پرداخته است.

هدف نهایی از خلق انسان که عبودیت است با حکومت امامِ الهی غدیر تحقق می یابد، که فِعلیت تمام عیار آن در عصر ظهور با حضور حضرت بقیه اللّٰه الاعظم علیه السلام خواهد بود، و مقاله هفدهم بیان آن را بر عهده گرفته است. کربلا به عنوان مذبح غدیر نقطه استثنائی تاریخ است که انتقام آن جز در عصر ظهور تحقق نمی یابد، و مقاله هیجدهم بدین مهم پرداخته است. نقطه پایانی این بحث، قطع ریشه ظلمی است که قرن ها بر غدیر رفته و باید در عصر ظهور مُهر خاتمه بر آن زده شود، که آخرین مقاله کتاب حاضر بیان آن را بر عهده دارد.

د . محتوای مقالات

هر مقاله در ابتدا شماره دارد، و سپس عنوان اصلی و نام نویسنده آن آورده شده است. آنگاه چکیده ای از محتوای آن برای آمادگی مخاطب آمده است. سپس متن مقاله با عنوان های فرعی آن آورده شده و در پاورقی هر صفحه آدرس های لازم ذکر گردیده است. در پایان هر مقاله منابع آن آورده شده است.

گزارش نشست های «غدیر و ظهور»

تاکنون سه نشست علمی تخصصی با موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور»(1) در اصفهان برگزار شده است. طی این سه مرحله مسئله مذکور مورد بحث و گفتگوی اساتید و اهل تخصص قرار گرفته، که ذیلاً گزارش آنها تقدیم می گردد.

ص: 10

نشست اول : سال 1390 ، قائمیه اصفهان

این کنفرانس در ایام نیمه شعبان 1432 ق با هدف بیان ارتباط غدیر و مهدویت به مدت سه شب برگزار گردید. در این نشست ها اساتید بزرگوار علامه شیخ علی نظری منفرد، حجه الاسلام و المسلمین محمد حسین یوسفی، استاد علی اصغر رضوانی و استاد محمد حسین رحیمیان به سخنرانی درباره موضوع پرداختند، که گوشه هایی از سخنان ایشان به شرح زیر است:

پیامبرصلی الله علیه وآله برای آنکه تکلیف آینده جامعه اسلامی را بیان کند به امر خدا جانشینان بعد از خود را معرفی کرد. این معرفی اوصیا هم برای تشکیل یک حکومت اسلامیِ کامل عیار و هم برای تبیین جزئیات مسائلی بود، که در زمان آن حضرت امکان بیان همه آنها وجود نداشت.

همان طور که مُؤَسِّس دین باید معصوم باشد مُبَیِّن آن هم باید مقام عصمت را دارا باشد؛ که این مسئله در غدیر اعلام شد و تحقق عملی یافت.

تحقق دقیق و کامل اهداف غدیر در عصر ظهور در سه هدف غدیر متبلور است: یکی پیاده کردن اسلام و تطبیق آن از کانال صحیح، و دوم تحقق کامل حکومت الهی عدل گستر جهانی، و سوم رفع اختلاف بین امت اسلامی.

یکی از موانع بر سر راه تحقق غدیر ایجاد گنندگان آن موانع هستند، و یکی از این موانع کینه های بدر و اُحُد در دل گروهی بود و صاحب این عقده ها عمداً بر سر راه غدیر مانع ایجاد می کردند.

با آن اهداف و این موانع، باید در انتظار روزی نشست که این موانع از سر راه غدیر برداشته شود، و غدیر عملاً در کام زندگی مردم جهان جای گیرد، که همان روز ظهور است.

سه هدف از خلقت انسان در نظر است که کمال آنها در غدیر است. آن سه هدف عبارتند از رسیدن به علم و معرفت و رسیدن به عبودیت و بندگی و رسیدن به مرز بنده خاص خدا شدن.

ارسال انبیاعلیهم السلام از سوی خداوند برای دو هدف است، که یکی غلبه دین الهی بر همه ادیان است تا آنجا که یک دین بیشتر نباشد، و دیگری انزال کتب تا مردم به قسط و عدل و گسترش جهانی آن موفق شوند.

تحقق آن اهداف خلقت و این اهداف ارسال رسل فقط در عصر ظهور با قدرت تمام عیار حجه اللّه الاعظم علیه السلام امکان پذیر است.

غدیر بستری برای تکامل انسان است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد و سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند، و تجلی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد.

ارتباط این دو حادثه تاریخ چنین است: غدیر آغاز راهی است که پایانش ظهور خواهد بود. اسلام بدون غدیر بی محتواست و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی ندارد. در روز ظهور نیاز مردم جهان به غدیر روشن خواهد شد و طعم شیرین زندگی در کوثر غدیر معلوم می گردد.

نشست دوم : سال 1390 ، دانشگاه اصفهان

این کنفرانس در ایام شعبانیه 1432 ق در تالار معارف اسلامی دانشگاه اصفهان برگزار شد. در این نشست اساتید حوزه و دانشگاه از جمله استاد علامه نظری منفرد و دکتر علی منتظر القائم با حضور طلاب و دانشجویان در ارتباط دو اصل اعتقادی غدیر و ظهور سخن گفتند، که مختصری از گفتار سخنرانان چنین است.

تجلی علمی غدیر یعنی امامت همچون رسالت در علم ازلی خداوند امری الهی است، و پیامبر و امام هر دو برگزیده خدا هستند و این روند تا آخر دنیا ادامه دارد.

خداوند از خلقت بشر هدف عالی داشته و آن هدایت است و پروردگار برای هدایت بشر پنج اقدام عملی نمود که عبارتند از: فطرت، عقل، وحی (کتاب های آسمانی)، ارسال رسل، تعیین امامان بعد از نبوت خاتم. آن چهار اقدام با آخرین آنها متبلور است و تبلور آن در ظهور خواهد بود.

نشست سوم : سال 1391 ، مدرسه علمیه جوادیه ، اصفهان

این کنفرانس در روز ولادت حضرت علی اکبرعلیه السلام یازدهم شعبان 1433 ق، با هدف ارتباط غدیر با مهدویت تشکیل شد. در این جلسه ابتدا پیام حضرت آیه اللّه العظمی سید صادق شیرازی مد ظله العالی به مناسبت ایام نیمه شعبان با عنوان «عصر ظهور ثمره غدیر» قرائت شد.

در ابتدای این پیام آمده است: یکی از ویژگی های جامعه عصر ظهور امام زمان عجل اللّه فرجه آن است که زمین به نور پروردگار روشن می گردد.

در قسمت دیگری از این پیام با اشاره به اتمام حجت حضرت بقیه اللّه الاعظم علیه السلام بر یهود و نصاری در عصر ظهور و ایمان آوردن آنها به حضرت، چنین آمده است: واقعاً آن روز تماشایی است. در آن دوران بهشت موعود در دنیا جلوه گر می شود و صورت کوچکی از جنّت چهره می نماید. از خدا می خواهیم هنگام ظهور ما را به دنیا باز گرداند، تا آن روز را ببینیم و تمام عدالت را لمس کنیم، چه اینکه زندگی مردم در آن روز واقعاً زیبا و دیدنی است.

در پایان این پیام آمده است: عصر ظهور ثمره غدیر است. غدیر یک عقیده و یک تاریخ و یک فرهنگ و مجموعه ای از بایدهاست. یعنی امام معصوم علیه السلام در رأس تمام امور است، که با حضور او احکام غدیر مطرح می شوند.

خلاصه ای از سخنرانی ها

در این نشست اساتید و محققین بزرگوار از حوزه علمیه قم حجج اسلام علی اکبر مهدی پور، محمد باقر انصاری، محمد صادق امیدواری خراسانی، محمد حسین یوسفی، محمد حسین رحیمیان و دکتر محمد رضا فریدونی به ایراد سخن درباره موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» پرداختند. گزیده ای از گفته های سخنرانان چنین است:

بحث «تجلی غدیر در عصر ظهور» با اینکه در ابتدای شنیدن ساده به نظر می آید، ولی یک بحث تازه و کار نشده است، و تاکنون به طور جدی به آن پرداخته نشده و در آغاز راه است. بنابراین باید جوانب این بحث به طور اکمل تفکیک شود و هر یک جداگانه مورد تحقیق قرار گیرد. در مسیر این بحث ثمرات جالب و ناشنیده و مطرح نشده ای به دست خواهیم آورد و موضوع تجلی غدیر در عصر ظهور به ثمر خواهد نشست.

باید توجه داشت که شناخت غدیر از یک سو و عصر ظهور از سوی دیگر و سپس جمع بندی این دو، رمز این بحث است. سؤال از اینجا آغاز می شود که نیمی از غدیر تاکنون قابل چشیدن و درک کردن و لذت بوده و آن درک مفاهیم و ساختن اعتقاد بر اساس آن است. اما نیم دیگر آن تحقق عَمَلی غدیر است که با ظهور امام زمان علیه السلام لذت آن را به تمام انسان ها بلکه همه موجودات بچشاند، چنانکه فرمودند: «ظهور او حیات زمین است».

از همین جاست که باید مانعین از تحقق عملی غدیر تا عصر ظهور را بشناسیم و بدانیم که چه کسانی این برکت عظیم را از دست مردم گرفتند. اینان هم مانع چشیدن شیرینی غدیر شدند و هم زهر تلخ سقیفه را در کام مردم ریختند.

پس یکی زدودن سمِّ سقیفه از جان مردم است و دیگری ریختن غدیرِ شیرین به کام مردم، که این هر دو با ظهور امام زمان علیه السلام تحقق خواهد یافت، چنانکه می فرماید: «یملأ اللّٰه الارض به قسطاً و عدلاً کما مُلِئت ظلماً و جوراً».

سقیفه با ممانعت از غدیر مردم را نسبت به آن تشنه تر کرد و آرزوی بر دل مانده درباره غدیر را هر لحظه در دلشان زنده نگه داشت به امید روزه که تحقق یابد.

اکنون باید بدانیم که ما حق نداریم تجلیات غدیر در عصر ظهور را از فکر خود بیان کنیم و بر اساس احتمالات و کلیات آن تجلی را تفسیر کنیم، بلکه باید به قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام در این باره مراجعه کنیم؛ و همه آن تجلیات را از لسان خداوند و کسانی که آینده ظهور را می دانند خبر بگیریم. به خصوص آنکه اتفاقاتی خواهد افتاد که از اول دنیا تا آن روز اتفاق نیفتاده است.

ظهور آن روزی است که با یک اشاره امام معصوم علیه السلام عقل ها کامل می شود و با اراده الهی گنج های زمین بیرون می آید و اوضاع اقتصادی جدیدی پیش می آید. جالب تر اینکه یک جمع بندی از تمام کمالات در فکر و اعتقاد و اخلاق مردم محقق می شود. پس بدانیم که از امر عظیم و لذتی ناچشیده هم چون بهشت سخن می گوییم.

در نگاه دیگر غدیر و ظهور بزرگترین وقایع عالم هستند، که وقتی در یک ظرف زمانی جمع شوند نورانیت آن جهان را به اوج عظمت مطلوب در ابعاد دنیوی و اخروی خواهد رساند.

در نگاهی دیگر غدیر آن چیزی است که همه انبیاء برای ابلاغ آن مبعوث شدند تا روزی که در غدیر تبلیغ نهاییِ آن انجام شد و به انتظار تحقق آن نشستند. این آرزوی انبیاء و امت هایشان می رفت تا پس از پیامبرصلی الله علیه وآله تحقق یابد، ولی سقیفه مانع شد و سد راه این راهکار اصلی نجات بشریت شد.

اینجاست که روزگار ظهور به عنوان روز تحقق آرمانِ غدیری همه انبیاء باید مورد مطالعه قرار گیرد، که غدیر به صورت تمام عیار به منصه ظهور خواهد رسید. اکثر این تجلی ها فقط در روز تحقق آن درک کردنی است، و آنچه ما می دانیم فقط اطلاع یافتنی است تا روزی که از نزدیک شاهد باشیم.

در نگاهی دیگر غدیر احساس ملموس حکومت الهی غدیر است، که آرزوی آن در طول تاریخ بر دل مردم ماند و در روز ظهور آن را با تمام وجود احساس خواهند کرد، که شامل همه مزایای مادی و معنوی خواهد بود.

خلاصه ای از پاسخ به سؤالات

در این جلسه نویسندگان مقالاتِ کتاب حاضر به پرسش های حاضرین درباره موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» پاسخ دادند، که به برخی از آنها اشاره می شود:

سؤال اول :

برای آموختن و آموزاندن و باورِ تجلی غدیر در عصر ظهور چه مراحلی را باید طی کنیم؟

پاسخ :

راه آموختن غدیر و ظهور مراجعه به منابع و تألیفات در این باره است، و به صورت مستقل و ضمنی به زبان عربی و فارسی در دسترس است. مطالعه این دو

مرحله و آموزاندن آن در شیوه های مختلف تبلیغی در محیطهای متفاوت اجتماعی، با اطلاع رسانی عمومی درباره این مسئله محقق می شود. اینجاست که ثمره آن اشتیاق انتظار چشیدن لذت غدیر شیرین در روزگار شیرین تر از عسل ظهور در ما ایجاد می کند، و انتظار فرج رنگی قوی تر در فکر و اعتقاد و عمل پیدا می نماید.

سؤال دوم :

آیا درباره تجلی غدیر در عصر ظهور مطالب کمی به دست ما رسیده است ؟

پاسخ :

در گذشته تلخ اسلام مبارزات شدید فرهنگی که حاکمان اهل سنت و پیروانشان در طول تاریخ بر ضد شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام داشته اند، بسیاری از کتاب های علمای ما مفقود شده است؛ اما با این همه میراث غنی و پرمحتوایی هم درباره غدیر و هم درباره عصر ظهور در دست ماست، که می توان کامل ترین احساس و درک را درباره تجلی غدیر در عصر ظهور به دست ما بدهد.

سؤال سوم :

چرا برخی از روایات مربوط به تجلی غدیر در عصر ظهور قابل بیان عمومی نیست؟

پاسخ :

از آنجا که فرمایشات معصومین علیهم السلام مخاطب های گوناگون از نظر درجه اعتقادی و رشد عقلی داشته، به همین جهت سطح فرمایشات خود را با درک مخاطب تطبیق می دادند. اگر ما بخواهیم همه فرمایشات ایشان را بدون در نظر گرفتن مخاطبی که آن را می شنود در سطح عموم نشر دهیم ممکن است منجر به جبهه گیری و انکار آن

حدیث شود، کما اینکه خود ایشان فرموده اند: همه سخنان ما را همه جا نقل نکنید، و هرگاه فرازی از کلام مار ا برای مخاطبی نقل کردید و احساس نمودید قبول آن برای او مشکل است امساک نمایید.

بعضی کلمات معصومین علیهم السلام به خاطر افق بالا ممکن است برای کسانی که روحیه تسلیم ندارند موجب انکار و یا حتی جسارت به آن شود. لذا باید از نقل برخی مطالب در برخی موقعیت ها امساک کرد. در برخی موارد نیز مقدماتی برای بیان لازم است ولی زمان برای آن موقعیت وجود ندارد.

سؤال چهارم :

آیا تجلی غدیر در عصر ظهور ربطی به روزگار رجعت هم دارد؟ یعنی آن روز هم جلوه ای از تجلی غدیر خواهد بود؟

پاسخ :

طبق روایات یقیناً قسمتی از تجلی غدیر در عصر رجعت است، که ادامه عصر ظهور خواهد بود.

سؤال پنجم :

آیا قبل از ظهور غدیر تجلی نداشته که بگوییم در عصر ظهور تجلی پیدا می کند؟

پاسخ :

تجلی غدیر در عصر ظهور منافاتی با تجلیات قبل از ظهورِ آن ندارد، ولی موارد و مصادیق و شکل تجلی این دو متفاوت است و دو پرونده جدا از هم دارد. بنابر این منظور این نیست که تجلی غدیر فقط در عصر ظهور است، بلکه منظور از این بحث فقط بیان تجلیات غدیر در عصر ظهور است که چگونه خواهد بود، و کار به تجلیات

قبل از ظهور ندارد که باید جداگانه بحث شود. اضافه بر اینکه تجلی اکمل غدیر فقط در عصر ظهور خواهد بود.

با آرزوی حضور در روزگار تجلّی غدیر، و درک لذت ولایتمداری امام معصوم علیه السلام در عصر ظهور، و مشارکت در اعاده حق غدیر با انتقام برای مظلوم غدیر؛ چشم به راه گام های استوار آخرین میراث دار دین الهی برای کامل ترین تجلی غدیر در عصر ظهورش خواهیم ماند.

عید غدیر 1433 ق ، پاییز 1391 ش

اصفهان ، مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله

عصر ظهور تجلیگاه غدیر: مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله

چکیده

1 . غدیر از آغاز خلقت تا ظهور و تا قیامت

2 . سقیفه مانع غدیر تا ایام ظهور

3 . ظهور با پیام غدیر

4 . آثار غدیر در ایام ظهور : عدالت، عقل، علم، دین

مقدمه

عصر ظهور افق بیکرانه ای است که بشر از تصور آن عاجز است، و نزولِ رحمت است آن گونه که انسانیت تاکنون تجربه نکرده است، و کمالِ تعالی و رشد است در گونه ای که هنوز عقل بشریت به آنجا نرسیده است. پس هر چه بگوییم دورنمایی از یک بهشت نادیده است که فقط شنیده ایم و ایمان آورده ایم، و هر تصوری در ذهن بپروریم چشم اندازی از سرسبز آرزوهاست که تا محقق نشود لذت آن قابل احساس نخواهد بود

این ناشناخته ظهور، آن قدر شیرین است که حتی یادِ آن کاممان را حلاوت می بخشد، امّا همچون جنینی در رحم مادر هستیم که تا در کنار حجّت پروردگار زندگی نکنیم حقیقت آن را در نخواهیم یافت؛ به خصوص آنکه سقیفه چنان زهر تلخی به همه چشانده و پرده های تیره و تار ظلم را بر سراسر جهان آویخته، که دیدن آن روز موعود از فراسوی روز حضورش بر چشمان غبار گرفته ما بسیار سخت است.

در کتاب حاضر قلم هایی بر آنند تا تصویرهای زیبای روزگارِ ظهور را به نام غدیر ترسیم کنند، و کام های تلخ شده از نکبتِ سقیفه را با زنده کردن یاد روزهای پر خاطره ظهور که در پیش داریم معطر سازند، و برای لحظاتی لذت ظهور و حضور را به ما بچشانند.

آنچه از رنگ رنگِ روزهای قشنگ غدیر در ظهور از این قلم ها چکیده، برگرفته از کلام خداوند و بشارت های معصومین علیهم السلام است که از آن روزهای شیرین خبر داده اند. با الهام از کلام پیامبرصلی الله علیه وآله و امامان علیهم السلام، می توان نتایجی به دست آورد که لطافت و خنکای آن روزگار شیرین تر از عسل را به ما نشان دهد، و این همان چیزی است که قلم پردازان این کتاب با آموختن تصوری صحیح از روزگار غدیریِ ظهور در نظر داشته اند.

به عنوان استقبال از این دورنمای زیبای عصر ظهور که غدیر در آن تجلّی کرده و در مقالات این کتاب خود را نشان می دهد، مقاله آغازین این مجموعه همه این باغ سرسبز را مرور کرده و با الهام از همه آن فکرهای غدیر دوست و منتظرِ ظهور، یک جمع بندی از آنها ارائه کرده است؛ تا از یک سو اشتیاق مخاطبین را برای مطالعه

مقالات دو چندان نماید، و از سوی دیگر یک تابلوی تمام نما از کتاب حاضر را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

این مقاله در چهار قسمت اصلی با عناوین زیر، ارتباط غدیر با ظهور را دنبال می نماید:

الف . غدیر، از آغاز خلقت تا ظهور و تا قیامت

ب . سقیفه، مانع غدیر تا ایام ظهور

ج . ظهور با پیام غدیر

د . آثار غدیر در ایام ظهور

غدیر از آغاز خلقت تا ظهور و تا قیامت

عالَم با غدیر آغاز شده و با غدیر ادامه دارد و با غدیر پایان می یابد، که همان محبت و ولایت محمد و آل محمدعلیهم السلام است، و بر همین اساس مهمترین رسالت پیامبران ابلاغ پیام غدیر بوده است.

ما معتقدیم غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار است که از روز اول بدان نیاز داشته و تا قیامت این روند ادامه دارد. غدیر پاسخ به منجی گرایی بشریت و پاسخ به درخواست «اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ» انسان است. در واقع انسان رهروِ راه کمال است با برنامه مدوّنِ الهی، که در غدیر تکمیل شد و پیشوای هدایتگر آن در غدیر معرفی گردید.

پس جا دارد بگوییم: غدیر بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار بشر قرار می دهد. غدیر شاقول الهی افکار است که در طول تاریخ تنها میزان سنجش از طرف پروردگار بوده است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که توحید از آغاز خلقت با آموزشِ فرستاده و نماینده خدا پایه گذاری شد، و ملائکه و انبیاء هم توحید را از چهارده معصوم علیه السلام آموختند، و اوج این عظمت در غدیر اعلام شد. و چه زیباست که بگوییم: «کمال دین و نعمت و رضایت الهی که انسان از آغاز خلقت در انتظارش بود، با غدیر اعلام شد».

خداوند منّان سه تعبیر درباره بعثت و غدیر و ظهور در قرآن آورده که این روند را به خوبی ترسیم می نماید: بعثت را منت خود بر خلق شمرده و فرموده: «لَقَد مَنَّ اللَّهُ عَلَی المؤمنینَ اِذ بَعَثَ فیهم رَسولاً»(1)؛ و غدیر را کمال دین خود اعلام کرده و فرموده: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم»(2)؛ و ظهور را تابشِ نور الهی به حساب آورده و فرموده: «وَ اَشرَقَتِ الاَرضُ بِنورِ ربِّها».(3)

این مسیر از آغاز خلقت تا بعثت و از بعثت تا غدیر، مسیر خود را طی کرد تا به دوران بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله رسید. در واقع غدیر وصیتنامه اجرائی پیامبرصلی الله علیه وآله بود که باید بعد از آن حضرت عملی می شد؛ و اوجب واجبات در روزگار فقدان نبی امامت بود که معنای دقیق جانشینی و خلافت به حساب می آمد. یعنی در غدیر مُبیِّن دین همانند مؤسِّس آن معرفی شد که مقام عصمت است. اکنون که پیامبرصلی الله علیه وآله از دنیا رفته باید این روند تا قُلّه خود پیش رود و اوج گیرد و هیچ مانعی - حتی اگر سقیفه باشد - نخواهد توانست مانع این پایه گذاریِ خلقت شود.

اگر در زمانی موقت، فتنه های سقیفه مغزها و افکار بشر را از راه راست بهشت منحرف کرد و امتحان الهی تحقق یافت؛ امّا اراده پروردگار بر اجرای امر خود درباره

1- آل عمران:164.
2- مائده: 3.
3- زمر:69.

غدیر، پشتوانه ای است که در زمان ظهور خود را نشان خواهد داد آنجا که فرموده: «کَتَبَ اللّٰهُ لاَغلِبَنَّ اَنَا وَ رُسُلی».(1)

اکنون باید گفت: ظهور انتهای تفصیلی صراط مستقیمِ غدیر و تجلّی کاملِ تعالیِ بشر است. اسلام بدون غدیر و غدیر بدون ظهور متجلی نمی شود. آن کمالِ اعلام شده در دین و آن نعمتِ به اوج رسیده در ولایت و آن مُهرِ رضایت ربّ در غدیر، جز با ظهور عملی نخواهد شد.

امام غدیر در روز ظهور آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانیِ ختم نبوت را بر عهده دارد. آن برنامه مدون الهی در غدیر به دست او در روزگار ظهور متجلی می گردد. اوج پیوندِ انسان با آفریدگار در عصر ظهور خود را نشان خواهد داد که «مَتی تَرانا و نَراکَ وَ اَنتَ تَأُمُّ المَلَأ»(2)، و اوست که واسطه بودن بین خدا و خلق را به همه نشان می دهد.

آن روز بهترین بهره برداری از جهان هستی به دست امامی آگاه از جزئیات جهانِ خلقت محقق می شود. آن روز اوجب واجبات که امامت است معنای عملی خود را نشان می دهد. آن روز مردم می فهمند که دیر زمانی است پاسخ به درخواست «اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ»(3) را دریافت کرده بودند، ولی بدان توجه نداشتند.

آن روز وصیتنامه غدیریِ پیامبرصلی الله علیه وآله حقاً مورد عمل قرار می گیرد. آن روز تراز سنجش افکار، بی پرده درست را از نادرست تعیین خواهد کرد. آن روز توحید و خداشناسی توسط امامِ غدیر در گسترده ترین بازار علم بر عقول جهانیان عرضه

1- مجادله:21.
2- دعای ندبه.
3- حمد:6.

خواهد شد؛ و آن روز است که باید با خط طلا بر سینه آسمان نوشت: «تجلی واقعی غدیر تنها در عصر ظهور است» !

سقیفه مانع غدیر تا ایام ظهور

برنامه الهی غدیر که به همه بشریت تقدیم شد و هدیه پروردگار به بندگانش بود، ضربه هولناکی را از سوی سقیفه تجربه کرد، که بدبختی بلکه نگون بختیِ واقعی را برای انسان ها به ارمغان آورد. با جمله «حَسبُنا کِتابُ اللّهِ»(1) که به معنای کنار گذاشتن امامِ تعیین شده از سوی خداوند بود، طعم شیرینِ غدیر در رسیدن به آرزوهای بشر در کامشان تلخ شد.

سقیفه درهای رحمتِ گشوده در غدیر را بست و درهای جهنم را برای مسلمین و کل بشر باز کرد. با حاکمیت جابرانه سقیفه، از یک سو امامانِ معصوم علیهم السلام نتوانستند غدیرِ از دست رفته را به کام زندگی مردم باز گردانند؛ و از سوی دیگر با کنار گذاشتن غدیر در سقیفه بشر به سوی تفرقه پیش رفت. در یک کلمه باید گفت: غدیر فصل تازه ای از دین بعد از رسالت بود که در پرده ظلمت سقیفه پنهان شد، و با غصب حقِ غدیر به دست سقیفه مردم به جاهلیت باز گشتند !

از همین جاست که جنایات سقیفه و ظلمی که بر مردم روا داشته، امید آنان را به ظهور چند برابر کرده است، و از همین جاست که آغاز ظهور با نابود کردن ضد غدیر و طرفدارانش خواهد بود. ظهور مأیوس کردن دشمنان از نابوديِ دین است، همان گونه که غدیر دشمنان را مأیوس کرد.

واقعیت آن است که مردم چاره ای جز بازگشت به سوی غدیر ندارند، و ظهور برای همین هدف است. مردم به خاطر قطع ارتباط با امام غدیر، به انواع گناهان آلوده شدند

1- امالی شیخ مفید:ص36.

و گناهان را با فقر و سختی ها تاوان دادند، که باعث همه اینها سقیفه بود. برای جبران غدیر از دست رفته به دستِ سقیفه، باید دستِ بیعت با وارثِ غدیر داد و خود را برای عصر ظهور آماده کرد.

با حذف سقیفه، راه برای آرزوهای بشریت و نزول رحمتِ الهی و حضور امامان معصوم علیهم السلام و ریشه کن شدن تفرقه باز می شود. در ظهور ریشه ظلم و ظالم کنده می شود، و بدون شک ظالم تر از غاصبین ولایت وجود ندارد. آن روز غدیر از پشت پرده سقیفه بیرون می آید و مردم از جاهلیت نجات می یابند.

بنابراین جا دارد با صدای بلند اعلام کنیم: حقّ غدیر که به دست سقیفه نابود شد، جز با ظهور امام غدیر اعاده نمی گردد، و آتش سقیفه بر سر غدیر جز با آب عدالت مهدوی خاموش نمی شود.

ظهور با پیام غدیر

امام زمان علیه السلام با پیام غدیر بپا می خیزد و با پیام غدیر حرکت می نماید و با پیام غدیر به پایان می رساند. دو آیه تبلیغ و اکمال در این آیه به ظهور می رسد که «لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرض».(1) این مفهوم بر همه روشن می شود که بعثت علتِ مُحدثه اسلام، و غدیر علت مُبقیه اسلام، و ظهور مُجدِّد و احیاکننده اسلام است. از همین جا معلوم می گردد که دستور ابلاغ غدیر تا قیامت، به معنای بقاء و ادامه راه انبیا تا روز ظهور و بعد از آن تا قیامت است.

در عصر ظهور معلوم خواهد شد که مردم چقدر نیاز به غدیر داشتند و چه چیزی را پشت پا انداختند. هم تکلیف غدیر با انسان ها و هم تکلیف انسان ها با غدیر، در آن

1- نور:55.

روز روشن خواهد شد؛ و امام زمان علیه السلام مردم را متوجه فراموشی و از دست دادن غدیر می نماید.

همه اینها از آنجاست که در غدیر وعده ظهور داده شده، و وعده های روز ظهور هم اعلام شده که تحقق آن حتمی خواهد بود. سیمای موعود در بیست فراز از خطبه غدیر ترسیم شده که در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. در غدیر دو حکومت با یک محور طراحی شد: علوی و مهدوی؛ که مردم قدر اوّلی را ندانستند، اما دومی را با زمینه هایی که غدیر برای پی ریزی حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت به دست حضرت مهدی علیه السلام آماده کرده درک خواهند کرد.

و چه به جاست که بگوییم: غدیر از زمان وقوع تا ظهور به صورت گفتمان بوده، و در زمان ظهور گذشته از گفتمان به صورت اجرایی و عملی تحقق می یابد.

آثار غدیر در ایام ظهور

اشاره

روزگار ظهور میعادگاه منتظران غدیر است، که قرن ها به دست سقیفه در خاک سیاه نشسته اند و چشم به دوردست های ظهور دوخته اند. حتی آنان که رفته اند زنده می شوند و باز می گردند تا از شهد شیرین غدیر با حضور صاحب آن لذت ببرند و این حق آنهاست. آنچه این انتظار را به اشتیاق رسانده، آن است که هیچ کس جز دورنمایی از عصر ظهورِ غدیر نشنیده است؛ و شنیدن کی بود مانند دیدن و زیستن در سایه سارِ امام غدیر!

و اما اینکه در عصر ظهور چگونه غدیر تجلی خواهد کرد؟ باید به یاد آوریم که غدیر همان برنامه مدوّن الهی برای سعادت همه بشر بود، که رکن آن اطاعت و پیروی از امام معصوم علیه السلام قرار داده شد. بنابراین سعادت بشر را با نگاهی عام و نگاهی خاص می توان نگریست.

در نگاه عام، همه جهاتی که برای نجات و سعادت همه ملت ها از همه رنگ و نژاد و زبان و در هر زمان و مکانی لازم است، در غدیر نهفته و در عصر ظهور تجلّی تمام عیار می یابد. در تبیین این سعادتمندی، دلنوشته ها و ناگفته های بسیاری را می توان بر زبان آورد:

1 . اگر بگوییم حیات مادی و معنوی بشر تأمین خواهد شد، گزاف نگفته ایم.

2 . اگر بگوییم بشر در تعالی و رشد به اوج می رسد و نهایت قابلیت های خود را نشان می دهد، درست گفته ایم.

3 . اگر بگوییم بشر صراط مستقیم را پیدا می کند و از آن به سوی اهداف الهی حرکت می کند و از هر انحرافی مصون خواهد بود، به جا گفته ایم.

4 . اگر تعبیر کنیم که اسلام که اساس همه ادیان الهی است، در کامل ترین صورت خود متجلی خواهد شد، بیراهه نرفته ایم.

5 . اگر ادعا کنیم که شر و ظلم و فتنه در همه گونه های آن رنگ می بازد، و قبل از بهشتِ آخرت در این دنیا بهشت برقرار می شود، و همه موجودات با امنیّت تمام عیار زندگی می کنند، عین حقیقت را بر زبان آورده ایم.

6 . اگر بگوییم: عصر ظهور روزگاری است که خداوند از بندگانش راضی می شود و این رضایت نهایت مطلوب از بشر است، ادعای درستی است.

7 . اگر ادعا کنیم امام غدیر در عصر ظهور بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را به همه نشان خواهد داد، درست گفته ایم.

8 . اگر بگوییم: با زعامت امام معصوم علیه السلام نورانیت زمین را فرا می گیرد، و جهان نور باران می شود و همه موجودات به این نورانیّت افتخار خواهند کرد، سخن درستی است.

و اما در نگاه خاص به سعادتمندی بشر در عصر ظهور، در جستجوی دو مسئله خواهیم بود: یکی ابعاد گسترده سعادت بشر، و دیگری کارهای خاصی که برای سعادت بشر تحقق می یابد.

اما ابعاد گسترده سعادتمندی بشر که آمیخته ای از ابعاد فکری و جسمانی و ابعاد دنیایی و آخرتی انسان است، در جهات بسیاری قابل شمارش است که مواردی از آنها را بر می شماریم:

عدالت

برقراری عدالت از همه زاویه های مؤثر در حیات مادی و معنوی بشر، یکی از ثمرات تجلی غدیر در عصر ظهور است. شکی نیست که باید مسئله ریشه کن کردن ظلم را مقدمه ای برای تثبیت عدالت در نظر گرفت، و بلکه اولین گام در این راه است.

در یک نگاه، تحقق جهان شمولی عدلِ غدیر در عصر ظهور خواهد بود، که طعم آن را همه انسان ها و حتی حیوانات و گیاهان، بلکه همه موجودات خواهند چشید.

از سوی دیگر، نظم عمومی جهان و طبعاً وحدت معقول اقشار مختلف مردم در ابعاد مختلف، بر محور اوامر الهی و بر اساس دستورات ولی اللّٰه الاعظم و برادری و محبتِ حاکم بین مردم است، که همه اینها نتیجه عدالت واقعی خواهد بود.

تجلی ارزش های اخلاقی و انسانی و عمل به انصاف و مروت، ابعاد دیگری است که در سایه عدل، خود را نشان خواهد داد. با عدالت علوی در عصر مهدوی ترس مردم از یکدیگر رخت بر می بندد و فقط ترس از خدا می ماند.

عقل

رشد عقل ها و بالا رفتن سطح فکرها و درک و فهم بالای مردم از مسائل مختلف، یکی دیگر از اثرات تجلی غدیر در عصر ظهور خواهد بود؛ به گونه ای که عقول قابلیت درک غدیر را پیدا کنند و لیاقت درک غدیر را در خود بیابند، تا بتوانند لذت حضور در پیشگاه امام غدیر را احساس نمایند.

علم

نجات از جاهلیت در انواع آن و هدایت به راه درست در سایه علم صحیح و رسیدن به صراط مستقیم با یقین و اطمینان قلبی، همه از ره آوردهای عصر ظهور و تجلّی تمام نمای غدیر در آن است.

در همین زمینه مسئله رشد علوم و دست یافتن سریع به سخن حق در هر موضوعی، و قرار گرفتن پایه های فکری صحیح در هر زمینه ای، راه میان بری است که سعادتمندی بشر را با سرعت یک بر هزار به نتیجه می رساند.

دین

«اِنَّ الدّینَ عِندَ اللَّهِ الاِسلامُ»(1)، «وَ مَن یَبتَغِ غَیرَ الاِسلامِ دیناً فَلَن یُقبَلَ مِنهُ وَ هُوَ فِی الآخِرَهِ مِنَ الخاسِرینَ»(2)

شاید بتوان ادعا کرد سرآمد همه آرزوها و پیشگویی هایی که در عصر ظهور تحقق می یابد و حقیقت غدیر نیز همان است، چیزی جز حاکمیت دینِ الهی به دست امام الهی نباشد. از روز آغاز حضور انسان در زمین، حسرت این آرزوی زیبا

1- آل عمران: 19.
2- آل عمران: 85.

بر دل ها مانده تا عصر مهدوی که وعده پروردگار تحقق یابد و همه زمین یکپارچه غدیر شود.

زدودن شبهات از یک سو و بر طرف کردن پیرایه ها از دین الهی از سوی دیگر، اولین گام هایی است که دین خالص را به همه نشان خواهد داد، و این جز به دست مقام عصمت نمی تواند تحقق پذیرد. چنین اقدامی آنگاه عملی خواهد شد که دشمنان دین همگی ذلیل شوند و قدرت سخن و خودنمایی نداشته باشند، و بساط نفاق برچیده شود و اهل حق غالب باشند، و مردم خضوع در برابر فرامین الهی و نماینده خداوند را پذیرفته باشند و نیاز مردم به دین الهی برایشان روشن باشد.

آن روز است که با حاکمیت دین در جای جای زندگی مردم و در اجتماعی که بر آنان حاکم است و در آن زندگی می کنند، توحید و یکتاپرستی در معنای صحیح آن و حقایق ایمان در ابعاد گسترده اش و معارف دین در فصول مختلفش مطرح خواهد شد. آن روز است که با حضورِ دینِ بر مبنای غدیر زمینه گناهان برچیده می شود و نفوذ شیطان قطع می گردد، و معنای وسیع دین برای همه معلوم می شود و انسان ها لذت دینداری را می چشند.

زمینه های بحثِ «تجلی غدیر در عصر ظهور» : محمدباقر انصاری

چکیده

1 . تلخی روزگارِ سقیفه، امید به ظهور را چند برابر کرده است.

2 . سؤالاتِ زمینه سازِ بحثِ «تجلی غدیر در ظهور»

3 . خصوصیات علمی در بحث «تجلی غدیر در ظهور»

4 . ورودی های بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»

5 . منابع بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»

مقدمه

همه آنان که با شنیدن نام غدیر تا عرش پر می کشند، از تحقّق نیافتن آن در روزگار بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله به خروش می آیند و تا عمق جانشان می سوزد. این دل سوختگان پس از آنکه لعن و تنفر و انزجار خود را نثار سد کنندگان راه غدیر می نمایند، از خود می پرسند: اگر در آن روزهایی که حقِّ غدیر بود مانع آن شدند، آیا امیدی هست که

روزی بر این کره خاکی نامی جز غدیر و امامش شنیده نشود و آن بهشت موعود را با تمام وجود خود احساس کنیم؟

تلخی روزگارِ سقیفه، مشوق امید به ظهور

اشاره

با یادآوری نام مبارک حضرت بقیه اللَّه الاعظم علیه السلام، روزگار شیرین تر از عسلی را پیش بینی می کنیم که غدیر در آن به صورت تمام عیار تحقق یافته، و ولایت تمام عیار امامتِ الهی بر سراسر گیتی سایه گسترده است.

ارتباط بین غدیر و ظهورِ حضرت مهدی علیه السلام، مبحثی عمیق است که تاکنون به تفصیل آن پرداخته نشده، و نیاز به تحقیقی جامع و تحلیل و پردازشی علمی و منطقی دارد که نقاط ابهام آن را راز گشایی کند.

بنابراین می توان ادعا کرد مسئله «تجلی غدیر در عصر ظهور» موضوعی بِکر و در آغاز راه تحقیق است، که فروع بسیاری را در خود جای داده است؛ و هر چه بیشتر به مباحث آن پرداخته شود ابواب جدیدی به روی ما باز خواهد شد. مقاله حاضر به عنوان معرفی و شناسایی پیش زمینه های این بحث تنظیم شده است، که در چهار بخش تقدیم می گردد:

الف . سؤالات زمینه ساز این بحث.

ب . خصوصیات علمی و منطقی این بحث.

ج . ورودی های این بحث

د . منابع این بحث.

سؤالاتِ زمینه سازِ بحثِ «تجلی غدیر در ظهور»

رشد و فراگیری هر بحثی در گروِ تعدّد سؤالاتی است که بر اساس فرضیه های علمی درباره آن مطرح می شود. درباره موضوع «تجلی غدیر در ظهور» می توان چهارده سؤال زیر را مطرح کرد، که پاسخ به هر یک از آنها زاویه ای از مطلب را روشن می نماید:

1 . نقطه ارتباط غدیر با مهدویت در کجاست؟

2 . آیا تجلّی غدیر در مهدویت به طور کلی است یا فقط به عصر ظهور اختصاص دارد؟

3 . مگر غدیر تجلّی نداشته که باید در عصر ظهور متجلّی شود؟

4 . تاکنون چه مقدار در این باره کار علمی شده است؟

5 . اگر کلام صریحی درباره تحقیق عینی غدیر در عصر ظهور نداشته باشیم، آیا با استفاده از کلّیات و تطبیق آنها می توانیم ادعا کنیم آنچه در غدیر انتظارش می رفت در عصر ظهور محقق می شود؟

6 . اهداف تصریح شده غدیر کدام است؟

7 . اهداف تصریح شده عصر ظهور کدام است؟

8 . در اثر عدم تحقّق غدیر چه اتفاقی افتاد که با ظهور جبران می شود؟

9 . فرقِ امام غدیر با امام سقیفه در چیست که باید در ایّام ظهور فقدان 1400 ساله اش جبران شود؟

10 . آیا بین غدیر و عدالت گستری حضرت مهدی علیه السلام ارتباطی وجود دارد؟

11 . فرق فضای حاکم بر اجتماعی بر مبنای حکومت غدیر، با فضای حاکم بر اجتماعی بر مبنای حکومت سقیفه چیست؟

12 . چه سرنخ هایی از روایات می تواند به بحث ارتباط غدیر و مهدویت کمک کند؟

13 . چه منابعی و کدام دسته از موضوعات حدیثی می تواند مطالب مربوط به غدیر در عصر ظهور را در بر داشته باشد؟

14 . آیا مباحث برائت و لعن چه اندازه در روشنگری مسئله تحقق غدیر در عصر ظهور راهگشاست؟

خصوصیات علمی در بحث «تجلی غدیر در ظهور»

قبل از ورود به کار علمی درباره «تجلی غدیر در ظهور» باید متوجه ابعاد دقیق علمی اعتقادی در این مسئله باشیم؛ تا در تحلیل های اعتقادی به بیراهه نرویم. مهم ترین جهات این دقت ها چهار نقطه است:

1 . بحثی است که تاکنون به صورت تخصصی درباره آن کار نشده است.

2 . به طور مستقیم و صریح در این باره مطلبی در روایات نیامده است.

3 . از جمع بندی چند گروه از روایات می توانیم در این باره به نتایجی دست یابیم.

4 . باید مواظب تحلیل و جمع بندی و پردازش ها باشیم که از حد معقول به استحسانات کشیده نشود.

ورودی های بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»

برای جستجو در منابع اعتقادی و حدیثی و تاریخی درباره بحث «تجلی غدیر در ظهور» باید دریچه های فکری مرتبط با مسئله را شناسایی کنیم، و گمشده خود را از لابلای متون استخراج نماییم. نُه مدخل برای ریزیافته های بحث مزبور معرفی

می شود، با اذعان به اینکه در ضمن کار علمی هر محققی ممکن است به ورودی های جدیدی دست یابد.

1 . اخبار غدیر و اهداف بلندی که در این برنامه عظیم ترسیم شده، دریچه ای به سوی تطابق آن با ایام ظهور است.

2 . اخبار عصر ظهور و آنچه به طور کلی و جزئی در زمان ظهور محقق می شود، دریچه ای برای تطبیق آنها با اهداف غدیر است.

3 . آنچه درباره مقام امامت و شؤون و خصوصیات آن در احادیث داریم، نشانگر آن است که اگر امام غدیر حاکم بود اوضاع جهان به صورت ریشه ای فرق می کرد، که در عصر ظهور این مسئله به فعلیّت خواهد رسید.

4 . بررسی وقایع رخداده در اثر عدم اجرای غدیر و عدم حضور امام غدیر، دریچه ای است به سوی دریافت معکوس آنکه با غدیر محقق می گردد، و معلوم می کند که اگر غدیر محقّق می شد چه اتفاقی می افتاد.

5 . در نظر گرفتن اهداف فکری و عملی اسلام و مجرد تحقق همان ها آن گونه که خدا گفته، کافی است که تأسف ما را برانگیزد که چرا با آمدن سقیفه آن اهداف به نتیجه نرسید و شوق ما را زنده کند که آن اهداف با ظهور به نتیجه خواهد رسید.

6 . بشارت های مربوط به پیامبر و امامان و حضرت مهدی علیهم السلام در کتب انبیاءعلیهم السلام، می تواند دریچه ای برای تطبیق غدیر بر مهدویت به عنوان ادامه یک مسیر باشد که از انبیاء آغاز شده و تا پیامبرصلی الله علیه وآله و سپس امامان علیهم السلام ادامه یافته، و آنگاه محقَّق کننده تمام عیار آن حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

7 . آنچه به عنوان عدالت حضرت مهدی علیه السلام با ابعاد گسترده آن مطرح است، می تواند دریچه ای به تقارن غدیر با عصر ظهور باشد.

8 . باید توجه داشت که چه اهداف غدیر و چه اهداف ظهور بر اساس منافع دنیا و آخرت بشر تنظیم شده و هر دو باید کنار هم در نظر گرفته شود.

منابع بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»

معرفی منابع مربوط به بحث «غدیر و ظهور»، گذشته از شناسایی کتب حدیثی و تاریخی، باید پیش زمینه ای از نظر جایگاه فکریِ این موضوع در متون داشته باشیم که هفت موقعیت زیر معرفی می شود:

1 . روایات مربوط به شؤون حضرت مهدی علیه السلام.

2 . روایات مربوط به وقایع عصر ظهور از نظر انتقام و دادخواهی.

3 . روایات مربوط به کیفیت زندگی مردم در عصر ظهور از نظر دینی و دنیایی.

4 . روایات مربوط به مقام امامت مثل زیارت جامعه و حدیث امام رضاعلیه السلام در مَرو.

5 . روایات مربوط به لعن و مطاعن اهل سقیفه.

6 . دعاها و زیارات مربوط به امام زمان علیه السلام.

7 . دعاها و زیاراتی که جرم دشمنان و مظلومیت اهل بیت علیه السلام را بیان کرده است.

با اذعان به اینکه بحث «تجلی غدیر در عصر ظهور» در آغاز راه است، نوشته حاضر امیدوار است توانسته باشد کلیدی برای شروع مباحث عمیق در این باره باشد.

نتیجه این مبحث آن است که دل های به انتظار نشسته غدیریان را مسرور کنیم؛ و آنان که با کامی تلخ از سقیفه، هر صبح و شام ظهورِ غدیر را با حضور امامش حضرت مهدی علیه السلام لحظه شماری می کنند، نیک بدانند که منتظر کدامین بهشت موعود هستند، مطمئن شوند که حقیقتاً ارزش انتظار را دارد.

ظهور، پاسخ به فطرت غدیری انسان ها : سید محمود میردامادی بحرالعلوم

چکیده

1 . غدیر که طرح وصایت است با فطرت همخوانی دارد.

2 . غدیر پاسخ منجی گرایی و پاسخ به سؤال «اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیم» بشریت است.

3 . ظهور روز تحقق حقایق پنهان غدیر است.

4 . برای بقای اسلام غدیر لازم است.

5 . غدیر شاقول افکار در طول تاریخ اسلام است.

6 . غدیر برای همیشه بنا شده و با امثال سقیفه محو نمی شود.

7 . غدیر ترسیم هندسی فکر و عمل بشریت است.

8 . روزگار ظهور زمان ظاهر شدن مبانیِ غدیر است، تا پایه های صحیح فکری در دین روشن گردد.

9 . غدیر روز رشد عقول است.

مقدمه

انتخاب موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» چه انتخاب شایسته و زیبایی است. قبل از هر چیز باید بدانیم که مهندسِ حصن حصین اسلام، بیشتر و بهتر از دیگران به بقا و جاودانگی این دین آسمانی پرداخته است.

همخوانی غدیر با فطرت

طراح رسالتِ مُنذر، نه فقط به طرح پیامبری و قوانین و لوازم آن پرداخت، که برای وصایت و رهبری بعد از پیامبر اسلام علیه السلام نیز قانون گذاشت.

خدایی که می گوید: «اِنَّما اَنتَ مُنذِرٌ وَ لِکُلِّ قَومٍ هادٍ»(1)، هم «منذرِ» منتخب دارد و هم «هادیِ» منصوب. هم به علت محدثه نظر دارد و هم به علت مبقیه به خوبی می پردازد. در جهت تشریح موضوع به دو نکته می پردازیم:

1 . غدیر که طرح وصایت و علت مبقیه اسلام است، با فطرت هم خوانی دارد و پاسخ منجی گرایی و سوالِ «اهدنا»یِ بشریت محسوب می گردد.

2 . عصر ظهور روز ظهور حقائق پنهان غدیر است. غدیر که تدریس نظری پیرامون بزرگی حکومت انسان کامل است، روز ظهور عملاً به نمایش در می آید. در آن روز «لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ»(2) و «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»(3) اجرا می گردد.

غدیر پاسخ منجی گرایی بشریت

بحث منجی گرایی نه فقط در کتب و آثار پیشینیان و ادیان آسمانی آمده، که در کتاب تکوین و آفرینش هم مشهود و محسوس است.

1- رعد: 27.
2- صف: 9.
3- صف: 8.

طفل صغیری که وقت گرسنگی و یا بیماری می گرید، و یا غریقِ و مضطری که برای نجات فریاد می زند، دلیل تطبیق اصل منجی گرایی کتب ادیان با کتاب تکوین است. روی آوردن مردم به پیامبران الهی، مانند توجه کودک به پدر و مادر خویش، جنبه منجی گرایی دارد.

در قرآن کریم به آیه «وَ بِالوالِدَینِ اِحساناً»(1) برخورد می کنید. قرآن کریم همان طور که به احسان نسبت به پدر و مادرِ جسمانی نظر دارد، به احسان نسبت به پدر و مادر الهی نظر برتر و بالاتری دارد.

تصور کنید کودکی در یک بیابان گم شده و در حالی که تشنه است فریاد می زند. علت فریاد و گریه این کودک چیست؟ تشنه و گرسنه است و خواهان نجات است. چه کسی به او گفته و القا نموده که باید برای نجاتت گریه کنی و فریاد بزنی؟ کتاب تکوین این مسئله را به او القا کرده است؛ و چه کسی دلسوزتر از پدر و مادر؟! اگر صدای کودک به گوش پدر و مادر برسد چه خواهند کرد؟

«قُل اَرَأَیتُم اِن اَصبَحَ ماؤُکُم غَوراً فَمَن یَأتیکُم بِماءٍ مَعینٍ».(2) بشریتی که در بیابان خشک و لم یزرع جهالت و نادانی سرگردان است، آیا می داند چه می خواهد؟ آدرس کجا و چه کسی را می طلبد؟ گاهی خودش نمی داند آب می خواهد و نمی داند که آب هم برای پیشگیری مفید است و هم برای درمان به کار می آید. «وَ اَنزَلنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهوراً، لِنُحیِیَ بِهِ بَلدَةً مَیتاً».(3)

1- نساء: 62، بقره: 83.
2- ملک: 30.
3- فرقان: 48.

کودک در کتاب تکوین وقتی گریه می کند به او شیر و آب می رسانند، ولی کودک در کتاب تشریع اگر خواهان غذا و آب است باید دست از کودکی بردارد و به مدرسه ادب و اخلاق قدم نهاده آدم شود تا آبرسان الهی به او عنایت کند.

ظهور روز تحقق حقایق پنهان غدیر

پس حال بشر در طول اعصار و قرون گذشته و آینده حال کودکی است که دنبال پدر و مادر می گردد، و غذا و آب می طلبد. سؤال دارد، و آدرس خانه سعادت را جستجو می کند.

بنابراین «اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ»(1) گفتن و آدرس خانه سعادت و مدینه فاضله را سؤال کردن، فقط کار پیروان پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی علیه السلام نیست، بلکه پیروان همه مکاتب الهی و غیر الهی طلب هدایت داشته و دارند.

مسئله ای که جواب از سؤال مقدّر است، این است که انسان ها غالباً در پاسخ طلب درونی «اِهدِنا» آدرس را نادرست و انحرافی گرفته اند و به همین اکتفا کرده اند. کودکی را تصور کنید که در طلب شیر سالم مادر گریه می کرده، اما نامادری بی عاطفه او را با چیزی که کمترین شباهت با شیر مادر نداشته سیر نموده است، و این کودک دیگر دست از طلب برداشته و به این فریب و مکر عادت کرده است.

نامادری های بشر، منحرفین از توحید خداوند متعال، جواب «اِهدِنا»ی درونی بشر را با ترویج گاو پرستی و آفتاب پرستی و فرعون پرستی و هوی پرستی پاسخ داده اند، و پاسخ درست و موافق با حقیقت انبیاء را نادیده گرفته اند.

1- حمد: 6.

دانشمندان منحرف و امرای ظالم و ستمگر بشر را در جهل و غفلت نگه داشته، و با ایجاد اشتباه و انحراف در راه سعادت جوییِ انسان ها، انحطاط و سرگردانی و اضطراب و بدبختی را به ارمغان آورده اند.

پس ندای «اهدنا» را همه بشریت داشته و دارند، به تعبیر دیگر هیچ انسانی نمی تواند ماتریالیست باشد. مرحوم محقق عظیم الشأن میرداماد فرموده است: «الحمد للّٰه الذی من انکره انکر ما بذهنه تصَوَّرَ». ماتریالیست تصور ذهنی خودش را منکر شده است، چرا که انکار خدای قادر متعال ممکن نیست.

کدامین انسان از سعادت گریزان است؟ گریز از سعادت یعنی بی عقلی، در حالی که بشر عقل و خرد دارد. توجه انسان ها به خالق و «اهدنا» گفتن آنان، همان سعادت خواهی فطری و درونی آنان است. «فِطرَةَ اللّٰهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها».(1)

اینکه خداجویی و سعادت طلبی از درون انسان سرچشمه می گیرد نشانه اش این است که علامت سؤال نمی پذیرد. آیا شما می توانید بگویید: چرا کودک گریه می کند و شیر می طلبد؟ چرا انسان به عاطفه نیاز دارد؟ «چرا» گفتن در مورد خداجوییِ انسان مثل چرا گفتن در مورد سلامت انسان است!

اگر بگویید: چرا انسان در طلب مدینه فاضله و صلح و صفاست؟، مثل این است که بگویید چرا انسان می خواهد سالم باشد؟ آنچه علامت سوال می پذیرد کسالت و مرض انسان است. این کسالت برای چیست؟ این درد از کدامین علت سرچشمه می گیرد؟ این سؤال عقلانی است، زیرا اصل سلامت انسان است، و اینجا خلاف اصل پیش آمده است.

1- روم: 30.

خدای سمیع و مهربان در پاسخ «اهدنا»ی بشر، انبیاء و جانشینان آنها را فرستاد. انبیا و اوصیای آنان معلمین هدایت و مربیان راه سعادت هستند. پاسخ استسقای انسان ها به وسیله پیامبران و خلفای آنها داده شده است. ولی همان طور که نبیِّ درونی بشر - یعنی عقل - با انحراف علمای منحرف و امرای ستمگر رو به رو گردید، انبیای الهی و جانشینان آنها با پیشوایان کفر و فرزندان منحرف آنان رو به رو شدند. سران کفر و قدرت های استکباری همواره بر فطرت ها سرپوش نهاده، به مبارزه با پیامبران الهی و اوصیای آنها کمر بسته اند. ارسال رسل و انزال کتب با ترتیبی که دارد مانند کلاس های مدرسه و دانشگاه هر کدام رتبه ای را دارد.

لزوم غدیر برای بقای اسلام

استسقای بیشتر بشر و اصرار بر اهدنا گفتن باعث گردیده که خدای متعال دین حنیف اسلام را به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام نازل فرماید. خدای متعال در طریق ابراهیم علیه السلام و مکتب او و نیز در نسلش نورانیت و الگو شدن را قرار داد. امتحان ابراهیم علیه السلام فراتر از امتحان آدم ابوالبشرعلیه السلام و مقام او بالاتر از بسیاری از انبیاست.

کلماتی که ابراهیم علیه السلام بدان امتحان گردید بیش از کلمات مورد امتحان آدم علیه السلام بوده است. مجاهده بزرگ ابراهیم علیه السلام در راه توحید و پاکی و صفای باطن آن حضرت باعث گردید که آن وجود مطهر امام مردم گردد، و خدای متعال در پاسخ طلب هدایت مردم رهبری و حکومت الهی را در آل ابراهیم علیهم السلام قرار دارد.

«اِنَّ اَوَّلَ بَیتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلعالَمینَ. فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ اِبراهیمَ وَ مَن دَخَلَهُ کانَ آمِناً».(1) پدر معنوی مردم، هدایت و امنیت را به ارمغان آورده و

1- آل عمران: 96.

امام خلق شده است. آل ابراهیم یعنی بنی اسماعیل - که دارای کتاب و حکمت بودند - بنا به تقدیر الهی پرچم دار رهبری بشریت گردیدند.

پاکی و صداقت بنی اسماعیل باعث گردید تشکیل حکومت الهی با این خانواده باشد، و اینان الگوی هدایت بشریت قرار گیرند؛ آنجا که می فرماید: «وَ اجنُبنی وَ بَنِیَّ اَن نَعبُدَ الاَصنامَ».(1) حکومت و امامت الهی به رهبری ابراهیم و آل اسماعیل در مکان مقدسی به نام مکه و «عِندَ بَیتِکَ المُحرَّم»(2) طلب می کرد قلوب مردم شیدای آنان گردد. می بینیم که این مطلب مثل درخواست اصل امامت برای این خاندان در آیه «وَ مِن ذُرِّیَّتی»، در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است که عرضه می دارد: «فَاجعَل اَفئِدَهً مِنَ النّاسِ تَهوی اِلَیهِم».(3)

در حکومت الهی امام منصوبِ حق تعالی است، ولی پاکی و صفای باطن امام او را محبوب القلوب می کند. محبت مردم نسبت به اولیای دین حاکی از همان فطرت حقیقت جو و هدایت خواه است. حکومت آل ابراهیم علیه السلام از یک طرف الهی است، و از طرف دیگر ریشه در قلوب صاحبان فطرت و روح سلیم دارد.

آنگاه راه و روش ابراهیم علیه السلام و کلاس والای توحیدی او، برای همه موحّدان - حتی فرزندان صالح و معصومش - الگو قرار گرفته و سنت های او جاودانی شده است. البته آفت های همیشگی جوامع بشری یعنی دانشمندان منحرف و امرای ستمگر، مردم نادان را از مسیر توحید ابراهیمی باز داشته و به شرک و نفاق سوق داده است.

1- ابراهیم: 35.
2- بقره: 124.
3- ابراهیم: 37.

اینجا پرچم داری انبیاء و پیامبرانی مانند حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام در مبارزه با شرک و ظلم هویدا می گردد، و اصرار درونی انسانی در گفتن «اِهدِنا» با مجاهده این رسولان بزرگ و اوصیای آنان پاسخ داده می شود.

مقدمه چینی ابراهیم علیه السلام برای حکومتِ «ذریه معصوم»، چه در دعایش و چه در مشخص نمودن جای حکومت و چه در طلب محبوب القلوب شدنِ ذریه و چه در جهانی شدن و جاودانگی امامت، همه اینها اوج درخواست بشر نسبت به هدایت را می رساند.

غدیر شاقول افکار در طول تاریخ اسلام

این همه الطاف الهی مگر می تواند بی مورد و بیهوده باشد. مورد این الطاف و مکان نزول این باران رحمت - که همان جعل امامت از طرف حق تعالی است - فطرت های پاک و قلوب پاکیزه مردمِ موحد است.

«وَ اَن لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّریقَهِ َلاَسقَیناهُم ماءً غَدَقاً».(1) استسقای بشر و «اِهدِنا» گفتن انسان ها هر چه بیشتر گردد الطاف الهی و آب رسانی آسمانی و هدایت ربانی بیشتر می شود.

گویا پیام بزرگتری هنوز باقی مانده است و کلاس برتر و جامع تری باید برای بشریت تشکیل گردد. به ابوجهل ها و بدتر از آنان اصحاب سقیفه نگاه نکنید. بلکه سلمان را ببینید که تا اوج آسمانِ «مِنّا اهل البیت»(2) پیش می رود. لطف خداوند است که می فرماید: «وَ قَلیلٌ مِن عِبادِیَ الشَّکورُ».(3) ولی از نسل ابراهیم علیه السلام بزرگ ترین رسول و بزرگ ترین وصی و هادی را ارسال می فرماید.

1- جن: 16.
2- کافی: ج2 ص 396.
3- سبأ: 13.

اکنون وقت «اِقرَأ»(1) و ابلاغ اوامر بالا و والا رسیده، تا به «فَاصدَع بِما تُؤمَر»(2) می رسد. چه امری از امر جانشینی بالاتر، و چه کاری از هدایت خلق به سوی امام و هادی مهم تر؟

دیگر وقت تمام می شود! ممکن است بشریت در نادانی نسبت به امامت بماند. اگرچه امامت بارها گفته شده، ولی در یک مجمع عمومی باید از این مهم ترین کار پرده برداری شود؛ و گرنه رسالت ناتمام و بدون فایده می شود. اینجاست که دستور می آید: «یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ».(3)

قرار خداوند با رسول اللَّه صلی الله علیه وآله ابلاغ جانشینی و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است. ولی پیامبر خداصلی الله علیه وآله از بیان این مطلب در یک مجمع عمومی می ترسد! از چه کسی؟ از منافقین!! و خداوند او را دلداری می دهد: «وَ اللَّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ».(4)

غدیر شناسان از زمان القای خطبه غدیر تا ظهور، باید روی دو نکته بیشتر توجه کنند:

اول : اگر غدیر از اسلام منها گردد رسالتی و قرآنی و دستور العملی باقی نمی ماند، چنانکه می فرماید: «وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ».(5) آنچه می ماند دستور العمل کعب الاحبار یهودی وزیر فرهنگ سقیفه و احادیث ابوهریره وزیر ارشاد دستگاه منافقین است! پس برای بقای اسلام غدیر لازم است، و بقای غدیر و جشن و چراغانی و مدیحه و سخنرانی و کنفرانس و کتاب و سایت و ماهواره درباره آن، همت بالا و خلوص لازم دارد.

1- علق: 1.
2- حج: 94.
3- مائده: 67.
4- مائده: 67.
5- مائده: 67.

دوم : مجاهد در مسیر غدیر تا ظهور و قیام قیامت، مشمول دعای «اَللّهُمَّ انصُر مَن نَصَره» می شود و «وَ اللّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ»(1) حافظ اوست.

نتیجه اینکه در پاسخ «اِهدِنا» گفتنِ بشر «مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ» آمد، و خداوند متعال به وعده «اَستَجِب لَکُم»(2) با خطبه نورانی غدیر عمل فرمود. این یعنی تشنه را به سوی غدیر و سرچشمه آب حیات می برند!

مگر تشنه حقائق در هر زمان نبوده و نیست؟ مگر به خاطر آنان که «کَرِهوا ما اَنزَلَ اللَّهُ»(3) یعنی آنان که از غدیر گریزانند، باید دست از کار برداشت؟ مگر کسانی که «فی قُلوبِهِم مَرَضٌ»(4) می توانند غدیریان را محکوم نمایند؟ پس نصرت خداوند متعال چه می شود؟

غدیر امتحان بزرگ الهی در فراز و نشیب تاریخ، و میزان اعمال و شاقول افکار بوده است. مردی که دستش در دست پیامبر خداصلی الله علیه وآله و بزرگ عالمیان است، مصداق «یَدُ اللَّهِ فَوقَ اَیدیهِم» است.

همان را می گوییم که یاور آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام گردید، و محمد حبیب خداصلی الله علیه وآله را در بدر، احد، خندق و خیبر نصرت داد. همان که منتخب خداوند است و نامش از نام او مشتق گردیده است. او که به اذن خدا کار خدایی می کند. نه فقط در غدیر دست در دست پیامبر خداصلی الله علیه وآله دارد، که از اول خلقت همراه او بوده است. مگر آیه «وَ اسأَل مَن اَرسَلنا مِن قَبلِکَ مِن رُسُلِنا»(5) را فراموش کرده ایم، که انبیاء در شب معراج محور رسالت خود را ولایت رسول اللَّه و امیرالمؤمنین علیهما السلام بیان داشتند.(6)

1- مائده: 67.
2- غافر: 60.
3- محمد صلی الله علیه و آله : 9.
4- بقره: 10.
5- فتح: 10.
6- بحارالانوار: ج 18، ص 394. الصراط المستقیم: ج1، ص 244.

غدیر با سقیفه محو نمی شود

اما رهیافتگان دسته دسته به مدرسه اهل البیت علیهم السلام وارد شده به غدیر و صاحب آن پاسخ مثبت می دهند. باید غربال شدن مردم پیش بیاید، تا معلوم شود چه کسی عبد خداست و چه کسی اجیر وابستگان سقیفه است.

منکرین غدیر از صلب سامری ها و یهودند. سقیفه به نام سنّت بدعت ایجاد کرد تا غدیر را بکوبد؛ ولی غدیر منشور حکومت الهیِ فردا و فرداهای انسان شد که به اراده خدا ایجاد شده و با اراده اصحابِ بُز دل و پشه صفت سقیفه محو نمی گردد. "یُریدونَ لِیُطفِئوا نورَ اللَّهِ بِأَفواهِهِم وَ اللَّهُ مُتِمُّ نورِهِ وَ لَو کَرِهَ الکافِرونَ». (1)

بوستان رسالت پیامبر خداصلی الله علیه وآله به گُل نشست. غدیر گُل این بوستان بود، ولی برای بشریت چنان که باید شکفته نشده است. اگر چه همه معصومین علیهم السلام از این گل زیبا و معطر گفته و یاد کرده اند، ولی غدیر تدریس عملی می خواهد و عظمت حکومت انسان معصوم فقط در زمان ظهور معلوم می شود.

انسان در آخر الزمان غریب واقع شده است، چون دستش از حجت خدا کوتاه و خرما بر نخیل است. با این حال اگر خوب فکر کند و تدبیر لازم را داشته باشد، می تواند راه را از چاه تشخیص بدهد. البته همه می دانند که طلب و تشنگی اساس کار است. یعنی بصیرت استبصار می خواهد! مستبصرینی که به بصیرت الهیه رسیده اند تشنه غدیر شده از آبشار خطبه النبی صلی الله علیه وآله سیراب شده اند.

غدیر ترسیم هندسی فکر و عمل بشریت

غدیر آب حیات بشریت و مدرس حیات طیبه انسان است. این آب حیات تا ظهورِ

1- صف: 8.

«اِعلَموا اَنَّ اللَّهَ یُحیِی الاَرضَ بَعدَ مَوتِها»(1) جریان دارد. اندیشمندان مؤمن، به آیه «یا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ»(2) با نگاهِ «اَنزَلنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهوراً»(3) می نگرند.

غدیر مستند شِقشِقیّه(4) و فریادهای مولای عظیم الشأن انسان ها علی علیه السلام است، و در مقابله با منافقین از شمشیر ذوالفقار تیزتر و کشنده تر است. آنها که می گویند: چرا علی علیه السلام شمشیرش را در روز سقیفه غلاف نمود، چرا از احتجاج های آن حضرت چیزی نمی گویند؟ چرا خطبه های فاطمی را که به استناد غدیر بیان گردیده نمی شنوند؟

غدیر ترسیم هندسی فکر بشریت و نقشه زندگی انسانیت است. مبنای فکری صلح الحسن علیه السلام و قیام الحسین علیه السلام بر حجیت غدیر تکیه زده است. استراتژی صلح و قیام، خانه نشینی تا بیان احکام، بر محور تأییدیه الهیِ «ثُمَّ الاِمامَةُ فِی ذُرِّیَّتی مِن وُلدِهِ اِلی یَومٍ تَلقَونَ اللَّهَ وَ رَسولَهُ»(5) دور می زند.

چه خوش است روزی که خطبه الغدیر را بر سر درِ مسجد الحرام و کعبه با آب طلا بنویسند، و ورود منافقین را به زادگاه امیرالمؤمنین علیه السلام ممنوع اعلام دارند. و آن روز دیر نیست! روزی که اقامه صلاه در نظام حکومتی آخرین مطلوب غدیر بر پا گردد: «رَبَّنا لِیُقیموا الصَّلاةَ ...».(6)

1- حدید: 17.
2- مائده: 67.
3- فرقان: 48.
4- نهج البلاغه: خطبه 3.
5- خطبه غدیر.
6- ابراهیم: 37.

روزگار ظهور زمان ظاهر شدن مبانيِ غدير

روزی که غدیر خم از تدریس نظری پیرامون عظمت حکومت امام معصوم علیه السلام به روز تدریس عملی و ظهور آن برسد، دیر نیست. روزی که «لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّه»(1) مصداق پیدا کند و به سؤال «فَمَن یَأتیکُم بِماءٍ مَعینٍ»(2) پاسخ داده شود.

می دانید عصر ظهور روز ظهور مبانی غدیر است؟ روز مودّت که پروانه شدن مردم را بر گِرد شمع وجود خاتم الاوصیاءعلیه السلام ترسیم می کند؟ روز ظهور اکمال دین است تا فقیه و مُتفقِّه اصل اصول یعنی امام شناسی را واجب و اهم بدانند.

روز ظهور اکمال دین، یعنی روز ظهور بزرگی های قرآن و عترت، و روز پشیمانی آنها که فقه ولایت و مهدویت را به فقه بافندگی های عرفان نمایانه خود تفسیر کرده، و شناخت و یافتن حقائق را در بافتن مطالب معرفی کردند!!

روز ظهور وعده خدا و روز حکومت جهانی امام معصوم، به معنای روز وصول زمینه و آمادگی زمان برای تحقیق امن و امان است. روز حکومت ابراهیمیان از نسل اسماعیل است، که «وَ مِن ذُرِّیَّتی»(3) بر آن گواهی می دهد. روز حکومت «مطهرین» است که ابراهیم علیه السلام برای آنان طلب طهارت کرده است: «وَ اجنُبنی وَ بَنِیَّ اَن نَعبُدَ الاَصنامَ».(4) روز تحقیق «وَ اجعَل اَفئِدَهً مِنَ النّاسِ تَهوی اِلَیهم»(5) است، که ارتباط قلبی و مودت انسان با مبدأ ایمان و امام زمان علیه السلام به اوج خود می رسد.

1- صف: 9.
2- ملک: 30.
3- بقره: 124.
4- ابراهیم: 37.
5- بقره: 124.

غدیر روز رشد عقول

در کنار مودت و رأفت و محبت و مهرورزیِ مطلوبِ غدیر، که ظهورِ تام و تمام آن در روز ظهور است؛ علم و بصیرت و آگاهی و بینش هم در آن روز نورانی به اوج خود می رسد. پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر فرمود: «مَعاشِرَ النّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسلوکٌ فِیَّ ثُمَّ فی عَلِیٍّ بنِ اَبی طالِبٍ، ثُمَّ فِی النَّسلِ مِنهُ اِلَی القائِمِ المَهدِیِّ ...».

در روز ظهور، این نور و بصیرت الهی در مأموم تأثیر می کند و کُلِ عقول بدون مانع به رشد خود می رسد، و همه جا از عطر مودت و مهرورزی بر اساس بینش هر دانش آموزی پر می شود.

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم

2 . بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

3 . شواهد التنزیل، حسکانی عبید اللَّه بن احمد، تحقیق: محمد باقر محمودی، ناشر: سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، 1411ه.ق.

ظهور برای احیای غدیر : محمد صادق امیدواری خراسانی

چکیده

1 . عالم با غدیر آغاز شده، و با غدیر ادامه دارد، و با غدیر پایان می یابد.

2 . منظور از غدیر، ولایت و محبت آل محمدعلیهم السلام است.

3 . مهمترین رسالت رسولان در طول تاریخ، ابلاغ پیام غدیر بوده است.

4 . امام عصرعلیه السلام با پیام غدیر برمی خیزد، و با پیام غدیر حرکت می نماید، و با پیام غدیر به پایان می برد.

5 . آغاز ظهور، نابود کردن ضد غدیر و طرفدارانش است

آغاز و ادامه و پایان عالم با غدیر

آفرینش، با روح و ملکوتِ غدیر که همان ولایت و مودّت و محبت آل عصمت علیهم السلام

است آغاز شده و با همان حقیقت پایان خواهد پذیرفت. هیچ کدام از ما افراد بشر، نه شاهد آفرینش عالم بوده ایم، و نه منبع مطمئن و آگاهی برای دانستن چگونگی آفرینش داریم، جز کلام بزرگوارانی که عصمت و پاکی و درستی گفتارشان را آفریدگار عالَم تأیید فرموده(1)، که همانان گواه آفرینش بوده اند و گفتارشان سند مستند است.

حضرت باقرالعلوم علیه السلام می فرماید: «لَقَدْ خَلَقَ اللّٰهُ جَلَّ ذِکرُهُ- لَیلَةَ القَدرِ اَوَّلَ ما خَلَقَ الدُّنیا ...»(2): «پروردگار که ذکرش جلیل و با عظمت است، شب قدر را در همان ابتدای آفرینش دنیا خلق فرمود ...».

امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که پرسید: فضیلت شب قدر چیست؟ فرمود: «نَزَلَت وَلایَةُ اَمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام فیها»(3) : «ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شب نازل شده است».

دوباره پرسید: در همان شب قدری که در ماه مبارک رمضان ما امید می بریم؟ فرمود: «نَعَم، هِیَ لَیلَةٌ قُدِّرَت فیهَا السَّماواتُ وَ الاَرضُ وَ قُدِّرَت وَلایَةُ اَمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام فیها»(4): «آری، شب قدر همان شبی است که در آن آسمان ها و زمین آفریده شده و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شب مقدّر شده است».

1- امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز دوشنبه می فرماید:« الحمد لله الذی لم یشهد احدا حین فطر السماوات و الارض و لا اتخذ معینا حین برأ النسمات». صحیفه ثانیه سجادیه، شیخ حر عاملی: ص 56؛ الصحیفه السجادیه الجامعه: ص 544، دعاء رقم 238؛ البلدالامین: ص 116؛ المصباح للکفعمی: ص 113؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، چاپ بیروت، ج 87، ص 176، و مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی.

2- تفسیر نور الثقلین: ج 5 ص 636.

3- همان : ج 5 ص 617 ح 23 ، نقل از معانی الاخبار شیخ صدوق.

4- همان : ج 5 ص 617 ح 23 .

در زیارت شریفه جامعه کبیره که عصاره ای مختصر و در عین حال گویا و جامع از فضائل خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است، به تعلیم و آموزش حجت بالغه حق حضرت امام هادی علیه السلام چنین عرضه می داریم: «... بِکُم فَتَحَ اللَّهُ ...»(1) : «به وجود شما خداوند آفرینش را گشوده و آغاز نمود».

در حدیث شریف کساء چنین آمده است: «هنگام تجمّع خمسه طیبه علیهم السلام در زیر کساء، پروردگار متعال به فرشتگان چنین خطاب فرمود: «یا مَلائِکَتی و یا سُکّانَ سَماواتی، اِنّی ما خَلَقتُ سَماءً مَبنِیَّةً وَ لا اَرضاً مَدحِیَّةً وَ لا قَمَراً مُنیراً وَ لا شَمساً مُضیئَةً وَ لا فَلَکاً یَدورُ وَ لا بَحراً یَجری وَ لا فُلکاً یَسری اِلاّ فی مَحَبَّةِ هؤلاءِ الخَمسَةِ الَّذینَ هُم تَحتَ الکِساءِ ...»(2) : «ای ملائکه من و ای ساکنان آسمان های من ! نیافریدم آسمانی بنا شده، و نه زمینی گسترده شده، و نه ماهی نور دهنده، و نه خورشیدی روشنایی دهنده، و نه فَلَکی که دور زَنَد، و نه دریایی که جاری شود، و نه کِشتی که سیر نماید، مگر در محبت این پنج نفر که در زیر کساء قرار دارند ...».

ابلاغ غدیر مهمترین رسالت رسولان

مهم ترین رسالت رسولان در طول تاریخ، پیام و روح و ملکوت غدیر یعنی «ولایت» بوده است. به این احادیث توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلایَتُنا وَلایَةُ اللَّهِ الَّتی لَم یُبعَث نَبِیٌّ قَطُّ اِلا بِها»(3) : «ولایت ما ولایت الهی است، که هیچ پیامبری جز به این ولایت فرستاده نشده است».

1- من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 615 ؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 576 ؛ تهذیب الاحکام: ج 6 ص 99 ؛ المزار الکبیر: ص 753 ؛ بحار الانوار: ج 99 ص 127، چاپ بیروت و مستدرک الوسائل: ج 10 ص 416 .
2- عوالم العلوم و المعارف، شیخ عبداللّه بحرانی: ج 11 ص 933 ؛ منتخب طریحی: ص 259 و احقاق الحق: ج 2 ص 555 .
3- بحار الانوار، علامه مجلسی: ج 27 ص 136 .

و نیز فرمود: «ما مِن نَبِیٍّ جاءَ قَطُّ اِلاّ بِمَعرِفَهِ حَقِّنا وَ تَفضیلِنا عَلَی مَن سِوانا»(1): «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر همراه با معرفت و شناخت حقّ ما و تفضیل و برتری ما بر دیگران».

امام باقرعلیه السلام فرمود: «ما تَکامَلَت النُّبُوَّهُ لِنَبیٍّ حتّی اَقَرَّ بِفَضلِها وَ مَحَبَّتِها، یَعنِی الصِّدیقَهَ الطّاهِرَهَ فاطِمَهَ الزَّهراءَعلیها السلام»(2) : «نبوت و پیامبری برای هیچ پیامبری کامل نشد تا آنگاه که به برتری و محبت حضرت فاطمه زهراعلیها السلام اقرار نمود».

قیام و حرکت امام عصرعلیه السلام با پیام غدیر

چون ظهور دولت فرخنده حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام - که جانمان فدایش باد - فرا رسد، حضرتش دارنده و کامل کننده پیام تمامی پیامبران و جانشینان در رساندن «پیام غدیر» یعنی «ولایت» خواهد بود. بر این اساس آن حضرت با پیام غدیر بپا می خیزد، و با پیام غدیر حرکت می نماید، و با پیام غدیر پایان می برد.

همان گونه که تا ویروس ها و بیماری ها از پیکر یک فرد نابود نشود، ویتامین ها و تقویت ها مؤثر و نافع واقع نخواهد شد، همین طور تا از پیکره دینِ الهی ویروس های پلید و میکروب های مخرِّب دور نشود، دین پروردگار جلوه نخواهد کرد و نمی تواند آن گونه که هست چهره بنماید مگر آنکه ویروس های مخرّب دین نابود شوند.

بر همین اساس، قبل از هر گونه گزارش از تلاش های حضرت ولی عصرعلیه السلام که جهت گسترش «پیام غدیر» انجام می دهند، گزارشی جالب از دفع ویروس ها و پلیدی های مخرّب شریعت توسط آن حضرت ملاحظه می نماییم، که از راه های گوناگون وارد دین شده است.

1- الکافی، کلینی: ج 1 ص 437 .
2- دلائل الامامه، طبری شیعی؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی؛ فاطمه الزهراء علیه السلام همدانی، ص 86 .

باید بدانیم که در هر مرحله از اصول دین، اول نفی و سپس اثبات آمده است. در توحید، اول «لا اِلهَ» و نفی آلِهه و خدایان دروغین، و سپس «اِلاَّ اللّهُ» آمده است. در رسالت هم، نخست نفی پیامبران دروغین نظیر مُسَیلمه ها و سجاح ها، و سپس شهادت به نبوت حضرت خاتم علیه السلام آمده است. در امامت نیز، اول نفی خلفای دروغین و غاصب، و سپس اقرار به امامت امامان راستین امیرالمؤمنین و اولاد معصومش علیهم السلام وارد شده است.

آفرینش با غدیر پایان می یابد

آفرینش با حقیقت ولایت اهل بیت علیهم السلام پایان خواهد یافت، همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بِکُم یُختَم ...»(1) : «به شما آفرینش پایان خواهد یافت».

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه «اِنَّ اِلَینا اِیابَهُم، ثُمَّ اِنَّ عَلَینا حِسابَهُم»(2) : «سپس البته بازگشت آنان به سوی ماست، و آنگاه حساب و جزای اعمال نیک و بد آنها بر ما خواهد بود»، فرمود: «یا سَماعَهُ، اِلَینا اِیابُ هذَا الخَلقِ وَ عَلَینا حِسابُهُم ...»(3) : «ای سماعه، بازگشت این خلق به سوی ماست و حسابشان بر ماست ...».

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه "کُلُّ مَن عَلَیها فانٍ، وَ یَبقی وَجهُ رَبِّکَ ذُو الجَلالِ وَ الاِکرامِ»(4) : «هر کس که روی زمین است دستخوش فنا و مرگ است و وجه پروردگارت باقی می ماند که صاحب جلال و عظمت و اکرام است»؛ حضرت فرمود:

1- زیارت جامعه کبیره.
2- غاشیه : 25، 26 ؛ تفسیر نور الثقلین: ج 5 ص 568 ح 30 ، چاپ علمیه قم.
3- کافی: ج 8 ص 162 .
4- الرحمن: 26 ، 27 .

«نَحنُ الوَجهُ الَّذی یُؤتیَ اللَّهُ مِنهُ»(1) : «ما هستیم آن وجه و جهتی که به سوی خدا از آن وجه و جهت باید آمد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «نحن وجه اللَّه»(2) : «وجه الهی ما هستیم».

در فرمایش دیگر امام صادق علیه السلام به شیوه شعر فرمود:

لِکُلِّ اُناسٍ دَولَهٌ یَرقَبونَها *** وَ دَولَتُنا آخِرَ الدَّهرِ یَظهَرُ(3)

«برای هر گروهی از مردم دولتی است، که آن را انتظار می برند، و دولت ما در آخر روزگار ظاهر خواهد شد».

از عقائد حقه و باورهای یقینی ما اعتقاد به رجعت است، یعنی بازگشت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام و عده ای از شهداء و مؤمنین که قبل از قیام قیامت خداوند با قدرت قاهره اش آنان را زنده فرماید، تا دولت حق تشکیل داده و حکومت فرمایند؛ و مخالفین آن پاکان و قاتلین آنها را نیز برای سزای اعمالشان زنده خواهد نمود. به امید آن روز ...

منابع و مآخذ

1 . احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نور اللَّه شوشتری، ناشر: مکتبه آیه اللَّه المرعشی، قم، چاپ اول، 1409 ه. ق.

2 . امالی، شیخ صدوق، ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ پنجم، 1400 ق.

3 . بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت

1- تفسیر نور الثقلین: ج 5 ص 192 ح 25 ، چاپ علمیه قم.
2- همان، ذیل حدیث 22 .
3- امالی صدوق، ص 489 ح 3 ؛ روضه الواعظین: ص 234 و 293 ، بحار الانوار: ج 51 ص 143 .

چاپ: مکرر.

4 . البلد الامین و الدرع الحصین، عاملی، کفعمی، ابراهیم بن علی.

5 . تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، ناشر: انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، 1415 ق.

6 . تهذیب الاحکام، طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1407 ه. ق.

7 . حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهارعلیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، 1411 ق.

8 . دلائل الامامه، طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، ناشر: بعثت، قم، چاپ اول، 1413 ق.

9 . روضه الواعظین، فتّال نیشابوری، ناشر: انتشارات رضی، قم، چاپ اول.

10 . عوالم العلوم و المعارف والاحوال، بحرانی اصفهانی، عبداللَّه بن نور اللَّه، محقق و مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام،قم، چاپ دوم، 1382 ش.

11 . عیون اخبار الرضاعلیه السلام، شیخ صدوق، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378 ق.

12 . کلیات مفاتیح الجنان، قمی، عباس، ناشر: اسوه، قم.

13 . مدینه معاجز الائمه الاثنی عشرعلیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، 1413 ق.

14 . المزار الکبیر، مشهدی، حائری، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1419 ق.

15 . مستدرک الوسائل، نوری، محدث، میرزا حسین، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت، لبنان، چاپ اول، 1408 ه. ق.

16 . المصباح للکفعمی، عاملی، کفعمی، ابراهیم بن علی، ناشر: دار الرضی (زاهدی)، قم، چاپ دوم، 1405 ه. ق.

17 . من لا یحضره الفقیه، قمّی، صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، ناشر: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، 1413 ه. ق.

18 . مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار، علامه مجلسی، مترجم علی دوانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و هشتم، 1378 ش.

غدیر، حلقه اتصال بعثت رسول و ظهور موعود : مهدی باقری سیانی

چکیده

1 . سه رخداد مهم بشری : بعثت ، غدیر ، ظهور.

2 . سه تعبیر مهم قرآن درباره رخدادهای فوق به تعابیر منّت خدا، اکمال دین ، اشراق ارض.

3 . مقایسه ای بین بعثت و ظهور.

4 . جایگاه غدیر در اتصال بین بعثت و ظهور.

5 . مقایسه ای بین قبل و بعد بعثت و بین قبل و بعد ظهور.

6 . رشد علم و دانش ، عدالتِ جهانشمول.

7 . مشترکات بعثت و غدیر و ظهور.

بعثت، غدیر، ظهور، سه رخداد مهم بشری

اشاره

سه رخداد مهم بشری عبارت است از «بعثت»، «غدیر» و «ظهور موعود». خدای

هستی بخش در آخرین کتاب هدایت آفرین خویش از این سه رخداد با سه تعبیر مهم یاد می کند:

از بعثت با تعبیرِ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی المُؤمِنینَ اِذ بَعَثَ فیهِم رَسولاً مِن اَنفُسِهِم».(1)

از غدیر با تعبیرِ «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی».(2)

از دوران ظهور موعود منتظَر با تعبیرِ «وَ اَشرَقَتِ الاَرضُ بِنورِ رَبِّها».(3)

همچنان که با تابش نور وجود خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله و بعثت آن بزرگوار، تیرگی ها رخت بر می بندد و جهان با اشعه حیاتبخش محمدی روشن و منور می گردد، با ظهور خاتم اوصیاء نیز جهانِ تاریک و ظلمانی پس از فترتی طولانی، به واسطه بارقه الهیِ مهدوی سراسر نور و حیات و تکاپو می گردد، و حلقه اتصال این دو خیزش و رستاخیزِ عظیم معنوی همانا غدیر است. برخی از موضوعاتی که در این نوشتار پرداخته شده از این قرار است:

الف . مقایسه ای اجمالی بین بعثت حضرت خاتم صلی الله علیه وآله و ظهور منجی عالم علیه السلام.

ب . ترسیم جایگاه والای غدیر خم و ولایت و امامت امام امیرالمؤمنین علیه السلام در اتصال و ارتباط بخشی بین بعثت و ظهور.

ج . مقایسه ای بین دوران قبل و بعد از بعثت با دوران قبل و بعد از ظهور موعود منتظر در موضوعاتی چون رشد علم و دانش پس از بعثت و پس از ظهور؛ تلاش در جهت عدالت گستری، عام و جهان شمول بودن دعوت رسول اللّه و دعوت بقیه اللّه علیهما السلام.

د . مشترکات بعثت، غدیر ، ظهور موعود.

1- آل عمران: 164.
2- مائده: 3.
3- زمر: 69 .

شروع دعوت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله از مکه و از کنار بیت اللَّه با ندای «قولوا لا اله الا اللَّه» و دعوت عمومی و اعلان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از غدیر خم و مکه با جمله «مَن کُنتُ مولاه فهذا علیٌّ مولاه» بوده و دعوت موعود نیز از کنار خانه کعبه و با ندای «اَنَا بقیه اللَّه»(1) خواهد بود؛ و در هر سه تأیید الهی وجود دارد «وَ نَصَرتَهُ بِالرُّعبِ»(2) و «وَ اللَّهُ یَعصِمُکَ مِنَ الناسِ».(3)

الف : برخی مشترکات بین بعثت و عصر ظهور

اشاره

وجوه مشترک بین بعثت و ظهور به سه جهت باز می گردد که ذیلاً به آنها می پردازیم:

اول : حضرت عیسی علیه السلام مبشرِ پیامبرصلی الله علیه وآله و مؤید حضرت مهدی علیه السلام

خداوند حکیم در قرآن کریم از زبان حضرت مسیح علیه السلام چنین می فرماید: «اِنّی رَسولُ اللَّهِ اِلَیکُم مُصَدِّقاً لِما بَینَ یَدَیَّ مِنَ التَّوراهِ وَ مُبَشِّراً بِرَسولٍ یَأتی مِن بَعدِی اسمُهُ اَحمَدُ».(4)

در برخی از کتاب های فریقین با این روایت روبرو می شویم که حضرت قائم علیه السلام پیشنماز حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می شود، و با اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به ایشان آن حضرت از ناحیه حضرت مسیح علیه السلام تأیید می شود و حجت بر مسیحیان تمام گشته و آنان در زمره گروندگان به امام عصرعلیه السلام قرار می گیرند. متن حدیث چنین است:

1- نور الثقلین : ج 2 ص 392 .
2- دعای ندبه .
3- مائده: 67 .
4- صف : 6 .

عَن رسولِ اللّه علیه السلام اَنَّه اَخبَرَ الاَئِمَّةَ بِخُروجِ المَهدِیِّ، خاتَمِ الاَئِمَّهِ الَّذی یَمَلأُ الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً وَ اَنَّ عیسی علیه السلام یَنزِلُ عَلَیهِ وَقتَ خُروجِهِ وَ ظُهورِهِ وَ یُصَلّی خَلفَهُ.

از رسول خداصلی الله علیه وآله منقول است که آن حضرت امامان را از خروج مهدی علیه السلام خبر داد، همان خاتم امامان که زمین را همان گونه که از ظلم و جور پر شده از قسط و عدل پر می سازد، و خبر داد که عیسی علیه السلام به هنگام خروج و ظهورش نزد وی فرود می آید و پشت سر وی نماز می گزارد.

در روایت دیگری آمده است:

عیسی علیه السلام پس از شروع قیام مهدی علیه السلام برای نماز فرود آید و مهدی علیه السلام پشت سر می آید تا عیسی علیه السلام پیش افتد، لکن عیسی علیه السلام دست خود را میان کتف های آن حضرت می نهد و به او می گوید: «پیش باش».

فرود آمدن او به هنگام نماز بامداد است و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می گزارد ....(1)

دوم: تأیید پیامبر و امام زمان علیهما السلام با ملائکه

خداوند بخشایشگر بخشاینده درباره پیامبر عزیز خویش صلی الله علیه وآله چنین فرمود:

فَأَنزَلَ اللّه سَکینَتَهُ عَلَیهِ وَ اَیَّدَهُ بِجُنودٍ لَم تَرَوها وَ جَعَلَ کَلِمَةَ الَّذینَ کَفَروا السُّفلی وَ کَلِمَةُ اللّهِ هِیَ العُلیا.(2)

در دعای افتتاح توصیف حضرت بقیه اللّه علیه السلام را چنین می یابیم:

1- نجفی، هادی؛ اندوخته خداوند، ترجمه جویا جهانبخش، تهران، حروفیه، 1382 ش، ص 333 ح 37 .
2- توبه: 40 .

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلی وَلِیِّ اَمرِکَ القائِمِ المُؤَمَّلِ وَ العَدلِ المُنتَظَرِ ، حُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ وَ اَیِّدهُ بِروحِ القُدُسِ یا رَبَّ العالَمینَ.

سوم : تصریح و تلویح به دو نعمت نبوّت و ظهور موعود

قرآن صریحاً نعمت نبوت را و تلویحاً نعمت وجود و ظهور امام عصرعلیه السلام را بیان نموده که در هر دو حاکمیت صالحان بر زمین و شکست ستمگران و متمردان محقق خواهد شد. آیات آغازین سوره قصص می فرماید:

اِنَّ فِرعَونَ عَلا فِی الاَرضِ وَ جَعَلَ اَهلَها شِیَعاً یَستَضعِفُ طائِفَةً مِنهُم یُذَبِّحُ اَبناءَهُم وَ یَستَحیی نِساءَهُم اِنَّهُ کانَ مِنَ المُفسِدینَ. وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّةً وَ نَجعَلَهُمُ الوارِثینَ. وَ نُمَکِّنَ لَهُم فِی الاَرضِ».(1)

ب : نگاهی گذرا به سه رخداد: بعثت، غدیر، عصر ظهور

اول : بعثت

بعثت در هنگامه ای رخ می نماید که انسان ها شتابان و با سرعت هر چه بیشتر بیراهه های جهل و نادانی را می پیمایند و در مقابل خدایان ساخته شده از سنگ و چوب سجده می کنند و از قتل ها و غارت ها و بیدادگری ها با افتخار یاد می نمایند. زمانی که دختران خویش را زنده در گور می نهند و عواطف بشری در سطح اجتماع در پایین ترین مراحل است.

1- قصص: 4 ، 6 .

دوم : غدیر خم

غدیر خم و عظمت آن هنگامی ملموس تر خواهد بود که بدانیم دشمنان نبوت و امامت از سال ها قبل دلخوش بودند که رسول خاتم صلی الله علیه وآله را فرزند پسری نیست و تلاش وی پس از رحلت از این جهان مادی ناتمام خواهد ماند. جالب اینکه این پندار موهوم را تنها در دل نهان نداشتند و بر زبان آوردند تا آنجا که خالق هستی بخش پیامبر عزیز خویش را چنین تسلا داد و تأیید نمود: «اِنّا اَعطَیناکَ الکَوثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انحَر، اِنَّ شانِئَکَ هُوَ الاَبتَرُ».(1)

در دوران آغازین بعثت یگانه بی همتا در ترسیم آن روزگاران فرمود: «وَ اِذ یَمکُرُ بِکَ الَّذینَ کَفَروا لِیُثبِتوکَ اَو یَقتُلُوکَ اَو یُخرِجوکَ ...».(2)

در زلال جاری غدیر، استمرار نبوت سید الانبیاء با امامت سید الاوصیاء تحقق یافت؛ و دین مبین به کمال رسید و نعمت الهی بر بشریت تمام یافت که «اَلیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً».(3)

سوم : ظهور موعود منتظر

ظهور موعود در زمانی است که مردمان از ظلم و جور به ستوه آمده، و همگی یک دل و یک زبان مصلح هستی را از خدای خویش می طلبند. در آن هنگام است که از کنار خانه کعبه مولایمان مردمان را به خدا دعوت نماید، و گلبانگ «اَنَا بَقِیَّةُ اللَّهِ» از بیت اللّه به گوش جهانیان رسد و مشام جان همگان را نوازش دهد، و با برافراشتن پرچم فتح و پیروزی قسط و عدل را در سراسر گیتی حاکم سازد.

1- کوثر: 1 3 .
2- انفال: 30 .
3- مائده: 3 .

ج : معرفی «دوران قبل از بعثت» و «"دوران قبل از ظهور»

1 . دوران قبل از بعثت

امیرالمؤمنین علیه السلام روزگار عرب پیش از بعثت را چنین ترسیم می نماید:

اِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله نَذیراً لِلعالَمینَ وَ اَميناً عَلَى التَّنزيلِ؛ وَ اَنتُم مَعشَرَ العَرَبِ عَلى شَرِّ دينٍ وَ فى شَرِّ دارٍ مُنيخونَ بَينَ حِجارَهٍ خُشنٍ وَ حَيّاتٍ صُمٍّ تَشرَبونَ الكَدِرَ وَ تَأكُلونَ الجَشِبَ وَ تَسفِكونَ دِماءَكُم وَ تَقطَعونَ اَرحامَكُم، الاَصنامُ فيكُم مَنصوبَهٌ وَ الآثامُ بِكُم مَعصوبَهٌ.(1)

خداوند محمدصلی الله علیه وآله را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود مبعوث کرد در حالی که شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین جاها به سر می بردید. در میان سنگلاخ ها و مارهای ناشنوا اقامت داشتید. آب های لجن را می آشامیدید و غذاهای خشن می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می کردید. بت ها در میان شما سر پا بود و از گناهان اجتناب نمی کردید».

سپس روزگار بقیه مردم را پیش از بعثت را چنین ترسیم می نماید:

وَ اَهلُ الاَرضِ يَومَئِذٍ مِلَلٌ مُتَفَرِّقَهٌ وَ اَهوَاءٌ مُنتَشِرَهٌ، وَ طَرائِقُ مُتَشَتِّتَهٌ بَينَ مُشَبِّهٍ لِلَّهِ بِخَلقِهِ اَو مُلحِدٍ فِى اسمِهِ، اَو مُشيرٍ اِلى غَيرِهِ فَهَداهُم بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَ اَنقَذَهُم بِمَكانِهِ مِنَ الجَهالَهِ».(2)

مردم آن روز دارای مذهب های گوناگون و بدعت های مختلف و طوایف متفرق بودند. گروهی خداوند را به خلقش تشبیه می کردند و برخی در اسم

1- نهج البلاغه: خطبه 26 .

2- سید رضی؛ نهج البلاغه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، 1417 ق: ص 3 خ 1 .

او تصرف می کردند و جمعی به غیر او اشاره می کردند. خداوند آنان را به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه وآله هدایت کرد و به معارف الهی آشنا ساخت.

2 . دوران قبل از ظهور

باب مدینه علم النَّبی صلی الله علیه وآله در قسمت های گوناگون کلام گهربار خویش و به هنگام بیان ملاحم و فتن به ترسیم دوران جامعه بشری در عصر قبل از ظهور موعود پرداخته اند، که در این قسمت تنها به نقل گوشه ای از کلام آن حضرت اکتفا می کنیم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «حَتّی تَقومَ الحَربُ بِکُم عَلی ساقٍ، بادیاً نَواجِذُها، مَملوءَةً اَخلافُها، حُلواً رَضاعُها، عَلقَماً عاقِبَتُها».(1)

حضرت پیش بینی می کند که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشوب عجیب و جنگ های بسیار مهیب و خطرناکی در دنیا اتفاق می افتد. می فرماید: «جنگ روی پای خودش می ایستد. دندان های خودش را نشان می دهد مثل یک درنده ای که دندان نشان می دهد. شیرِ پستان خودش را نشان می دهد. یعنی آن ستیزه جویان و آتش افروزانِ جنگ نگاه می کنند می بینند این پستان جنگ خوب شیر می دهد؛ یعنی به نفعشان کار می کند، اما نمی دانند که عاقبتِ این جنگ به ضرر خودشان است.

د : معرفی دوران پس از بعثت و پس از ظهور

1 : دوران پس از بعثت

خداوند مهربان دوران قبل و بعد از بعثت را به ترتیب چنین بیان می کند: «وَ کُنتُم عَلی شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّارِ ...»(2): «شما در اوج دشمنی با هم و بر لبه پرتگاه آتش بودید.

1- سید رضی؛ نهج البلاغه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، 1417 ق: ص 60 خ 138 .

2- آل عمران: 103 .

خداوند به واسطه نعمت بعثت رسول خاتم صلی الله علیه وآله عداوت را به اُلفت و ضلالت را به هدایت تبدیل نمود».

با تأملی در این آیه و فراز پیشینِ کلامِ امیرالمؤمنین علیه السلام تصویری روشن از دوران پس از بعثت نیز به دست می آید.

2 : دوران پس از ظهور

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه کلامش می فرماید: «اَلا وَ فی غَدٍ وَ سَیَأتی غَدٌ بِما لاتَعرِفونَ»(1) : «بدانید که فردا دنیا آبستن چیزهایی است که هیچ پیش بینی نمی کنید و نمی شناسید و آگاه نیستید، ولی بدانید که هست و فردا با خود خواهد آورد».

«یَأخُذُ الوالی مِن غَیرِها عُمّالَها عَلی مَساوی اَعمالِها»(2) : «اول کاری که آن والی الهی می کند این است که عُمّال و حکام را یک یک می گیرد، و اعوان خود را اصلاح می کند و دنیا اصلاح می شود».

«وَ تُخرِجُ لَهُ الاَرضُ اَفالیذَ کَبِدِها»: «زمین پاره های جگر خود را بیرون می دهد». یعنی زمین هر موهبتی که در خود دارد از هر معدنی و هر استعدادی که شما تصور کنید، همه را بیرون می دهد.

«وَ تُلقی اِلَیهِ سِلماً مَقالیدَها» : «زمین می آید مثل یک غلام در حالی که تسلیم است و کلیدهای خود را در اختیار او قرار می دهد». یعنی سِرّی در طبیعت باقی نمی ماند مگر اینکه به دست او کشف می شود و مجهولی در طبیعت باقی نمی ماند مگر اینکه در آن دوره مکشوف می گردد.

1- نهج البلاغه: خطبه 138.
2- نهج البلاغه: خطبه 138.

«فَیُریکُم کَیفَ عَدلُ السّیرَهِ»: «آن وقت او به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی یعنی چه»؟! نشان خواهد داد که این همه که دم از اعلامیه حقوق بشر و آزادی می زدند همه دروغ بود و این همه که دم از صلح می زدند همه اش دروغ و نفاق و جُو فروشی و گندم نمایی بود.

«وَ یُحیی مَیِّتَ الکِتابِ وَ السُّنَّه»: «قوانین کتاب و سنت را که متروک مانده و به حسب ظاهر مرده و از میان رفته زنده خواهد کرد».

و نیز فرمود: «اِذا قامَ القائِمُ حَکَمَ بِالعَدلِ ...». هر یک از امامان ما لقبی دارد و امام زمان علیه السلام لقبی مخصوص به خود دارد که از مفهوم قیام گرفته شده است: «القائم» یعنی آنکه در جهان قیام می کند. ما حضرت مهدی علیه السلام را به قیام و عدالت می شناسیم. هر امامی به یک صفت شناخته می شود و این امام به قیام و عدالت شناخته می شود.

«وَ ارتَفَعَ فی اَیّامِهِ الجَورُ»: «در روزگار او جور و ظلمی در کار نیست».

«وَ اَمِنَت بِهِ السُّبُلُ»: «همه راه ها امن می شود». چون منشأ این ناامنی ها، ناراحتی ها و بی عدالتی هاست. وقتی که عدالت برقرار شود، چون فطرت بشر فطرت عدالت است و دلیلی بر ناامنی وجود ندارد.

«وَ اَخرَجَتِ الاَرضُ بَرَکاتِها»: «و زمین تمام برکات خود را بیرون می آورد».

«وَ لا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنکُم یَومَئِذٍ مَوضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لا بِرِّهِ ... وَ هُوَ قَولُهُ تَعالی: «وَ العاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ». آیا می دانید ناراحتی مردمِ آن وقت چیست؟! ناراحتی مردم فقط این است که اگر بخواهند صدقه ای بدهند و یا کمکی به کسی نمایند، فقیر و مستحق پیدا نمی کنند.

درباره توحید الهی می فرماید: «حَتّی یُوَحِّدوا اللَّهَ وَ لا یُشرِکَ بِهِ شَیئاً»: «تا اینکه همه خدا را یگانه خواهند دانست و ذرّه ای به او شرک نخواهند ورزید».

درباره «امنیت» می فرماید: «وَ تَخرُجُ العَجوزَهُ الضَّعیفَهُ مِنَ المَشرِقِ تُریدُ المَغرِبَ لایُؤذیها اَحَدٌ»: «یک پیرزن ناتوان از مشرق تا مغرب دنیا را مسافرت می کند بدون آنکه کسی او را اذیت کند».(1)

غدیر در زمانی است که دشمنان برای خاموشی این چراغ فروزان ترفندها به کار برده و در پی قتل و تبعید و زندانی کردن برآمده اند، اما از این همه جز رسوایی طرفی بر نبسته اند، که خالق هستی می فرماید: «وَ إِذ یَمکُرُ بِکَ الَّذینَ کَفَروا لِیُثبِتوکَ اَو یَقتُلوکَ اَو یُخرِجوکَ وَ یَمکُرونَ وَ یَمکُرُ اللَّهَ ...». (2)

پس از گذشت زمانی چند، زبانِ طعنه کینه توزان دراز گشته و جسارت از حد گذرانیده، رسول خاتم را ابتر خوانده و دل در گروِ رفتنِ وی نهاده که پس از وی به امیال خویش خواهیم رسید!! اما هستی بخش توانا این گونه دردانه هستی را مورد مهر و ملاطفت قرار داد که «ما به تو کوثر ارزانی داشتیم ... و دشمنت را ابتر نمودیم».(3) و نیز فرمود: «با اعلام وصایت و امامت سید اوصیاء، دین را بر تو کامل گردانیده و نعمت را تمام نموده و کینه و کید دشمنان را خنثی و نقش بر آب نمودیم».(4)

ظهور موعود منتظرعلیه السلام استمرارِ منویّات رسول اللَّه صلی الله علیه وآله در بعثت و فتح مکه و غدیر خم و نیز تلاش امامان معصوم علیهم السلام در دوران پس از رحلت نبی خاتم صلی الله علیه وآله تا فرا رسیدن دوران غیبت کبرای امام عصرعلیه السلام و جامه فعلیت پوشاندن و عملی ساختن آن منویّات

1- سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام : ص 13 .
2- انفال: 30 .
3- کوثر: 31 .
4- اشاره به آیه 3 سوره مائده.

است. کسی درک صحیح و واقعی از موعود و عصر طلایی ظهور دارد که حلقه اتصال بعثت و ایام پر شکوفه ظهور را در غدیر جستجو نماید.

منابع و مآخذ

1 . قرآن مجید.

2 . ابن طاووس، سیّد علی بن موسی؛ إقبال الأعمال، ترجمه محمد روحی، قم، سماء قلم، چاپ ششم، 1385 ش.

3 . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، چاپ بیست و هفتم، 1387 ش.

4. سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، تحقیق محمد دشتی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، 1417 ق.

5 . طبرسی، امین الاسلام؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البیت علیهم السلام، 1417 ق.

6 . نجفی، هادی، اندوخته خداوند، ترجمه جویا جهانبخش، تهران، حروفیه، 1382ش.

زمینه سازی غدیر برای عصر ظهور : علی اکبر مهدی پور

چکیده

1 . حکومت واحد جهانی حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه، جلوه ای از صوت العداله الانسانیه امیرالمؤمنین علیه السلام است که در روز عید سعید غدیر پی ریزی شد.

2 . در روز غدیر، ولایت حضرت امیرعلیه السلام بر آسمان و زمین عرضه شد، که در عصر ظهور تبلور پیدا می کند.

3 . آیه شریفه «بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ» در روز غدیر نازل گردید، در عهد ظهور تبلیغ جهانی می گردد.

4 . آیه کریمه «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم» که در روز غدیر نازل شد، تمکّن عملی آن «وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی» در عصر ظهور تحقق می یابد.

5 . رسول اکرم صلی الله علیه وآله روز غدیر در میان صد و بیست هزار نفر اخوّت ایجاد کرد، و اخوّت حقیقی در میان جهانیان در عصر ظهور برقرار می گردد.

6 . پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر برای حضرت امیرعلیه السلام از همگان بیعت گرفت، و در عصر ظهور همگان در برابر آن حضرت خضوع می کنند.

7 . منافقان در روز غدیر ریاکارانه بانگ «اَصبحتَ مولای و مولی کلِّ مؤمنٍ و مؤمنهٍ» سر دادند، ولی در عصر ظهور همگان از سویدای دل مُنقاد می شوند.

8 . مولای متقیان در روز غدیر در زمان خلافت ظاهریشان بیست و هشت ویژگی برای روز غدیر برشمردند، که همه آنها در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

9 . امام رضاعلیه السلام در یک حدیث نورانی چهل ویژگی برای روز غدیر بیان فرمودند، که همه آنها در عصر ظهور جلوه گر می گردد.

10 . برخی از صفات مولی از قبیل «دابّه الارض» بودن و برخی از تجلّیات آن حضرت، از قبیل تجلّی در قرص خورشید، در عصر ظهور تحقق می یابد

مدخل

حساس ترین فراز تاریخ اسلام، روز هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری در سرزمین غدیر خم، در کنار برکه ای به پهنای جهان رخ داد. این رخداد مهم تاریخی با قلم زرین بر تارک صفحات تاریخ نقش بست و به عنوان «عید سعید غدیر» با کِلک قضا بر پیشانی آفرینش رقم خورد.

خلافت، وصایت، امارت و امامت مولای متقیان، در حضور 120000 تن از اصحاب توسط رسول اکرم صلی الله علیه وآله اعلام گردید. جایگاه و ویژگی های مولی و فضایل آن حضرت در 110 فراز از خطبه تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به طور شفاف بیان گردید.

طی سه روز از فرد فرد حاضران برای ولایت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش علیهم السلام بیعت گرفته شد. در 20 فراز از این خطبه پیرامون حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه سخن رفت.

بررسی شرایط و ظروف هنگامه غدیر به روشنی به ما خبر می دهد که داستان غدیر زمینه مناسبی برای پی ریزی حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت است، که به دست فرزند برومند مولای متقیان علیه السلام تأسیس خواهد شد.

در این نوشتار جلوه هایی از حادثه غدیر را در عصر موفور السرور ظهور آخرین امام نور بررسی می کنیم.

1 : تجلّی آیات غدیر در عصر ظهور

یکی از آیاتی که در روز عید سعید غدیر نازل گردید، آیه زیر است: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً»(1): «امروز دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را برای شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم».

بر اساس شماری از آیات قرآن، این آیه شریفه در عصر ظهور تحقق پیدا می کند، که به یک نمونه اشاره می کنیم:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا اسْتَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یَعبُدونَنی لا یُشرِکونَ بی شَیئاً.(2)

1- مائده: 3 .
2- نور: 55 .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده عمل صالح کنند، وعده داده که آنها را در روی زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که پیشینیان را جانشین قرار داده است. آنها را از دینی که پسندیده است، متمکن نماید و ترس آنها را به امنیت مبدل کند. تا مرا بپرستند و چیزی را به من شریک قرار ندهند.

در احادیث فراوان آمده است که این آیه در مورد حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت نازل شده است.(1) روز غدیر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام شده و در این آیه خلافت حضرت صاحب الزمان علیه السلام مطرح شده است. روز غدیر اعلام شده که اسلام دین مرضیّ پروردگار است و در این آیه از وعده تمکن آن حضرت از دین مرضیّ خداوند سخن رفته است.

در آیه تبلیغ از شر دشمنان سخن رفته: «وَ اللَّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ»(2): «خداوند تو را از شر مردم نگه می دارد». در این آیه نیز از برداشته شدن خوف و هراس و تبدیل آن به امنیت سخن رفته است.

از بررسی آیات غدیر و آیات ظهور به این نتیجه می رسیم که تجلی آیات غدیر در روزگار ظهور خواهد بود، و ایام ظهور مصداق بارز و تجلّی کامل وعده های پروردگار در روز غدیر می باشد.

2 : تجلّی خطابه های غدیر در عصر ظهور

اشاره

سه خطبه تاریخی برای روز غدیر خم در تاریخ ثبت شده، که هر یک دارای فرازهای مهمی است، که همه آنها در عصر ظهور تجلی خواهد نمود.

1- نعمانی، الغیبه: ص 247 ؛ شیخ طوسی، الغیبه: ص 176 .
2- مائده: 67 .

1 . خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وآله در سرزمین غدیر خم.

2 . خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از سال های خلافت ظاهری آن حضرت، که روز غدیر با روز جمعه مصادف شده بود.

3 . خطبه حضرت امام رضاعلیه السلام به نقل سید ابن طاووس

در این بخش گوشه ای از جلوه های خطبه غدیر را در عصر ظهور بررسی می کنیم.

الف : جلوه هایی از خطبه غدیر در عصر ظهور

جالب ترین و جاذب ترین و جامع ترین خطبه های غدیر، خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است، که آن را در سرزمین غدیر خم، در حضور بیش از 120000 نفر ایراد کرده، به معارف والای اسلام به تفصیل اشاره نموده است. شماری از حقایق والای طرح شده در خطبه غدیر به شرح زیر است:

1 . بررسی صفات جلالی و جمالی پروردگار 110 مورد.

2 . سخن از ولایت مولای متقیان علیه السلام 50 مورد.

3 . گفتگو از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام 20 مورد.

4 . سخن از جایگاه شیعیان 25 مورد.

5 . گفتگو از حلال و حرام 20 مورد.

6 . نام نامی و یاد گرامی امیرالمؤمنین علیه السلام 40 مورد.

7 . سخن از جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله 10 مورد.

8 . گفتگو از بیعت با امامان علیهم السلام 10 مورد.

9 . سخن از قرآن و تفسیر آن 12 مورد.

10 . گفتگو از حضرت ولی عصرعلیه السلام 20 مورد.

ب : سیمای موعود در خطبه غدیر

1 . آگاه باشید که پایان بخش امامان، مهدی قائم علیه السلام از ماست.

2 . آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می گردد.

3 . آگاه باشید که او از ستمگران انتقام می گیرد.

4 . آگاه باشید که او قلعه ها را می گشاید و از بین می برد.

5 . آگاه باشید که او بر هر تیره ای از مشرکان پیروز می شود و آنها را هدایت می کند.

6 . آگاه باشید که او انتقام خون همه اولیای خدا را می گیرد.

7 . آگاه باشید که او یاور دین خداست.

8 . آگاه باشید که او جرعه نوش دریای بیکران است.

9 . آگاه باشید که او هر صاحب فضیلتی را با فضیلتش نشانه می گذارد.

10 . آگاه باشید که او برگزیده خداست.

11 . آگاه باشید که او وارث همه علوم و محیط به همه بینش هاست.

12 . آگاه باشید که او از پروردگارش خبر می دهد و به آیات او هشدار می دهد.

13 . آگاه باشید که او هدایت یافته و استوار است.

14 . آگاه باشید که امور همگان به او تفویض شده است.

15 . آگاه باشید که همه پیشینیان به ظهور او بشارت داده اند.

16 . آگاه باشید که او تنها حجت باز مانده از حجج الهی است، و پس از او حجتی نیست، و هیچ حقّی جز با او و هیچ نوری جز در نزد او نیست.

17 . آگاه باشید که هرگز احدی بر او چیره نمی شود.

18 . آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، داور خدا در میان مردمان و امین خدا در آشکار و نهان است.(1)

1- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 63 .

19 . هان ای مردمان! نور خدا با من، سپس با علی بن ابی طالب علیه السلام، سپس در تبار او تا قائم مهدی علیه السلام است، همان قائم که همه حقوق خدا و حقوق ما را باز می ستاند.(1)

20 . من مامور هستم که از شما بیعت بگیرم، در مورد آنچه از خداوند درباره علی امیرالمؤمنین و امامان پس از او بگیرم که مهدی قائم از آنهاست، تا روز قیامت که او داوری به حق می کند.(2)

ج : سیمای امیر در خطبه غدیر

بیشترین پیام خطبه غدیر در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام است، که پنجاه بار از ولایتش سخن رفته، چهل بار نامش بر زبان پیامبرصلی الله علیه وآله جاری شده، بیست مورد از فضایل بیکرانش سخن به میان آمده است.

پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله در نخستین پیام غدیر می فرماید: سه بار جبریل امین بر من نازل شده، و از سوی خداوند جلیل فرمان آورده که من در این جایگاه بایستم و به سیاه و سفید اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من، وصی من، جانشین من و امام پس از من است. جایگاه او نسبت به من همانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، جز این که پس از من پیامبری نخواهد بود. او پس از خدا و رسول خدا، ولی شماست.(3)

دقیقاً هفتاد روز پس از ایراد این خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به شهادت رسید، و غاصبان فدک همه فضایل مولا را انکار کردند و حقّ او را غصب نمودند. پس از 25 سال که حقّ به حقّدار رسید، تلاش فراوان برای تضعیف حقوق آن حضرت از هر سو به عمل آمد، و جنگ های جمل و صفین و نهروان به وقوع پیوست؛ و آن جایگاه رفیع اعلام

1- همان : ص 61 .
2- همان : ص 65 .
3- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 59 .

شده هرگز برای آن حضرت فراهم نشد. در عصر ظهور، مولای متقیان رجعت می کند و به مدت 44000 سال بر سراسر جهان فرمانروایی می کند.(1)

د : جایگاه رفیع مولا در خطبه غدیر

پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه وآله در فرازهایی از خطبه غدیر به جایگاه رفیع حضرت امیرعلیه السلام اشاره کرده می فرماید: «هان ای مردمان! علی را مقدم بدارید، که خداوند او را برتری داده است».(2)

در ادامه می فرماید: «هان ای مردمان! علی را مقدم بدارید، که او پس از من از هر مرد و زنی برتر است. خداوند به وسیله ما بر مردمان روزی نازل می کند، و مردمان به وسیله ما زنده است. هر کس این سخن مرا رد کند از رحمت خدا به دور است و مورد غضب خداست.(3)

عقیده قطعی ما این است که مولای متقیان از همه انبیای پیشین برتر است. در این رابطه کتاب های مستقلی نیز تألیف شده است.(4) ولی غاصبان فدک همه اوصاف آن حضرت را غصب کردند، و پیروان مکتب خلافت دیگران را بر آن حضرت مقدم داشتند، اما جایگاه واقعی آن حضرت در عصر ظهور بر همگان روشن خواهد شد.

ه : سپاه سفیانی در خطبه غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ضمن فرازی از خطبه غدیر این آیه کریمه را تلاوت فرمودند:

1- حسن بن سلیمان ، مختصر البصائر : ص 86 ح 92 .
2- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 60 .
3- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 60 .
4- شیخ مفید، ابوالفتح کراجکی، ابوطالب انباری، ابن ماهویه قزوینی، علامه مجلسی و سید هاشم بحرانی، التفضیل، تفضیل امیرالمؤمنین و تفضیل علی علیه السلام .

«مَعاشِرَ النّاسِ! آمِنوا بِاللَّهِ وَ رَسولِهِ»(1) و «النُّورَ الَّذی اُنزِلَ مَعَهُ»(2) «مِن قَبلِ اَن نَطمِسَ وُجوهاً فَنَرُدَّها عَلی اَدبارِها»(3): «هان ای مردمان! به خدا و رسول خدا و نوری که همراه او نازل شده ایمان بیاورید، پیش از آنکه بر چهره هایی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم».(4)

این آیات در مورد سپاه سفیانی و خسف سرزمین بیداء است، که از علائم حتمی است. هنگامی که سپاه سفیانی به سرزمین بیدا می رسند، جبریل امین با پای خود بر زمین می کوبد و زمین دهان باز می کند و همه آنها را در کام خود فرو می برد، به جز دو تن گزارشگر: یکی به نام بشیر و دیگری به نام نذیر، که هر دو از قبیله جهینه اند(5)، که خداوند صورتشان را به پشت سرشان برمی گرداند.(6) طبق این بیان این فراز از خطبه، مربوط به عصر ظهور و خسف سرزمین بیداء است.

و : اصحاب صحیفه در خطبه غدیر

روز عید غدیر پس از بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، بشیر بن سعید و اسید بن حضیر و معاذ بن جبل با دو نفر دیگر از اصحاب سقیفه با یکدیگر به رایزنی پرداختند و قرار گذاشتند که پیش از ورود به مدینه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را به قتل برسانند.(7)

این عده در طول اقامت سه روزه در صحرای غدیر خم، نُه تن دیگر را با خود همراز کرده برای قتل پیامبرصلی الله علیه وآله پیمان بستند و صحیفه ای را امضا کردند. اسامی این 14

1- نساء : 136 .
2- اعراف: 157 .
3- نساء: 47 .
4- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 61 .
5- طبری، جامع البیان: ج 22 ص 73 ؛ طبرسی، مجمع البیان: ج 8 ص 622 .
6- شیخ مفید، الاختصاص: ص 256 ؛ عیاشی، التفسیر: ج 1 ص 402 .
7- سید ابن طاووس، اقبال الاعمال: ج 2 ص 249 .

نفر که در تاریخ به «اصحاب صحیفه» شهرت یافته اند، در بحار الانوار آمده است.(1) این گروه در مسیر خود به مکه بر فراز کوهی به نام «هرشی» کمین کردند، تا به هنگام عبور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شتر آن حضرت را رم دهند. چون به پرتگاه رسیدند، یک لحظه برق زد و چهره توطئه گران مشاهده گردید و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آنها را با نامشان فرا خواندند.(2) جالب توجه است که پیش از وقوع این حادثه، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه غدیر آنها را به عنوان «اصحاب صحیفه» یاد کردند.(3)

ز : نور فراگیر

در خطبه غدیر از نور فراگیر رسول خداصلی الله علیه وآله، امیرالمؤمنین علیه السلام، سایر امامان علیهم السلام، و سرانجام جان جانان حضرت صاحب الزمان علیه السلام سخن رفته است.(4)

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «يَهْدِى اللَّهُ لِنورِهِ مَن يَشاءُ»(5): «خداوند هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند»، فرمود: "منظور از آن نور مهدی قائم علیه السلام است».(6)

حضرت امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»(7): «خداوند، نور خود را به اتمام خواهد رسانید»، فرمود: «خداوند با ولایت قائم علیه السلام نور خود را به اتمام می رساند».(8)

1- مجلسی، بحار الانوار: ج 28 ص 100 ، 111 ، 117 ، 124.
2- سید ابن طاووس، اقبال الاعمال: ج 2 ص 250 .
3- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 62 .
4- طبرسی، الاحتجاج: ص 61 .
5- نور: 35 .
6- بحرانی، البرهان: ج 7 ص 88 .
7- صف: 8 .
8- کلینی، الکافی: ج 1 ص 432 ح 91 .

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَ اَشرَقَتِ الاَرضُ بِنورِ رَبِّها»(1): «زمین با نور صاحبش منوّر گردید»، فرمود: «چون قائم ما قیام کند زمین با نور صاحبش منور می گردد. مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و تاریکی از بین می رود».(2)

جالب توجه است که این مضمون در کتب عهدین نیز آمده است: «دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب نخواهد بود، زیرا خداوند برایشان روشنایی می بخشد».(3)

ح : میراث پیامبرصلی الله علیه وآله

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ادامه می فرماید: «مَعاشِرَ النّاسِ اِنّی اَدَعُها اِمامَةً وَ وِراثَةً فی عَقِبی اِلی یَومِ القِیامَةِ»: «هان ای مردمان ! ما آن پیمان را به عنوان امامت و وراثت در فرزندان خود تا روز رستاخیز ودیعه می نهیم.(4)

خداوند منّان در این رابطه می فرماید: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فی عَقِبِهِ»(5): «خداوند آن را کلمه پایدار در نسل او قرار داد»، یعنی: خداوند امامت را عهدی پایدار در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام قرار داد. سُدی می گوید: «منظور از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام آل محمدعلیهم السلام است».(6)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «امامت تا روز قیامت در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد».(7)

1- زمر: 69 .
2- شیخ مفید، الارشاد: ج 2 ص 381 .
3- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنّا: 24 / 21 .
4- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 62 .
5- زخرف: 28 .
6- ابن شهر آشوب، المناقب: ج 1 ص 307 .
7- ابن شهر آشوب، المناقب: ج 1 ص 307 .

ط : ضرورت اطلاع رسانی

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در مورد لزوم تبلیغ خطبه غدیر خطاب به حاضران فرمود: «فَلیُبَلِّغِ الحاضِرُ الغائِبَ وَ الوالِدُ الوَلَدَ اِلی یَومِ القِیامَهِ»(1): «حاضران به غایبان خبر دهند و هر پدری تا روز قیامت به فرزند خود تبلیغ نماید».

بسیار جالب توجه است که مخاطب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فقط حاضران نبودند و فقط نسل موجود نبود، بلکه این اطلاع رسانی تا روز قیامت و به طور طبیعی تا عصر ظهور ادامه دارد.

افراد ناآگاه خیال می کنند مسئله امامت یک موضوع تاریخی است و در زمان ما نیازی به بازگو کردن ندارد، در حالی که رسول عالمیان به همه جهانیان امر فرموده که هر نسلی آن را به نسل بعدی ابلاغ نماید.

ی : بیعت با خدا

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سه روز تمام حاضران را در سرزمین غدیر خم نگه داشت، تا همگان با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند.(2) در ضمن برای دیگر امامان نیز بیعت گرفتند. باشکوهترین بیعت جهانِ آفرینش نیز به هنگام ظهور حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه واقع خواهد شد.

«نخستین کسی که با آن حضرت بیعت می کند جبرئیل امین است».(3)
«آنگاه یاران حضرت بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند».(4)

1- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 62 .
2- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 66 .
3- مجلسی، بحار الانوار: ج 52 ص 285 .
4- گنجی شافعی، البیان: ص 210 ، 218 .

ک : امام هدایتگر

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این خطبه از امیرالمؤمنین صلی الله علیه وآله به عنوان «تقی» و «نقی» و «هادي» و «مهدی» یاد کرده است. (1) همه این صفات از القاب حضرت بقیه اللّه علیه السلام است، به ویژه لقب «مهدی» که برای آن حضرت عَلَم بالغلبه شده است.

3 : جلوه هایی از خطبه امیرعلیه السلام در عصر ظهور

اشاره

پس از خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطبه امیرِ بیان، پیشوای پارسایان، امیرالمؤمنین علیه السلام است، که در ایام خلافت ظاهری آن حضرت روز غدیر با روز جمعه مصادف شد. خطبه بسیار باشکوهی ایراد فرمود، که فرازهایی از آن نقل می شود:

الف : سیمای غدیر در سخنان امیرعلیه السلام

1 . امروز روزی بلند جایگاه است.

2 . گشایش در آن پدید آمد.

3 . مقام شایستگان بالا رفت.

4 . امروز براهین الهی آشکار گردید.

5 . امروز روز آشکار شدن حق و پرده برداری از جایگاه امامت است.

6 . امروز روز اکمال دین است.

7 . امروز روز عهد و پیمان است.

8 . امروز روز گواهی و گواه گرفتن است.

9 . امروز روز آشکار شدن پیمان های مستور در زیر پرده های کفر و نفاق است.

10 . امروز روز بیان حقایق ایمان است.

1- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 61 .

11 . امروز روز راندن شیطان است.

12 . امروز روز اقامه برهان است.

13 . امروز روز جدایی حق و باطل است.

14 . امروز روز بلند جایگاهی است که در آن مخاصمه می کردید.

15 . امروز روز نبأ عظیمی است که از آن روی بر می تافتید.

16 . امروز روز ارشاد و هدایت است.

17 . امروز روز آزمایش بندگان است.

18 . امروز روز راهنمایی رهپویان است.

19 . امروز روز آشکار شدن اسرار درون و رازهای اشرار دون است.

20 . امروز روز نص صریح بر شایستگان و اولیای خاص خداست.

21 . امروز روز امنیت کامل است.

22 . امروز روز اظهار سرّ مکنون است.

23 . امروز روز آشکار شدن اسرار نهان و آزمایش دل هاست.(1)

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که همه این ویژگی ها در عصر ظهور تجلّی کامل پیدا می کند، به ویژه فرازهای دوم: «فیهِ وَقَعَ الفَرَج»: «فرج و گشایش جهان آفرینش در عصر ظهور است. ششم: «یَومُ کَمالِ الدّین» که در عصر ظهور تمکّن کامل برای پیاده شدن تعالیم دینی و معارف اسلامی فراهم خواهد شد. دهم: «یَومُ البَیانِ عَن حَقائِقِ الایمانِ» که بدون ترس و واهمه حقایق ایمانی در عرصه جهانی بیان خواهد شد. یازدهم: «یَومُ دَحرِ الشَّیطانِ» که در عصر ظهور مدت مهلت ابلیس به سر می رسد و مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از رجعت های خود با وی نبرد می کند.(2)

1- شيخ طوسى، مصباح المتهجد: ص 755

2- حسن بن سليمان، مختصر البصائر: ص 85 ح 92 .

مؤمنان شیطان را سنگسار می کنند(1)؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را به هلاکت می رساند.(2) البته به روایتی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه او را گردن می زند.(3) و به نقلی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را سر می برد.(4)

ب : رهبران گمراه در خطبه امیرعلیه السلام

امیر بیان در فرازی از خطبه غدیر به رهبران ضالّ و مُضلّ اشاره نموده، آیه کریمه را تلاوت فرمودند: «از پیروی گمراهان بر حذر باشید که قرآن کریم آنها را نکوهش کرده فرموده است: «ما از سرکرده های خود پیروی کردیم، پس ما را گمراه ساختند. بار خدایا ! عذاب آنها را دو چندان فرما و آنها را به لعن و غضب شدید خود گرفتار کن».(5)

به هنگام ظهور، جایگاه سرکرده های گمراه معلوم می شود، و پیروان گمراهشان از آنها بیزاری می جویند. و آن هنگامی است که حضرت ولی عصرعلیه السلام پیکر دو بت بزرگ قریش را از دل خاک بیرون آورده، با همان هیزمی که روز تهاجم به خانه وحی آورده بودند، که حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به آتش بکشند، طعمه حریق می سازد.(6)

ج : روز امن و امان

مولای متقیان علیه السلام در فرازی از خطبه غدیر در مورد روز غدیر فرمود: «هذا یوم

1- شیخ صدوق، معانی الاخبار: ص 139.
2- حسن بن سلیمان، همان.
3- عیاشی، التفسیر: ج 2 ص 242 .
4- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی: ج 2 ص 245 .
5- احزاب: 67 ، 68
6- طبری، دلائل الامامه: ص 455 ح 435 .

الامن و الامان»: «امروز روز امن و امان است».(1)

همان گونه که خداوند منان شهر مکه را بلد امن قرار داده، ولی رسول عالمیان در آن شهر امنیت نداشت، روز غدیر را نیز روز امن و امان قرار داده، ولی صاحب غدیر در آن روز امنیت نداشت. در همان روز اصحاب صحیفه گرد آمدند و پیمان بستند و در روز سقیفه پیمان خود را به اجرا نهادند، و این امنیت در سطح جهانی برای همه انسان ها، حتی برای همه جانداران در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

در احادیث آمده است: «در عصر ظهور ظلم و ستم رخت بر می بندد، و راه ها امن می شود و کسی به کسی ستم نمی کند».(2)

در کتب عهدین از آشتی کردن درندگان و همزیستی گرگ و برّه، پلنگ با بزغاله و شیر با گوساله سخن رفته است.(3)

4 : جلوه هایی از خطبه امام رضاعلیه السلام در عصر ظهور

اشاره

سومین خطبه ای که در مورد غدیر خم به دست ما رسیده، خطبه بسیار پربار حضرت امام رضاعلیه السلام است، که نکات برجسته ای از ویژگی های غدیر خم را برای ما بیان فرموده اند. فرازهایی از این خطبه در عصر ظهور تجلّی می کند، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1- شیخ طوسی، مصباح المتهجد: ص 756 .
2- شیخ مفید، الارشاد: ج 2 ص 384 ؛ شیخ صدوق، الخصال: ج 2 ص 419 .
3- عهد عتیق، کتاب اشعیاء نبی علیه السلام : 9 6 11 .

الف : به خاک مالیده شدن بینی شیطان

در فرازی از این خطبه آمده است: «وَ اِنَّهُ لَیَومُ الکَمالِ و یَومُ مُرغِمَه الشیطانِ»(1): «آن روز، روز کمال دین و به خاک مالیدن شدن بینی شیطان است».

بی گمان مصداق روشنِ این معنی در عصر ظهور اتفاق می افتد، که دوران مهلت ابلیس به سر می آید، و دیگر احدی از او پیروی نمی کند. معارف حقّه به همه می رسد، و همگان با توحید کلمه به سوی کلمه توحید روی می آورند. اسلام بر همه ادیان پیروز می شود و همگان از عبادت خالص متمکن می شوند.

ب : روز رهایی از غم و اندوه

امام رضاعلیه السلام در فرازی از خطبه غدیریه می فرماید: «و هو یَومُ تَنفیسِ الکَرب»(2): «غدیر روز رها شدن از غم و اندوه است».

بیگمان تا رژیم های فاسد در روی زمین هستند غم و اندوه بر جاست. تنها هنگامی غم و اندوه از سرتاسر جهان زدوده می شود، که رهایی بخش جهان ظهور نماید.

بود آن روز بر ما عید مطلق***که به جنبش در آید پرچم حقّ

جالب توجه است که در برخی از احادیث از روز ظهور به عنوان «روز رهایی» و «یوم الخلاص» تعبیر شده است. جالبتر اینکه در انجیل نیز همان تعبیر در مورد «روز ظهور» آمده است.(3)

1- سید بن طاووس، اقبال الاعمال: ج 2 ص 260 .
2- همان: ص 261
3- نگارنده، روزگار رهایی: ج 1 ص 561 ، به نقل از رساله به عبرانیان.

ج : روز نشر دانش

در فراز دیگری از این خطبه آمده است: «و یوم نشر العلم»: «آن روز، روز نشر علم است».(1)

علم و دانشی که قرار است در اختیار انسان ها قرار بگیرد، به تعبیر احادیث 27 حرف است. مجموع علومی که توسط انبیاء به انسان ها تعلیم شده، و دانشمندان در طول تاریخ با تلاش و تجربه آن را توسعه داده و خواهند داد، دو حرف است، و 25 حرف دیگر آن را حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه می آورد.(2) یعنی دوازده و نیم برابر دانش موجود!!

اصلاً برای ما قابل تصور نیست که چهره دنیا پس از افزوده شدن 5/12 درصد برابر حجم موجود دانش چگونه خواهد بود؟!

امام کاظم علیه السلام فرمود: «پسرم! عقل های شما از درک آن ناموفق است و مغزهای شما قدرت ادراک آن را ندارد، بلی، اگر آن روز را درک کنید خواهید فهمید».(3)

د : روز بشارت

در فراز دیگری از این خطبه در مورد روز غدیر «روز بشارت» تعبیر شده است.(4) رسول گرامی اسلام علیه السلام در خطبه غدیر پیرامون حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «اَلا اِنَّهُ قَد بُشِّرَ بِهِ مَن سَلَفَ بَینَ یَدَیهِ»(5): «آگاه باشید که همه پیشینیان از قرن ها پیش به او بشارت داده اند».

1- نگارنده، روزگار رهایی: ج 1 ص 561 ، به نقل از رساله به عبرانیان.
2- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح: ج 2 ص 841 .
3- شیخ صدوق، کمال الدین: ج 2 ص 360.
4- سید بن طاووس، همان .
5- طبرسی، الاحتجاج: ج 1 ص 64 .

جالبتر اینکه در حدیث آمده است: «به هنگام ظهور مردگان در قبرها به دیدن یکدیگر می روند. به یکدیگر بشارت می دهند که حضرت ولی عصرعلیه السلام ظهور کرده است».(1)

بر این اساس روشن ترین مصداق روز بشارت، روز ظهور موفور السرور آن حضرت است، که خطبه غدیر نیز حاوی چندین بشارت در مورد آن روز است.

ه : روز خرسندی

در فرازی از خطبه امام رضاعلیه السلام از روز غدیر به روز خرسندی و خشنودی تعبیر شده است: «و یوم الرضا»(2): «روز رضایتمندی». روز غدیر روز رضایتمندی خدا و رسول خداصلی الله علیه وآله و مؤمنان بود، اما روز ظهور روز خرسندی و خشنودی همگان است، چنان که در حدیث شریف آمده است: «اهل زمین و آسمان، حتی پرندگان هوا از خلافت او خشنود می شوند»(3) و در حدیث دیگری فرمود: «زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود شوند. مال را به طور مساوی تقسیم می کند و دل های امّت محمدصلی الله علیه وآله را آکنده از بی نیازی می کند.(4)

5 : جلوه هایی از رخدادهای غدیر در عصر ظهور

مؤاخات

اشاره

یکی از رخدادهای مهم روز غدیر مؤاخات و برادری میان امّت است. قرآن کریم

1- شیخ صدوق، کمال الدین: ج 2 ص 653 .
2- سید بن طاووس، همان.
3- بشرویه، فردوس الاخبار: ج 4 ص 496 .
4- متقی هندی، کنز العمال: ج 14 ص 262 ح 38653 .

مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و فرموده: «اِنَّمَا المُؤمِنونَ اِخوَهٌ»(1): «به راستی مؤمنان برادر یکدیگرند».

رسول گرامی اسلام علیه السلام چندین بار در میان مسلمانان به ایجاد عقد اخوت اقدام نموده، که از آن جمله است:

1 . در مکه معظمه در میان اصحاب و مسلمانان اولیه.

2 . در مدینه منوره در میان مهاجران و انصار.

3 . در مدینه منوره در میان خواص اصحاب.(2)

4 . در سرزمین غدیر خم در میان امت اسلامی.(3)

در همه این موارد هر فردی را با فردی متناسب با او برادر نموده، مثلاً ابوبکر را با عمر(4)، سلمان را با ابوذر، زبیر را با کعب بن مالک، حمزه را با زید، ابوطلحه را با ابوعبیده، عوف بن مالک را با صعب بن جثامه و عبدالرحمن بن عوف را با سعد بن ربیع.(5) ولی هرگز امیرالمؤمنین علیه السلام را با احدی از اصحاب برادر نکرده، بلکه خطاب به او فرموده: «اَنتَ اَخی وَ صاحِبی»: «تو برادر و یار و یاور من هستی».(6)

الف : منابع حدیث مؤاخات

همه محدثان، مورخان، سیره نویسان و تراجم نگاران، حدیث مؤاخات را نقل کرده اند، که از آن جمله است:

1- حجرات: 10.
2- تلمسانی، الجوهره: ص 64 .
3- شیخ عباس قمی، فیض العلام: ص 125 .
4- ابن صباغ، الفصول المهمه: ص 38 .
5- ابن ابی شیبه، المصنف: ج 6 ص 265 .
6- همان: ج 7 ص 507 .

1 . ابن ابی شیبه، متوفای 235 ق.(1)

2 . احمد حنبل، متوفای 241 ق.(2)

3 . ابن عبدالبر، متوفای 426 ق.(3)

4 . ابن مغازلی، متوفای 483 ق.(4)

5 . اخطب خوارزم، متوفای 568 ق.(5)

6 . ابن بطریق، متوفای 600 ق.(6)

7 . تلمسانی، متوفای بعد از 645 ق.(7)

8 . سبط ابن جوزی، متوفای 654 ق.(8)

9 . گنجی شافعی، متوفای 658 ق.(9)

10 . محبّ الدین طبری، متوفای 694 ق.(10)

محدّث بحرانی تصریح فرموده که حدیث مؤاخات بین علمای تشیّع و تسنّن متواتر است.

محدث قمی به هنگام شمارش حوادث روز غدیر می نویسد: رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر بین اصحاب خود عقد اُخُوّت بست.(11)

1- همان.
2- احمد حنبل، فضائل الصحابه: ج 2 ص 824 .
3- ابن عبدالبر، الاستیعاب: ج 3 ص 202 .
4- ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام : ص 37 .
5- خوارزمی، المناقب: ص 140 .
6- ابن بطریق، العمده: ح 262 .
7- تلمسانی، الجوهره فی نسب علی و آله: ص 64 .
8- سبط، تذکره الخواص: ج 1 ص 218 .

9- گنجی، کفایه الطالب: ص 193 .
10- طبری، ذخائر العقبی: ج 1 ص 303.
11- محدث قمی، فیض العلام: ص 125 .

ب : اوج اخوّت و برادری

دقیقاً هفتاد روز پس از عید غدیر، به دنبال شهادت رسول اکرم صلی الله علیه وآله مهاجران و انصار در سقیفه گرد آمده، برای کسب قدرت اخوّت و برادری را به بوته فراموشی سپردند و با شعار «مِنّا امیرٌ و مِنکُم امیرٌ» به جنگ و ستیز برخاستند. ولی تجلّی این اخوّت و برادری در عصر ظهور خواهد بود، چنان که در احادیث واصله از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر آن تاکید شده است. زید زرّاد از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر آن حضرت عرضه داشت: می ترسم که ما مؤمن نباشیم! فرمود: برای چه؟! گفت: برای اینکه در میان ما کسی پیدا نمی شود که برادر ایمانی اش در نزد او از درهم و دینار عزیزتر باشد، بلکه در میان ما درهم و دینار گرامی تر است از برادر ایمانی که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بین ما و او اخوت و برادری ایجاد کرده است.

فرمود: «نه شما مؤمن هستید، لکن ایمان شما به حدّ کمال نمی رسد جز هنگامی که قائم ما خروج کند. در آن هنگام خداوند عقل های شما را کامل می کند و مؤمن کامل می شوید».(1)

در پایان، به هنگام شمارش ویژگی های مؤمنان در عصر ظهور می فرماید: «و المُواسات لِلاِخوان فی حال الیُسر و العُسر»(2): «مواسات با برادران ایمانی در حالت توانمندی و تنگدستی» بر اساس این روایت و دیگر احادیث واصله از پیشوایان معصوم علیهم السلام آن اخوّت و برادری که رسول گرامی اسلام در روز عید سعید غدیر در میان امّت اسلامی ایجاد نمود، در عصر موفور السرور ظهورِ آن امام نور تحقق پیدا خواهد کرد و آن ایثار و مواسات و آن مؤاخات مورد نظر رسول عالمیان آن روز تجلی خواهد کرد.

1- زید زرّاد، اصل زید زراد، در ضمن: الاصول السته عشر: ص 6 .
2- همان: ص 7 .

6 . دیگر رخدادها

یک :

آیه شریفه «بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ»(1)

روز غدیر نازل شد و در عصر ظهور در سطح جهانی تبلیغ می شود.

دو :

آیه شریفه «الیَومَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَروا مِن دینِکُم»(2)

روز غدیر نازل شد و در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

سه :

روز غدیر از همه حاضران برای ولایت مولی بیعت گرفته شد و در عصر ظهور همگان در برابرش خاضع می شوند.

چهار :

امیر بیان علیه السلام در خطبه غدیر 28 ویژگی برای روز غدیر بیان فرمود که در عصر ظهور تجلی پیدا می کند.

پنج :

امام هشتم علیه السلام در خطبه غدیریه اش 40 ویژگی برای روز غدیر بیان کرد که در عصر ظهور تحقق می یابد.

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم.

2 . الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.

3 . الاختصاص، شیخ مفید، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

4 . الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابو عمر یوسف بن عبد اللّٰه بن محمد بن عبد البر م 463، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، طبع الاولی، 1992م ، 1412 ق.

1- مائده: 67 .
2- مائده: 3 .

5 . الاقبال بالاعمال، حلّی، سید ابن طاووس، رضی الدین، علی، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1415 ق.

6 . بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

7 . البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی سید هاشم، ناشر: بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، 1416 ق.

8 . البیان، گنجی شافعی، تهران، نبأ،

9 . تذکره الخواص، سبط ابن جوزی،

10 . تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه تهران، 1380 هجری قمری.

11 . تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ناشر: دار الکتاب، مکان چاپ: قم، چاپ چهارم، 1367 ش.

12 . جامع البیان فی تفسیر القرآن، طبری ابو جعفر محمد بن جریر، ناشر: دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، 1412 ق.

13 . الجوهره فی نسب علی و آله علیه السلام، تلمسانی، بیروت،

14 . حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار:، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، 1411 ق.

15 . الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، 1409 هجری قمری.

16 . الخصال، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1362 ش.

17 . دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، دار الذخائر للمطبوعات، قم.

18 . ذخائر العقبی، محب الدین احمد بن عبد اللّه الطبری، دار الکتاب الاسلامی، قم، 1428 ق، 2007 م، 1386 ش .

19 . روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، چاپ اول، 1381 ش.

20 . العمده، ابن بطریق یحیی بن حسن حلی، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1407 هجری قمری.

21 . الغیبه للحجه، شیخ طوسی، ناشر: دار المعارف اسلامی، قم، چاپ اول، 1411 ق.

22 . الغیبه للنعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، 1397 ق.

23 . فردوس الاخبار، بشرویه، دارالکتاب العربی، بیروت، 1407 ق، 1366 ش.

24 . الفصول المهمه، ابن صباغ، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، قم، 1422 ق، 1380 ش .

25 . فضائل الصحابه، احمد حنبل، تهران، 1425 ق.

26 . فیض العلام، شیخ عباس قمی، انتشارات صبح پیروزی، قم، 1385 ش .

27 . الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم ، 1362 ش.

28 . کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنّا.

29 . کفایه الطالب، ابوعبد اللَّه محمد بن یوسفبن محمد قرشی کنجی شافعی،

30 . کنزالعمال، متقی هندی، دار الکتب العلمیه 1420 ق بیروت.

31 . کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1395 ق.

32 . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، 1372 ش.

33 . مختصر البصائر، حسن بن سلیمان، قم جامعه مدرسین، 1421 ق.

34 . مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ناشر: مؤسسه فقه شیعه، بیروت، چاپ اول، 1411 ق.

35 . المصنف، ابن ابی شیبه، نشر بمبئی، دار السلفیه.

36 . معانی الاخبار، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1403 ق.

37 . مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی، ناشر: دار الاضواء، بیروت، چاپ سوم، 1424 ق.

38 . مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ابن شهرآشوب مازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه قم، 1379 هجری قمری.

39 . المناقب، خوارزمی، قم: 1432 ق.

ظهور، روز قابلیت انسان برای غدیر : حامد نواب

چکیده

1 . هدف از خلقت، توحید و یکتاپرستی زیر چتر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

2 . این هدف از آغاز خلقت پایه گذاری شد تا در غدیر رسماً اعلام شد.

3 . مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که به امام معصوم نیاز دارند که مظهر غدیر است.

4 . ظالمین مانع از درک بشر برای نیاز به امام شدند و برای درک بشر تا هنگام ظهور وقت لازم است.

5 . امتحان خدا اقتضا می کند که امام غدیر سراغ مردم نرود، بلکه مردم احساس نیاز به غدیر کنند و سراغ امام غدیر بیایند.

6 . با ظهور حضرت بقیه اللّٰه علیه السلام، توحید به معنای واقعی در سراسر گیتی گسترده شده و هدف غدیر در آن زمان تحقق خواهد یافت.

مقدمه

با بررسی متون کتب آسمانی و یافته های وحیانی و با بشارت آنها به رسالت آخرین فرستاده خداصلی الله علیه وآله و جانشینی مطلق وصی ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام به این نکته خواهیم رسید که هدف از خلقت جهان هستی، همانا توحید و یکتاپرستی تمام مردم زیر چتر ولایت و معرفت امیرالمؤمنین علیه السلام است، که همایش عظیم آن در روز غدیر خم متجلی شد

عدالت یکپارچه با تحقق غدیر

در صورت تحقق غدیر دنیا به سوی عدالت یکپارچه و دوری از ظلم و ستم می رفت. ولی به حسب آیه کریمه «اَحَسِبَ النّاسُ اَن یُترَکوا اَن یَقولوا آمَنّا وَ هُم لایُفتَنونَ»(1): «آیا مردم پنداشته اند که چون بگویند ایمان آوردیم، رها شوند و دیگر آزمایش نشوند»؛ حکمت پروردگار متعال بر امتحان بشر است و دست همه در انتخاب ایمان یا کفر باز است. از سوی دیگر طبق فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله «مَثَلُ الاِمامِ مَثَلُ الکَعبَهِ اِذ تُوتی و لا تَاتی»(2)، مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که احتیاج به امام معصوم علیه السلام دارند.

جبت و طاغوت مانع تحقق غدیر

لذا دست طغیان جبت و طاغوت با استفاده از جهل و نادانی مردم، مانع تحقق هدف غدیر گشته و دنیا را از عدالت و قسط به ظلم و جور کشانده است. همین امر باعث شده که تحقق یکتاپرستی در جهان به تأخیر انجامد، تا زمانی که بشر از جهل به در آید و فقر و نیاز خود را به امام معصوم علیه السلام احساس کند که تحقق آن طبق فرموده

1- عنکبوت: 2 .
2- اصول کافی: ج 3 ص 79 .

رسول خداصلی الله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام در عصر ظهور حضرت بقیه اللّه الاعظم حجه بن الحسن علیه السلام خواهد بود.

پایه گذاری هدف غدیر از آغاز خلقت

انسان به فکر فرو می رود که این جهان هستی و این مخلوقات از کجا آمده و به کجا ختم می شود، و اصلاً همه این موجودات بالاخص انسان برای چه آفریده شده و پا به عرصه وجود گذاشته اند؟ ولی کسی نمی تواند پاسخگوی این سؤال باشد مگر خدای تبارک و تعالی، چرا که او خالق و آفریدگار همه هستی است.

با مراجعه به متون کتب آسمانی و نصوص وارده از جانب حجج الهی به این جواب خواهم رسید که «وَ ما خَلَقتُ الجِنَّ وَ الاِنسَ اِلاّ لِیَعبُدونِ»(1): «جنّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)! پس مهم ترین هدف خلقت یکتاپرستی و توحید و بندگی خدای متعال است.

خداوند بشر را با عقل و فطرتی که به آنها بخشیده تنبیه داده و با قرار دادن پیامبران الهی آنها را به سوی کمال و یکتاپرستی راهنمایی می فرماید. «لَقَد اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّناتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسطِ»(2): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

یکی از خواص فرستادن پیامبران این است که برای کسی عذر باقی نمانده و حجت بر ایشان تمام می شود. «مُبَشِّرینَ وَ مُنذِرینَ لِئَلاَّ یَکونَ لِلنّاسِ عَلَی اللَّهِ حُجَّهٌ»(3):

1- ذاریات: 56 .
2- حدید: 25.
3- نساء: 165 .

«پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند». به امید آنکه همه مردم یکتاپرست شده و جهان هستی یکپارچه عدالت شود.

بشارت انبیاعلیهم السلام به بنیانگذار غدیر

نکته قابل توجه اینکه پیامبران عظیم الشأن جوامع بشری را به ظهور پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبد اللّٰه صلی الله علیه وآله بشارت می دادند؛ چرا که رسالتش جهانی و مکتبش تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت.

«وَ اِذ قالَ عیسَی ابنُ مَریَمَ یا بَنِی اِسرائیلَ اِنّی رَسولُ اللَّهِ اِلَیکُم مُصَدِّقاً لِما بَینَ یَدَیَّ مِنَ التَّوراهِ وَ مُبَشِّراً بِرَسولٍ یَأتی مِن بَعدِی اسمُهُ اَحمَد»(1): «به یاد آورید (هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده تورات می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است»! و این پیامبر خاتم است که دینش همیشگی و در رسالت او عدالت جهانی گسترده خواهد شد.

«هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(2): «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حقّ فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»!

بعد از آنکه رسول خداصلی الله علیه وآله رسالتشان را در طی 23 سال به صورت ظاهر به مردم معرفی فرمودند و مردم را به دین دعوت کردند از جانب حق خطاب آمد: «یا اَیُّهَا

1- صف: 6 .

2- صف: 9 .

الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ».(1)؛ یعنی ای پیامبری که رسالتت هدف از خلقت و جهان هستی و بشارت همه انبیاست! ابلاغ کن آنچه به تو نازل کردیم چرا که در غیر این صورت رسالتت را ابلاغ نکرده ای، و اگر این امر عظیم را ابلاغ نکنی تمام هدف الهی به هدر رفته و تبلیغِ رسالت نشده است.

ابلاغ هدف خلقت در غدیر

پس آن امر عظیم که سبب تحقق هدف خلقت است، می بایست به تمام مردم ابلاغ شود. پیامبرصلی الله علیه وآله از اول بعثت مکرراً به این مسئله اشاره می فرمودند، ولی در روز غدیر اعلام همگانی گذاشته و مردم را فراخوان عمومی کردند که «مَن کُنتُ مَولاهُ فهذا علیٌّ مولاه»؛ یعنی قبول ولایت پیامبرصلی الله علیه وآله در گرو قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

چرا هدف خلقت در غدیر تحقق نیافت؟

ولی پس از این همه مقدمات سؤالی که به ذهن می آید این است که چرا هدف غدیر تحقق نیافت؟! چرا پس از غدیر دنیا به سوی عدالت یکپارچه نرفت!؟ چرا یکتاپرستی در دنیا محقق نشد!؟

جواب این سؤال را از فرمایش صدیقه کبری حضرت فاطمه زهراعلیها السلام که از پدر بزرگوارشان رسول خداصلی الله علیه وآله نقل فرمودند استفاده می کنیم که حضرت فرمودند: «مَثَلُ الاِمامِ مَثَلُ الکَعبهِ، اِذ تُؤتی و لا تَأتی»(2): «امام مثل کعبه است که مردم باید به سوی او آیند نه آنکه او به سوی مردم برود».

پس خدا راه را نشان داد و سرمایه نجات بشر را به آنها معرفی فرمود. اکنون وظیفه مردم است که به دنبال او بروند، چرا که حکمت پروردگار متعال بر امتحان بشر است و

1- مائده: 67 .
2- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص 181.

دست همه در اختیار ایمان یا کفر باز است. پس اگر بشر مشتاق سعادت و عدالت است، راه سعادت در صراط علی علیه السلام و اطاعت از ایشان است.

مردم باید نیاز به غدیر را احساس کنند

خداوند تبارک وتعالی فرمودند: «وَ لَو اَنَّ اَهلَ القُری آمَنوا وَ اتَّقَوا لَفَتَحنا عَلَیهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الاَرض»(1): «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد»؟!

در سوره جن می فرماید: «وَ اَن لَوِ استَقاموا عَلَی الطَّریقَهِ لاَسقَیناهُم ماءً غَدَقاً»(2): «اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم». پس مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که نیاز به امام معصوم علیه السلام دارند و به او ایمان مستحکم آورند.

امام باقرعلیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «یَعنی لَوِ استَقاموا عَلی وَلایَهِ عَلِیِ بنِ اَبی طالِبٍ اَمیرِالمُؤمِنینَ وَ الاَوصِیاءِ مِن وُلدِهِ وَ قَبِلوا طاعَتَهُم فِی اَمرِهِم وَ نَهیِهِم لاَسقَیناهُم ماءً غَدَقاً»(3): «اگر آنها (جنّ و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم»!

حضرت زهراعلیها السلام فرمودند: «اما و اللّه لو تَرَکوا الحَقَّ عَلی اَهلِهِ وَ اتَّبَعوا عِترَهَ نَبِیِّهِم لَمَا اختَلَفَ فِی اللّهِ تَعالی اِثنانِ، وَ لَوَرِثَها خَلَفٌ عَن سَلَفٍ و خَلَفٌ بَعدَ خَلَفٍ»(4): «به خدا قسم اگر حق را برای اهلش رها می کردند و از عترت پیامبرصلی الله علیه وآله تبعیت می نمودند

1- اعراف: 96 .
2- جن : 16 .
3- اصول کافی: ج 1 ص 220 .
4- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص 181 .

یکتاپرستی در جهان تحقق می یافت و دو نفر با هم در توحید اختلاف پیدا نمی کردند و پیوسته در طول دوران این یکتاپرستی را برای همدیگر به ارث می گذاشتند.

سپس فرمودند: «وَ لکِن قَدَّموا مَن اخَّرَهُ اللَّهُ وَ اَخَّروا مَن قَدَّمَهُ اللَّهُ»(1): «لکن مقدم کردند کسی را که خدا او را مؤخّر کرده بود و مؤخّر کردند کسی را که خدا او را مقدم کرده بود».

مردم در جستجوی مصلح کل

این برنامه ادامه دارد تا زمانی که بشر از خواب غفلت به در آید و فقر و نیاز خود را به مصلح کل و امام معصوم علیه السلام احساس کند و به جستجوی او برخیزد و روز و شب را به انتظار او سپری کند.

طبق فرموده رسول خداصلی الله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام که «یَملأُ اللَّهُ بِهِ الاَرضَ عَدلا وَ قِسطاً»(2)، زمین به توانایی حضرت بقیه اللّه الاعظم علیه السلام پر از عدل و داد می شود و در زمان ظهور به برکت ایشان توحید به معنای واقعی در سراسر گیتی گسترده شده و هدف غدیر در آن عصر محقق خواهد گشت. بنابراین تجلی غدیر در ظهور امام زمان علیه السلام است.

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم

2 . اعلام الوری بأعلام الهدی

3 . اصول کافی

4 . الانصاف فی النص علی الائمهعلیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی

1- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص 181 .
2- اعلام الوری بأعلام الهدی: ص 425 .

اهداف و موانع تجلی غدیر در عصر ظهور : علی اصغر رضوانی

چکیده

1 . در غدیر برای مبیِّن دین همانند مؤسِّس آن، مقام عصمت اعلام شد.

2 . اهداف تجلی غدیر در ظهور عبارتند از:

- پیاده کردن اسلام از کانال صحیح معصومین علیهم السلام

- تحقق حکومت جهانی عدل گستر.

- رفع اختلاف بین امت اسلامی.

3 . موانع تحقق اهداف غدیر.

- کسانی که در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله مانع ایجاد می کردند.

- کسانی که بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله موانع ایجاد کردند.

4 . تحقق غدیر در عصر ظهور با استناد به دو آیه از غدیر و یک آیه از مهدویت: آیه تبلیغ و آیه کمال به ضمیمه آیه لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ.

مقدمه

پیامبراکرم صلی الله علیه وآله برای بیان سنّت همه انبیاء و تکلیف جامعه اسلامی بعد خود، به امر خدا جانشینان بعد از خود رامعرفی فرمودند.

اگرچه اهل سنت می گویند: بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله احتیاج به وصی نداریم و سراغ صحابه و تشکیل شوری می روند؛ ولی ما معتقدیم هر پیامبری گرچه یک وظایفی دارد، اما کافی نیست. مخصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله که از بیست و سه سال دوران رسالت خویش، سیزده سال در مکه بودند که فرصتی برای تبلیغ و تبیین کامل دین پیدا نشد؛ و مدت ده سال هم در مدینه در اوج گرفتاری ها، جنگ ها و غزوات گذشت. لذا پس از او، برای صیانت آنچه پیامبرصلی الله علیه وآله آورده بود و نیز تبیین ریز مسائل دین، وجود وصیی عالم و معصوم و قابل اطمینان ضروری می نمود.

باید دقت داشت همان طوری که مؤسس دین باید معصوم باشد، مبیّن دین هم باید دارای عصمت باشد و این مسئله در غدیر محقق گردید.

اهداف تجلّی غدیر در عصر ظهور

اشاره

برای درک کامل از مسئله تجلّی غدیر در عصر ظهور باید اهداف آن را شناسایی کرد.

هدف اول: پیاده کردن اسلام از کانال صحیح

پیاده کردن اسلام و تطبیق آن از کانال صحیح که همان معصومین علیهم السلام باشند، یکی از اهداف و تجلیات غدیر در عصر ظهور است.

یکی از اهداف مهم پیامبرصلی الله علیه وآله از غدیر و تعیین جانشینی، پیاده کردن اسلام از کانال صحیح و در سطح کل کره زمین بوده است. با توجه به اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله خاتم الانبیاء و دینش نیز خاتم الادیان است، پس پیام آور برای کل بشر بوده و مبعوث برای

عالمیان است. همچنان که فرموده: «وَ ما اَرسَلناکَ اِلاّ رَحمَةً لِلعالَمینَ»(1): «ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم». با اینکه مدت رسالت آن حضرت بیست و سه سال بوده، اما عمده فرصتی که پیامبرصلی الله علیه وآله برای پیاده کردن این امر مهم در سطح کلّ کره زمین داشته تقریباً حدود ده سال آن هم در مدینه بوده است.

بعد از هر پیامبری احتیاج به تطبیق و تبیین دین داریم. دین باید پیاده شود و جا بیفتد. البته اهل سنت این دیدگاه را ندارند و قائلند بعد از پیامبر به امامان و اوصیاء معصوم احتیاجی نداریم. لذا بین آنها اختلاف افتاده حتی در وضو و نماز!!(2) چرا؟ زیرا بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله دین و سنت نبوی را از کسانی گرفتند که در بین خودشان نیز اختلاف بود. بین عایشه و زوجات پیامبرصلی الله علیه وآله و صحابه اختلاف افتاد، و این بیانگر نیاز به حلاّل مشکلات است. یعنی همان اصل تبیین دین و اصل پیاده شدن دین، تا دین جا بیفتد.

این مسیری است که برای شیعه ترسیم شده؛ یعنی بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله اهل البیت علیهم السلام یکی پس از دیگری تا سال 255 هجری آمدند و دین راتبیین و پیاده نمودند. قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(3): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» !

با توجه به آیه، هدف پیامبرصلی الله علیه وآله گسترش دین اسلام بر کل کره زمین و غلبه آن بر کل ادیان بوده است. اما آیا این هدف در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله تحقق پیدا کرد؟ مسلماً نه. پس باید کسانی بیایند واین هدف را در خارج تحقق دهند. بنابراین هدف اعلای پیامبرصلی الله علیه وآله از مسئله غدیر و تبیین جانشینانش، این است که اسلام و تبیین اسلام ناب از طریق

1- انبیاء: 107 .
2- الاجابه لایراد ما استدرکته عائشه علی الصحابه، بدر الدین زرکشی.
3- توبه: 33 ، صف: 9 .

صحیح و از طریق معصومان در سطح کل کره زمین پیاده گردد. اما متأسفانه منافقین فرصت طلب نگذاشتند این هدف بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله پیاده شود.

هدف دوم : تحقق حکومت جهانی عدل گستر الهی

یکی دیگر از اهداف پیامبرصلی الله علیه وآله تحقق حکومت جهانی عدل گستر بود، که اگر می گذاشتند محقق شود خیلی زود عصر ظهور و حکومت عدل گستر توحیدی در سراسر گیتی گسترده می شد. اما بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله نگذاشتند حکومت جهانی عدل الهی تحقق پیدا کند و نتیجه این شد که فرمودند: «ما مِنّا اِلاّ مَقتولٌ اَو مَسمومٌ».(1) لذا این برنامه تأخیر افتاد و خدا دوازدهمین امام معصوم علیه السلام را برای زمان مناسب که عصر ظهور است، نگه داشت.

هدف سوم: رفع اختلاف بین امت اسلامی

یکی دیگر از اهداف غدیر رفع اختلاف بین امت اسلامی است. پیامبرصلی الله علیه وآله علم غیب داشته و از اختلاف امت خبر دارد. احادیث 73 فرقه شدن این امت، که متواتر معنوی بین شیعه و سنی است و روایات دیگری که از اختلاف بر سر مسئله خلافت بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله را خبر می دهد به ما می فهماند که پیامبر از آینده امت خبر داشتند. اکنون سؤال این است که آیا پیامبرصلی الله علیه وآله برای رفع این اختلافات در مسئله جانشینی و حکومت پس از خود هیچ کاری نکرده است؟

پاسخ این پرسش از این سه حالت خارج نیست:

1 . پیامبرصلی الله علیه وآله هیچ موضعگیری نسبت به این مسئله نداشته و هیچ اقدام عملی انجام نداده باشد، ولی این خلاف سیره همه پیامبران است.

1- بحار الانوار: ج 27 ص 217.

2 . پیامبرصلی الله علیه وآله این امر را به شورا واگذار کرده باشد که این هم نمی شود؛ زیرا آن حضرت از وضعیت قبائلی عرب آن روز و اختلافات آنها با خبر بودند و این واگذاری عاقلانه نیست. مانند ماجرای نزاع و جنگ بنی المصطلق در نصب حجر الاسود که در نهایت پیامبرصلی الله علیه وآله آن را حل کردند.

3 . فرض سوم این است که پیامبرصلی الله علیه وآله باید کسی را به عنوان جانشین و حاکم سیاسی بعد از خویش معرفی نماید. این دو بعد از ابعاد ولایت کبرای الهی است که مظهر و تجلیش امام معصوم است. پس «من کنت مولاه ...» را فقط حاکمیت سیاسی نگیریم، بلکه ولایتی که به معنای قرب الی اللّٰه است و از آثار آن مرجعیت دینی و سیاسی است.

موانع تحقق اهداف غدیر

عده ای می دانستند که پیامبرصلی الله علیه وآله چه هدف بلندی دارد و نیز می دانستند که این هدف باید از کانال ائمه معصومین علیهم السلام پیاده گردد. بنابراین بخش اولِ موانع را اینها تشکیل دادند و در همان زمان حیات رسول خداصلی الله علیه وآله و لحظات آخر عمر شریفشان شروع به مانع تراشی کردند. از جمله بر هم زدن خطبه پیامبرصلی الله علیه وآله در سرزمین مِنا، تخلف از جیش اسامه، و آن هنگام که حضرت در لحظات پایانی در بستر درخواستِ قلم و دوات کردند. بخش دوم موانع بعد از وفات پیامبرصلی الله علیه وآله است که در بُعد تبلیغ ظاهر شد.

موانع غدیر در حیات پیامبرصلی الله علیه وآله

اشاره

نمونه هایی از موانع غدیر در حیات پیامبرصلی الله علیه وآله چنین است:

1 : بر هم زدن خطبه پیامبرصلی الله علیه وآله در مِنا

چرا پیامبرصلی الله علیه وآله مسئله غدیر را در مکه بیان نکردند؟ چرا در سرزمین مِنا بیان

نفرمودند؟ مگر آنجا در ملأ عام نبود؟ مگر مردم مکه و مدینه و یمن و غیره آنجا حاضر نبودند؟ چرا در شلوغ ترین محل یعنی سرزمین عرفات که افراد فارغ البال هستند بیان نشد؟ و چرا بعد از حج در سرزمین غدیر خم ما بین مکه و مدینه خطبه ایراد کردند؟

یکی از موانع در راستای تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام شروع آن از حجه الوداع پیامبرصلی الله علیه وآله در سرزمین عرفات بود. پیامبرصلی الله علیه وآله در آنجا خطبه غرائی داشتند. در کتاب صحیح مسلم و بخاری می گوید: در سرزمین مِنا پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه اش به اینجا رسید که فرمود: «یَکونُ بَعدی اثناعَشَرَ اَمیراً (خلیفةً ، اماماً)»(1): «ای مردم بعد از من دوازده امیر (یا خلیفه یا امام) خواهد آمد». اما عده ای که در کمین بودند شلوغ کردند و جلسه را بر هم زدند.

مسند حنبل از قول جابر می نویسد: پیامبرصلی الله علیه وآله بین سخنانش فرمود: «ای مردم! بعد از من دوازده امام خواهد آمد»، و تا پیامبرصلی الله علیه وآله این سخن را فرمود برخی از جمعیت ضجه زدند. عده ای هم تکبیر گفتند و برخاستند و نشستند و جلسه به هم خورد.

خود اهل سنت می گویند که عمر در آن هنگام از این طرف به آن طرف و از آن طرف به این طرف می رفت و جابجا می شد و جلسه به هم خورد. و جابر بن سمره می گوید: من همراه پدرم نزدیک پیامبرصلی الله علیه وآله بودیم. من از او سؤال کردم که پیامبرصلی الله علیه وآله چه فرمودند که این اتفاق افتاد؟ گفت: فرمودند: «وَ کانَ کُلُّهُم مِن قُرَیش». بنابراین عرفات که بهترین موقعیت برای ابلاغ ولایت بود توسط منافقین به هم خورد. پیامبرصلی الله علیه وآله صلاح ندید دیگر این مسئله رامطرح کند.

1- صحیح مسلم: 1821 /1452 /3.

قبایل قریش - خصوصاً بنی امیه - در کمین بودند که این هدف انجام نشود و لذا پیامبرصلی الله علیه وآله مجبور شدند از مکه بیرون بیایند و به جایی رسیدند که باید ابلاغ می کردند. حال برای اینکه توطئه ای که آنجا انجام شده بود اینجا تکرار نشود، حضرت در غدیر بر فراز منبری از سنگ روی جهاز شتران دست حضرت علی علیه السلام را بالا گرفتند که اگر منافقین شلوغ هم کردند حداقل مردم این صحنه را ببینند و کار ابلاغ رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله ناتمام نماند.

2 : دوات و قلم

یکی دیگر از اقدامات منافقین، قصه دوات و قلم و جلوگیری از نوشتن وصایت پیامبرصلی الله علیه وآله بود، که جلوی کتابت را گرفتند و نگذاشتند مکتوب شود.

ابن عباس می گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «من شما را وصیت می کنم به سه چیز: مشرکین را از جزیره العرب بیرون کنید. به قبائل اجازه ورود دهید چنان که من اجازه دادم. و سومین آنها را فراموش کرده ام» !!(1) به نظر می رسد ابن عباس در مورد وصیت سوم تقیه کرده و می ترسیده نکته حساس را بگوید.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه مناظره ای را نقل می کند که ابن عباس می گوید: من عمر را در کوچه دیدم و به او گفتم: چه کردی؟ گفت: هنوز علی بن ابی طالب مدعی است که حق با او بوده؟ گفتم: بله، پدرم شاهد این مطلب بوده است.

عمر گفت: «... وَ قَد کانَ یَربَعُ فی اَمرِهِ وَقتاً مّا وَ لَقَد اَرادَ فی مَرَضِهِ اَن یُصَرِّحَ بِاسمِهِ فَمَنَعتُ مِن ذلِکَ اِشفاقاً وَ حَیطَةً عَلَی الاِسلامِ ...».(2) یعنی من می دانستم آن موقعی که پیامبرصلی الله علیه وآله می خواست نامه ای رابنویسد چه می خواهد بنویسد. او می خواست به نام

1- شرح نهج البلاغه: ج 12 ص 55 ، ج 13 ص 31 .
2- شرح نهج البلاغه: ج 12 ص 21 .

علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح کند. من جلوی او را گرفتم از روی دلسوزی و برای حفظ اسلام؛ که اینجا دایه مهربان تر از مادر شده است!

3 : جیش اسامه

پیامبرصلی الله علیه وآله در بستر بیماری اصرار داشتند که مردم در جیش اسامه مشارکت کنند و فرمودند: «لَعَنَ اللّهُ مَن تَخَلَّفَ عَن جَیشِ اُسامَةَ». (1)

صاحب ملل و نحل نقل می کند: اصرار زیادی بود که همه مردم بیرون بروند حتی اولی و دومی، ولی از روی جهاتی آنها می خواستند برگردند و یک چیزهایی را می دانستند. مسلما اگر این اتفاق افتاده بود مدینه از منافقین خالی می شد و امر وصایت به نتیجه می رسید. لکن آن دو برگشتند و مانع از تحقق این هدف مهم گشتند.

تحقّق غدیر در عصر ظهور

اشاره

دو آیه در مورد غدیر و یک آیه درباره مهدویت را کنار هم بگذاریم تا تجلی اهداف غدیر که همان بُعد حاکمیتی است ثابت شود. حاکمیت همه ارزش ها که در عصر ظهور به ثمر خواهد رسید.

آیه تبلیغ: «یا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ وَ اِن لَم تَفعَل فَمابَلَّغتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ اِنَّ اللّهَ لا یَهدِی القَومَ الکافِرینَ». (2)

آیه اکمال: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً». (3)

1- الاحتجاج: ج 1 ص 299، 303.
2- مائده: 67 .
3- مائده: 3 .

آیه استخلاف: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ».(1)

مطلب اول:

صدر آیه را با آیات مربوط به امیرالمؤمنین علیه السلام تطبیق می کنیم. در سوره بیّنه آیه 7 می فرماید: «اِنَّ الَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ اولئِکَ هُم خَیرُ البَرِیَّهِ» در ذیل این آیه، روایات متواتری آمده و از لحاظ مضمون تقویت شده که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «یا علی! اَنتَ وَ شیعَتُکَ هُمُ الفَائِزُونَ فِی الجَنَّهِ».(2)

پس مراد از «اِنَّ الَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ اُولئِکَ هُم خَیرُ البَرِیَّهِ»، شیعیان امیرالمومنین علیه السلام هستند. از این مطلب می توان در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم» نیز استفاده کرد و گفت: در اینجا هم منظور از این آیه همان شیعیان امیرالمومنین علیه السلام هستند.

مطلب دوم:

در ادامه آیه مهدویت می فرماید: «وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم» یعنی: ما به اینها مکنت و امکانات می دهیم تا آن دینی که مورد رضای خدا بوده است در کل کره زمین پیاده شود.

آن دین که مورد رضای خدا بوده کدام دین است؟ آیه اکمال آن رامشخص کرده: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً».(3) مسلماً

1- نور: 55 .
2- البرهان: 5 ص 719. الدر المنثور: ج 6 ص 379.
3- مائده: 3 .

منظور از «الیوم» یعنی روزی که دین در آن کامل شده روز غدیر است. البته دینی که مورد رضایت خداوند است.

سؤال این است که چه عاملی باعث تکمیل دین و خداپسندانه شدن آن شده است؟ در این مطلب شکی نیست که منظور از دین کامل و مورد پسند خداوند دینی است که از کانال صحیح و از طریق جانشینان معصوم و راستین پیامبرصلی الله علیه وآله رسیده باشد، چرا که این اکمال و رضایت در روز غدیر یعنی روز اعلان ولایت و جانشینی اتفاق افتاده و آیه مربوط به این حادثه عظیم است.

با استفاده از آیه مهدویت این نتیجه به دست می آید که ای شیعیان! ما به شما مکنت می دهیم تا دینی را که مورد رضایت ماست و از کانال ولایت اهل البیت علیهم السلام به شما رسیده در سطح کل کره زمین پیاده کنید. لذا با جمع این دو آیه استفاده می شود که دین اسلام و مذهب تشیع است که در سطح کل کره زمین پیاده خواهد شد.

در ادامه آیه می فرماید: «وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یَعبُدُونَنی ...». یعنی بعد از خوفی که اهل ایمان و عمل صالح - یعنی شیعیان - در طول تاریخ داشته اند، این خوف را تبدیل به امنیت می کنیم.

در ذیل آیه تبلیغ روایاتی از شیعه و سنی نقل کرده اند که پیامبرصلی الله علیه وآله از ابلاغ مسئله ولایت خوف داشتند. البته نه خوف برای خویشتن، بلکه خوف بر دین و خطر توطئه منافقان بر علیه اسلام و ولایت؛ چرا که دشمنان حاضر بودند برای رسیدن به مطامع خویش و جاه و مقام دست به هر کاری بزنند، تا آنجا که در گردنه کوه در صدد کشتن پیامبرصلی الله علیه وآله برآمدند.

پیامبرصلی الله علیه وآله درباره دین اسلام و وحدت امت اسلامی خوف داشت. در روز ظهور خوف پیامبرصلی الله علیه وآله و به تبع خوف امیرالمومنین علیه السلام و خوف اهل البیت عصمت و

طهارت علیهم السلام و به تبع اینها خوف شیعیان آنها در مورد تحقق اهداف غدیردر روز ظهور تبدیل به امنیت خواهد شد: «وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یَعبُدونَنی لایُشرِکونَ بی شَیئاً».

مسئله رجعت هم در همین راستاست. فلسفه رجعت تحقق همان هدف اعلای پیامبرصلی الله علیه وآله است که در غدیر تحقق پیدا نکرد. لذا بعد از ظهور امام زمان علیه السلام امامان یکی پس از دیگری می آیند و این هدف عالی به توسط امامان در عصر ظهور تحقق پیدا خواهد کرد. پس مسئله رجعت هم در راستای پیاده شدن اهداف غدیر است

ص: 116

ظهور یعنی اعاده حق غدیر : محمد حسین رحیمیان

چکیده

1 . ظهور انتهای تفصیلی صراط مستقیم غدیر است.

2 . ظهور تجلی کامل تعالی بشر است.

3 . اسلام بدون غدیر بی محتواست، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی نخواهد داشت.

4 . برای جبران غدیر از دست رفته توسط سقیفه باید دست بیعت با وارث غدیر برای عصر ظهور داد.

5 . در عصر ظهور معلوم خواهد شد که مردم چقدر به غدیر نیاز داشتند و چه چیزی را پشت پا انداختند.

6 . غدیر نشان داد که انسان ها وقتی آزاد باشند باز هم خوب را که غدیر است برنمی گزینند و بد را که سقیفه است انتخاب می کنند.

7 . غدیر مأیوس کردن دشمنان از نابودی دین خدا بود.

8 . غدیر بشارت کمال دین و تمام نعمت و رضایت خدا و اهانت به شیطان و ناامیدی ستمگران بود.

9 . امام غدیر آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانی ختم نبوت را بر عهده دارد.

10 . انسان راهرو کمال است با برنامه مدون غدیر.

11 . غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار اوست.

12 . غدیر بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار انسان قرار می دهد.

13 . مردم چاره ای جز بازگشت به سوی غدیر ندارند که معنای آن حرکت به سوی ظهور است.

14 . غدیر نماد حق است که در عصر ظهور خود را نشان خواهد داد.

15 . خط غدیر در پی عدالت فراگیر و همه جانبه در جهان است.

16 . مردم به خاطر قطع ارتباط با امام غدیر به انواع گناهان آلوده شدند و گناهان را با فقر و سختی تاوان دادند.

17 . با ظهور صاحب غدیر رفاه همگانی مردم جهان را فرا می گیرد.

18 . غدیر آغاز ظهور است و ظهور پایان غدیر.

مقدمه

غدیر ابتدای راه مستقیمی است که انتها و تفصیل آن ظهور است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد و دوران سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند و تجلّی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد.

غدیر آغاز راهی است که پایان آن ظهور خواهد بود. اسلام بدون غدیر بی محتوا خواهد بود، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی و آرمانی نخواهد داشت.

کوتاهی و عدم وفای به عهد الهی در روز غدیر، موجب محرومیت جهان بشری از این فیض بزرگ الهی شد. برای جبران این رفتار، بایستی دست بیعت با وارث غدیر

داد؛ چرا که ظهور شکوهمند او آخرین و شیرین ترین مرحله طراحی آفرینش است. ظهور او پایان همه ناکامی ها، نابسامانی ها و تلخی های زندگی انسان است.

فقط در دوران طلایی ظهور حقیقت غدیر برای جهانیان جلوه گر خواهد شد؛ و انسان ها در خواهند یافت که در تمام دوران هستی خود چه قدر بدان نیاز داشتند؛ و در آن عصر درمی یابند که طعم شیرین زندگی راستین انسانی در کوثر غدیر نهفته بوده که لذت غدیر در زمزم زلال و گوارای ظهور تجلی کرده است.

واژگان کلیدی

غدیر، ظهور، آزمون الهی، وفای به عهد، حق، عدالت، سیره علوی، رفاه همگانی، ولایت علوی.

مقدمه

آخرین پیام آور الهی در یک مأموریت خطیر، در آخرین روزهای رسالت خویش از جانب خدای سبحان مأمور می شود که امر مهم امامت و ولایت را در آخرین جایگاه اعلام عمومی به جهانیان برساند. روز غدیر یادآور امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و انتصاب آن حضرت بر این مقام والاست.

به راستی آن حضرت کدامین گاه امام نبوده تا از انتصابش بر این جایگاه رفیع در غدیر یا دیگر زمان ها سخن گوییم؟ او از عالم نور امام و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود؛ چرا که امامت عهد و پیمانی به سان نبوت و رسالت به دست خدای تواناست، و هیچ کس بدان مقام رفیع نایل نمی گردد مگر کسی که او اراده فرموده باشد.

غدیر فراخوان فراگیر خدایی، ولایت کبری، آراستن و کامل ساختن دین، و نهایت بخشیدن به نعمت و خشنودی و رضامندی پروردگار جهانیان است. غدیر قضیه سرنوشت ساز و حساس تاریخ بشری است که حرکت فکری مهمی را پیش روی میلیون ها انسان قرار می دهد، تا با الهام از این واقعه حیاتی و با آیین عقل و دین، راه فضیلت و برتری را پیش گیرند و مراحل سیادت شکوه و عظمت خویش را طی کنند، و به سر منزل رستگاری و کمال انسانی نایل گردند.

غدیر سر منزل کمال و سرآغاز پرتوافشانی انوار الهی است، و همین آغاز برابر همه رسالت پایانی خاتم پیامبران و پیام آوران پیشین است.

غدیر ابتدای راه مستقیمی است که انتها و تفصیل آن ظهور است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد، و دوران سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند و تجلّی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد

غدیر و آزمون الهی

غدیر آن آزمون الهی است که در بستر آزادی و انتخاب انسان شکل گرفت، و همان شاهراه هدایت است که «اِنّا هَدَیناهُ السَّبیلَ اِمّا شاکِراً وَ اِمّا کَفوراً»(1) را معنا بخشید تا انسان با کمالِ آزادی در انتخاب راه مستقیم و سعادت، غدیر را برگزیند یا راه سقیفه و گمراهی و شقاوت و بدبختی را.

پیمان غدیر در شرایطی بسته شد که شیاطین و منافقانی به کمین نشسته بودند که همچون خفاشان شب پرست منتظر غروب آفتاب رسالت بودند، تا عرصه را از دست

1- انسان: 3 .

آفتاب ولایت بربایند و دنیا را در ظلمت جهل و عناد و گمراهی خویش فرو برند و دوران تاریک غیبت و حرمان از مولای مهربان را شکل دهند.

اما پدید آورنده غدیر خدای مهربان در آن روز، کفرورزان را از دین حقّ که همان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، ناامید و مأیوس کرد و فرمود: «الیَومَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَروا مِن دینِکُم»(1): «امروز آنان که کفر ورزیدند از دین شما مأیوس گشتند».

در آن روز خدای متعال رهپویان غدیر را با پنج مژده مسرور ساخت: اکمال دین؛ اتمام نعمت؛ رضا و خشنودی خدای رحمان؛ اهانت به شیطان؛ ناامیدی و یأس منکران.

البته حقیقتِ یأس کفروَرزان در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. جابر می گوید: امام باقرعلیه السلام در ذیل این آیه شریفه فرمود: «یَومَ یَقومُ القائِمُ علیه السلام یَئِسَ بَنواُمَیَّةَ؛ فَهُمُ الَّذینَ کَفَروا یَئِسوا مِن آلِ مُحَمَّدٍعلیهم السلام»(2): «آن روز روز ظهور قائم آل محمدعلیه السلام است که بنی امیه نومید می شوند. آنها هستند که کفر ورزیدند و از آل محمدعلیهم السلام نومید می گردند».

بنابر آنچه گفته شد، غدیر همان آغاز یک راه است که پایان آن ظهور خواهد بود، و اسلام بدون غدیر بی محتوا خواهد بود، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی و آرمانی نخواهد داشت.

غدیر و رسالت جهانی

غدیر آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانی خاتم پیامبران را به عهده گرفت و امت را امامت کرد، تا هدف غایی خدای بزرگ از ارسال رسولش را محقق

1- مائده: 3.
2- بحار الانوار: ج 51 ص 54 ح 39 ؛ تفسیر عیاشی: ج 1 ص 292 ح 19.

سازد. آنجا که فرمود: «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(1): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین ها پیروز گرداند، گرچه شرک ورزان کراهت داشته باشند».

در این آیه نکاتی چند در نگاه ابتدایی قابل تأمّل و اندیشه است:

1 . خدای سبحان از لطف بی پایانش برای کمال و سعادت انسان، پیامبر خویش را فرستاد.

2 . او پیامبر و فرستاده خویش را انتخاب فرمود.

3 . دو هدف مهم و حیاتی عبارتند از:

الف. هدایت انسان به کمال آفرینشی خود.

ب. آیینِ حقّ که آیین های باطل و نسخ شده الهی را کنار زند و مکاتب بشری را بیرون سازد.

4 . پیروزی در برابر همه آیین های الهی نسخ شده و مکاتب بشری.

5 . منکران حقّ، یا کفرورزانند یا مشرکان، که تمام گروه های باطل را در بر می گیرد.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»، چنین می فرماید:

هُوَ الَّذی اَمَرَ رَسولَهُ بِالوَلایَهِ لِوَصِیِّهِ، وَ الوَلایَهُ هِیَ دینُ الحَقِّ - لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ یُظهِرُهُ عَلَی جَمیعِ الاَدیانِ عِندَ قِیامِ القائِمِ علیه السلام؛ یَقولُ اللّهُ: «وَ اللّهُ مُتِمُّ نورِهِ: وَلایَهِ القائِمِ، وَ لَو کَرِهَ الکافِرونَ بِوَلایَهِ عَلِیٍ علیه السلام. (2)

1- توبه: 33 .

2- کافی: ج 1 ص 432 ح 91 .

اوست که رسولش را به ولایت وصیّش امر کرد، و ولایت همان دین حقّ است. تا آن را بر هر دینی پیروز گرداند، یعنی آن را در زمان قیام قائم علیه السلام بر همه دین ها پیروز سازد. خدا می فرماید: «و خداوند تمام کننده نور خود است، یعنی ولایت قائم علیه السلام، اگرچه کافران به ولایت علی علیه السلام کراهت داشته باشند.

در سخن دیگری ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ ما نَزَلَ تَأویلُها بَعدُ وَ لا یَنزِلُ تَأویلُها حَتّی یَخرُجَ القائِمُ علیه السلام. فَاِذا خَرَجَ القائِمُ علیه السلام لَم یَبقَ کافِرٌ بِاللَّهِ العَظیم وَ لا مُشرِکٌ بِالاِمامِ اِلاّ کَرِهَ خُروجَهُ ...»(1): «به خدا سوگند این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی یابد تا روزی که قائم علیه السلام ظهور کند. هنگامی که او ظهور کند هیچ کافر به خدای بزرگ و یا مشرک به امام نمی ماند مگر آنکه ظهور او را دوست نخواهد داشت ...».

عصر ظهور و بازگشت به غدیر

خدای مهربان در نظام حکیمانه و والای خویش، در طراحی آفرینش انسان و جهان محتوایی متقن و اصیل دارد. انسان راهروِ کمال است؛ اما با برنامه مدوّنِ دینِ حقّ.

عامل اصلی و عنصر اساسی در این نقشه الهی همان وجود راهنماست، که در واقع حلقه واسطی است که حلقه های دیگر این مجموعه را به هم پیوند می دهد؛ و هم او به آفرینش جهان و عبادت انسان معنا می بخشد و نظام هستی را هدفمند می سازد.

بنابراین غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار و خدای مهربان است، و این سنّت تغییر ناپذیر خداوند متعال در جهان و لازمه اختیار و انتخاب انسان است. از

1- بحار الانوار : ج 51 ص 324 .

این رو انسان با اختیار خود با غدیر و امام معصوم آن یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت می کند؛ از او پیروی می نماید؛ در پرتو مکتب او تربیت می شود؛ در راستای اهداف و آرمان های الهی این مکتب فداکاری می نماید؛ و بر عهد و پیمان خود پایبند است.

در نتیجه آفریدگار او نیز به عهد و پیمان خود وفا می کند، و سعادت دنیا و جهان آخرت را به او ارزانی می دارد که می فرماید: «اَوفوا بِعَهدی اوفِ بِعَهدِکُم»(1): «به عهد من وفا کنید من نیز به عهد شما وفا می نمایم».

سَماعه می گوید: امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه می فرماید: «بِوَلایَهِ اَمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام اوفِ لَکُم بِالجَنَّهِ»(2): «به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وفا کنید، من نیز برای شما به عهد بهشت وفا می کنم».

با عنایت به این روایت نورانی، غدیر با دوران ظهور فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حضرت صاحب الامرعلیه السلام ارتباط مستقیمی دارد. غدیر در دو بُعد جلوه گر شد: بُعد معنوی؛ بُعد دنیایی.

در بُعد معنوی، انسان را در مراتب ایمان و کمال و رشد و تکامل روحی به سوی قرب حضرت حقّ بالا می برد. در بُعد دنیایی بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار انسان قرار می دهد و او را عظمت می بخشد.

همه این موارد با اختیار انسان رقم می خورد و آنگاه که انسان با غدیر بیعت نکرد و یا بیعت آن را شکست و سالار آن را تنها گذاشت، دوران غیبت و محرومیّت از راهنمای پیوند دهنده نظام هستی با آفریدگار و انسان شکل گرفت، و پرده ای میان او و راهنمای مهربان و مربّی هدایتگر افکنده شد، و آفتاب عالمتاب غدیر در پشت

1- بقره: 40 .
2- کافی ج 1 ص 431 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 358

ابرهای سیاه جهل و عناد و کفر و نفاق ماند، و سراسر گیتی را با حکومت غاصب حبتری(1) سیاهی فرا گرفت، و اسرار و رازهای غدیر همچنان در سینه صاحب آن امیر عالم هستی ماند که فرمود: «کانَ لِرَسولِ اللّه صلی الله علیه وآله سِرٌّ لَا یَعلَمُهُ الاّ قَلیلٌ ... وَ لَولا طُغاهُ هذِهِ الاُمَّه لَبَثَثتُ هذَا السِرّ»(2): «پیامبر خداصلی الله علیه وآله رازی داشت که جز اندکی آن را نمی دانستند ... و اگر طاغوت های این امت نبودند، این راز را فاش و منتشر می کردم».

آری، این اسرار جز برای تعداد اندکی از بزرگان و نزدیکترین دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام فاش نشد، چرا که مردم توانِ پذیرش و درک حقایق معنوی را نداشتند. این شیوه در میان معصومین علیهم السلام ادامه داشت تا آنگاه که آخرین وصی امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید که خدای سبحان می فرماید: «وَ اللَّیلِ اِذا یَسرِ»(3): «سوگند به شب آنگاه که سپری شود».

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه می فرماید: «هِیَ دَولَهُ حَبتَرٍ، فَهِیَ تَسرِیَ اِلَی قِیامِ القائِمِ علیه السلام»(4): «منظور از شب همان دولت حبتر است که تا قیام قائم علیه السلام ادامه می یابد».

و آنگاه که انسان در پایان دوران غیبت به خود آمد و به عهد خود وفا کرد، ظهور تحقّق خواهد یافت. به سخن دیگر، اگر مردم به سوی غدیر و آرمان های آن بازگشتند و با نخستین امام معصوم عهد و پیمان دوباره بستند و غدیر در همه جا فراگیر شد، ظهور خواهد شد.

به راستی اگر انسان امروزی به ویژه مسلمانان که در دنیای لبریز از ستم و تباهی و فساد زندگی می کنند، و چنین دنیایی نتیجه دوری از مکتب غدیر و پیمان شکستن با

1- «حبتر» کنایه از نخستین غاصب حقّ خلفای الهی است. ر. ک: بحار الانوار: ج 35 ص 336.
2- بحار الانوار: ج 92 ص 307.
3- فجر: 4 .
4- بحار الانوار: ج 24 ص 78.

صاحب آن و ولایت است از این دنیا خسته و آزرده اند، چاره ای جز بازگشت به غدیر و پیمان مجدّد با صاحب ولایت ندارند، که نتیجه این اقدام خردمندانه حرکت به سوی ظهور خواهد بود که تحقق بخشنده به آرمان های غدیر است. امام عصرعلیه السلام در این زمینه می فرماید:

وَ لَو اَنَّ اَشیاعَنا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطاعَتِهِ عَلَی اجتِماعٍ مِنَ القُلوبِ فِی الوَفاءِ بِالعَهدِ عَلَیهِم لَما تَأَخَّرَ عَنهُمُ الیُمنُ بِلِقائِنا وَ لَتَعَجَّلَت لَهُمُ السَّعادَهُ ...(1)

اگر شیعیان ما که خداوند به طاعت خویش موفقشان بدارد در وفا به پیمانی که با ما دارند یکپارچه و همدل می شدند، هرگز ملاقات ما و سعادت حضور در محضر ما با معرفت حقیقی به تأخیر نمی افتاد و به زودی نصیبشان می شد.

آری، کوتاهی و عدم وفای به عهد و پیمان الهی در روز غدیر، موجب محرومیّت جهان بشری از این فیض بزرگ الهی شد. اینک برای جبران این رفتار، بایستی دست بیعت با وارث غدیر داد؛ چرا که ظهور شکوهمند او آخرین و شیرین ترین مرحله طرّاحی آفرینش است. ظهور او پایان همه ناکامی ها و نابسامانی ها و تلخی های زندگی انسانی است.

فقط در دوران طلایی ظهور حقیقت غدیر برای جهانیان جلوه گر خواهد شد، و انسان ها درخواهند یافت که در تمام دوران هستی خود چه قدر بدان نیاز داشتند، و آنگاه در آن عصر درمی یابند که طعم شیرین زندگی راستین انسانی در کوثر غدیر نهفته بود، که لذّت غدیر در زمزم زلال و گوارای ظهور تجلّی کرده است، و هم اینک رازهای سینه دروازه دانش نبوی حضرت مرتضی علی علیه السلام از زبان ترجمان الهی، حضرت بقیّه اللّه الاعظم علیه السلام رازگشایی می شود، آنجا که به کمیل می فرماید:

1- الاحتجاج: ج 2 ص 499 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 176.

یا کُمَیلُ ! اِنَّ رَسولَ اللَّه صلی الله علیه وآله اَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ اَدَّبَنی، وَ اَنَا اُؤَدِّبُ المُؤمِنینَ وَ اُوَرِّثُ الاَدَبَ المُکَرَّمینَ. یا کُمَیلُ ! ما مِن عِلمٍ اِلاّ وَ َانَا اَفتَحُهُ وَ ما مِن سِرٍّ اِلاّ وَ القائِمُ علیه السلام یَختِمُهُ.(1)

ای کمیل ! به راستی خداوند متعال رسول خداصلی الله علیه وآله را تربیت کرد و هم او به تربیت من پرداخت و من نیز مؤمنان را تربیت می کنم و آداب زندگی را برای مردم گرامی به ارث می گذارم. ای کمیل ! هیچ دانشی نیست مگر آنکه من آن را آغاز کنم و هیچ رازی نیست مگر آنکه قائم علیه السلام پرده از آن برداشته و آن را به پایان می رساند.

آری، در آن زمان، انسان خود و جهان هستی را خواهد فهمید؛ و در آن دوران شکوهمند ساکنانِ باغ سرسبز و پرطراوت ظهور خواهند فهمید که شجره طیبه آفرینش به بار نشسته است، گرچه باغبانِ مهربان از همان آغاز در بیابان های گرم و سوزان غدیر، انسان ها را از کویر گرم و کشنده گمراهی و تباهی شیطان ها و طاغوت ها آگاه ساخت و به این باغِ زندگی بخش و روح افزا فراخواند.

جلوه هایی از غدیر در عصر ظهور

اشاره

اکنون در چند محور به جلوه هایی از غدیر در عصر ظهور نگاهی گذرا داریم:

1 : غدیر نماد حقّ

در جهان هستی دو راه پیش روی انسان قرار دارد که در مسیر زندگی خود با اختیار خویش یکی را برمی گزیند: راه حق؛ راه باطل.

1- تحف العقول: ص 171 ؛ بحار الانوار: ج 74 ص 449 .

حق در لغت به معنای ثبوت، استحکام، صحّت و مطابقت است؛ و هر چه ثابت باشد و هیچ شکی در آن راه نداشته باشد از آن به حقّ تعبیر می نمایند. از طرفی حقّ نقیض باطل است و هر چیز زایل شونده و نابود شدنی را باطل گویند. بنابراین باطل نابود است و حقّ ثابت و ماندنی که هرگز از بین نمی رود و عوض نمی شود و همواره محفوظ است. قرآن کریم می فرماید: «فَما ذا بَعدَ الحَقِّ اِلاَّ الضَّلالُ»(1): «بعد از حق چیزی جز ضلالت و گمراهی وجود ندارد».

غدیر نماد کامل حق را پس از پیامبر خداصلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه کرد. در حدیث شریف که بیش از 20 صحابی آن را از پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله نقل کرده اند و بین شیعه و سنّی قطعی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «عَلِیٌّ مَعَ الحَقِّ وَ الحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ»(2): «علی همراه با حق است و حق همراه علی است». جلوه کامل این نماد حق آنگاه خواهد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

اِذا نادی مُنادٍ مِنَ السَّماء: أنَّ الحَقَّ فی آلِ مُحَمَدٍعلیهم السلام، فَعِندَ ذلِکَ یَظهَرُ المَهدیَّ عَلی افواهِ النّاسِ وَ یَشرَبونَ ذِکرَهُ فَلا یَکونُ لَهُم ذِکرٌ غَیرُهُ.(3)

آنگاه که منادی آسمانی بانگ برآورد: به راستی حق با آل محمدعلیهم السلام است، نام مقدس مهدی علیه السلام بر سر زبان ها می افتد و مهر و محبت او در دل ها جای می گیرد و کاری جز یاد او نخواهند داشت.

و در این هنگام این آیه کریمه تأویل خواهد شد که «جاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زَهوقاً»(4): «حق آمد و باطل نابود شد؛ به یقین باطل نابود شدنی است».

1- یونس: 32.
2- الاحتجاج: ج 1 ص 75.
3- الملاحم والفتن: ص 59 ؛ منتخب الاثر: ج 215 ح 66 .
4- اسراء: 81 .

امام باقرعلیه السلام می فرماید: «اِذا قامَ القائِمُ علیه السلام ذَهَبَت دولَةُ الباطِلِ»(1): «آنگاه که حضرت قائم علیه السلام قیام کند دولت باطل نابود خواهد شد».

آری چرخ گردون هماره به کام ستمگران نخواهد چرخید و کابوس خفقان و اختناق برای همیشه زندگی انسان ها را تیره و تار نخواهد ساخت؛ و به زودی روزگاری فراخواهد رسید که در آن روزگار طومار ستم در هم خواهد پیچید و پرچم حقّ بر فراز پهنه گیتی به اهتزاز در خواهد آمد. باش تا صبح دولتش بدمد ...

2 : غدیر و عدالت علوی

قرآن کریم به هنگام سخن از هدف از بعثت انبیاء عدالت و دادگری را مطرح می کند و می فرماید: «لَقَد اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّناتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسطِ»:(2) «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حقّ از باطل فرو فرستادیم، تا مردم به عدالت قیام کنند».

برنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز که سرآمد و خاتم پیامبران الهی است، اجرا و پیاده کردن قسط و عدل در بین مردم بود؛ که با تحقق گلواژه عدالت و دادگری در بُعد فردی و اجتماعی، انسان گمشده خود در تمام قرون و اعصار را به دست می آورد.

عدالت نبوی با همه ابعادش به وسیله خداوند متعال توسط رسول اکرم صلی الله علیه وآله به نَفسِ نفیس ایشان حضرت علی علیه السلام واگذار شد و به طور عملی و نظری با همه ابعادش به دست جانشینان معصوم علیه السلام - هر چند محدود - استمرار یافت، تا در عصر ظهور با دست توانای حضرت امام مهدی علیه السلام عدالت و دادگری به طور کامل در پهنای گیتی اجرا و پیاده شود، و زمین و زمان از عدالت و دادگری لبریز گردد؛ و انسان آن عصر با تمام

1- کافی: ج 8 ص 288 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 313 .
2- حدید: 25 .

وجود عدالت حقیقی را که هماره در زلال فطرت خود با آن آشنا بوده اما در هیچ دورانی آن را ندیده بود، احساس و ادراک کند.

عملکرد حکومت های باطل پس از پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله و عدم پیروی از سنّت و روش آن حضرت، جامعه مسلمانان را به مسیری سوق داده بود که دست عدل الهی امیرالمؤمنین علیه السلام را بسته بود، و به جهت عدم کشش جامعه حضرتش از این روند گله و شکوه می نمودند. شیخ کلینی در این زمینه سخنرانی بسیار جانسوزی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند.(1)

اما با این وصف در سخنی زیبا، پیامبر خداصلی الله علیه وآله عدل علوی را چنین بازگو می کند و خطاب به جانشین خود می فرماید:

اَنتَ اَوَّلُهُم اِیماناً وَ اَوفاهُم بِعَهدِ اللَّهِ وَ اَقوَمُهُم بِاَمرِ اللَّهِ وَ اَقسَمُهُم بِالسَّوِیَّهِ وَ اَعدَلُهُم فِی الرَّعِیَّهِ.(2)

تو نخستین کسی بودی از آنان که ایمان آوردی و به عهد الهی از همه آنان باوفاتر و در انجام دستورات الهی از همه پایدارتری و در تقسیم بیت المال از همه بیشتر مساوات را در نظر می گیری و نسبت به رعیّت عادل تر هستی.

عدالت و دادگری امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران چند ساله حکومت ظاهری خود ضرب المثلی برای نسل های بعد شد، اما خط سقیفه و باطل گرایان تا روز ظهور راه عدل و داد را مسدود کردند؛ و در سایه ظلم و جور و بیداد چیزی جز تباهی انسان و انحراف او از صراط مستقیم و دگرگونی هویت راستین انسان به جهان ارائه ندادند.

1- برای آگاهی بیشتر ر.ک: روضه کافی: ص 58 ح 21.
2- الخصال: ج 2 ص 363 .

غافل از آنکه خط راستین غدیر که در پی عدل الهی است، رستگاری و نیکبختی و کمال را برای انسان ها رقم می زند، و پایان آن نیز مرحله ای زیبا و شیرین و دیدنی خواهد بود.

از این رو خلف صالح امیرالمؤمنین علیه السلام آن ذخیره الهی و معرفی شده در روز غدیر، با پرچم عدل و داد علوی ظهور خواهد کرد؛ و عدالت فراگیر و همه جانبه را در جهان هستی برقرار خواهد کرد. در این زمینه روایات و دعاهای فراوانی رسیده که مهدویت و عدالت قرین یکدیگرند.

به سخن دیگر، مهدی علیه السلام یعنی عدالت، و عدالت همه جانبه و فراگیر یعنی مهدی علیه السلام. امام مهدی علیه السلام همان حاکم معصوم و دادگر در پهنه گیتی و آخرین پناه انسان در جهانی لبریز از ظلم و ستم است، که مردم خسته از این دوران به او پناه می آورند.

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله در توصیف عدالت در زمان فرزندش حضرت امام مهدی علیه السلام می فرماید:

تَأوی اِلَیهِ اُمَّتُهُ کَما یَأوِی النَّحلُ الی یَعسوبِها، یَملأُ الاَرضَ عَدلاً کَما مُلِئَتِ جَوراً حَتّی یَکونَ الناسُ عَلی مِثلِ امرِهِمُ الاوَّل، لا یوقَظُ نائِماً وَلا یُهرِقُ دَماً. (1)

مردم به مهدی مهر می ورزند و به او پناه می برند؛ آن سان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند. او عدالت را در سراسر گیتی می گستراند چنان که از ستم پر شده باشد؛ به گونه ای که صفا و صمیمیّت دوران آغاز اسلام را به آنها باز می گردد. هیچ خفته ای را بی جهت بیدار نمی کنند و هیچ خونی به ناحقّ ریخته نمی شود».

1- منتخب الاثر: ص 478 ؛ الملاحم و الفتن: ص 70 .

به راستی روزگار رهایی و درخشان ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام دیدنی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف آن روزگار با شکوه و تقابل آن با روزگار ناهمگون مدّعیان عدالت و باطل گرایان به ناحقّ، درباره دادگری فرزندش می فرماید:

یَعطِفُ الهَوی عَلَی الهُدی اِذا عَطَفوا الهُدی عَلَی الهَوی، وَ یَعطِفُ الرَّأْیَ عَلَی القُرآنِ اِذا عَطَفوا القُرآنَ عَلَی الرَّأیِ ... فَیُریکُم کَیفَ عَدلُ السّیرَهِ؛ وَ یُحیی مَیِّتَ الکِتابِ وَ السُّنَّهِ.(1)

آنگاه که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند او امیال نفسانی را به هدایت بر می گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند او آراء و افکار را به قرآن باز می گرداند، و به شما مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود. او آموزه های فراموش شده قرآن و سنّت را زنده می نماید.

در سخن دیگر امام باقرعلیه السلام در توصیف دادگری مهدی اهل بیت علیه السلام می فرماید: «اِذا قامَ قائِمُ اَهلِ البَیتِ قَسَّمَ بِالسَّوِیَّهِ، وَ عَدَلَ فِی الرَّعِیَّهِ، فَمَن اَطاعَهُ فَقَد اَطاعَ اللّهَ وَ مَن عَصاهُ فَقَد عَصَی اللّهَ ...»(2): «هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کند مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را میان رعیّت و مردم اجرا می نماید. هر کس از او اطاعت کند در واقع از خدا اطاعت کرده و هر کس از او نافرمانی کند در واقع از خدا نافرمانی کرده است.

روشن است که سخن درباره عدالت حضرت امام مهدی علیه السلام و جلوه آن در عصر شکوهمند امام مهربانی ها، فراوان است که در جای خود به تفصیل بایستی در عرصه

1- نهج البلاغه: خطبه 138 ؛ بحار الانوار: ج 31 ص 549 ، ج 51 ص 130.
2- الغیبه، نعمانی: ص 243 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 351 .

نظری از نظر ماهیت، مبانی، ابعاد، شاخص ها، آثار و ... و در عرصه عملی از نظر شیوه های اجرا، نمونه ها و مصادیق آن مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

3 : عصر ظهور و جلوه هایی از سیره علوی

تردیدی نیست که دوران ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام در واقع استمرار حرکت پیامبران و امامان و اهداف و آرمان های آنان، همان اهداف و آرمان های پیامبران الهی و پیشوایان معصوم علیهم السلام است.

به تعبیر دیگر، حضرت امام مهدی علیه السلام ادامه دهنده راه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله، علی مرتضی، فاطمه زهرا و دیگر ائمه اطهارعلیهم السلام است، و در یک سخن استمرار نبوّت و امامت است.

از این روست که در روایات فراوانی از سیره و روش هدایتگری حضرت امام مهدی علیه السلام سخن به میان آمده و سیره آن حضرت همان سیره رسول خدا و علی مرتضی علیه السلام بیان شده است. در روایتی بسیار زیبا امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید: «اَن یَسیرَ فیهِم بِسیرَهِ رَسولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، وَ یَعمَلَ فیهِم بِعَمَلِه ...»(1): «مهدی علیه السلام در میان آنان به سیره پیامبر خداصلی الله علیه وآله رفتار می کند و راه و روش او را انجام می دهد».

در سخن دیگری حَمّاد بن عثمان می گوید: پیشوای ششم حضرت امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «اِنَّ قائِمَنا اَهلَ البَیتِ علیهم السلام اِذا قامَ لَبِسَ ثِیابَ عَلِیٍ علیه السلام وَ سارَ بِسیرَهِ عَلِیٍ علیه السلام»(2): «هنگامی که قائم ما اهل بیت علیهم السلام قیام کند همچون علی علیه السلام لباس خواهد پوشید و به سیره و روش علی علیه السلام رفتار خواهد کرد».

1- الارشاد، شیخ مفید: ص 391 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 337.
2- کافی: ج 1 ص 411 ؛ بحار الانوار: ج 40 ص 336 .

بنابر روایت دیگر، حتی شیوه زندگی حضرت علی علیه السلام در عصر ظهور در زندگی حضرت امام مهدی علیه السلام جلوه می کند. در حدیثی آمده است: «یَسیرُ بِسیرَهِ رسولِ اللَّه صلی الله علیه وآله، وَلا یَعیشُ اِلاّ عَیشَ اَمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام»(1): «او از سیره جدّش رسول خداصلی الله علیه وآله پیروی می کند، ولی شیوه زندگی او همچون شیوه زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام است».

4 : رفاه همگانی و نزول برکات آسمانی

به راستی اگر همه مردم دنیا با اختیار خود غدیر را می پذیرفتند و از امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزند آن بزرگوار پیروی می کردند، جهان هستی امروزه جلوه دیگری داشت. مردم در یک مسیر مستقیم الهی به سوی کمال و سعادت دنیا و آخرت حرکت می کردند و خیر و نیکی زندگی آنان را فرا می گرفت.

چرا که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «اِن ذُکِرَ الخَیرُ کُنتُم اَوَّلَهُ وَ اَصلَهُ وَ فَرعَهُ وَ مَعدِنَهُ وَ مَأواهُ وَ مُنتَهاهُ»(2): «آنگاه که سخن از خیر و نیکی شود، شما آغاز آن و اصل و فرع و معدن و جایگاه و پایان آن هستید».

در آن دوران، از فقر و گناه و ستم و جور و ذلّت و سرکشی خبری نخواهد بود. مردم هر زمان با امام در ارتباط بوده، و برکات از آسمان بر آنان فرو خواهد ریخت و زمین برکات خود را بر مردم آشکار خواهد ساخت. حضرت فاطمه زهراعلیها السلام در این زمینه در سخن گهرباری می فرمایند:

وَ تَاللَّهِ لَو مالوا عَنِ المَحَجَّهِ اللاّئِحَهِ وَ زالوا عَن قَبولِ الحُجَّهِ الواضِحَهِ لَرَدَّهُم اِلَیها وَ حَمَلَهُم عَلَیها وَ لَسارَ بِهِم سَیراً سُجُحاً ... وَ لَبانَ لَهُمُ الزّاهِدُ مِنَ الرّاغِبِ،

1- روزگار رهایی: ج 1 ص 502 .
2- فرازی از زیارت جامعه کبیره.

وَ الصّادِقُ مِنَ الکَاذِبِ «وَ لَو اَنَّ اَهلَ القُری آمَنوا وَ اتَّقَوا لَفَتَحنا عَلَیهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الاَرضِ وَ لکِن کَذَّبوا فَاَخَذناهُم بِما کانوا یَکسِبونَ(1).

به خدا سوگند ! اگر تمام امت از راه سعادت منحرف شده و از پذیرش راه روشن خودداری می کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام همه آنان را به راه می آورد و به آرامی و صحیح و سالم به سعادت و خوشبختی می کشاند؛ به گونه ای که نه خود خسته شود و نه آنان ملول گردند. در نهایت آنان را به سرچشمه آبی گوارا و مطلوب و عاری از هر خس و خاشاک می رساند و سیراب باز می گرداند و در پنهان و آشکارا آنها را نصیحت می نمود ... در آن هنگام زاهد از دنیا طلب و راستگو از دروغگو تمیز داده و شناخته می شد. (خداوند می فرماید:) «اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، البته درهای آسمان را به رحمت و برکات به روی آنان می گشودیم و به زمین اجازه می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد، ولی مردم آیات الهی را تکذیب کردند و به اعمال زشت پرداختند، ما نیز آنان را به کیفر زشتشان مجازات کردیم.(2).

اَسفا که مردم - جز اندکی - غدیر را نپذیرفتند و از فرمان پیامبر او درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و هدایتگران پس از او اطاعت نکردند و دروازه شهر علم نبوی را بستند و جهان هستی را با ایجاد ابرهای سیاه در برابر آفتاب امامت به تاریکی نشاندند. هدایتگران را پس از پیامبرِ رحمت خانه نشین نمودند، و جوامع بشری را به صورت آشکار از بهره گیری از این انوار محروم ساختند و دوران آخر الزمان را تشکیل دادند که در آن دوران مردم به علّت قطع ارتباط با امام زمانشان به انواع و اقسام گناهان و آلودگی ها مبتلا هستند و در زندگی خویش گناهان را با فقر و بیماری و سختی تاوان می دهند.

1- اعراف: 96 .

2- الاحتجاج، شیخ طبرسی: ج 1 ح 50 ؛ بحار الانوار: ج 43 ص 159 .

اما در عصر ظهور این ایده امیرالمؤمنین علیه السلام و این آرمان غدیری به منصه ظهور و بروز می رسد، و به دست با کفایت فرزند برومندش امام مهدی علیه السلام رفاه همگانی سراسر جهان را فرا می گیرد. جهان آباد می گردد و مردم از همه مواهب الهی برخوردار می شوند و در سایه آن به کمالات عالی می رسند.

امام باقرعلیه السلام در سخن زیبایی از امام حسین علیه السلام در وصف آن عصر چنین نقل می کند:

وَ لا یَبقی عَلی وَجهِ الاَرضِ اَعمی وَ لا مُقعَدٌ وَ لا مُبتَلی اِلاّ کَشَفَ اللَّهُ عَنهُ بَلاءَهُ بِنا اَهلِ البَیتِ وَ لَیَنزِلَنَّ البَرَکَهُ مِنَ السَّماءِ اِلَی الاَرضِ حَتّی اَنَّ الشَجَرَهَ لَتَقصِفُ بِما یُریدُ اللَّهُ فیها مِنَ الثَّمَرَهِ ... وَ ذلِکَ قَولُهُ تَعالی: «وَ لَو اَنَّ اَهلَ القُری آمَنوا وَ اتَّقَوا لَفَتَحنا عَلَیهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الاَرضِ وَ لکِن کَذَّبوا فَاَخَذناهُم بِما کانوا یَکسِبون».(1)

در آن دوران در روی زمین نابینا و زمین گیر و مبتلایی نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا را از او برطرف می کند، و چنان برکت از آسمان به زمین نازل می شود که شاخه درخت از زیادی میوه می شکند ... و این است معنای گفتار خداوند متعال که می فرماید: «اگر مردمِ شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند؛ البته درهای آسمان را به رحمت و برکات به روی آنان می گشودیم، و به زمین اجازه می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد، ولی مردم آیات الهی را تکذیب کردند و به اعمال زشت پرداختند. ما نیز آنان را به کیفر زشتشان مجازات کردیم».(2)

1- اعراف: 96 .
2- الخرائج: ج 2 ص 850 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 63 .

در سخن دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

یَرضی عَنهُ ساکِنُ السَّماء وَ ساکِنُ الاَرض، لا یَدَعُ السَّماءُ مِن قَطرِها شَیئاً اِلاّ صَبَّهُ مِدراراً، وَ لا یَدَعُ الاَرضُ مِن نَباتِها شَیئاً اِلاّ اَخرَجَتهُ حَتّی یَتَمَنَّی الاَحیاءُ الاَمواتَ لِیَرَوُا العَدلَ ...».(1)

ساکنان زمین و آسمان به او خشنود می شوند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهان خود را می رویاند، تا جایی که زنده ها آرزو می کنند: ای کاش! مردگان آنها زنده بودند و عدالت را مشاهده می کردند».

5 : فراخوان به ولایت علوی

از مسائل مهم و حیاتی که به طور کامل در عصر باشکوه ظهور حضرت بقیه اللّه الاعظم علیه السلام تجلّی می کند، مسئله امامت و ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان آن بزرگوار است. مسئله امامت و ولایت جزء برنامه تبلیغی پیامبران الهی و از مهم ترین مأموریت های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

این مسئله سرنوشت ساز از عالم نور تا روز انذار و از روز انذار تا روز غدیر، در جای جای رسالت الهی پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله قرار داشت و آن بزرگوار در هر فرصت و موقعیّت و در میان هر گروه و جماعت و در هر جنگ و نبردی از این حقیقت پرده بر می داشت و با عبارات و کلمات مختلف آن را به دیگران می رساند.

ارزش و جایگاه این مسئله مهم آنگاه روشن می شود که ملاحظه می کنیم خدای سبحان با سنجش الهی خویش تمام رسالت پیامبر خود را در کفّه ای از ترازو قرار می دهد و مسئله امامت و ولایت علی علیه السلام را در کفّه دیگر قرار داده، و اعلام می دارد در

1- التشریف بالمنن: ص 146 ح 175 ، بحار الانوار: ج 51 ص 104 .

صورتی که پیامبرصلی الله علیه وآله در روز غدیر این مسئله مهم را به صورت رسمی و علنی در اجتماع باشکوه مسلمانان اعلام نکند، رسالت او بی ثمر باقی خواهد ماند.

البته پیشوایان معصوم علیه السلام نیز در طول دوران امامت خویش اهتمام ویژه ای به این امر مهم و حیاتی داشتند؛ به گونه ای که در دوران غیبت نیز جرعه نوشان خمّ غدیر رسالت مهمی را در این باره به دوش داشته و نسل به نسل این فرهنگ اصیل الهی را زنده و پابرجا نگاه داشته و بدین وسیله با امام زمان خویش ارتباط معنوی برقرار می کنند.

اما اوج این مسئله آنگاه خواهد بود که در عصر ظهور، امام مهدی علیه السلام مردم را به طور عموم و فراگیر به این مسئله مهم فراخواهد خواند. امام باقرعلیه السلام در سخنی طولانی به بخشی از برنامه های حیاتی امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور می پردازد و با تعبیر بسیار لطیفی می فرماید:

وَاللَّهِ لَکَأَنّی اَنظُرُ اِلَیهِ وَ قَد اَسنَدَ ظَهرَهُ اِلَی الحَجَرِ ثُمَّ یَنشُدُ اللَّهَ حَقَّه ... فَیَدعُو النّاسَ اِلی کِتابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ نَبِیِّهِ عَلَیهِ وَ آلِهِ السَّلامُ وَ الوَلایَهِ لِعَلِیِّ بنِ اَبی طالِبٍ وَ البَراءَهِ مِن عَدُوِّهِ.(1)

گویی می بینم او را که به حجر الاسود تکیه داده و مردم را به حقّ خود سوگند می دهد ... او مردم را به سوی کتاب خدا، سنّت پیامبر او، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمنان او فرا می خواند.

به راستی اگر مردم در همان فراخوانی غدیر، ولایت و امامت را با جان و دل و از روی اختیار می پذیرفتند، دیگر دوران غیبت شکل نمی گرفت و این همه لکه های ننگ در صفحه تاریخ در اثر جنایات سقیفه نشینان باقی نمی ماند.

1- تفسیر عیّاشی: ج 2 ص 57 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 342 .

غدیر و ظهور و منتظران

اینک سخن پایانی با ره پویان غدیر و منتظران ظهور آخرین نور غدیر است. غدیر از همان زمان همچون چشمه ای در بیابان می جوشد، و ما باید برای رساندن پیام حیاتبخش این چشمه جوشان، چون رودهای خروشان بخروشیم؛ و در ابلاغ آن به مردمان با تمام توان از دل و جان بکوشیم، و پیام آسمانی پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله را ابلاغ کنیم. آن حضرت با تأکید بسیار و نهایت اصرار فرمود: «فَلیُبَلِّغِ الحاضِرُ الغائِبَ وَ الوالِدُ الوَلَدَ اِلی یَومِ القِیامَهِ»(1): «هان ای مردمان! این پیام و اعلام مرا درباره ولایت علی علیه السلام باید هر که حاضر است به آنکه غایب است و هر پدری به فرزندش تا دامنه قیامت برساند».

آنگاه با شناخت به نخستین حجت الهی یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام تا آخرین حجّت الهی یعنی صاحب الزمان علیه السلام، کمر همت به یاری آنان ببندیم؛ چرا که غدیر آغاز ظهور است و ظهور پایان غدیر!

بیعت با ظهور همان بیعت با غدیر است که منتظِر ظهور می گوید: ای آخرین یادگار غدیر و ای امام مهربانی ها! در دوران دردناک هجران شما چشم دل ما به نور الهی شما روشن است. ما با همان نور غدیر در پی ظهور خواهیم بود و برای فرا رسیدن دوران شکوهمند ظهور تلاش خواهیم کرد، تا از چشمه ساران زلال ولایت غدیر و ظهور بهره مند شویم، ان شاء اللّٰه.

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم

2 . الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.

3 . الارشاد، شیخ مفید، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

1- الاحتجاج، طبرسی: ج 1 ص 62 ؛ بحار الانوار: ج 37 ص 211 .

ص: 140

4 . بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

5 . تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله، ابن شعبه حرانی، ناشر: جامعه مدرسین، مکان چاپ: قم، چاپ دوم، 1404 ق.

6 . التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (المعروف بالملاحم و الفتن)، رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، قم: موسسه فرهنگی حضرت صاحب الامرعلیه السلام.

7 . تفسیر العیاشی ، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه تهران، 1380 ق.

8 . الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، 1409 ق.

9 . الخصال، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1362 ش

10 . روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، چاپ اول، 1381 ش.

11 . روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر: انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، نوبت چاپ: اول، بی تا.

12 . الغیبه للحجه، شیخ طوسی، ناشر: دار المعارف اسلامی، قم، چاپ اول، 1411 ق.

13 . الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1362 ش.

14 . کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1395 ق.

15 . نهج البلاغه، سید رضی.

ظهور، تجلی اهداف خلقت با تحقق غدیر : محمد حسین یوسفی

چکیده

1 . هدف از خلقت، معرفت به مبدأ آفرینش و عبودیت و پرستش و شکر خدا و موفقیت در آزمایش الهی است.

2 . رسیدن به اهداف مذکور جز با تعلیم معصومین علیهم السلام میسّر نیست.

3 . طبع انسان گرایش به شهوت پرستی دارد. اکثر انسان ها با تشکیل کلاس هایی که تعالیم الهی دارد مخالفت می کنند، چرا که تحقق آن اهداف مقاصد شهوت پرستان را به خطر می اندازد.

4 . بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله برای تحقق همه آن چیزی بود که ظالمین در طول تاریخ مانع می شدند، چرا که می فرماید: «لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ ...».

5 . عدم تحقق غلبه بر همه ادیان در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله لازمه اش اعلام غدیر و مژده تحقق آن در آینده بود.

6 . پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر وقتی به انتها می رسد با کلماتی واضح و مفصل از منجی عالم یاد می کند که همه خبر از فتح است.

7 . حقیقت چیزی جز این نبود که رهبری معصوم با اداره امور دین و دنیای مردم، آنان را به سعادت برساند.

8 . اهدافی که در عصر ظهور تحقق می یابد بر اساس «اِذا دَعاکُم لِما یُحییکُم» است، که حیات مادی و معنوی بشر در گرو آن است.

9 . حیات عصر ظهور در سایه چند چیز است:

- نشر علم حقیقی بین همه مردم.

- کمال عقول برای درک تربیت الهی.

- برچیدن افکار و عقاید و ادیان باطل.

- به حاکمیت رسیدن پاکان و نیکان.

- قدرت بر عمل صالح به بهترین وجه.

- قبولی در امتحان الهی به آسانی.

مقدمه

خلقت انسان دارای اهدافی بلند و عالی است، که به این اهداف در متن آیات قرآن اشاره شده است:

1 . رسیدن به علم و معرفت، آشنا شدن با مبدأ آفرینش، آموختن رسم و رسوم عبودیت و فراگرفتن رمز و راز بندگی.(1)

2 . پرستش حقّ و کرنش در برابر خالق هستی، عبادت پروردگار و شکر نعمت های خداوند، سر ستودن به آستان مولای حقیقی و عمل کردن به وظایف بندگی؛ و در نتیجه رسیدن به رحمت خاص خداوند و بهره مند شدن از الطاف خاصه او.(2)

1- در این باره خداوند می فرماید: «اللّه ُ الَّذی خَلَقَ سَبعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الاَرضِ مِثلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الامرُ بَینَهُنَّ لِتَعلَموا اَنَّ اللّه َ عَلی کُلِّ شَی ءٍ قَدیرٌ وَ اَنَّ

اللّه َ قَد اَحاطَ بِکُلِّ شَی ءٍ عِلما». طلاق: 12 .
2- خداوند در این زمینه می فرماید: «وَ ما خَلَقتُ الجِنَّ وَ الاِنسَ اِلاّ لِیَعبُدونِ». الذاریات: 56 ؛ و نیز می فرماید:«وَ لَوِ شاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النّاسَ اُمَّةً واحِدَةً وَ لا یَزالونَ مُختَلِفینَ ، اِلاّ مَن رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُم». هود: 118 119 .

3 . موفق گشتن در آزمون های خداوند، نمره قبولی آوردن در تمام امتحانات آفریدگار و پیروزی در میدان عمل و بهترین عمل را تحویل خالق هستی دادن است.(1)

رسیدن به این اهداف بلند، بدون تعلیم و تعلّم و شرکت در کلاس های تربیتی خاص که از سوی مربیان پاک و معصوم برگزار می گردد، برای احدی میسّر نیست.

رسالت انبیاء و اهداف خلقت

علاوه بر هدف خلقت، یکی از مهمترین اهداف خداوند از نازل نمودن کتب آسمانی و فرستادن انبیاء و رسولان الهی، دست یافتن انسان به چنین امور ارزشمندی است، اما با توجه به این که طبع بشر گرایش به تن پروری، شهوت رانی، و جمع ثروت و طلب ریاست دارد.

در طول تاریخ ظهور انبیاء و اوصیاء، اکثر انسان ها با تشکیل چنین کلاس ها و تحقق چنین تربیت هایی در جامعه بشریت مبارزه می کردند و مانع از به ثمر نشستن زحمات طاقت فرسای انبیا و اوصیا می شدند؛ چرا که تحقق این اهداف در آحاد مردم، منافع حکام جور و مطامع ثروت اندوزان بی درد و شهوت رانان حیوان صفت را به خطر می انداخت. بدین خاطر با تمام وجود به جنگ خدا و رسولان پاک او برمی خاستند و از ظهور یافتن اهداف خلقت در جامعه و محقّق گشتن اغراض نبوت و امامت در آحاد مردم جلوگیری می کردند.

این وعده قطعی خداوند در تمام کتب آسمانی است که روزی بر بشر خواهد گذشت که این اهداف جامه عمل پوشیده و حکومت عادله واحده در کره زمین پیاده

1- در این باره خداوند می فرماید: «الَّذی خَلَقَ المَوتَ وَ الحَیاةَ لِیَبلُوَکُم اَیُّکُم اَحسَنُ عَمَلاً وَ هُوَ العَزیزُ الغَفورُ» ملک: 2 .

شود، و در سایه آن حکومت و سلطنت اهداف خلقت یکی پس از دیگری عملی گردد.

هدف از بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برترین پیامبر مرسل و کامل ترین فرد بشر، و دین اسلام کامل ترین دین الهی و قرآن کریم جامع ترین کتاب آسمانی است. اهداف یاد شده در این کتاب آسمانی بیش از سایر کتب مورد تأکید قرار گرفته و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بهترین گزینه و آخرین فرستاده خداوند برای تحقق این اهداف معرفی می گردد؛ آنجا که می فرماید: «ما کانَ مُحَمَّدٌ اَبا اَحَدٍ مِن رِجالِکُم وَلکِن رَسولَ اللّٰهِ وَ خاتَمَ النَّبیّینَ»(1): «محمدصلی الله علیه وآله پدر هیچیک از مردان شما نیست، ولی رسول خدا و خاتم همه پیامبران است».

هدف خداوند از فرستادن چنین پیامبری پیروز گشتن و حاکم شدن دین اسلام بر تمام ادیان شمرده شده، آنجا که می فرماید: «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(2): «اوست خدایی که رسول خود را با اسباب هدایت (که در اختیارش قرار داده) و دینی که حقّ است، به سوی مردم فرستاده تا او را بر همه ادیان غالب و پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

در این آیه، خداوند رسولش را با این هدف به سوی مردم می فرستد که دین اسلام را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند و حکومت پیامبرش وسیله ای باشد برای سرکوب قدرتمندان و جباران و گردن کشان، تا بتواند اهداف خداوند از آفرینش

1- احزاب: 40 .
2- توبه: 33 .

انسان را جامه عمل بپوشاند و بشریت را به غرض غایی خلقت علم و معرفت و بندگی و عبادت و انجام بهترین عمل با موفقیت و دست یابی انسان به رحمت خداوند برساند.

از سویی با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی زمان بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله که بعد از طی شدن دوره فترت(1) بود، دست یافتن به قدرت و حکومتی که توان اجرای اهداف یاد شده را داشته باشد، غیر ممکن می ساخت. علی الخصوص که بنای اولیه خداوند و سیره مستمره رسول او بر پیشبرد طبیعی دین اسلام و بیان تدریجی احکام بود.

بر این اساس، هدف دنبال شده از بعثت و رسالت که غلبه دین خدا بر تمام ادیان و تحقق حکومت عادله واحده بود، به خاطر نخواستن اکثریت مردم محقق نشد. هر چند این هدف به صورت جزئی و مقطعی در منطقه جزیره العرب محقق شد، اما هدف اصلی غلبه دین اسلام در همه کره زمین بر تمام ادیان بود که عملی نگردید. هر چند پیامبرصلی الله علیه وآله از تمام این وقایع باخبر بود، اما طبق وظیفه الهی خویش می بایست تلاش خود را بکند تا هم عذری در برابر خداوند از محقّق نشدن هدف یاد شده داشته باشد، و هم حجتی باشد در برابر مردمی که زیر بار نرفته بودند و با او به جنگ برخاسته بودند.

تعیین خلیفه و اهداف خلقت

یکی از تلاش های پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله برای تحقق این هدف به طور کامل، تعیین خلیفه و جانشین برای خود بود که تمام توانمندی های علمی و عملی پیامبرصلی الله علیه وآله را دارا

1- «فترت» چند سال بعد از حضرت عیسی علیه السلام که وحیی بر مردم نازل نشد و پیامبری در میان مردم نبود و مردم به افکار جاهلیّت و اوهام بربریت برگشته بودند.

باشد. به تعبیر قرآن در آیه مباهله(1) نفس پیامبرصلی الله علیه وآله بوده، و تمام صفات کمالیه آن بزرگوار در وجودش به کمال رسیده باشد.

پس غرض اصلی خدا و رسول صلی الله علیه وآله از تعیین جانشین برای کامل ترین پیامبرصلی الله علیه وآله، انتخاب شخصی است که بتواند اهداف خلقت و اغراض نبوت و رسالت را در عالم محقق سازد؛ و این مطلبی است که از متن آیات قرآن و صریح کلام رسول خداصلی الله علیه وآله استفاده می شود.

در صحرای غدیر، آنگاه که پیامبرصلی الله علیه وآله در آخرین سال عمر خویش به معرفی رسمی جانشین خود می پردازند، اولین مطلبی را که بعد از بیان دستور و تأکید خداوند نسبت به معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام گوشزد مردم می کنند، مسئله ولایت کلیه مطلقه آن حضرت است، که بعد از ولایت خدا و رسول صلی الله علیه وآله در قرآن مطرح شده و او را ولی مطلق خدا بر بندگان و صاحب سلطنت و حکومت بر اموال و انفس خلائق می شمارد آنجا که می فرماید:

ای مردم ! ... جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شده و از طرف خداوند پس از ابلاغ سلام پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این اجتماع بپاخیزم و به هر سفید و سیاه اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و وصی و جانشین من در امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است، جز این که پیامبری بعد از من نیست، و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسول است. و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «اِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَ رَسولُهُ وَ الَّذینَ آمَنوا الَّذینَ یُقیمونَ

1- خداوند در قصه مباهله پیامبر صلی الله علیه و آله با نصارای نجران، در آیه 61 سوره آل عمران، امیرالمؤمنین علیه السلام را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده و می فرماید: «فَمَن حَاجَّکَ فیهِ مِن بَعدِ ما جاءَکَ مِنَ العِلمِ فَقُل تَعالَوا نَدعُ اَبناءَنا وَ اَبناءَکُم وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ اَنفُسَنا وَ اَنفُسَکُم ثُمَّ نَبتَهِل فَنَجعَل لَعنَةَ اللّٰهِ عَلَی الکاذِبینَ».

الصَّلاةَ وَ یُؤتونَ الزَّکاةَ وَ هُم راکِعونَ»(1): «همانا ولیّ و سرپرست و صاحب اختیار شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان به خدا آورده باشند، همان ها که نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند». و علی بن ابی طالب علیه السلام است که نماز را بپا داشته، و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خدا را قصد می کند.(2)

در چند فراز بعد از این می فرماید: «مَعاشِرَ النّاسِ لا تَضِلُّوا عَنهُ وَ لا تَنفِروا مِنهُ وَ لا تَستَنکِفوا عَن وَلایَتِهِ، فَهُوَ الَّذی یَهدی اِلَی الحَقِّ وَ یَعمَلُ بِهِ وَ یُزهِقُ الباطِلَ وَ یَنهی عَنهُ وَ لا تَأخُذُهُ فِی اللّهِ لَومَهُ لائِمٍ»: «ای مردم! از علی به سوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی برنگردانید و از ولایت او سرباز نزنید، اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای مانع او نمی شود».(3)

اهداف خلقت در سایه ولایت و حکومت امام

در فرازهای بعد از این، آنگاه که به معرفی فرزندان معصوم از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کند، در مقام معرفی مقام و شخصیت آنان چنین می فرماید:

مَعاشِرَ النّاسِ اِنَّ عَلیّاً وَ الطَّیِّبینَ مِن وُلدی هُمُ الثَّقَلُ الاَصغَرُ وَ القُرآنُ الثَّقَلُ الاَکبَرُ، فَکُلُّ واحِدٍ مُنبِئٌ عَن صاحِبِهِ وَ مُوافِقٌ لَهُ، لَن یَفتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوضَ. هُم اُمَناءُ اللّهِ فی خَلقِهِ وَ حُکَماؤُهُ فی اَرضِهِ.

1- مائده: 55 .
2- روضه الواعظین: ج 1 ص 89 ؛ الاحتجاج: ج 1 ص 66 ؛ الیقین: ص 343 باب 127.
3- الاحتجاج، طبرسی: ج 1 ص 60 .

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند، و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. آگاه باشید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.(1)

در این فرازها پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، توجه مردم را به این نکته فرا می خواند که علی بن ابی طالب و فرزندان پاک او امامانی هستند، که ولایت و حکومت و سلطنت بر نفوس و اموال مردم بعد از او حقّ آنان است.

آری، در سایه ولایت و حکومت ولیِّ معصوم است که جامعه انسانی با رسوم عبودیت آشنا شده، از ظلمت جهل و نادانی نجات یافته و به نور علم و معرفت دست می یابد. از تاریکی کفران و دوگانه پرستی رهیده و به روشنایی یکتاپرستی و خداشناسی رو می آورد. از جهنم گمراهی و منجلاب فسادهای اخلاقی رها گشته و به راه روشن هدایت و سعادت و بهشت کرامت های اخلاقی راه می یابد.

امام عصرعلیه السلام وارث غدیر و مجری ولایت امیرعلیه السلام

اما با توجه به اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به تعلیم خداوند می داند که منافقان سقیفه نشین و پیروان افکارشان، چنین فرصتی را به خلفای او نمی دهند، تا با کمک حقّ خدادادی و مقام خلافت الهی خویش مردم را با اهداف خلقت آشنا سازند، و به عبودیّت خالص خداوند وادارند، و دنیا را تبدیل به مدینه فاضله و بهشت برین سازند؛ بلکه این کار تنها به دست آخرین بازمانده خداوند و دوازدهمین وصیّ و جانشین او انجام می پذیرد.

1- الاحتجاج، طبرسی: ج 1 ص 60 .

به همین خاطر، به فرازهای نهایی خطبه غدیر که می رسد با بیانی روشن تر و توضیحی بیشتر به معرفی آخرین فرزند معصومش پرداخته و مناصب اصلی امامت را در وجود آخرین یادگار غدیر منحصر می سازد و او را تنها بازمانده خداوند برای محقق ساختن غرض خلقت خوانده، و در حضور قریب صد و بیست هزار جمعیت در صحرای غدیر فریاد می زند:

اَلا اِنَّ خاتَمَ الاَئِمَّهِ مِنَّا القائِمُ المَهدِیُّ. بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست.

اَلا اِنَّهُ الظّاهِرُ عَلَی الدّینِ. آگاه باشید که او غالب بر ادیان است.

اَلا اِنَّهُ المُنتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ. بدانید که او انتقام گیرنده از ظالمین است.

اَلا اِنَّهُ فاتِحُ الحُصونِ وَ هادِمُها. آگاه باشید که او فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنهاست.

اَلا اِنَّه غالِبُ کُلِّ قَبیلَهٍ مِن اَهلِ الشِّرکِ وَ هادیها. آگاه باشید که او پیروز بر هر قبیله ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان است.

اَلا اِنَّهُ المُدرِکُ بِکُلِّ ثارٍ لاَولِیاءِ اللَّهِ. بدانید که او گیرنده انتقام همه خون های اولیای خداست.

اَلا اِنَّهُ النّاصِرُ لِدینِ اللَّهِ. بدانید که او یاری دهنده دین خداست.

اَلا اِنَّهُ الغَرّافُ مِن بَحرٍ عَمیقٍ. بدانید که او استفاده کننده از دریای عمیق است.

اَلا اِنَّهُ یَسِمُ کُلَّ ذی فَضلٍ بِفَضلِهِ وَ کُلَّ ذی جَهلٍ بِجَهلِهِ. بدانید اوست که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش نشانه می دهد.

اَلا اِنَّهُ خِیَرَهُ اللَّهِ وَ مُختارُهُ. آگاه باشید که او انتخاب شده و اختیار شده خداوند است.

اَلا اِنَّهُ وارِثُ کُلِّ عِلمٍ وَ المُحیطُ بِکُلِّ فَهمٍ. آگاه باشید که او وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی است.

اَلا اِنَّهُ المُخبِرُ عَن رَبِّهِ تَعالی وَ المُشَیِّدُ ِلاَمرِ آیاتِهِ. بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالا برنده آیات الهی.

اَلا اِنَّهُ الرَّشید السَّدید. آگاه باشید که او هدایت یافته محکم بنیان است.

اَلا اِنَّهُ المُفَوَّضُ اِلَیهِ. بدانید که اوست که کارها به او سپرده شده است.

اَلا اِنَّهُ قَد بَشَّرَ بِهِ مَن سَلَفَ مِنَ القُرونِ بَینَ یَدَیهِ. آگاه باشید اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند.

اَلا اِنَّهُ الباقی حُجَّهً وَ لا حُجَّهَ بَعدَهُ وَ لا حَقَّ اِلاّ مَعَهُ وَ لا نورَ اِلاّ عِندَهُ. آگاه باشید که او به عنوان حجّت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. اوست که هیچ حقّی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

اَلا اِنَّهُ لا غالِبَ لَهُ وَ لا مَنصورَ عَلَیهِ. بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او یاری نمی شود.

الا انَّهُ وَلِیُّ اللَّهِ فی اَرضِهِ وَ حَکَمُهُ فی خَلقِهِ وَ اَمینُهُ فی سِرِّهِ وَ عَلانِیَتِهِ. آگاه باشید که اوست ولیّ خدا در زمینش و حاکم او در میان خلقش و امین او در نهان و آشکارش.(1)

پیامبرصلی الله علیه وآله بعد از آنکه آخرین معصوم را کاملاً معرفی می کند، برای اتمام حجت و تأکید بر مطلب می فرماید:

1- روضه الواعظین: ج 1 ص 89 ؛ الاحتجاج: ج 1 ص 66 ؛ الیقین: ص 343 باب 127 .

مَعاشِرَ النّاسِ، اِنّی قَد بَیَّنتُ لَکُم وَ اَفهَمتُکُم، وَ هذا عَلِیٌّ یُفهِمُکُم بَعدی. ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.(1)

آنگاه مردم را برای بیعت با خود و سپس با علی علیه السلام نسبت به آنچه برای آنها بیان فرمود، فرا می خواند و از آنها با دست و زبان و قلب بیعت می گیرد.

نتیجه

از مجموع آنچه بیان گردید چنین نتیجه می گیریم:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله با این بیان در صحرای غدیر که روز تعیین جانشین و خلیفه بلافصل رسول خداست، اشاره به این نکته دارد که حقیقت غدیر از منظر پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله، در عصر ظهور آخرین امیر عالم تبلور می یابد. زیرا غرض اصلی خلقت و هدف نهایی بعثت و رسالت و مقصود حقیقی از تعیین خلیفه برای منصب امامت عبارت است از «گسترش علم و معرفت، تحقق بندگی و عبادت، انجام بهترین عمل با موفقیت، و در نهایت غلبه دین خدا بر تمام ادیان و گسترش عدل و داد و رحمت خداوند در سرتاسر گیتی». همه این اهداف تنها در عصر ظهور امام عصرعلیه السلام تحقق پیدا می کند.

حقیقت غدیر چیزی جز این نبود که رهبر و پیشوایی معصوم و الهی، برای اداره امور دین و دنیای مردم، از طرف پروردگار تعیین گردد؛ و مردم هم با او بیعت کنند و فرمانش را گردن نهند تا بتواند سعادت دنیا و آخرت آنان را تأمین کرده، تمام آحاد جامعه را با رسوم عبودیت آشنا سازد؛ و عدالت و صداقت را در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها برقرار سازد؛ تا ابر رحمت پروردگار بر سر و رویشان ببارد.

1- روضه الواعظین: ج 1 ص 89 ؛ الاحتجاج: ج 1 ص 66 ؛ الیقین: ص 343 باب 127 .

این حقیقت با توجه به آنچه گذشت، بذرش در صحرای غدیر توسط بزرگترین باغبان هستی رسول گرامی صلی الله علیه وآله افشانده شد، و برداشت محصول و نمود و ظهورش در عصر شکوهمند ظهور امام عصر ارواحنا فداه آشکار خواهد گشت

اهداف خلقت و تحولات عصر ظهور !

توجه کوتاه به مدارک بیانگر تحولات عصر ظهور روشن کننده تبلور اهداف غدیر در ظهور آخرین امیر است.

خداوند اجابت دعوت رسولش در صحرای غدیر را مایه رسیدن به حیات و زندگی جاودانه در دنیا و آخرت می شمارد و می فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا استَجیبوا للّهِ وَ لِلرَّسولِ اِذا دَعاکُم لِما یُحییکُم»(1): «ای مؤمنان، زمانی که رسول خداصلی اللّه علیه وآله شما را فرا می خواند به سوی چیزی که شما را زنده و جاوید می سازد، دعوت خدا و رسول را اجابت کنید». سپس تحقق این حیات جاودانه را در عصر ظهور آخرین ولیّش شمرده می فرماید: «اِعلَموا اَنَّ اللّهَ یُحیِی الاَرضَ بَعدَ مَوتِها قَد بَیَّنّا لَکُمُ الآیاتِ لَعَلَّکُم تَعقِلونَ»(2): «بدانید که خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می کند. ما نشانه ها و آیات (قدرت خود) را بیان می کنیم، شاید شما (اشارات) آنها را بفهمید».

حیات زمین و اهلش به حضور امام و یارانش

ابن عباس حیات زمین را در عصر ظهور و به واسطه امام عصر ارواحنا فداه تفسیر کرده، و مرگ زمین را جور و ستم اهل آن شمرده، و آیات را تفسیر به علائم و نشانه هایی می کند که به واسطه امام قائم علیه السلام در سطح کره زمین محقق می شود.(3)

1- انفال: 24 .
2- حدید: 17 .
3- الغیبه، شیخ طوسی: ص 142 .

در جایی که خداوند زمین مرده را در عصر ظهور ولیّش زنده می کند، پر واضح است که سرزمین دل های بندگانش را با ایمان و معرفت و محبت خود و ولیش به مراتبی برتر و والاتر احیاء و زنده می سازد. امام حسین علیه السلام در سخن پرباری می فرمایند:

از ما اهل بیت دوازده مهدی (هدایت یافته) خواهد بود. اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است. و او امام قیام کننده به حقی است که خداوند به واسطه او زمین را بعد از مرگش زنده می کند و به واسطه او دین حق (اسلام) را بر تمام ادیان غالب و پیروز می گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

برای او غیبتی است که گروه هایی در زمان غیبت او مرتد شده و گروه های دیگر بر دین حق ثابت می مانند. آنگاه ثابت قدمان مورد ایذاء و آزار مرتدان قرار گرفته، به آنها گفته می شود: «کجاست این وعده ای که می گفتید، اگر شما از راستگویانید؟ آگاه باشید، به راستی، صبر کننده در غیبت او بر آزار و تکذیب منکران، به منزله کسی است که با شمشیر پیش روی رسول خداصلی الله علیه وآله جهاد کرده باشد.(1)

امام باقرعلیه السلام نیز در سخن گهرباری در تفسیر آیه «اِعلَموا اَنَّ اللَّهَ یُحیِی الاَرضَ بَعدَ مَوتِها»(2) می فرمایند: «خداوند زمین را بعد از کفر اهلش زنده می کند و کافر (در واقع) مرده است. خدا زمین را به وسیله امام قائم علیه السلام زنده می کند. پس در زمین به عدالت رفتار کرده، هم زمین را زنده می کند و هم اهل زمین را، بعد از آنکه به کفر مرده باشند».(3)

1- کمال الدین، شیخ صدوق: ص 317 .
2- حدید: 17 .
3- تأویل الآیات الظاهره: ج 2 ص 638 .

عوامل پدید آورنده حیات جاودانه در عصر ظهور

اشاره

دست یافتن به این حیات در عصر ظهور، بر سه پایه استوار است که خلقت انسان بر اساس آن پی ریزی شده است و فرستادن انبیاء و اوصیاء نیز برای اجرا و تحقق آن بوده است:

1 . علم و معرفت.

2 . بندگی و عبادت و رسیدن به رحمت.

3 . انجام بهترین عمل با موفقیت.

علم و معرفت

یکی از مهم ترین تحولات در عصر ظهور آخرین سفیر الهی، این است که علم و دانش در سطح گسترده ای، سر تا سر گیتی را فراگرفته، مردم با انواع علوم آشنا شده و بهترین معرفت را در حقّ خداوند و احکام و دستورات او پیدا کرده و با ولیّ حق و مقامات علمی و معنوی او آشنا می شوند. امام صادق علیه السلام در سخن گهرباری می فرمایند:

العِلمُ سَبعَهٌ وَ عِشرونَ حَرفاً فَجَمیعُ ما جَاءَت بِهِ الرُّسُلُ حَرفانِ فَلَم یَعرِفِ النّاسُ حَتَّی الیَوم غَیرَ الحَرفَینِ فَاِذا قامَ قائِمُنا اَخرَجَ الخَمسَهَ وَ العِشرینَ حَرفاً فَبَثَّها فِی النَّاسِ وَ ضَمَّ اِلَیهَا الحَرفَینِ حَتّی یَبُثَّها سَبعَهً وَ عِشرینَ حَرفاً. (1)

علم بیست و هفت حرف است. آنچه را که هر یک از پیامبران آوردند دو حرف است و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف را نشناخته اند. آنگاه که قائم ما قیام می نماید بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آنها می افزاید تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید.

1- بحار الانوار: ج 52 ص 336 ؛ نوادر الاخبار: ص 278 .

از این سخن حکیمانه امام صادق علیه السلام استفاده می شود: علم و دانش در میان همه افراد جامعه منتشر می شود و تمام آحاد مردم به مدارج علمی دست می یابند، در حالی که تا قبل از قیام آن حضرت علم و دانش اختصاص به گروهی اندک داشت، علاوه که آنان نیز به هر علمی راه نیافته بودند. اما در عصر شکوهمند ظهور، تمام علوم (بیست و هفت حرف علم) در میان مردم منتشر می شود.

از این گذشته، نکته دیگرِ کلام گهربار امام این است که حقیقت هر علمی در عصر ظهور در میان مردم آشکار می شود نه علوم ظاهر فریب و بی پایه ای که بر اساس فرضیه و تئوری به خورد دانش آموزان داده می شود، و پس از گذشت زمان بطلان و نادرستی تمام یا بخشی از آن آشکار می شود. بلکه حقیقت هر علمی و واقعیت هر دانشی به صورت یک فرهنگ عظیم و تکامل یافته در میان همه افراد جامعه منتشر می شود، علومی که باعث تکامل عقل ها و رشد باورها می گردد. و این یکی از جهاتی است که باعث فهم روایاتی می گردد که چگونه خداوند با نهادن دست ولیّش بر سر بندگانش خردهای آنان را به کمال رسانده و عقول آنها را بارور می سازد. اگر امام باقرعلیه السلام می فرمایند:

اِذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبادِ، فَجَمَعَ بِها عُقولَهُم، وَ اَکمَلَ بِهِ اَخلاقَهُم.(1)

هرگاه قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان خدا می گذارد و به این وسیله خردهای آنان را جمع و متمرکز می سازد و اخلاق آنها را کامل می کند.

بی شک یکی از عوامل تکمیل عقل انسان و بالا رفتن خرد و فهم او، افزایش علم و دانش و بالا رفتن سطح آگاهی های اوست.

1- بحار الانوار: ج 52 ص 336.

تردیدی نیست با علومی که ولیّ خدا در عصر ظهور بین مردم منتشر می سازد و کلاس های تربیتی که آن بزرگوار با همیاری اصحاب و یاورانش در سطح کره زمین دائر می کند، سطح فکر و فهم مردم بالا رفته، خردهای آنان کامل گشته و از شعور بی نظیری در تاریخ بشریت برخوردار می گردند.

این یکی از اهدافی است که خداوند در خلقت انسان از ابتدای آفرینش مدّ نظر داشته و با همین هدف انبیاء و کتب آسمانی را به سوی آنان فرو فرستاده است، اما جاهلان شهوت پرست و دنیا دوستان ریاست طلب با اخلال در کار آنان مانع از به ثمر رسیدن زحمات آنان گردیدند.

بی جهت نیست که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در صحرای غدیر یکی از امتیازات امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه بلافصلش را علم و دانش بی نظیر او در میان همه اصحاب شمرده فرمایند:

مَعاشِرَ النّاسِ ، فَضِّلوهُ . ما مِن عِلمٍ اِلّا وَ قَد اَحصاهُ اللَّهُ فِیَّ ، وَ کُلُّ عِلمٍ عُلِّمتُ فَقَد اَحصَیتُهُ فی اِمامِ المُتَّقینَ، وَ ما مِن عِلمٍ اِلاّ وَ قَد عَلَّمتُهُ عَلِیّاً.(1)

ای مردم، علی را برتر از دیگران بدانید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده است، و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی آموخته ام.

سپس امام عصر ارواحنا فداه را وارث تمام آن علوم معرفی کرده و می فرماید: «اَلا اِنَّهُ وارِثُ کُلُّ عِلمٍ وَ المُحیطُ بِکُلِّ فَهمٍ»(2): «آگاه باشید، فرزندم مهدی وارث هر علمی و در برگیرنده هر فهمی است».

1- روضه الواعظین: ج 1 ص 89 ؛ الاحتجاج: ج 1 ص 66 ؛ الیقین: ص 343 باب 127.
2- همان.

بندگی و عبادت

دسته دوم از مدارکی که بیانگر تحولات عصر ظهور است نظر به تحقق هدف دوم خلقت، یعنی تحقق عبودیت خداوند در سطح کره زمین دارد. در بعضی از روایات چنین آمده است:

امام عصرعلیه السلام تمام صاحبان مذاهب مختلف، از یهود و نصاری و مجوس و آتش پرستان و هندو و بودائیان و بت پرستان و دیگر ملت های غیر مسلمان را جمع کرده و از آنها می خواهد که خداشناس و یکتاپرست گردند و همگی خدای یگانه یکتای بی نیاز و بدون شریک را بپرستند. هر کس پذیرفت در امان است و هر کس نپذیرفت از دم شمشیر حضرت و یارانش می گذرد.

اوضاع مردم از نظر اعتقادی به گونه ای می گردد که جز خداپرستِ موحّد کسی باقی نمی ماند، و همگی با معرفتی که از کلاس های درس امام و یاورانش دریافت می کنند خدا را خالص می پرستند و به عبادت خدای یکتا مشغول می شوند.

ابن بُکَیر می گوید: از حضرت اباالحسن از تفسیر این آیه پرسیدم که خدا می فرماید: «وَ لَهُ اَسلَمَ مَن فِی السَّماواتِ وَ الاَرض طَوعاً وَ کَرهاً وَ اِلَیهِ یُرجَعونَ»(1): «تمام موجودات زمین و آسمان به میل و رغبت یا اکراه و اجبار تسلیم او خواهند شد و به سوی او بازگردانده خواهند گشت». فرمود: «درباره قائم علیه السلام نازل شده، آنگاه که یهودیان و مسیحیان و آتش پرستان و زندیقان و مرتدّان و تمامی کافران در شرق و غرب عالم را محاکمه کرده و اسلام را بر آنها عرضه می کند، هر کس با میل و رغبت اسلام را برگزیند او را به نماز و زکات و آنچه که هر مسلمانی به آن امر می شود و به آنچه که خدا دوست دارد امر می کند؛ و هر کس اسلام نیاورد گردنش را می زند، به

1- آل عمران: 83 .

گونه ای که در شرق و غرب عالم کسی باقی نمی ماند مگر این که موحد گشته و خداپرست می شود».

ابن بُکَیر گوید: گفتم: "مولای من! فدایت شوم، به راستی، مردم بیش از آنند (که امام فرصت دعوت همه آنها را پیداکند)! فرمود: «خدا وقتی اراده کند کاری را انجام دهد زیاد را کم و کم را زیاد می کند».(1)

در حدیث زیبای دیگری که از علی بن اسباط روایت شده می گوید: اصحاب ما در تفسیر این آیه که خداوند می فرماید: «المُلکُ یَومَئِذٍ الحَقُّ لِلرَّحمنِ»(2): «پادشاهی و سلطنت امروز حق و از آنِ خداوند رحمان است». می گویند: «ملک و سلطنت امروز و دیروز و فردا در همه دوران از آنِ خداوند رحمان بوده و هست و خواهد بود. ولی هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند شرایطی پیش می آید که جز خدا پرستیده و عبادت نمی شود».(3)

از امثال این روایات روشن می گردد که سطح دانش و معرفت مردم به حدّی بالا می رود و عقل ها تا آنجا اوج می گیرد که خود به خود از هر گونه بت پرستی و کج اندیشی و انحراف فکری درباره خدا پرهیز کرده و همگی یکدل و یک زبان به توحید و یگانه پرستی و عبادت و بندگی خدا روی می آورند. و این همان هدف خلقتی است که خدا انسان را برای رسیدن به آن آفریده، و انبیاء و اوصیاء را برای آشنا ساختن مردم و سوق دادن آنان به سوی آن فرستاده است. ولی این هدف تنها، به دست آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کره زمین عملی می گردد. پس نتیجه غدیر در روز روشن ظهور آشکار گشته و به ثمر می نشیند. بی جهت نیست که امیرالمؤمنین علیه السلام در

1- منتخب الاثر: ص 587 ح 1.
2- فرقان: 26 .
3- منتخب الاثر: ص 587 ح 2.

سخنی پربار و جامع در مقام ترسیم خیرات و برکات صادر شده از فرزندش مهدی علیه السلام در عصر ظهور چنین می فرماید:

آنگاه مهدی علیه السلام امیران و فرماندهانش را به سایر شهرها می فرستد، تا به عدالت بین مردم رفتار کنند، عدالتی که آثارش در میان حیوانات هم آشکار شده، گوسفند و گرگ در کنار هم در یک مکان می چرند. بچه ها با مارها و عقرب ها بازی می کنند و حیوانات متعرض آنها نگشته و ضرری به آنها نمی رسانند. هر نوع بدی و شرّی از میان مردم کوچ کرده و می رود، و هر نوع خیر و خوبی در میان آنان باقی می ماند. رباخواری از جامعه رخت می بندد و مردم به عبادات و شرع و دیانت و خواندن نمازهایشان در جماعت ها روی می آورند.(1)

انجام بهترین عمل با موفقیت

از مهم ترین برکات وجودی امام عصر ارواحنا فداه تحقق سومین هدف خلقت در کره زمین است. چه آنکه خدا بندگانش را آفریده تا آنها را بیازماید و بنگرد کدامین بنده بهترین عمل را تحویل مولایش داده و برترین تقوا را در زندگی خویش پیاده می کند.

بی شک یکی از آثار و فوائد وجودی امام علیه السلام در دوران غیبت و عصر ظهورش، تربیت شیعیان و یاران مخلصی است که تحت اشراف تربیت های آن حضرت قرار گرفته، در آزمون های گوناگون ولیّ خدا شرکت کرده و موفق به انجام بهترین عمل و دریافت برترین مدال افتخار از دست حجت خدا گشته اند. اینها همه از برکت معرفتی است که به آن ذات مقدس پیدا کرده و در سایه آن معرفت به محبّت و اطاعت آن بزرگوار دست یافته و از این طریق به مقام عبادت و انس با خدا و معرفت و طاعت

1- منتخب الاثر: ص 592 ح 4.

پروردگار رسیده اند؛ معرفت و طاعتی که منشأ تمام خوبی ها و سررشته همه کمالات و مقامات معنوی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنی تکان دهنده به گوشه ای از کمالات یاران فرزندش مهدی علیه السلام اشاره کرده و می فرمایند:

وَیحاً لِطالِقان ! فَاِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِها کُنوزاً لَیسَت مِن ذَهَبٍ وَ لا فِضّهٍ وَ لکِن بِها رِجالٌ مُؤمِنونَ عَرَفوا اللّهَ حَقَّ مَعرِفَتِهِ وَ هُم اَنصارُ المَهدِیِ علیه السلام فی آخِرِ الزَّمانِ».

خوشا بر احوال طالقان و رحمت خدا بر آن باد ! چه آنکه برای خدای عزّ و جلّ در آنجا گنج هایی است که از طلا و نقره نیست، لکن در آن سرزمین مردان با ایمانی هستند که خدا را به حق معرفت شناخته اند و آنها یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.(1)

امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه «وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزَّبورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ اَنَّ الاَرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحونَ»(2): «به راستی ما بعد از ذکر (تورات) در زبور داود نوشتیم که (روزی خواهد آمد که) بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد». می فرمایند: «صالحان اصحاب مهدی علیه السلام در آخرالزّمان هستند».(3)

بی شک یاران امام زمان علیه السلام در بُعد اعتقادی، بهترین معرفت را به حقّ داشته و در بُعد عملی به برترین صلاح و درستکاری دست یافته، و مُهر قبولی را از امام خویش دریافت کرده اند، که این گونه در لسان خدا و اولیائش مدح و تعریف می شوند!

1- ینابیع الموده: ج 3 ص 393 ، 298 ؛ کشف الغمه، اربلی: ج 3 ص 279 ؛ کتاب الفتوح، احمد بن اعثم کوفی: ج 2 ص 320 .
2- الانبیاء: 105.
3- بحار الانوار: ج 15 ص 178.

واضح است که تا کسی در میدان امتحان های غیبت موفق و پیروز نگشته باشد، پرونده اعتقاد و عملش این گونه بی قید و شرط مورد امضای خدا و ولیّ او قرار نمی گیرد، که هم مدال پر افتخار معرفت به پروردگار - آن هم به حقّ معرفت - و هم نشان بی مثال صلاح در عمل را از خدای خویش دریافت نماید.

با این بیان، به خوبی روشن می گردد که چگونه حقیقتِ غدیر در عصرِ ظهورِ آخرین امیر یعنی امام عصرعلیه السلام تجلّی پیدا می کند؛ و تمام اهداف خلقت و اغراض بعثت و رسالت و مقصود خدا و پیامبرصلی الله علیه وآله از تعیین امام برای منصب امامت به دست تواناىِ آخرین وصیّ پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله عملی می گردد.

به امید آن روز، دست به دعا برداشته و با اشک و آه هر روز و هر شب تکرار می کنیم: «اللّهُمَّ عَجِّل لِوَلِیِّکَ الفَرَجَ».

منابع و مآخذ

1 . روضه الواعظین

2 . الاحتجاج

3 . الیقین

4 . الغیبه، شیخ طوسی

5 . کمال الدین، شیخ صدوق

6 . تأویل الآیات الظاهره

7 . بحارالانوار

8 . نوادر الاخبار

9 . منتخب الاثر

10 . ینابیع المودّه

11 . کشف الغمُّه، اربلی

12 . کتاب الفتوح، احمد بن اعثم کوفی

ظهور، تجلی غلبه حق غدیر بر باطل ها : علی نظری منفرد

چکیده

1 . اهداف غدیر: تعیین سرنوشت مردم بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله با ولایت، تعیین تکلیف رسالت با ولایت، اتحاد ملت اسلام با ولایت.

2 . موانع تحقق غدیر: کینه های بدر و احد، اخذ به آراء، پیروی از شهوات.

3 . عصر ظهور زمان تحقق غدیر: غلبه حق بر باطل، بیداری و آگاهی و تکامل عقل ها، حاکمیت حق و خاتمه دادن به حاکمیت ظلم، تجلی ارزش های انسانی، استخلاف مؤمنین به وعده الهی

مقدمه

عصر ظهور عصر غلبه حقّ بر باطل و از میان رفتن باطل است؛ که «جاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زَهوقاً».(1)

1- اسراء: 81 .

دگرگونی های عصر ظهور

عصر ظهور عصر بیداری، آگاهی، تکامل خردها و عقول بشری است. چنان که عصر ظهور عصر حاکمیت حق و خاتمه دادن به حاکمیت ظلم و بیدادگری است.

عصر ظهور عصر نویدِ عدل و داد، امن و امان و برچیده شدن بساط ظلم و جور و عدوان است. عصر ظهور عصرِ تجلّی ارزش های انسانی، پدیدار شدن مدینه فاضله و سقوط استکبار و مستکبران است.

عصر ظهور عصر حکومت شایستگان و صالحین است. «وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزَّبورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ اَنَّ الاَرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون».(1)

عصر ظهور عصر به قدرت رسیدن مستضعفان خواهد بود. «وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّةً وَ نَجعَلَهُمُ الوارِثینَ».(2)

عصر ظهور عصر تحقق وعده الهی به مؤمنان خواهد بود. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم».(3)

غدیر برای پاسداری و حفاظت از دین

دین اسلام شریعتی هماهنگ با سرشت و فطرت آدمی است. قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «فِطرَةَ اللَّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها لا تَبدیلَ لِخَلقِ اللَّهِ ذلِکَ الدّینُ القَیِّمُ وَ لکِنَّ اَکثَرَ النّاسِ لا یَعلَمونَ»(4): «فطرت خدایی که انسان ها را بر آن فطرت آفرید و در

1- انبیاء: 105 .
2- قصص: 5 .
3- نور: 55 .
4- روم: 30 .

آفرینش تغییری نیست، و این است دین حق و درست و لکن بیشتر انسان ها نمی دانند».

هنگامی که دین هماهنگ با فطرت باشد و فطرت آدمی تغییر ناپذیر، آئین دیگری نمی تواند جای اسلام را بگیرد؛ مگر اینکه فطرت آدمی تغییر یابد و آیینِ مطابق با فطرتِ تغییر یافته جایگزین آن شود. بدیهی است که تغییر فطرت آدمی امری محال و غیر ممکن است؛ و دین هماهنگ با فطرت نیز تغییر نخواهد یافت، همان طور که در روایات آمده که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «حَلالُ مُحَمَّدٍ حَلالٌ اَبَداً اِلی یَومِ القِیامَهِ وَ حَرامُهُ حَرامٌ اَبَداً اِلی یَومِ القِیامَهِ».(1)

بر این اساس، حفاظت و پاسداری از حریم دین و نگهداری آن شؤونی می طلبد. از جمله رهبر و پیشوایی می خواهد که این رهبری با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پایان پذیرفت و آن بزرگوار آنچه را لازم بود ابلاغ کرد. اما حراست و نگهداری از آنچه حضرت آورده بود نیازمند به وجود پیشوایی داشت که هم تبیین و توضیح دین و تفسیر آن را به دیگران ارائه دهد، و هم حدود شریعت را از دستبرد زدن به آن پاسداری نماید. این امر تنها در صلاحیت پیشوایی بود که دارای مقام عصمت بوده و از نظر علم و سایر شرایط شایستگی لازم را دارا باشد.

بدون غدیر رهبری امکان ندارد

با توجه به این ویژگی ها که لازمه پیشوایی و جانشینی پیامبرصلی الله علیه وآله است، امکان نداشت که تعیین رهبر با انتخاب مردم صورت گیرد. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت در راه بازگشت از مکه معظمه(2) در جمعی بالغ

1- الکافی: ج 1 ص 58 .

2- این حج را «حَجه الاسلام»، «حَجه الوداع»، «حَجه العام»، «حَجه البلاغ» و «حَجه الکمال» می نامند.

بر هفتاد هزار تا یکصد و بیست و چهار هزار نفر، در مکانی به نام غدیر خم این رسالت عظمی را به انجام رساندند، که به فرموده قرآن معادل با تمام رسالت و پیامبری ایشان بود.(1)

در آن روز حضرت دستور دادند که رفته ها را بازگردانند و عقب مانده ها هم برسند. ظهر فرا رسید و نماز ظهر را به جماعت خواندند، و به امر حضرت منبری از سنگ و جهاز شتران درست شد.

حضرت بر فراز منبر رفتند و خطبه بسیار طویلی را با حمد و سپاس الهی شروع و با «معاشر الناس» خواندند، و قبل از آن خبر از نزدیکی اجلشان دادند. بعد فرمودند: «یوشَکُ اَن اُدعی فَاُجیبُ»: «نزدیک است که فراخوانده شوم و اجابت نمایم». بعد از آن فرمودند: «اَلَستُ اَولی مِنکُم بِاَنفُسِکُم»؟ مردم گفتند: بلی یا رسول اللّٰه! بعد حضرت دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس من امیر و مولای او هستم علی امیر و مولای اوست».

این جریان غدیر به طور مختصر مورد اتفاق شیعه و سنی است، و از اصحاب 110 نفر آن را نقل نموده اند؛ که هیچ خبری مانند غدیر این طور قوی نیست که از اصحاب رسول خداعلیه السلام نقل کرده باشند.

سؤال این است: با توجه به اینکه اسلام یک دین ابدی است، حکومت اسلامی که تشکیل شده بود آیا بایستی بماند یا نماند؟ در پاسخ باید گفت: گرچه طلوع اسلام با بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله آغاز شد، اما این دین همیشگی و فراگیر و برای همه ملل است، و از نظر عمود زمان هم تا روز قیامت ادامه دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «حَلالُ مُحَمَّدٍ حَلالٌ اَبَداً اِلی یَومِ القِیامَهِ وَ حَرامُهُ حَرامٌ اَبَداً اِلی یَومِ القِیامَهِ لا یَکونُ غَیرُهُ وَ

1- «یا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ». مائده: 67 .

لا يَجِی ءُ غَیرُهُ». (1) در آیه شریفه هم می فرماید: «وَ مَن یَبتَغِ غَیرَ الاِسلامِ دیناً فَلَن یُقبَلَ مِنهُ وَ هُوَ فِی الآخِرَهِ مِنَ الخاسِرینَ». (2)

ما حق داریم این سؤال را از خودمان داشته باشیم که آیا این دینی که پیامبرصلی الله علیه وآله آورده و خود او خاتم الانبیاء است، و این دین بایستی برای همیشه بماند و نسل ها بایستی از این دین پیروی کنند، آیا حافظ و نگهدارنده می خواهد یا نمی خواهد؟

با کمترین اندیشه و اندکی فکر، پاسخ مثبت است؛ یعنی نمی شود پیامبر خداصلی الله علیه وآله این حکومت بیست و سه ساله که ده سال آن را در مدینه با شدائد و مشکلات پشت سر گذاشته، تا این درخت تنومند اسلام را بارور کرده و اکنون موقع بازدهی این درخت است، رها کند و بگوید: من رفتم خداحافظ، شما را هم به خدا سپردم و شما هم هر کاری می خواهید بکنید!!

ما اگر سراغ غدیر هم نرویم و به خرد و عقل خود مراجعه کنیم، انسان نمی تواند باور کند که پیامبرصلی الله علیه وآله مردم را بلا تکلیف گذاشته است.

اهداف غدیر

یک :

تعیین سرنوشت مردم بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله

پیامبرصلی الله علیه وآله نور و هدایت است، و قرآن مجید از ایشان تعبیر به شمس و سراج منیر می کند. آیا ممکن است مردم را در ابهام و شک و اضطراب و بلا تکلیفی بگذارد و برود؟!!!

دو :

تعیین تکلیف رسالت که تا روز قیامت بایستی ادامه پیدا کند.

1- کافی: ج 1 ص 58 .
2- آل عمران: 85 .

سه :

تعیین تکلیف با مسئله ولایت، به معنای اکمال دین و اتمام نعمت.

چهار :

دستیابی به اسلام راستین.

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه می فرمایند: «اسلام را دگرگون کردند» به این معنا که اسلام راستین را از منبع اسلام که صاحب ولایت بود نگرفتند.

پنج :

اتحاد امت.

حضرت زهراعلیها السلام می فرمایند: «وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلمِلَّهِ وَ اِمامَتَنا اَماناً لِلفُرقَهِ»(1): «خداوند امامت ما را قرار داد تا امت نظم پیدا کنند و از تفرقه و تشتت در امان باشند».

همچنین حضرت زهراعلیها السلام در کلام دیگری می فرمایند: «وَ اللَّهِ لَو تَرَکوا الحَقَّ عَلی اَهلِهِ، وَ اتَّبَعوا عِترَهَ نَبِیِّهِ، لَمَا اختَلَفَ فِی اللَّهِ اثنانِ، وَ لَوَرِثَها سَلَفٌ عَن سَلَفٍ، وَ خَلَفٌ بَعدَ خَلَفٍ، حَتّی یَقومَ قائِمُنا، التّاسِعُ مِن وُلدِ الحُسَینِ».(2) در این حدیث تصریح شده که اگر حق به اهلش واگذار می شد، هرگز این تشتت و اختلاف در امت اسلامی به وجود نمی آمد.

موانع تحقق غدیر

باید بدانیم که ائمه معصومین علیهم السلام چه نکات و مطالب دقیقی را فرموده اند؟ چه چیزی باعث شد که اهداف غدیر تحقق پیدا نکند؟

در فرازی از دعای ندبه که از معصوم علیه السلام رسیده می فرمایند: «اَحقاداً بَدرِیَّهً وَ خَیبَرِیَّهً وَ حُنَینِیَّهً وَ غَیرَهُنَّ»(3). مانع تحقق غدیر حقد و کینه هایی بود که در جنگ بدر و خیبر و حُنَین داشتند، و اینها بود که نمی گذاشت غدیر تحقق پیدا کند.

1- خطبه فدکیه .
2- الانصاف فی النص علی الأئمه علیهم السلام ، با ترجمه رسولی محلاتی: ص 412 .
3- دعای ندبه .

حضرت زهراعلیها السلام می فرماید: «وَ اللَّهِ لَو تَرَکوا الحَقَّ عَلی اَهلِهِ، وَ اتَّبَعوا عِترَهَ نَبِیِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِی اللَّه اثْنانِ»(1)؛ و سپس در ذیل آن موانع تحقق اهداف غدیر را بیان می فرمایند که با صراحت کامل بیان نموده اند: «اَلَم یَسمَعُوا اللَّهَ یَقولُ: «وَ رَبُّکَ یَخلُقُ ما یَشاءُ وَ یَختارُ ما کانَ لَهُمُ الخِیَرَهُ، بَل سَمِعوا».(2)

اینها شنیده و آگاه بودند. پس چه موانعی را به وجود آوردند که اهداف غدیر پیاده نشد؟ می فرماید: «وَ لکِن اَخَذوا بِآرائِهِم وَ اتَّبَعوا شَهَواتَهُم».

اینها رأی خودشان برایشان ملاک بود. متابعت از امیال و جاه طلبی و قدرت و خود را مطرح کردن و علاقه به مقام بود. پس آنچه مانع تحقق اهداف غدیر شد - با استناد به دعای ندبه - حقد و کینه بود، آنجا که می فرماید: «اَحقاداً بَدرِیَّهً وَ خَیبَرِیَّهً وَ حُنَینِیَّهً وَ غَیرَهُنَّ»، و با استناد به فرمایش حضرت صدیقه طاهره علیها السلام پیروی از شهوات بود.

منابع و مآخذ

1 . الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1362 ش.

2 . الانصاف فی النص علی الأئمهعلیهم السلام، سید هاشم بحرانی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، 1378ش.

1- بحار الانوار: ج 36 ص 353 .
2- الانصاف فی النص علی الأئمه علیهم السلام ، ترجمه رسولی محلاتی: ص 412 .

تجلی امامت الهی غدیر در عصر ظهور : اصغر منتظر القائم

چکیده

1 . امامت غدیر مبتنی بر جانشینی پیامبران در قرآن است.

2 . جایگاه برتر امام غدیر از طرف خدا اعلام می شود.

3 . علم امام غدیر ریشه اکتسابی ندارد و از طرف خداست.

4 . امامت غدیر مبتنی بر عصمت است که جز خدا و رسول صلی الله علیه وآله نمی تواند او را بشناسد.

5 . امام غدیر قدرت انحصاری خود را با ادعا به دست نمی آورد؛ بلکه از طریق فرمان خدا و رسول صلی الله علیه وآله است.

6 . پیامبرصلی الله علیه وآله در خطابه غدیر 26 بار تأکید کردند که ولایت علی علیه السلام از جانب من نیست، بلکه از جانب خداست.

7 . امامان غدیر در هر فرصتی اعلام می کردند که امامت ما از طرف خداست.

8 . امامان غدیر با غدیر زدایی مقابله کرده اند و مقام الهی خود را یادآور شده اند.

9 . در عصر ظهور، امام زمان علیه السلام مثل سایر امامان از حقّ منصوصی خود دفاع می نماید، چه از نظر گفتمان و چه در اجرا.

10 . غدیر از زمان وقوع تا ظهور به صورت گفتمان بوده، و در زمان ظهور گذشته از گفتمان به صورت اجرا تحقّق می یابد.

امامت غدیر مبتنی بر جانشینی پیامبران

بنیان فکری امامت در تشیع، مبتنی بر جانشینی پیامبران در قرآن است، که خداوند آن را در یکی از فرزندان ذکور و یا برادر قرار داده است، همان گونه که درباره نوح و ابراهیم علیهما السلام خداوند جانشینی را در فرزندانشان قرار داد.(1) حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود تقاضا کرد: «از خاندانم کسی را وزیر و معاون من قرار ده: برادرم هارون را، و به او پشتم را محکم کن و او را در امر رسالت من شریک ساز».(2)

در آیاتی دیگر، خداوند به داوود خلیفه خود بر روی زمین سلیمان را عطا کرد و سلیمان وارث داوود شد.(3) همچنین حضرت زکریاعلیه السلام از خداوند ذریه ای پاک تقاضا کرد و خداوند نیز درخواست وی را اجابت کرد؛ و فرشتگان در نماز به وی ندا دادند که خداوند تو را به یحیی بشارت می دهد، در حالی که او به کلمه خدا گواهی دهد و او خود پیشوا و پارسا و پیامبری از شایستگان است.(4)

بدین سان خداوند مسئله جانشینی پیامبران را در خاندان آنان قرار داد، در حالی که باید شایستگی اخلاقی و مقام عصمت و علم را داشته باشند. آن گونه که درباره

1- حدید:26 ؛ عنکبوت: 27 ؛ انعام: 84 .
2- طه: 29 32 .
3- ص: 30 ؛ نمل: 16 .
4- آل عمران: 38 ، 37.

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «عهد من به ستمکاران نخواهد رسید».(1)

در آیاتی از سوره بقره خداوند به بنی اسرائیل می فرماید: «به شما نعمت دادم».(2) با مقایسه این آیات با آیه 150 سوره بقره و آیه سوم و ششم سوره مائده بر ما روشن می گردد که منظور از نعمت امامت است که خطاب به رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: «نعمت خود را بر شما تمام کردم».(3) و اکمال نعمت بر آن حضرت در غدیر خم با معرفی امام علی علیه السلام به امامت صورت گرفت.

جایگاه برتر امام غدیر از طرف خدا

از مقایسه امتیازات خاندان پیامبران پیشین و اهل بیت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله در قرآن جایگاه برتر آنان بر ما روشن می گردد، زیرا علاوه بر آنکه مزد رسالت آن حضرت را دوستی اهل بیت قرار داده(4) بخشی از خمس و غنایم و قسمتی از فی ء(5) را به خاندان رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله اختصاص داده و آنان را از هر پلیدی پاکیزه گردانیده است.(6)

بدین گونه علم امام ریشه اکتسابی ندارد و لدنّی و افاضه ای و فراتر از آموخته های مدرسه است. امامان اعلم معاصران خود هستند و آگاه ترین مردم و حافظ و نگهبان شریعت بوده و اطاعت از آنان همچون اطاعت از خدا و رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله است. اولی الامر امامان دوازده گانه هستند که خداوند به اطاعت از آنان فرمان داده است.(7)

1- بقره: 124.
2- بقره: 40 ، 47 ، 122.
3- مائده: 3.
4- شوری: 23 .
5- انفال: 41 ؛ حشر: 7 .
6- احزاب: 33.
7- نساء: 59 .

امامت غدیر مبتنی بر عصمت

یکی از آموزه های قرآنی شیعیان عصمت امام است. از این رو امام باید از جانب خدا تعیین شده باشد(1)، چرا که امام معصوم را کسی جز خدا نمی تواند بشناسد، آن گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «الاَمرُ اِلَی اللَّهِ یَضَعُهُ حَیثُ یَشاءُ»(2) : «این کار به دست خدا است هر جا که بخواهد آن را قرار خواهد داد».

قدرت انحصاری امام غدیر از طرف خدا

رسول خداصلی الله علیه وآله با فرمان های گوناگون جانشینان و حاملان میراث و نور نبوت را به مردم معرفی کرده است. چنین امامی قدرت انحصاری خود را با دعاوی سیاسی به دست نمی آورد، بلکه انتخاب او از طریق فرمان خداوند و رسول خداصلی الله علیه وآله صورت گرفته و پس از وی نیز هر امامی می بایست پیش از رحلت خود جانشینش را معرفی و منصوب کند. آن گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: «جانشینان من دوازده نفرند که همگی آنان از قریش هستند».(3)

در روایت دیگر فرمودند: «اِنَّ خُلَفائی وَ اَوصِیائی وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَی الخَلقِ بَعدی اِثناعَشَرَ، اَوَّلُهُم عَلِیٌّ وَ آخِرُهُم وَلَدِیَ المَهدِیِّ».(4) در حدیث جابر نیز نام امامان را به اسم معرفی کردند.

در آیات دیگری خداوند به وراثت مقام الهی پیامبران در خاندان آنان اشاره کرده، و پیوستگی نسلی انبیاء را به شکل وصایت موروثی بیان داشته است، آن گونه که در

1- نهج الحقّ و کشف الصدق: ص 229.
2- سیره ابن هشام: ج 2 ص 727 .
3- صحیح بخاری: ج 6 ص 2640.
4- ینابیع الموده، قندوزی: ج 3 ص 266 .

سوره آل عمران آیات 34 و 33، و سوره انفال آیه 75، و سوره نساء آیه 164، آن را مورد تأکید قرار داده است.

جانشین الهی امام علی علیه السلام

رسول خداصلی الله علیه وآله چندین روایت متواتر را بر ولایت امام علی علیه السلام بیان داشته اند، که از آن جمله حدیث یوم الانذار به روایت بُریده بن حُصَیْب است که فرمودند: «یا بُرَیده! لا تَقَع فی عَلِیٍّ؛ عَلِیٌّ مِنّی وَ اَنَا مِنهُ وَ هُوَ وَلِیُّکُم بَعدی»(1): «ای بریده! درباره علی شکایت نکن که علی از من است و من از او هستم، و او ولی شما پس از من است».

حدیث سفینه نوح(2) و حدیث متواتر ثقلین(3) و سرانجام در غدیر خم در میان نمایندگان قبایل و شهرهای اسلامی در بازگشت از حجه الوداع در یک سخنرانی مفصل 26 بار تأکید کردند ولایت علی علیه السلام از جانب من نیست و از جانب خداوند است و پس از بیان فضایل امام علی علیه السلام و حدیث ثقلین فرمودند: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ؛ اَللّهُمَّ والِ مَن والاهُ وَ عادِ مَن عاداهُ»(4): «هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست. خدایا هر کس او را دوست بدارد دوست بدار، و هر که او را دشمن بدارد دشمن بدار».

استشهاد امامان علیهم السلام به امامت الهی

امامان شیعه از هر فرصتی برای تبیین جایگاه منصوصی خود استفاده می کردند، از آن جمله امام علی علیه السلام فرمود: «من اگر حق خود را می خواهم، خدا و رسول مرا به این

1- بحار الانوار: ج 38 ص 326.
2- عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 27 .
3- بحار الانوار: ج 2 ص 100.
4- خطبه غدیر .

مقام برگزیده اند و شما مرا از آن محروم می کنید و میان من و خلافت فاصله می اندازید. بار خدایا ! مرا بر قریش یاری کن زیرا آنان رحم مرا قطع کردند و حقّم را پایمال کردند و مقام بزرگ مرا تحقیر نمودند، و در نزاع و جنگ با من متحد شدند. آنها مقامی را که شایسته من بود، از من گرفتند». (1)

مقابله امامان غدیر با غدیر زدایی

امیرالمؤمنین علیه السلام در چندین مورد برای مبارزه با غدیر زدایی متعرض واقعه غدیر شده و به استناد با آن به مقام الهی خود استناد کرده اند. از آن جمله در میدان بزرگ کوفه بود که 12 نفر از صحابه بدری شهادت دادند که حدیث غدیر را از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیده اند. (2)

همچنین امام علی علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه وآله بپاخاست و مهاجران و انصار را بر فضایل خود و حدیث غدیر گواه گرفت و اصحابِ حاضر شهادت دادند این حدیث را از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیده اند. (3)

حضرت زهراعلیها السلام نیز در خطبه خود در مسجد النبی صلی الله علیه وآله متعرض امامت اهل بیت علیهم السلام شده فرمودند: «امامت ما اهل بیت علیهم السلام موجب نظم شریعت و مصونیت از تفرقه می گردد». (4)

امام حسن مجتبی علیه السلام در نامه ای به معاویه به حقوق الهی خود اشاره داشته می فرمایند: «ما به راستی از کسانی که در ربودن حق ما بر ما یورش بردند در شگفتیم !

1- نهج البلاغه: خطبه 127 .
2- تاریخ مدینه دمشق: ج 2 ص 8 .
3- نفحات الازهار: ج 3 ص 242.
4- خطبه فدکیه حضرت زهرا علیهاالسلام .

زیرا خلافت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله را که حقّ مسلم ماست از چنگ ما ربودند».(1)

همچنین امام حسین علیه السلام در نامه ای به بزرگان بصره می نویسد: «ما خاندان رسالت جانشینان رسول خداصلی الله علیه وآله و وارثان وی بودیم، و از همه مردم نسبت به جایگاه وی شایسته تریم».(2)

آن حضرت در محل «ذو حسم» در برابر سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود: «ای مردم! ما خاندان رسول خداصلی الله علیه وآله به کار خلافت شما از این مدعیان ناحق که با شما رفتار ستمگرانه دارند شایسته تریم. مگر نمی بینید که به حقّ عمل نمی کنند و از باطل باز نمی دارند؟ به راستی مؤمن باید مشتاق دیدار خدا باشد. من مرگ را جز نیک فرجامی نمی دانم و زندگی با ستمگران را جز ذلّت نمی بینم».(3)

امام علی بن الحسین علیه السلام نیز در بیداری وجدان جامعه و آشنایی مردم به حقوق الهی خاندان رسالت در قالب دعاهای گوناگون تلاش وسیعی کرده اند، و از جمله در دعای عرفه فرموده اند: «پروردگارا! بر پاکان اهل بیت رحمت فرست که آنان را برای امر خود برگزیدی، تا کلید داران خزائن علم تو و نگهبانان دین و خلفای تو در روی زمین و حجت های فروزان تو بر بندگانت باشند. تو آنان را از پلیدی ها بر کنار داشته ای و مقرر فرموده ای که میان تو و بندگان تو وسیله ای باشند و به سوی بهشت تو راه بنمایند».(4)

به همین سبب تلاش گسترده امام زین العابدین علیه السلام در دعاهای گوناگون این بود که مردم را به حقوق اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد. امام باقرعلیه السلام نیز در تبیین امامت در مکتب اهل بیت علیهم السلام تلاش وسیعی را آغاز کردند و با استناد به روایات رسول خداعلیه السلام درباره

1- مقاتل الطالبیّن: ص 65 .
2- تاریخ طبری: ج 4 ص 266 .
3- تاریخ طبری: ج 4 ص 303 .
4- مفاتیح الجنان، دعای عرفه: ص 200 .

امامت فرمودند: «هر کس بدون امام بمیرد به جاهلیت مرده است». (1) و فرمودند: «امامت یکی از ستون های عمده اسلام است، و امامان حافظ و هادی مؤمنان بوده و اطاعت آنان واجب است. آنان اهل ذکر و خزائن علم الهی و نوری هستند که مؤمنان را به راه راست هدایت می کنند و دل های آنان را روشنایی می بخشند. قرآن به آنان به میراث داده شده و آنها مفسّران وحی و راسخان در علم هستند». (2)

امام صادق علیه السلام نیز در تبیین نظریه امامت، شناسایی امام را بر هر مؤمنی واجب می دانست و فرمود: «مَن ماتَ و لا یَعرفُ امامَه ماتَ میتةً جاهلیّةً». (3) آن حضرت با انتخاب سیاست تقیّه و تبیین آن، از ادعای امامت الهی خود دست برنداشت و در مراسم عرفه از امامت رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله و اجداد طاهرینش سخن گفت و فرمود: «رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله امام بود، سپس علی بن ابی طالب، و سپس حَسَنین و پس از آن علی بن الحسین و محمد بن علی علیهما السلام و سپس من امام هستم». (4)

داعیه امامت و رهبری الهی بر جامعه اسلامی از سوی امام موسی بن جعفرعلیه السلام در پاسخ سؤال هارون در تعیین حدود فدک بود، که آن حضرت ادعای خلافت بر جهان اسلام را طرح کردند و فرمودند: «یک حد آن عَدَن، حدّ دیگر سَمَرقند و حد دیگر اِفریقیّه و حد چهارم آن ارمینیه است». (5)

پیوند توحید و امامت

امام رضاعلیه السلام نیز پس از آنکه ناگزیر به قبول ولایتعهدی گردید در خطبه ای فرمود:

1- اصول کافی: ج 1 ص 371 .
2- اصول کافی: ج 2 کتاب الحجه .
3- اصول کافی: ج 3 ص 40 .
4- فروع کافی: ج 4 ص 466 .
5- مناقب ابن شهر آشوب: ج 4 ص 320 .

«ما را به واسطه رسول اللَّه صلی الله علیه وآله بر شما حقّی است و شما را نیز به خاطر رسول خدا بر ما حقّی است. هر گاه شما حقّ ما را پرداختید بر ما واجب است حقّ شما را ادا کنیم».(1)

آن حضرت در نیشابور با بیان حدیث سلسله الذهب فرمود: «کَلِمَهُ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ حِصنی؛ فَمَن دَخَلَ حِصنی اَمِنَ مِن عَذابی. سپس فرمود: «بِشُروطِها وَ اَنَا مِن شُروطِها»: «کلمه توحید شروطی دارد و من یکی از این شروط هستم».(2)

بدین ترتیب امام رضاعلیه السلام این مسئله اساسی را برای مردم تبیین می کنند که توحید با امامت برگزیدگان خداوند در پیوند است؛ چرا که اسماء و صفات خدا در وجود انسان کامل، یعنی امام تجلی می یابد؛ و به وسیله امام راه توحید شناخته می شود. شاید این سخن بی تأثیر نباشد که کلمه «لا اله الا اللَّه» دوازده حرف است و امامت نیز در قرآن 12 مرتبه آمده است! (17 هود، 12 یس، 12 احقاف، 12 توبه، 5 قصص، 72 انبیاء، 24 سجده، 74 فرقان، 124 بقره، 70 اسراء، 79 حجر و 41 قصص).

لذا امام رضاعلیه السلام فرمود: خداوند می فرماید: «کلمه "لا اله الا اللَّه" دژ من است». آن حضرت در مسجد جامع مرو در تبیین مسئله امامت شئون گوناگون آن را تبیین فرمودند:

امامت از منازل انبیاء و ارث اوصیاست. امامت خلافت خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزّت مؤمنین و ریشه اسلام و شاخه بلند آن است.(3)

1- مقاتل الطالبیّن: ص 455 .
2- عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 143 .
3- عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 197 .

همچنین امام علی بن محمدعلیه السلام در زیارت جامعه کبیره که از مشهورترین و معتبرترین زیارات فرهنگ شیعه است، طرح اساسی مسئله امام شناسی و معارف عمیق توحیدی و ولایی و فضایل انسان کامل را در انداختند؛ و امام را به عنوان حجّت خدا و معدن اسرار الهی و خزانه علم خداوند و رهبر سیاسی و فکری جامعه اسلامی معرفی نمودند.

دفاع امام زمان علیه السلام از حقّ منصوصی خود در گفتمان و اجرا

بدین سان بر ما روشن می گردد مسئله امامت در قرآن، به عنوان وصایت و جانشینی انبیاء و حاصل میراث پیامبران در فرزندان ذکور و یا برادر به شرط علم و عصمت تحقق پیدا می کند.

تعیین امام از سوی رسول خداصلی الله علیه وآله بر عهده خداوند گذاشته شده و مسئله منصوصی آن تأکید شده و غدیر خم تجلّی نص امامت و جانشینی آن حضرت است.

طرح امامت منصوصی و استشهاد به آن به عنوان حقّی که خداوند بر عهده امامان گذاشته از سوی آنان تصریح شده است، و هر کدام از امامانِ شیعه به نحوی به تبیین وظایف و شئون و اختیارات امام در خطبه ها و نامه ها و زیارات و روایات خود به آن تصریح کرده اند و بیشتر آنان به شکل های گوناگون، داعیه امامت و رهبری الهی خود را بیان داشته اند.

به همین سبب، ریشه گفتمان منصوصی امامت در قرآن است و پایه و اساس آن بر غدیر نهاده شده، و هر کدام از امامان به تبیین آن پرداخته اند. بنابراین در عصر ظهور امام زمان علیه السلام، ایشان نیز مثل دیگر اهل بیت علیهم السلام از حقّ خود دفاع نموده و آنچه در غدیر بیان گردیده را محقق می نمایند؛ هم در گفتمان منصوصی و هم در اجرا، تمام آن شئون و اختیارات را به امر خداوند بدون هیچ مانعی طبق وعده الهی انشاء اللّه به ظهور

خواهند رساند». در زمان غدیر و زمان اهل بیت علیهم السلام تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام، فقط گفتمان بوده و در جاهایی خاص به اجرا در آمده است، و لکن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هم گفتمان منصوصی است و هم در اجرا به ظهور می رسد.

منابع و مأخذ:

1 . قرآن مجید.

2 . ابن شهر آشوب سروی؛ مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق.

3 . ابن هشام، عبدالملک؛ السیره النبویه، تحقیق مصطفی السّقا و دیگران، مصر، مطبعه مصطفی البابی الحلبی، 1375ق

4 . ابن حنبل، احمد؛ مسند، بیروت، دارالفکر، بیتا.

5 . ابن عساکر، شافعی دمشقی؛ ترجمه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام من تاریخ دمشق، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، 1398 ق.

6 . اصفهانی، ابوالفرج؛ مقاتل الطالبیّن، تحقیق احمد صقر، بیروت، منشور الاعلمی للمطبوعات، 1408ق.

7 . اصفهانی، ابونعیم؛ ذکر اخبار اصفهان، تحقیق سید حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410ق.

8 . بخاری، اسماعیل؛ صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، بی تا.

9 . بغدادی، ابن طیفور؛ بلاغات النساء، تحقیق برکات یوسف هبود، بیروت، المکتبه العصریه، 1421ق.

10 . ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد؛ الغارات، تحقیق عبدالزهراء الحسینی، بیروت، دار الاضواء، 1407ق.

11 . دینوری، ابن قتیبه؛ عیون الاخبار، تحقیق یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

12 . صدوق، محمد بن بابويه؛ عيون اخبار الرضاعليه السلام، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، 1404ق.

13 . طبرسى ، احمد بن على؛ الاحتجاج، تهران، انتشارات اسوه، 1375ش.

14 . طبرى، محمد بن جرير؛ تاريخ الرسل و الملوک، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، 1409 ق.

15 . عسقلانى، ابن حجر؛ الاصابه فى تمييز الصحابه، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.

16 . على بن ابى طالب عليه السلام؛ نهج البلاغه، جمع آورى شريف رضى، تحقيق و ترجمه محمد دشتى، قم، انتشارات مشرقين، 1379ش

17 . امام على بن الحسين عليه السلام؛ صحيفه سجاديه، روايت حسين بن اشكيب، تصحيح سيد احمد سجادى، اصفهان، موسسه فرهنگى الزهراءعليها السلام، 1383 ش.

18 . قندوزى، سليمان بن ابراهيم حنفى؛ ينابيع الموده، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بى تا.

19 . كلينى رازى، محمد بن يعقوب؛ اصول كافى، ترجمه و شرح محمد باقر كمرهاى، تهران، انتشارات اسوه، 1372ش.

20 . كلينى رازى، محمد بن يعقوب؛ فروع كافى، تصحيح على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، بى تا.

21 . نيشابورى، حاكم؛ المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411 ق

تجلی عدالت غدیر در عصر ظهور : حسین تهرانی

چکیده

1 . دو نکته مهم در خطبه غدیر: تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان اولین امام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام.

2 . امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را چگونه برقرار کرد و حضرت مهدی علیه السلام چگونه برقرار می کند.

3 . نمونه هایی از عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام از زوایای مختلف.

4 . نمونه هایی از جوانب عدالت حضرت مهدی علیه السلام.

5 . زدودن پیرایه ها از دین توسط امام زمان علیه السلام.

مقدمه

واقعه غدیر خُم یکی از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام است، که در واپسین روزهای زندگی نبی اکرم صلی الله علیه وآله به وقوع پیوست. در عظمت این روز همین بس که خداوند کریم درباره آن چنین می فرماید: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم

نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً» (1) : «امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین (جاودانه) شما پذیرفتم».

تواتر حدیث غدیر

به اعتراف بسیاری از مورخان و علمای اهل سنت، این آیه در روز غدیر خُم نازل شده است. (2) حدیث غدیر نه تنها معتبرترین سند در میان اسناد احادیث را داراست و غالب علمای اهل سنت به آن تصریح کرده اند، بلکه باید گفت که هیچ حدیثی در این حدّ از تواتر بر پایه حدیث غدیر نرسیده است. (3)

1- مائده: 3 .
2- تفسیر الدُرّ المنثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابوبکر السیوطی: ج 2 ص 259 ؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی: ج 8 ص 290 ، ترجمه حبشون بن موسی الحلال، رقم 4392 ؛ تاریخ مدینه دمشق ، ترجمه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، ابن عساکر: ج 42 ص 233 ؛ تفسیر ابن کثیر: ج 2 ص 491 ؛ مناقب خوارزمی : ص 80 ؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی ، ص 30 ؛ فرائد السمطین: ج 1 ص 73 باب 12 ح 39 و ج 1 ص 315 باب 58 ح 250 ؛ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام ، ابن مغازلی شافعی: ص 19 ؛ النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام ، ابی نعیم، ص 56 ؛ ینابیع المودّه ، قندوزی حنفی : ص 115 باب 38 ، الاتقان: ج 1 ص 75 ؛ الامالی الخمیسیه : ص 146 ؛ ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام ، ابن مردویه: ص 232 ؛ تفسیر طبری: ج 6 ص 102 ؛ تفسیر الماوردی : ج 1 ص 446 ؛ تفسیر المحرر الوجیز: ج 2 ص 154 .
3- گروه زیادی از علمای اهل سنت به صحت حدیث غدیر و تواتر آن اعتراف نموده اند. ر.ک: صحیح ترمذی: ج 2 ص 298 ؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ج 3 ص 109 ؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی: ج 5 ص 288 ؛ الصواعق المحرقه، ابن حجر مکی: ص 42 و 43 ؛ الاستیعاب، ابن عبد البرّ: ج 2 ص 373 ؛ السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی: ج 3 ص 274 ؛ تذکره الخواص، سبط ابن جوزی : ص 18 ؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی: ج 7 ص 61 ؛ مشکل الآثار، ابوجعفر احمد بن سلامه طحاوی: ج 2 ص 308 ؛ تفسیر روح

المعانی، ابوالفضل شهاب الدین محمود الآلوسی: ج 6 ص 61 ؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج 9 ص 166؛ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام ، ابن مغازلی شافعی: ص 26 ؛ کفایه الطالب ، حافظ ابوعبداللّٰه گنجی شافعی، ص 61 ؛ العروه لاهل الخلوه، شیخ ابوالمکارم علاء الدین سمنانی: ص 422 ؛ سرّ العالمین، ابوحامد غزالی: ص 21 ؛ المواهب اللدنیّه، شهاب الدین قسطلانی: ج 3 ص 365 ؛ اسعاف الراغبین، ابوالعرفان صبّان شافعی: ص 153 ؛ مجمع الزوائد، حافظ نور الدین هیثمی: ج 9 ص 104، 109 ؛ وسیله المآل فی مناقب الآل، شیخ احمد بن باکثیر مکی، ص 117 ، 118 ؛ السنّه، ابن ابی عاصم: ج 2 ص 566 ؛ تلخیص المستدرک، شمس الدین ذهبی: ج 3 ص 613، ح 6272 ؛ المرقاه فی شرح المشکاه، شیخ نور الدین هروی قاری حنفی: ج 10 ص 464 ح 6091 ؛ رساله فی طرق حدیث من کنت مولاه، شمس الدین ذهبی: ص 11؛ نزل الابرار، میرزا محمد بَدَخشی: ص 54 .

با وجود این همه اسناد و مدارک اگر کسی در واقعه غدیر تشکیک ایجاد کند و آن را نپذیرد، باید گفت: هیچ واقعه ای در اسلام برای وی قابل اثبات نیست.

دو نکته مهم در خطبه غدیر

اشاره

خطبه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در غدیر ایراد کرد، حاوی نکات ارزنده و مهمی است که از جمله آنها دو نکته زیر است:

1 : تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این روز طی خطبه ای غرّا به معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخت و او را به عنوان جانشین پس از خود به مردم معرفی کرد و فرمود: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ»: «هر کس که من مولا و سرپرست او هستم، این علی پس از من همان جایگاه را خواهد داشت».

اهل سنت اصل «حدیث غدیر» را پذیرفته و بر صحت آن اتفاق نظر دارند، اما برای فرار از واقعیت، موضوع «جانشینی» امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را که فرمود: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ»، حمل بر «دوستی آن حضرت» می نمایند، غافل از اینکه «مولی» در عبارت مورد نظر به معنای «اطاعت و فرمانبرداری» است.

بر فرض که بگوییم «مولی» به معنای «دوستی» است، حقیقت دوستی و محبت چیزی نیست جز اطاعت و فرمانبرداری از فردی که ما ملزم به دوست داشتن او شده ایم. ابن اثیر در کتاب «النهایه» کلمه «مولی» در عبارت «من کنت مولاه ...» را این گونه معنا

کرده است: «اَی مَن اَحَبَّنی وَ تَوَلاّنی فَلیَتَوَلَّهُ»(1): «هر کس مرا دوست داشته باشد و از من اطاعت می نماید، او (علی علیه السلام) را نیز دوست بدارد و از وی اطاعت نماید».

پس معلوم شد «مولی» در عبارت «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه» به معنای دوستی توأم با متابعت است، نه فقط دوستی؛ و این همان نظر و اعتقاد شیعه است، که خوشبختانه عده ای از علمای اهل سنت جسته و گریخته به آن اشاره نموده اند.

در مورد «آیه غار»(2) که نه اسم ابوبکر در آن ذکر شده و نه از نظر ظاهر دلالتی به یار غار بودن ابوبکر دارد، عجیب این است که اهل سنت به طور قطع و یقین می گویند یار غار ابوبکر بوده و این آیه را یکی از فضیلت های وی به شمار می آورند! اما در مورد حدیث «غدیر» با توجه به اعترافی که در مورد صحت سند و تواتر آن نموده اند و با عنایت به اینکه پیامبرصلی الله علیه وآله در مقابل هزاران نفر دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و بلند کرد و او را به مردم نشان داد که فردا مردم به اشتباه سراغ علیِ دیگری نروند و با صراحت تمام فرمود: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ»، چنین حقیقت واضح و آشکاری را نمی پذیرند و در مقام توجیه می گویند: مراد از مولی دوستی است.

یکی از بزرگان می فرمود: اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه غدیر کلمه «مولی» را به کار نمی برد، و به جای آن لفظ «خلیفه» را استعمال می کرد و می فرمود: «این علی بعد از من خلیفه است»، باز اهل سنت در مقام توجیه بر می آمدند و می گفتند: پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده که علی علیه السلام بعد از من خلیفه است و امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله خلیفه شد و ما هم او را به عنوان خلیفه چهارم قبول داریم، زیرا مراد حضرت از استعمال کلمه «خلیفه» اِخبار بوده نه إنشاء، یعنی حضرت خواسته خبر از آینده بدهد که این

1- النهایه، ابن اثیر: ج 5 ص 228 .
2- «ثانِیَ اثْنَینِ اِذْ هُما فِی الغارِ اِذْ یَقولُ لِصاحِبِهِ لا تَحزَنْ اِنَّ اللّه مَعَنا». توبه: 40.

علی بعد از من خلیفه خواهد شد و از فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله استفاده ای نمی شود که آن حضرت فرموده باشد امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه بلافصل من است؟!!!

بنابراین موضوع و مفاد خطبه غدیر، تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین پیامبرصلی الله علیه وآله است و مطرح نمودن چنین شبهاتی در این باره چیزی جز القائات شیطانی و گاه از سر هوا و هوس نیست؛ زیرا آن حضرت به شهادت تاریخ و به دلیل دارا بودن جمیع فضائل و کمالات و شایستگی ها، بهترین فرد به عنوان خلیفه و جانشین بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله بوده است.

2 : معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام

پیامبرصلی الله علیه وآله در فراز دیگر خطبه، به معرفی آخرین امام و خلیفه و جانشین خود می پردازد و می فرماید: «اَلا وَ اِنَّ خاتَمَ الاَئِمَّهِ مِنَّا القائِمَ المَهدِیِ علیه السلام».(1) و در فراز دیگر می فرماید: «النّورُ مِنَ اللَّهِ فِیَّ ثُمَّ فی عَلِیٍّ ثُمَّ فِی النَّسلِ مِنهُ اِلَی القائِمِ المَهدِیِ علیه السلام».(2)

معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش در غیر غدیر

معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان بزرگوارش به عنوان خلیفه و جانشین، اختصاصی به روز هیجدهم ذی الحجه و واقعه غدیر خم ندارد؛ بلکه پیامبرصلی الله علیه وآله در موارد عدیده به معرفی خلیفه بلافصل خود امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر جانشینان خود تا حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است؛ که این حدیث در اصطلاح محدثین، معروف و مشهور به حدیث «اثنی عشر» است، و عامه و خاصه این حدیث را با الفاظ و عبارات مختلف نقل نموده اند.

1- احتجاج، طبرسی: ج 1 ص 63 .
2- کتاب الولایه، طبری، بنا به نقل الغدیر: ج 1 ص 214 .

از جمله حَمَوینی در فرائد السمطین و قندوزی حنفی در ینابیع الموده حدیث مورد نظر را بدین شکل نقل نموده اند که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «اِنَّ اَولِیائی وَ اَوصِیائی وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَی الخَلقِ بَعدی اثنا عَشَرَ، اَوَّلُهُم اَخی وَ آخِرُهُم وَلَدی. قیل: یا رسول اللَّه، مَن اَخوکَ؟ قال: عَلِیُّ بنُ اَبی طالِبٍ. قیل: فِمَن وُلدُکَ؟ قال: المَهدِیُّ الَّذی یَملأُها قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت جَوراً وَ ظُلماً»(1): «خلفاء و اوصیاء من و حجت های خدا بر خلق بعد از من دوازده نفر خواهند بود، که نخستین آنان برادرم و آخرین آنان فرزندم است.

گفته شد: یا رسول اللَّه، برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب؟ گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی همان کسی که دنیا را از عدل و داد پر نماید، هم چنان که از جور و ستم پر شده باشد.

در این حدیث شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به دوازده نفر بودن خلفاء و اوصیاء بعد از خود تصریح کرده و اشاره به نام اولین و آخرین آنها نموده است.

حال به مناسبت موضوع این مقاله، بحث ما پیرامون این مسئله است که امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خلافت ظاهری خود عدالت اجتماعی را چگونه برقرار کرد و امام زمان علیه السلام نیز به چه کیفیت عدل و داد را در زمان ظهور خود برقرار می کند.

عدالت اجتماعی در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام

در زمان خلافت عثمان به خاطر بی عدالتی ها و تبعیض ها که توسط وی صورت پذیرفت، موج نارضایتی بین مردم بالا گرفت، در حدی که مردم اقدام به کشتن او نمودند. بعد از کشته شدن عثمان، در صدد برآمدند که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمایند. حسن اتفاق عجیبی که در تکرار تاریخ رخ داده آن است که جریان غدیر خم و ابلاغ

1- فرائد السمطین، حموینی: ج 2 ص 312 شماره 562 ؛ ینابیع الموده ، قندوزی حنفی: ص 536 باب 78 .

امامت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، در روز 18 ذی حجه بوده است، و بعد از گذشت 25 سال از این واقعه، پیشامد قتل عثمان و درخواست بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین، نیز مصادف با همین روز یعنی 18 ذی حجه بوده است.

سرانجام آن حضرت با اصرار و بیعت آزادانه امت اسلامی روی کار آمد، امّا از همان ابتدای خلافت و امامت جامعه اسلامی، بارها فرمود: مرا رها کنید و سراغ دیگری بروید، چرا که اگر من وزیر شما باشم بهتر از آن است که امیر شما باشم، زیرا که اگر امارت را بپذیرم اسلام واقعی را که متخَّذ از قرآن و سنّت نبوی و اجتهاد خودم است، به طور حقیقی به اجرا خواهم گذاشت و ملاحظه کسی را نخواهم کرد، و همه حقوق تضییع شده را به مالکان اصلی شان بر خواهم گرداند، اگرچه در کابین همسرانتان باشد. «وَاللّٰهِ لَو وَجَدتُهُ قَد تُزُوِّجَ بِهِ النِّساءُ، وَ مُلِکَ بِهِ الاِماءُ، لَرَدَدتُهُ»(1): «به خدا سوگند! آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده - اگر بیابم - به صاحبش باز می گردانم؛ اگرچه زنانی را به آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند»!

آن حضرت از همان آغاز حکومتش به شعارهای خود جامه عمل پوشاند و عدالت را پایه و مبنای کار خود قرارداد. و به قول مورّخان: «قَسَّمَ بِالسَّوِیَّهِ وَ عَدَلَ فِی الرَّعِیَّهِ».(2)

امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر اجرای دقیق عدالت، در محراب عبادت به شهادت رسید. عدالت آن حضرت زبانزد عام و خاص شده و پس از آن حضرت هم دیگر، جامعه رنگ و بوی عدالت را آن گونه که باید و شاید به خود ندید، تا زمانی که خداوند اراده کند و عدالت گستر جهان، حضرت بقیه اللّٰه الاعظم امام زمان روحی و

1- نهج البلاغه: خطبه 15 .
2- حیاه الصحابه: ج 2 ص 113 .

ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه تشریف فرما شوند و جهان را پر از عدل و داد نمایند.

عدالت اجتماعی در عصر مهدی موعودعلیه السلام

آن عدالت اجتماعی که پیامبرصلی الله علیه وآله در طول 23 سال با تحمل رنج و شکنجه در جامعه ای دور از تمام فضایل انسانی ایجاد کرد، متأسفانه به خاطر عدم پذیرش خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام رنگ باخت و با شهادت اسوه عدالت در محراب مسجد کوفه عدالت اجتماعی نیز در خاک پنهان شد.

قتل علی علیه السلام یعنی عدم آمادگی مردم برای پذیرش عدالت. بنابراین با همان شمشیری که علی بن ابی طالب علیه السلام ضربت خورد پیکر امامت نیز دو نیم شد! قتل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی عدم پذیرش عدالت اهل بیت معصوم پیامبرصلی الله علیه وآله در میان مردم و دوباره خانه نشین شدن همه امامان. قتل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی اعلان جنگ با عدالت موعود. این بود که ائمه طاهرین علیه السلام به حاشیه برده شدند و یاری رسانی به آنان در مسیر اهداف بلندشان، تا روز ظهور موعود تعطیل شد و بشریّت از عدالت خاندان وحی محروم گردید.

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، ستمگران قصد جان موعود امم حضرت بقیه اللّه الأعظم علیه السلام را داشتند، اما خدای متعال آن یگانه گوهر واپسینِ امامت را در پشت پرده غیبت مصون داشت، تا با پیدایش انسان هایی والا گهر، آن عدالتِ بی نظیر در جهان شکل گیرد. از این رو وقتی مهدی آل محمدعلیهم السلام قیام کند عدل و داد را جهانگیر می کند و دامنه عدالت او همه جا را فرا می گیرد و چنان عدالتی را می آورد که جهان نظیرش را ندیده باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در وصف آن حضرت می فرماید: «اَوّلُ العَدلِ و آخِرُهُ»(1): «او آغاز عدالت و هم فرجام آن است». در خطبه غدیر در وصف حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

توجه کنید! خاتم امامان مهدی از ماست. آگاه باشید! چیره شونده بر همه ادیان اوست؛ انتقام گیرنده از ظالمان اوست. فاتح و منهدم کننده دژها اوست. اوست که سراسر قبایل اهل شرک را نابود می سازد. اوست که خون بهای تمام اولیای حق را می گیرد. اوست که از دریای ژرف (دانش) می نوشاند. اوست که هر کسی را بر اساس شایستگی عنوان می دهد. او برگزیده و منتخب خداوند است. او وارث همه علوم و محیط بر آنهاست.

اوست که از خداوندگارش خبر می دهد و از حقایقِ ایمانِ به او آگاهی می دهد. اوست که دارای رشد و استواری در رأی و عمل است. امور دین به او واگذار شده و پیامبران قبل و امامان پیشین به او مژده داده اند. او حجت باقی است و بعد از او حجّتی نیست. حقّی نیست مگر با او و نوری نیست جز نزد او، کسی بر او غالب و پیروز نمی شود. او ولیّ خداوند و حاکم الهی بر خلایق و امین خداوندگار در ظواهر و اسرار است.(2)

همچنین در روایت دیگری رسول خداصلی الله علیه وآله مهدی موعودعلیه السلام را چنین توصیف می کند:

لَو لَم یَبقَ مِنَ الدُّنیا اِلاّ یَومٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذلِکَ الیَومَ حَتّی یَبعَثَ اللَّهُ فیهِ رَجُلاً مِن وُلدی یُواطِئُ اسْمُهُ اسمی یَملأها عَدلاً وَ قِسطاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً»(3)): «اگر نماند از

1- مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی: ج 1 ص 148 ، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق.
2- الاحتجاج، ابومنصور احمد طبرسی: ج 1 ص 63 64 .
3- این حدیث با الفاظ و عبارات مختلف در منابع زیر آمده است: مسند، احمد بن حنبل: ج 1 ص 99 طبع مصر، سال 1313 ه.ق ؛ سنن ترمذی: ج 2 ص 46 ، طبع دهلی، سال 1342 ه.ق ؛ سنن ابی داود: ج 4 ص 107 ، طبع مصر؛ نور الابصار، شبلنجی: باب 2 ص 154 ؛ ینابیع الموده، } قندوزی حنفی، ص 432 ؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی: ص 488 ؛ عقد الدرر

فی اخبار الامام المنتظر علیه السلام ، یوسف بن یحیی دمشقی: ص 56 ، منتخب کنز العمال: ج 5 ص 404 ؛ کمال الدین ، شیخ صدوق : ج 1 ص 537 ، طبع دار الحدیث سال 1380 ش؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ج 4 ص 558 ؛ مسند ابی یعلی: ج 2 ص 274 ، ح 987 ؛ صحیح ابن حبّان: ج 8 ص 290 ، 291 ح 6874 ؛ المصنف، ابن ابی شیبه، باب 321 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 82 ، باب 1 ح 22 .

عمر روزگار مگر یک روز، خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از اولاد من خروج کند که اسم او اسم من است. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

در این روایت پیامبرصلی الله علیه وآله اشاره به ایجاد عدالت اجتماعی بر روی کره زمین به دست حضرت بقیه اللّٰه علیه السلام دارد.

امام صادق علیه السلام در مورد عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «وَ اللّٰهِ لَیَدخُلَنَّ عَلَیهِم عَدلُهُ جَوفَ بُیوتِهِم کَما یَدخُلُ الحَرُّ وَ القَرُّ»(1): «به خدا سوگند، عدالت او در خانه هایشان وارد می شود چنان که گرما و سرما داخل می گردد».

در حکومت موعود مردم طعم شیرین عدالت را خواهند چشید و در میان همگان داد و دادگری حاکم می شود، و حکم داودی در میان افراد جاری می گردد. حاکمان و دوستان رعیت، و رعیت دلبستگان فرمانروایان می گردند. نیکان عزیز می شوند و شروران خوار. صالحان سربلند می گردند و فاسدان بدنام. باورمندان آبرومند می شوند و دوچهرگان بی آبرو.

در حکومت موعود تمام حقوق پایمال شده ملت ها باز ستانده می شود. حق هر صاحب حقی باز پس داده می شود، گرچه به دست گذشتگان غصب شده باشد. امام ششم حضرت صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

1- کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی: ص 297 .

لا تَذهَبُ الدُّنیا حَتّی یَخرُجَ واحِدٌ مِنّی یَحکُمُ بِحُکومَهِ آل داوودَ وَ لا یَسأَلُ عَن بَیِّنَهٍ؛ یُعطی کُلَّ نَفسٍ حُکمَها.(1)

این جهان به اتمام نخواهد رسید مگر آنکه مردی از تبار من خروج می کند. او به سان حکومت داوودی حکم می کند و مدرک و سند نمی طلبد و حکم هر کسی را به حقّ عطا می فرماید.

این سخن بدان معنی است که اگر حق فردی بر باد رود و تمام مدارک نابود شود و کسی به شهادت به سود وی حاضر نباشد، مهدی موعودعلیه السلام با دانش بیکران الهی و الهام یزدانی حقّ را از ناحقّ می شناسد، اگرچه شاهد و گواهی نباشد. آن حضرت به حق فرمان می دهد و داد مظلومان ستمدیده را از ستمگران باز می ستاند؛ گرچه حق زن نسبت به شوهر یا حق پدر بر فرزند یا حق حاکم بر رعیت و حق رعیت بر حاکم باشد.

البته شایان ذکر است که دوران غیبت و طول زمان آن عصر، آزموده شدن مردم برای تحمل چنان عدالتی است که گردن نهادن بدان کاری بس دشوار است؛ چون عموم مردم، طالب اجرای عدالت در مورد دیگرانند و از حکم عدالت در مورد خود سخت بیم دارند.

از این رو باید شیعه در عصر غیبت امام علیه السلام خود را در مسیر عدل و داد تربیت کند و نفس خویش را به فشارها و تازیانه های ادب رام کند و آماده تحمل عدالت مهدوی شود؛ چنان که فرموده اند:

اِن رَأَیتَ صاحِبَ هذَا الاَمرِ یُعطی کُلَّ ما فی بَیتِ المالِ رَجُلاً واحِداً فَلا یَدخُلَنَّ فی قَلبِکَ شَی ءٌ فَاِنَّهُ اِنَّما یَعمَلُ بِأَمرِ اللّهِ.(2)

1- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفّار: ص 258 .
2- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج 9 ص 520 .

اگر دیدی که صاحب این امر (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) تمام بیت المال را به یک نفر داد در دلت شک و شبهه ای وارد نشود؛ زیرا که او در تمام کارهایش به فرمان خدا عمل می کند.

آن حضرت مرکز حکومت خود را مسجد کوفه قرار می دهد؛ همان جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام بنای گسترش عدل خویش را نهاد. این شهر به عنوان پایتخت کشور جهان خواهد بود و حکومت واحد جهانی از این شهر اداره می شود. گستره این کلانشهر فرسنگ ها خواهد شد، و همگان آرزو خواهند کرد که ای کاش در این شهر زندگی می کردند.

زدودن پیرایه ها از دین

از آنگاه که مسیر خلافت اسلامی از جایگاه اصلی خویش منحرف شد، دوره به دوره دستگاه خلافت غاصب و مدافعان آن بر دین پیرایه ها بستند، و آیین خدا را از آن استواری و زلالی و سادگی با قوانین نوظهور و فرمان های شگفت خویش منحرف کردند، و بشریت را از روی آوری به آیین مطابق با فطرت و سرشت سالم بازداشتند. عمر در دوران خلافت خویش اعلام کرد: «دو متعه یکی متعه حج و دیگری متعه نکاح ممنوع است» ! (1)

همچنین همه احکام و مسائل و اصول اعتقادی را دگرگون کردند؛ از توحید گرفته تا معاد و از کتاب الطهاره گرفته تا کتاب الدیات. اینکه بعضی ها می گویند: ما با اهل سنت مشترکات زیادی داریم تا جایی که مدعی شده اند که اشتراکات ما با عامه

1- الاستغاثه، علی بن احمد کوفی: ص 44 ؛ البیان و التبیین، جاحظ: ج 2 ص 193 ؛ شرح تجرید، قوشچی، مبحث امامت: ص 484 ؛ کنز العرفان: ج 2 ص 158 ؛ سنن نسائی: ج 5 ص 153 ؛ مسند، احمد بن حنبل: ج 1 ص 52 ؛ تفسیر کبیر فخر رازی: ج 10 ص 51 .

95 درصد است و فقط در پنج درصد مسائل ما با اهل سنّت اختلاف داریم، مردود است.

شافعی در کتاب معروف «الاُمّ» از وهب بن کیسان نقل می کند: «کُلُّ سُنَنِ رسول اللَّه صلی الله علیه وآله قد غُیِّرَت حَتَّی الصَّلاةُ»(1): «تمام سنّت پیامبرصلی الله علیه وآله را تغییر دادند حتی نماز را». از ابوحنیفه نقل شده که گفت: «من نمی دانم جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) در سجده نماز چشمان خود را می بندد یا باز نگه می دارد! برای اینکه در این مسئله هم با او مخالفتی کرده باشم به پیروانم دستور می دهم که در سجده نماز یک چشم خود را ببندند و چشم دیگر را باز نگه دارند!(2)

یعنی از روز اول بنای دشمنان اهل بیت علیهم السلام رویارویی با خاندان رسالت علیهم السلام و تغییر همه مسائل و ضروریات دین بوده است. لذا یکی از رسالت های امام زمان علیه السلام پیراستن اسلام از این آلودگی ها و خرافات و پیرایه هاست، و به تعبیر دیگر نوسازی بنای شکوهمند اسلام است. از این رو در پاره ای از روایات از این نوسازی تعبیر به «دین جدید» شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اِذا خَرَجَ یَقومُ بِأَمرٍ جَدیدٍ وَ کِتابٍ جَدیدٍ وَ سُنَّهٍ جَدیدَهٍ وَ قَضاءٍ جَدیدٍ»(3): «هنگامی که قائم خروج کند امر جدید و کتاب جدید و روش جدید و داوری جدیدی با خود می آورد».

و عن عبداللَّه بن عطاء قال: سَألتُ اَباجَعفَر مُحَمَّدِ بنِ عَلِیِّ الباقِرعلیه السلام فَقُلتُ: اِذا خَرَجَ المَهدِیُّ بِاَیِّ سیرَهٍ یَسیرُ؟ قالَ: یَهدِمُ ما قَبلَهُ، کَما صَنَعَ رَسولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وَ یَستَأنِفُ الاِسلامَ جَدیداً».(4)

1- الام: ج 1 ص 269 .
2- الکنی و الالقاب: ج 1 ص 50 .
3- اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی: ج 5 ص 165 .
4- عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر علیه السلام ، یوسف به یحیی دمشقی، باب سوم: ص 287 .

عبداللَّه بن عطاء از امام باقرعلیه السلام سؤال کرد: سیره مهدی علیه السلام به هنگام خروجش چیست؟ امام علیه السلام در جواب فرمود: «سیره مهدی علیه السلام سیره رسول خداصلی الله علیه وآله است. به این صورت که آنچه ما قبلش از بدعت ها هست نابود می کند و دوباره اسلام را جدیداً به سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله برپا می کند». یعنی در آن زمان اسلام را چنان از لابلای انبوه خرافات و تحریف ها و تفاسیر نادرست بیرون می آورد، که گویی بنایی کاملاً نو و جدید بنا می نهد. در همین رابطه در دعای ندبه می خوانید:

اَینَ المُدَّخَرُ لِتَجدیدِ الفَرائضِ وَ السُّنَنِ؟ اَینَ المُتَخَیَّرُ ِلاِعادَهِ المِلَّهِ وَ الشَّریعَهِ؟ اَینَ المُؤَمَّلُ ِلاِحیاءِ الکِتابِ وَ حُدودِهِ؟ اَینَ مُحیی مَعالِمِ الدّینِ وَ اَهلِهِ؟(1)

کجاست آنکه ذخیره شده برای تجدید واجبات و مستحبّات؟ کجاست آنکه اختیار شده برای برگردانیدن آیین و شریعت؟ کجاست آنکه آرزو می رود برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟

به امید آن روزی که منتقم حقیقی به امر پروردگار عالم ظاهر شود و انتقام خون شهیدان را بگیرد، و ظالمین را به سزای اعمالشان برساند و سراسر گیتی را پر از عدل و داد نماید، و پیرایه ها را از دین بزداید و دین واقعی را به مردم ارائه نماید!

اللَّهُمَّ اِنّا نَرغَبُ اِلَیکَ فی دَولَهٍ کَریمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الاِسلامَ وَ اَهلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَ اَهلَهُ وَ تَجعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ اِلی طاعَتِکَ وَ القادَهِ فی سَبیلِکَ.

تکمیل راه امیرالمؤمنین علیه السلام به دست امام زمان علیه السلام

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله در مدینه پایه های حکومت خود را بنا می نهاد، کوشید تا

1- دعای ندبه.

فرهنگ جدید و الهی را جایگزین فرهنگ جاهلی نماید. مردم را از ظلمات به نور آورد و دل های زمینی آنان را آسمانی کند. آن زمان هم که آهنگ رحلت به جهان باقی و جایگاه ابدیت نمود، در روز هجدهم ذی حجه در مکانی به نام غدیر خم، به فرمان خداوند، دست امیرالمؤمنین علیه السلام را بالا آورد و در جمع مردم، با فریاد بلند ندا داد که پس از او زمامدار و کاروان سالار امت اسلام علی علیه السلام است. از او پیرو کنید تا به سعادت برسید و نهال نوپای اسلام تنومند و قوی گردد و به بار بنشیند.

اما مردم پس از شهادت آن بزرگوار، به سمت و سویی دیگر رفتند، و پس از بیست و پنج سال در روز هجدهم ذی حجه ای دیگر به خلیفه حقیقی روی آوردند تا زعامت و امامتش را بپذیرند و از تصمیم قبلی خود اظهار ندامت نمایند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت پنج ساله اش که سرشار از شرارت های منافقان و دشمنان داخلی بود، کوشید جامعه ای بر پایه عدالت بنا نهد و مردم را با حکومت عادلانه خدایی آشنا سازد، اما حیف که باز هم مردم نخواستند و در محراب نماز به جرم عدالت به شهادتش رساندند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه غدیریه، آنگاه که از آخرین امام حضرت حجت بن الحسن علیه السلام سخن می گوید، از جمله کارهای مهمی را که به دست حضرت صورت می گیرد، گسترش خانه به خانه عدل برمی شمارد. اعتقاد ما بر آن است که حضرت مهدی علیه السلام راه نیمه تمام جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام را به پایان خواهد برد و طعم عدالت را به همه مردم جهان خواهد چشاند. به امید آن روز.

منابع و مآخذ

1 . قرآن.

2 . نهج البلاغه.

3 . اثبات الهداه، محمد بن حسن حرّ عاملی، ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ اول، 1425ق.

4 . استفاده ابزاری از دین، میکائیل صفایی.

5 . إسعاف الراغبین، محمدالصبان.

6 . الاتقان، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، مکه، 1998 م، 1418ق.

7 . الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی ابو منصور طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.

8 . الاستغاثه فی بدع الثلاثه، علی ابوالقاسم کوفی، تهران، اعلمی، 1373 ش .

9 . الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابوعمر یوسف ابن عبدالبرّ، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، طبع الاولی، 1412 ق.

10 . الامالی الخمیسیه، المرشد باللّه الشجری، دلیل ما، قم، 1389 ش .

11 . البدایه والنهایه، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، مکتبه المعارف، بیروت، 1408 ق .

12 . البیان والتبیین، ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ، مطبعه الاستقامه، قاهره، 1366 ق.

13 . السُّنه، ابو عاصم.

14 . السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت و دارالفکر، بیروت.

15 . العروه لاهل الخلوه، شیخ ابو المکارم علاء الدین سمنانی، تهران.

16 . الغیبه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم النعمانی، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، 1397ق.

17 . المواهب اللّدنیه، شهاب الدین قسطلانی.

ص: 199

18 . النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، ابو نعیم.

19 . النهایه، مجد الدین ابی السعادات بن الاثیر الجزری، دار ابن جوزی، ریاض، 1421 ق .

20 . بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهارعلیهم السلام، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، 1403 ق.

21 . بصائر الدرجات، ابو جعفر محمد بن الحسن الصفّار، محقق و مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی، قم، چاپ دوم، 1404 ق.

22 . تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون المغربی.

23 . تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، دار الکتاب العربی، بیروت، 1424 ق.

24 . تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، مکتبه الخانجی، اهره، ب المکتبه العربیه، 1349 ق .

25 . تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم بن حسن ابن عساکر، دارالفکر، بیروت 1995 م.

26 . تذکره الخواص، یوسف بن قزغلی سبط ابن الجوزی، منشورات الشریف الرضی، قم، 1418 ق .

ص: 156

27 . تفسیر ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، ناشر: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، چاپ اول،1419 ق.

28 . تفسیر الماوردی، ابی الحسن ماوردی.

29 . تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، قاضی عبدالحق ابن عطیه اندلسی، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، 1422 ق.

30 . تفسیر الدرّ المنثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، ناشر: کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی، قم، سال 1404 ق.

31 . تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، شهاب الدین محمود الآلوسی، تحقیق: علی عبدالباری عطی، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، 1415ق.

32 . تفسیر طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ناشر: دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، 1412 ق.

33 . تفسیر کبیر فخر رازی، فخر الدین محمد بن عمر الرازی، اساطیر ، تهران، 1371 ش .

34 . تلخیص المستدرک، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی.

35 . حیاه الصحابه، محمد یوسف کاندهلوی، مؤسسه الرساله، بیروت، 1420 ق.

36 . در فجر ساحل، محمد حکیمی، طباطبائی، قم، 1348 ش.

37 . دعائم الاسلام، ابوحنیفه قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی، محقق و مصحح: فیضی، آصف، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، 1385 ق.

38 . رساله فی طرق حدیث من کنت مولاه، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی.

39 . سرّ العالمین ابوحامد غزالی، تهران، 1305ق.

40 . سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، دارالفکر، بیروت.

41 . سنن النسائی"، احمد بن شعیب نسائی.

42 . سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دارالفکر، بیروت.

43 . سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی.

44 . شرح نهج البلاغه عزالدّین ابوحامد بن ابی الحدید، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، 1404ق.

45 . صحیح ابن حبّان، علاء الدین علی بن بلبان.

46 . صواعق المحرقه، ابوالعباس احمد بن محمد بن حجر الهیثمی.

47 . عقد الدرر فی أخبار الإمام المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی، نصایح، قم، 1374ش.

48 . غدیر خُم، عبدالصالح انتصاری.

49 . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، شهاب الدین احمد بن حجر العسقلانی، دارالکتب العلمیه، بیروت.

50 . فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد الجوینی الخراسانی، داوود، تهران، 1378.

51 . فرهنگ و تمدن جهان در عصر ظهور، دکتر جلال برنجیان.

52 . کتاب الولایه، ابو جعفر محمد بن جریر طبری.

53 . کفایه الطالب، ابوعبداللَّه محمد بن یوسف الگنجی الشافعی.

54 . کمال الدین و تمام النعمه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1395 ق.

55 . الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ تهران.

56 . مانزل من القرآن فی علی علیه السلام، حافظ ابونعیم اصفهانی.

57 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیثمی، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1422 ق.

58 . مرقاه المفاتیح فی شرح المشکاه المصابیح، ملا علی بن سلطان محمد قاری.

59 . مستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبداللَّه حاکم نیشابوری، ، بیروت.

60 . مسند ابی یعلی الموصلی، احمد بن علی بن المثنی التمیمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1998 م.

61 . مسند، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی.

62 . مشکل الآثار، ابوجعفر طحاوی، دائره المعارف، هند، طبعه 1333ق.

63 . مصنف ابن ابی شیبه، عبداللّه بن محمد بن ابی شیبه، دار السلفیه، بمبئی.

64 . مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: مهر قائم؛ تهران: انتشارات دارالثقلین؟، 1390 ق.

65 . مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی، رستگار، مشهد، 1387ش.

66 . المناقب، الموفق بن احمد حنفی خوارزمی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

67 . منتخب کنز العمال، علاء الدین علی متقی هندی.

ص: 202

68 . نزل الابرار بما صح من مناقب اهل البيت الاطهارعليهم السلام، حافظ محمد بدخشی حارثی.

69 . نور الابصار فی مناقب آل النبی المختارصلی الله علیه وآله، مؤمن بن حسن الشبلنجی الشافعی ، ذوی القربی، قم، بی تا بی نا.

70 . وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1104 ق.

71 . وسیله المآل فی مناقب الآل، شیخ احمد بن باکثیر مکی.

72 . ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، الشریف الرضی، قم.

تجلی علم و هدایت غدیر در عصر ظهور : محمد مهدی خلیلی

چکیده

1 . غدیر، چشمه علم، بلکه سرچشمه هدایت و علم صحیح است.

2 . قرآن علم کل شی ء است که کلید آن در دست صاحب غدیر است.

3 . از علم صحیح به هدایت صحیح می رسیم که به دست امام علیه السلام است.

4 . بیان کننده علم امام، غدیر است که بدون او علم بدون تبیین و نامعلوم است.

5 . کسی بدون تبیین امام نمی تواند از علم منفعتی ببرد، زیرا خداوند علم آن را فقط به ایشان داده است.

6 . بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله امام غدیر هدایت کننده با قرآن است.

7 . عصر ظهور امام زمان علیه السلام دوران تجلی علوم آل محمدعلیهم السلام است.

مقدمه

غدیر در ظاهر به محل هایی در بیابان ها که در آن آب باران و سیلاب ها جمع شود می گویند(1)، ولی در باطن و حقیقت غدیر برکه و آبگیر نیست؛ غدیر چشمه ای جاری است و بلکه سرچشمه است!

بهترین و خالص ترین آب ها آبی است که از سرچشمه برداشته شود؛ و البته آب وقتی از چشمه جاری شد به همان اندازه که از سرچشمه فاصله گرفت میزان ناخالصی و کدورت آن زیاد می گردد. ناخالصی هایی که گاه سبب تغییر ماهیت آب می شود و آن را غیر قابل استفاده و مضرّ می کند.

اصل و حقیقت علمِ صحیح هم مانند آب خالص آن چیزی است که برای انسان نافع باشد، و آن علمی است که نزد پروردگار است: «قُل اِنَّمَا العِلمُ عِندَ اللَّهِ وَ اِنَّما اَنَا نَذیرٌ مُبینٌ»(2): «بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ جز این نیست که تنها صاحبان خرد ناب متذکر می شوند». غیر از این علم یا صحیح نیست یعنی برای انسان نافع نیست؛ و یا مثل همان آبی که از سرچشمه فاصله گرفته آنقدر ناخالصی دارد که ماهیت آن تغییر کرده و دیگر آب نیست! امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت به امام حسن علیه السلام می فرماید: «وَ اعلَم اَنَّهُ لا خَیرَ فی عِلمٍ لا یَنفَعُ، وَ لا یُنتَفَعُ بِعِلمٍ لا یَحِقُّ تَعَلُّمُه»(3): «بدان! علمی که سودمند نباشد فایده ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد».

سرچشمه علم خداوند کجاست؟

سؤال اینجاست که سرچشمه و مجرای علم خداوند کجاست؟ «غدیر» همان

1- معادل کلمه «غدیر» در زبان فارسی «تالاب» و «برکه» و «آبگیر» است.
2- عنکبوت: 50 .
3- بحار الانوار: ج 1 ج 219.

سرچشمه علم الهی است که در جستجوی آنیم. غدیر چشمه ای جاری است. غدیر سرچشمه علم است.

خداوند متعال قرآن کریم را که بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده مجرای علم خود معرفی می فرماید. در سه آیه از قرآن کریم این مطلب بسیار واضح آمده است: آیه اول: «لکِنِ اللَّهُ یَشهَدُ بِما اَنزَلَ اِلَیکَ اَنزَلَهُ بِعِلمِهِ وَ المَلائِکَهُ یَشهَدونَ وَ کَفی بِاللَّهِ شَهیداً»(1): «لکن خدا به آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد. او آن را به علم خویش نازل کرده است و فرشتگان نیز گواهی می دهند، و گواه بودن خدا کافی است».

آیه دوم: «فَاِن لَم یَستَجیبوا لَکُم فَاعلَموا اَنَّما اُنزِلَ بِعِلمِ اللَّهِ وَ اَن لا اِلهَ اِلاّ هُوَ فَهَل اَنتُم مُسلِمونَ»(2): «پس اگر شما را اجابت نکردند بدانید که آنچه نازل شده به علم خدا است، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟

آیه سوم: «وَ کَذلِکَ اَنزَلناهُ حُکماً عَرَبیّاً وَ لَئِنِ اتَّبَعتَ اَهواءَهُم بَعدَ ما جاءَکَ مِنَ العِلمِ ما لَکَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَ لا واقٍ»(3): «و این چنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم، و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد باز پیرو میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگهبانی از خدا نخواهی داشت».

در این سه آیه خداوند بیان می کند که آنچه بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل کرده (قرآن) از علم خودش بوده است.

علم قرآن علم کل شی ء است

نکته مهم این است که قرآن کریم و قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ظرف تمام علم

1- نساء : 166.

2- هود : 14.

3- رعد: 37 .

خداوند نیستند، چون علم خداوند عین ذات او و نامحدود است، بلکه علم قرآن علم کل شی ء است. در این باره بیان های متعدد در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. به عنوان نمونه چند مورد ذکر می شود:

1 . «وَ یَومَ نَبعَثُ فی کُلِّ اُمَّهٍ شَهیداً عَلَیهِم مِن اَنفُسِهِم وَ جِئنا بِکَ شَهیداً عَلی هؤُلاءِ وَ نَزَّلنا عَلَیکَ الکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَی ءٍ وَ هُدیً وَ رَحمَهً وَ بُشری لِلمُسلِمینَ»(1): «روزی که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم، و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

در این آیه حق تعالی به پیامبرش می فرماید: «کتابی بر تو نازل کردیم که بیان کننده تمام اشیاء است»؛ و در آیه دوم می فرماید: «هیچ چیزی را در این کتاب فروگذار نکردیم».

2 . «وَ ما مِن دابَّهٍ فِی الاَرضِ وَ لا طائِرٍ یَطیرُ بِجَناحَیهِ اِلاّ اُمَمٌ اَمثالُکُم ما فَرَّطنا فِی الکِتابِ مِن شَی ءٍ ثُمَّ اِلی رَبِّهِم یُحشَرونَ»(2): «هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر این که امت هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم. سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند».

شواهد روایی درباره این مطلب فراوان است، اما به دو روایت استشهاد می کنیم:

حدیث اول: امام صادق علیه السلام فرمودند:

1- نحل: 89 .
2- انعام: 38 .

به راستی خدای تبارک و تعالی قرآن را برای بیان هر چیز فرو فرستاده تا آنجا که به خدا قسم چیزی را وانگذارده که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود مگر این که آن را هم خدا در قرآن فرو فرستاده است.(1)

حدیث دوم: ابوخنیس کوفی گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم در حالی که گروهی از نصرانیان در خدمت ایشان بودند، و ادعا کردند که مقام موسی و عیسی و محمدعلیهم السلام مساوی است چون همه آنها دارای شریعت و کتاب آسمانی هستند. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت محمدصلی الله علیه وآله برتر و اعلم از آن دو است. خداوند به او آن قدر علم عطا فرموده که به دیگری نداده است». گفتند: آیا آیه ای در قرآن هست که شاهد بر این مطلب باشد؟ فرمودند: آری، این آیه «وَ کَتَبنا لَهُ فِی الاَلواحِ مِن کُلِّ شَی ءٍ»(2): «و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم»، و این آیه که به عیسی علیه السلام می فرماید: «وَ ِلاُبَیِّنَ لَکُم بَعضَ الَّذی تَختَلِفونَ فیهِ»(3): «و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم»، و فرمایش خداوند به حضرت محمدصلی الله علیه وآله که می فرماید: «وَ جِئنا بِکَ شَهیداً عَلی هؤُلاءِ وَ نَزَّلنا عَلَیکَ الکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَی ء»(4): «تو را گواه بر آنان قرار می دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است»، و این آیه «لِیَعلَمَ اَن قَد اَبلَغوا رِسالاتِ رَبِّهِم وَ اَحاطَ

1- بحار الانوار: ج 89 ص 81 .
2- اعراف : 145 .
3- زخرف: 63 .
4- نحل : 89 .

بِما لَدَیهِم وَ اَحصی کُلَّ شَی ءٍ عَدَداً»(1): «تا بداند پیامبرانش رسالت های پروردگارشان را ابلاغ کرده اند و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است». به خدا قسم حضرت محمدصلی الله علیه وآله اعلم از هر دوی آنهاست. اگر حضرت موسی و عیسی علیهما السلام پیش من بیایند و سؤال از من بنمایند به آنها جواب می دهم، و از ایشان سؤالاتی می کنم که جواب نمی دهند.(2)

با قرآن چه نیازی به پیامبر است؟

در اینجا ممکن است سؤال یا شبهه ای ذهن انسان را مشغول کند: با وجود چنین کتابی - یعنی قرآن - که علم تمام اشیاء در آن است، دیگر چه احتیاجی به پیامبر و یا وصی پیامبر است؟

برای رسیدن به پاسخ بیان می کنیم:

1 . تمام مقصد قرآن تعلیم علم نیست، بلکه نهایت مقصد قرآن هدایت است. این مطلب آن قدر در قرآن واضح و صریح است که با اندک تأملی در آیات به آن پی می بریم. خداوند متعال می فرماید: «اِنَّ هذَا القُرآنَ یَهدی لِلَّتی هِیَ اَقوَمُ وَ یُبَشِّرُ المُؤمِنینَ الَّذینَ یَعمَلونَ الصّالِحاتِ اَنَّ لَهُم اَجراً کَبیراً»(3): «این قرآن به آنچه که خود پایدارتر است هدایت می نماید، و به مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود».

در جایی دیگر فرموده است: «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم، قُل اُوحِیَ اِلَیَّ اَنَّهُ استَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الجِنِّ فَقالوا اِنّا سَمِعنا قُرآناً عَجَباً، یَهدی اِلَی الرُّشدِ فَآمَنّا بِهِ وَ لَن نُشرِکَ بِرَبِّنا

1- جن: 28 .
2- بحار الانوار: ج 10 ص 215 .
3- اسراء: 9 .

اَحَداً»(1): «بگو: به من وحی شده که تنی چند از جنّیان گوش فراداشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم، که به راه راست هدایت می کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد».

باز می فرماید: «یا اَهلَ الکِتابِ قَد جاءَکُم رَسولُنا یُبَیِّنُ لَکُم کَثیراً مِمّا کُنتُم تُخفونَ مِنَ الکِتابِ وَ یَعفوا عَن کَثیرٍ قَد جاءَکُم مِنَ اللّهِ نورٌ وَ کِتابٌ مُبینٌ، یَهدی بِهِ اللّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَ یُخرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ بِاِذنِهِ وَ یَهدیهِم اِلی صِراطٍ مُستَقیم»(2): «ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که بسیاری از چیزهایی از کتاب آسمانی خود را که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری خطاهای شما درمی گذرد. برای شما از جانب خدا نور و کتابی روشنگر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن کتاب به راه های سلامت رهنمون می شود، و به توفیق خویش آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند».

در واقع قرآن کتاب هدایت است و اگر خداوند این کتاب را «تِبیاناً لِکُلِّ شَیءٍ» قرار داده، این تبیان مقدمه ای برای رسیدن به همین مقصد بوده است. دلیل این مطلب آیات فراوانی از قرآن کریم است:

آیه اول:

«وَ کَذلِکَ اَنزَلناهُ آیاتٍ بَیِّناتٍ وَ اَنَّ اللّهَ یَهدی مَن یُریدُ»(3): «بدین گونه قرآن را به صورت آیاتی روشنگر نازل کردیم، و خداست که هر که را بخواهد هدایت

1- جن: 1 2 .
2- مائده: 15 16 .
3- حج: 16 .

می نماید». با دقت در آیه مشخص می گردد هدایت خدا بعد از نزول آیات بینات است، یعنی آیات بینات مقدمه و وسیله هدایت هستند.

آیه دوم:

«هذا بَیانٌ لِلنّاسِ وَ هُدیً وَ مَوعِظَهٌ لِلمُتَّقینَ»(1): «این قرآن برای مردم بیان است، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است».

آیه سوم:

«وَ نَزَّلنا عَلَیکَ الکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیءٍ وَ هُدیً وَ رَحمَهً وَ بُشری لِلمُسلِمینَ»(2): «روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم. و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». دو آیه فوق نیز اشاره دارد که قرآنی که بیان و تبیان است هدایت است و هدایت می کند.

آیه چهارم:

«وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا وَ اذکُروا نِعمَهَ اللّهِ عَلَیکُم اِذ کُنتُم اَعداءً فَأَلَّفَ بَینَ قُلوبِکُم فَأَصبَحتُم بِنِعمَتِهِ اِخواناً وَ کُنتُم عَلی شَفا حُفرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنقَذَکُم مِنها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُم آیاتِهِ لَعَلَّکُم تَهتَدونَ»(3): «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید و میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند؛ باشد که شما هدایت شوید».

1- آل عمران: 138 .
2- نحل: 89 .
3- آل عمران: 103 .

در این آیه صریحاً بیان شده که خداوند تبیین می کند تا مؤمنین هدایت شوند، و این تبیین مقدمه هدایت است.

2 . خداوندی که قرآن را تبیان برای هر شیئی معرفی کرده، فاعل این تبیین را وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرار داده است. در دو آیه ذیل کلمه تبیین به صورت فعل مخاطب آمده و مخاطب آن وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله است:

آیه اول:

«بِالبَیِّناتِ وَ الزُّبُرِ وَ اَنزَلنا اِلَیکَ الذِّکرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلَیهِم وَ لَعَلَّهُم یَتَفَکَّرونَ»(1): «همه پیامبران را با دلایل روشن و کتاب های آسمانی فرستادیم و قرآن را هم به سوی تو نازل کردیم به خاطر اینکه برای مردم آنچه را که به سویشان نازل شده بیان کنی و برای اینکه بیندیشند».

آیه دوم:

«وَ ما اَنزَلنا عَلَیکَ الکِتابَ اِلاّ لِتُبَیِّنَ لَهُمُ الَّذِی اختَلَفوا فیهِ وَ هُدیً وَ رَحمَةً لِقَومٍ یُؤمِنونَ»(2): «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی، و قرآن مایه هدایت و رحمت برای مردم با ایمان است».

همان طور که ملاحظه می شود، کلمه «تُبَیِّنَ» فعل مخاطب است. یعنی خداوند متعال به حبیبش خطاب فرموده که قرآن را دفعتاً بر تو نازل کردیم تا تو برای نزول تدریجی آن تبیین کننده باشی. لذا تا پیامبرصلی الله علیه وآله در کنار این کتاب قرار نگیرد کسی نمی تواند از علوم قرآن بهره مند گردد و در نتیجه از هدایت قرآن بی بهره خواهد بود.

1- نحل: 4 .
2- نحل: 44 .

بدون پیامبرصلی الله علیه وآله نمی توان از قرآن بهره برد

برای روشن شدن این مطلب که چرا کسی از علم و هدایت قرآن به تنهایی و بدون وجود پیامبرِ خداصلی الله علیه وآله نمی تواند بهره مند گردد، چند نکته باید بیان گردد:

نکته اول:

اصل و حقیقت قرآن کریم همان کتاب مبین(1) است.(2) «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ، الر، تِلکَ آیاتُ الکِتابِ المُبینِ، اِنّا اَنزَلناهُ قُرآناً عَرَبِیّاً لَعَلَّکُم تَعقِلونَ»(3): «الف، لام، راء، این آیه های کتاب مبین است. ما قرآن را به زبانی عربی نازل کردیم باشد که عقل خود را به کار گیرید». «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ، حم، وَ الکِتابِ المُبینِ، اِنّا جَعَلناهُ قُرآناً عَرَبِیّاً لَعَلَّکُم تَعقِلونَ»(4): «حم. سوگند به کتاب مبین. همانا ما قرار دادیم آن را قرآنی عربی باشد که شما عقل خود را به کار گیرید».

در دو آیه فوق بیان شده که قرآن از کتاب مبین تنزیل شده است. در واقع قرآن کریم صورت تنزیلیه کل کتاب مبین است، و کتب آسمانیِ قبل از قرآن مثل تورات و انجیل، صورت تنزیلی بعض کتاب مبین بوده و بعضی از علم کتاب مبین نزد انبیاء گذشته و اوصیاء ایشان بوده است.(5)

1- البته در بعضی از آیات قرآن کریم کتاب مبین به معنی خود قرآن است، مثل آیه مبارکه پانزدهم سوره مائده که می فرماید: «قَد جاءَکُم مِنَ اللّهِ نورٌ وَ کِتابٌ مُبینٌ ...».

2- کلماتی همچون «الکتاب» در بعضی آیات و یا «کتاب مکنون» و یا «ام الکتاب» و یا «لوح محفوظ» نیز در قرآن به عنوان اصل و حقیقت قرآن بیان شده، که منظور از همه همان کتاب مبین است.

3- یوسف: 1 ، 2.

4- زخرف: 1، 2، 3 .

5- اعراف: 145 : «وَ کَتَبنا لَهُ فِی الاَلواحِ مِن کُلِّ شَیْ ءٍ مَوعِظَةً وَ تَفصیلاً لِکُلِّ شَیْ ءٍ فَخُذها بِقُوَّةٍ وَ أمُر قَومَکَ یَأخُذُوا بِأحسَنِها سَأُریکُم دارَ الفاسِقینَ»: «و در الواح تورات برای او در بعضی از موارد پندی و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم. پس گفتیم: آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را

وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می نمایانم». } زخرف: 63 : «وَ لَمّا جاءَ عیسی بِالبَیِّناتِ قالَ قَد جِئتُکُم بِالحِکمَهِ وَ ِلاُبَیِّنَ لَکُم بَعضَ الَّذی تَختَلِفونَ فیهِ فَاتَّقوا اللّه َ وَ اَطیعونِ» : «چون عیسی علیه السلام دلایل آشکار آورد گفت: به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا درباره بعضی از آنچه در آن اختلاف می کردید برایتان توضیح دهم. پس از خدا بترسید و فرمانم ببرید». نمل : 40 : «قالَ الَّذی عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الکِتابِ اَنَا آتیکَ بِهِ قَبلَ اَن یَرتَدَّ اِلَیکَ طَرفُکَ فَلَمّا رَآهُ مُستَقِرًّا عِندَهُ قالَ هذا مِن فَضلِ رَبّی لِیَبلُوَنی ءاَشکُرُ اَم اَکفُرُ وَ مَن شَکَرَ فَاِنَّما یَشکُرُ لِنَفسِهِ وَ مَن کَفَرَ فَاِنَّ رَبّی غَنِیٌّ کَریمٌ»: «مردی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: من پیش از آنکه دیده بگردانی آن را پیش تو می آورم. در این هنگام چون سلیمان آن را دید که به حضورش نهاده است گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که سپاس می گزارم یا ناسپاسی می نمایم، و هر کس سپاس گزارد در حقیقت به مصلحت خویش سپاس گزارده و هر کس ناسپاسی نماید پروردگار من بی نیازی بزرگواراست». تفسیر فرات از امام باقر علیه السلام و آن جناب از پدرش نقل کرد که فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را برنیانگیخت مگر اینکه مقداری از علم به او داد به جز پیامبر ما که به او تمام علم را داد و در قرآن فرموده: «تِبیانا لِکُلِّ شَیْ ءٍ»؛ و در آیه دیگر: «وَ کَتَبنا لَهُ فِی الاَلواحِ مِن کُلِّ شَیْ ءٍ» و فرموده است: «الَّذی عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الکِتابِ». نفرموده: کسی که دارای علم کتاب است، بلکه فرموده است: کسی که نزد او مقداری از علم کتاب است؛ ولی درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده است: «اَورَثنَا الکِتابَ الَّذینَ اصطَفَینا مِن عِبادِنا». این بیان مربوط به تمام علم است و ما آن خانواده برگزیده هستیم که در این آیه می فرماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقاضای خود از خدا می گفت: «رَبِّ زِدنی عِلما» : «مرا افزایش علم عنایت کن». این همان افزایشی است که در نزد ماست که در اختیار هیچ یک از اوصیای انبیاء و نه بازماندگان آنها جز ما نبوده است. با همین علم ما از بلاها، مرگ و میرها، حق و باطل ها اطلاع داریم». بحار الانوار: ج 13 ص 242 از بصائر الدرجات نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «شیعه درباره علی و موسی و عیسی علیهم السلام چه عقیده ای دارند؟ پرسیدم: فدایت شوم از چه نظر پرسش می کنید؟ فرمود: از جهت علم، آیا آنها فضیلت یکسان دارند؟ گفتم: فدایت شوم من چه بگویم؟ فرمود: به خدا سوگند، علی علیه السلام از آن دو داناتر است. سپس فرمود: ای بنده خدا، آیا نمی دانی که علم علی علیه السلام عین علم محمد صلی الله علیه و آله است و علم محمد صلی الله علیه و آله بالاتر و افضل از همه انبیاء است؟ گفتم: آری، فرمود: خداوند تبارک و تعالی درباره موسی علیه السلام می فرماید: «ما در الواح تورات

بعضی چیزها را نوشتیم و به او شناساندیم که همه امور برای او آشکار نمی شود»، امّا خداوند تعالی درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «ما تو را بر همه امت ها و رسولان آنها شاهد می آوریم و بر تو کتابی نازل کردیم که توضیح و تبیین همه چیز است». } بحار الانوار: ج 14 ص 245 از بصائر الدرجات از ابو عبداللّه بن ولید نقل می کند که می گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: پیروان تو درباره امیرالمؤمنین و عیسی و موسی علیهم السلام چه می گویند و کدام یک را داناتر می شمارند؟ گفتم: ما می گوییم هیچ کس بر پیامبران اولی العزم برتری و تقدم ندارد! حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر من با شما بر اساس کتاب خدا استدلال کنم، چه خواهید گفت؟ گفتم: در کجای کتاب خدا چنین مطلبی آمده است؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی به موسی علیه السلام فرمود: «وَ کَتَبنا لَهُ فِی الاَلواحِ مِن کُلِّ شَیْ ءٍ مَوعِظَهً»: «ما در الواح تورات برای موسی علیه السلام از پند هر چیزی نوشتیم». امّا نفرمود: «علم همه چیز را نوشتیم». عیسی علیه السلام به مردم فرمود: «وَ ِلاُبَیِّنَ لَکُم بَعضَ الَّذی تَختَلِفونَ فیهِ»: «من آمده ام تا بعضی از موارد اختلافتان را برایتان توضیح دهم». و نفرمود: «همه چیز را برایتان بیان کنم و توضیح دهم». اما درباره امام شما فرمود: «کَفی بِاللّه ِ شَهیدا بَینی وَ بَینَکُم وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ»: «میان من و شما شهادت خدا و کسی که علم همه کتاب نزد اوست کفایت می کند».

نکته دوم:

علم الکتاب (کتاب مبین) نزد هر کسی باشد او می تواند علم به همه اشیاء را از قرآن استخراج کند، و می تواند مبیّن همه اشیاء تا روز قیامت باشد. و چه محرومیت بزرگی است برای کسی که ادعا می کند طالب علم است و خود را از این منبع و سرچشمه اصلی علم ناب و صحیح بی بهره کند.

بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله قرآن با کیست؟

بیان شد که این علم به صورت وحی به قلب نازنین رسول خداصلی الله علیه وآله نازل شده(1) و قلب مبارک ایشان همان مدینه علم و سرچشمه علوم الهی است. بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرآن موجود است، لکن این سوال مطرح است که چه کسی مبیّنِ این تبیان و معلّمِ این کتاب علم الهی و چه کسی هادی در کنار این کتاب هدایت است؟

1- بقره: 97 : «قُل مَن کانَ عَدُوّا لِجِبریلَ فَاِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلبِکَ بِاِذنِ اللّهِ مُصَدِّقا لِما بَینَ یَدَیهِ وَ هُدیً وَ بُشری لِلمُؤمِنینَ»: «بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد بداند که او آن (قرآن) را به اذن خدا بر قلب تو فرود آورد که تصدیق کننده کتاب پیش از خویش است و هدایت و مژده برای مؤمنان است». شعراء: 195 192 : «وَ اِنَّهُ لَتَنزیلُ رَبِّ العالَمینَ . نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الاَمینُ . عَلی قَلبِکَ لِتَکونَ مِنَ المُنذِرینَ . بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبینٍ»: «بی تردید این قرآن نازل شده از طرف پروردگار جهانیان است، که روح الامین آن را نازل کرده است، بر قلب تو تا از بیم دهندگان به زبان عربی روشن و گویا باشی»

چه کسی همه چیز را می داند؟ برای حل مشکلات بشر به کسی باید رجوع کرد؟ برای حلّ اختلافات چه کسی باید مرجع قرار گیرد؟ باب ورود به مدینه علم نبوی کیست؟

بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله آیا بشر باید بی بهره از علم الهی باشد و به دنبال ظنّیات و وهمیّات بشری تشنگی خود را با آب گل آلود و شور و تلخ برطرف کند بلکه بیفزاید!! آبی که آنقدر آلوده است که به آن نمی توان آب گفت!

دلیل ما بر ناخالصی و صحیح نبودن این علم آن است که نتیجه علم صحیح هدایت و آشنایی با خداوند و آماده شدن برای رجوع به خدا و ملاقات با اوست. دلیل ما عدم سیرابی بشر و ازدیاد تشنگی روحشان است. دلیل ما جهانگیر شدن ظلم و جور دانشمندان ظاهری و دولت های به ظاهر پیشرفته در علم ایشان است. هر چه آنها در علم پیشرفت کرده اند از خدا دورتر شده اند و علم را وسیله ای برای قدرت قرار داده اند تا بنده و تسلیم خدا نشوند و در مقابل خدا بایستند.

هر چند ادعای ما این است که با بهره مند شدن از علم کتاب خدا، بشر از پیشرفت دور نخواهد شد و به زندگی سخت اُمَم گذشته برنخواهد گشت، بلکه به اذن خدا همه هستی را تحت تسخیر خود در خواهد آورد.

آصف بن برخیا(1) تنها یک علم از علم الکتاب را داشت و به وسیله آن تخت بلقیس را از فاصله حدود پانصد فرسخ در یک طرفه العین و کمتر از آن نزد حضرت

1- نمل: 40 : «قالَ الَّذی عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الکِتابِ اَنَا آتیکَ بِهِ قَبلَ اَنْ یَرتَدَّ اِلَیکَ طَرفُکَ، فَلَمّا رَآهُ مُستَقِرّا عِندَهُ قالَ هذا مِنْ فَضلِ رَبّی لِیَبلُوَنی ءأَشکُرُ اَم اَکفُرُ وَ مَن شَکَرَ فَاِنَّما یَشکُرُ لِنَفسِهِ وَ مَن کَفَرَ فَاِنَّ رَبّی غَنِیٌّ کَریمٌ» : «مردی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: من پیش از آنکه دیده بگردانی آن را پیش تو می آورم. در این هنگام چون (سلیمان) آن را دید که به حضورش نهاده است گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که سپاس می گزارم یا ناسپاسی می نمایم، و هر کس سپاس

گزارد در حقیقت به مصلحت خویش سپاس گزارده و هر کس ناسپاسی نماید پروردگار من بی نیازی بزرگوار است».

سلیمان علیه السلام آورد. حال اگر تمام این علم مکشوف گردد آیا بشر عقب مانده و بی بهره از پیشرفت می گردد؟ !

علم پیامبرصلی الله علیه وآله به چه کسی رسیده است؟

سؤال مهم اینجاست که چه وقت آن زمان فرا خواهد رسید؟ برای رسیدن به جواب این سؤال به سؤال قبلی برمی گردیم. بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرآن موجود است؛ لکن این سؤال مطرح است که چه کسی مبیّنِ این تبیان و معلّمِ این کتاب علم الهی و چه کسی هادی در کنار این کتاب هدایت است؟

خوب دقت کنید، همین جا ... همین نزدیکی ها ... ماجرای غدیر ... غدیر معرفی باب مدینه علم است.

قرآن کریم در آیات متعدد و به بیان هایی راه وصل شدن به این سرچشمه را بیان کرده و فرموده: «اَفَلا یَتَدَبَّرونَ القُرآنَ اَم عَلی قُلوبٍ اَقفالُها».(1) «اَ فَلا یَتَدَبَّرونَ القُرآنَ وَ لَو کانَ مِن عِندِ غَیرِ اللّهِ لَوَجَدوا فیهِ اختِلافاً کَثیراً».(2)

لذا اگر کسی با نیّت خالص در قرآن تدبّر کند قفل های دل او باز شده و باب مدینه العلم را می یابد که امام صادق علیه السلام فرمودند: «... لَو تَدَبَّرَ القُرآنَ شیعَتُنا لَما شَکّوا فِی فَضلِنا»(3): «اگر شیعیان ما در قرآن تدبّر می کردند؛ فضل و مقام ما را به خوبی می دانستند و در آن شک نمی کردند.

بیان شد که «علم الکتاب» به پیامبرصلی الله علیه وآله وحی شده و این مطلبی است که در آیات متعددی بیان شده است. مثلاً فرمود: «وَ الَّذی اَوحَینا اِلَیکَ مِنَ الکِتابِ هُوَ الحَقُّ مُصَدِّقاً

1- محمد: 24 : «آیا در قرآن تدبّر نمی کنند؟ یا این که بر دل هایشان قفل زده شده است»؟ !
2- نساء: 82 : «آیا در قرآن تدبّر نمی کنند؟ و اگر از نزد غیر خدا می بود البته در آن اختلاف بسیار می یافتند».
3- بحار الانوار: ج 53 ص 26 .

لِما بَینَ یَدَیهِ اِنَّ اللَّهَ بِعِبادِهِ لَخَبیرٌ بَصیرٌ»(1): «آنچه از آن کتاب از راه وحی به تو رساندیم، آن حقیقت است و تصدیق کننده آنچه که پیش از آن آمده است: زیرا خداوند به بندگانش البته خبرداری بیناست».

نکته قابل توجه اینکه بلافاصله در آیه بعد خداوند می فرماید بعد از وجود مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله این علم به عده ای به ارث رسیده است: «ثُمَّ اَورَثنَا الکِتابَ الَّذینَ اصطَفَینا مِن عِبادِنا فَمِنهُم ظالِمٌ لِنَفسِهِ وَ مِنهُم مُقتَصِدٌ وَ مِنهُم سابِقٌ بِالخَیراتِ بِاِذنِ اللّهِ ذلِکَ هُوَ الفَضلُ الکَبیرُ»(2): «سپس آن کتاب را به آن عده از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم. پس بعضی از ایشان ستمکار نفس خویش است و بعضی از ایشان میانه رو، و دیگری به اجازه خداوند پیشرو در نیکی هاست. این همان فضل بزرگ است».

با دقت در آیه ملاحظه می شود که خداوند بندگان برگزیده خود را وارث علم الکتاب قرار داده است؛ همان کتابی که به پیامبرصلی الله علیه وآله وحی شده است. اما سؤال این است که بندگان برگزیده خدا چه کسانی هستند؟

قرآن کریم صریحاً ایشان را معرفی کرده، آنجا که فرمود: «اِنَّ اللَّهَ اصطَفی آدَمَ وَ نوحاً وَ آلَ اِبراهیمَ وَ آلَ عِمرانَ عَلَی العالَمینَ، ذُرِّیَّةً بَعضُها مِن بَعضٍ وَ اللّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ»(3): «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برگزیده است. فرزندانی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست».

1- فاطر : 31 .

2- فاطر: 32 .

3- آل عمران: 33 ، 34.

در این آیه، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران به عنوان بندگان برگزیده الهی معرفی شده اند. ممکن است اشکال شود که اگر همه افراد آیه فوق مصطفای الهی هستند، پس باید جمیع ایشان وارث علم الکتاب قرار گیرند، در حالی که قبلاً بیان شد که تمام علم الکتاب فقط نزد پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است و انبیاء قبل فقط بعضی از این علم را واجد بوده اند!

در جواب بیان می گردد چون در آیه 32 سوره فاطر «ثُمَّ اَورَثنا» را بعد از «وَالَّذی اَوحَینا اِلَیکَ» در آیه 31 بیان کرده، مشخص می گردد منظور آن دسته از بندگان مصطفای خدا هستند که بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله می آیند. لذا حضرت آدم و نوح علیهما السلام از این دایره خارج می گردند.

همچنین با توجه به آیه «اَم یَحسُدونَ النّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ فَقَد آتَینا آلَ اِبراهیمَ الکِتابَ وَ الحِکمَةَ وَ آتَیناهُم مُلکاً عَظیماً»(1): «یا اینکه آنها به مردم (به پیامبر و خاندانش) به خاطر آنچه خداوند از فضلش به آن ها داده حسد می ورزند؟ همانا ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و آنها را فرمانروایی بزرگی عطا کردیم»؛ مشخص می شود که بندگان برگزیده ای که خداوند ایشان را وارث الکتاب گردانده همان آل ابراهیم علیه السلام هستند. البته دلایل دیگری وجود دارد که آل عمران از این دایره خارج هستند، و ما به جهت رعایت اختصار از آن خودداری می کنیم.

بندگان برگزیده خدا چه کسانی هستند؟

سؤال بعدی اینکه آل ابراهیم علیه السلام چه کسانی هستند؟ تا قبل از این سؤال به فضل خداوند اثبات شد که آن بندگانی که مصطفای خدا هستند بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله وارث علم الکتاب هستند؛ همان علم الکتابی که خداوند علم کل شی ء را در آن قرار داده و به بیان

1- نساء: 54 .

خود قرآن عِلم کلّ شی ء را در آن احصاء کرده است. «وَ کُلَّ شَی ءٍ اَحصَیناهُ کِتاباً»(1) : «و حال آنکه هر چیزی را برشمرده به صورت کتابی در آورده ایم».

اما همین تعبیر «اِحصاء کُلِّ شَی ء» در مورد «امام مبین» نیز آمده است: «اِنّا نَحنُ نُحیِ المَوتی وَ نَکتُبُ ما قَدَّموا وَ آثارَهُم وَ کُلَّ شَی ءٍ اَحصَیناهُ فی اِمامٍ مُبینٍ»(2): «ما هستیم که مرده ها را زنده می کنیم و آثار از پیش تهیه شده آنان را می نویسیم و همه چیز را در امامی آشکار شماره کرده ایم»؛ معلوم می شود که علم الکتاب در وجود امام مبین علیه السلام احصاء شده است. اتفاقاً رسول اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه روز غدیر خم استناد نموده و فرمودند: «مَعاشِرَ النّاسِ، ما مِن عِلمٍ اِلاّ وَ قَد اَحصاهُ اللّهُ فِیَّ وَ کُلُّ عِلمٍ عَلِمتُهُ فَقَد اَحصَیتُهُ فی اِمامِ المُتَّقینَ وَ ما مِن عِلمٍ اِلاّ وَ قَد عَلَّمتُهُ عَلِیّاً وَ هُوَ الاِمامُ المُبینُ»(3): «ای مردم، هیچ علمی نیست مگر این که خداوند آن را در وجود من احصاء و جمع فرموده و من هم تمام علمی را که دانستم در پیشوای پرهیزکاران جمع نمودم. هیچ علمی نیست اِلاّ اینکه به علی علیه السلام آموختم و او امام مبین است».

پس معلوم می شود منظور از آل ابراهیم علیه السلام که از بندگان مصطفای خدا هستند و وارث علم الکتاب، کسانی هستند که امام باشند؛ یعنی خداوند به ایشان منصب امامت داده باشد.

حامل علم الکتاب ظالم نمی شود

در آیه «وَ اِذِ ابتَلی اِبراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ اِنّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ اِماماً قالَ وَ مِن ذُرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهدِی الظّالِمینَ»(4): «و به یاد آورید زمانی را که خدای ابراهیم او

1- نبأ: 29 .
2- یس: 12 .
3- بحار الانوار: ج 37 ص 208 .
4- بقره: 124 .

را به اموری گوناگون امتحان کرد و او همه را به جا آورد. خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: امامت در فرزندانم نیز هست. فرمود: عهد من به ستمگران نمی رسد». خداوند بیان می کند که امامت را در آن دسته از ذریّه ابراهیم قرار داده که ظالم نیستند. پس امام حتما باید از نسل ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام باشد؛ و در نتیجه «آل ابراهیم» که «وارث الکتاب» هستند همان «ذریه ابراهیم علیه السلام» هستند که خداوند ایشان را امام قرار داده است.

ثانیاً کسی می تواند امام باشد که از اول عمر حتی برای یک لحظه ظالم نبوده باشد و از او ظلمی سر نزده باشد، چرا که الف و لام بر سر کلمه «الظالمین» الف و لام جنس است که تمام ظالمین را در برمی گیرد. یعنی اگر کسی در طول دوران زندگیش، حتی فقط یک ظلم از او سر بزند نمی تواند واجد منصب امامت باشد.

اما ظلم چیست؟ قرآن کریم در موارد متعدد ظلم را تعریف کرده و ظالم را معرفی نموده است. مثلاً شریک آوردن برای خداوند متعال را بزرگترین ظلم معرفی می کند: «وَ اِذ قالَ لُقمانُ لاِبنِهِ وَ هُوَ یَعِظُهُ یا بُنَیَّ لا تُشرِک بِاللَّهِ اِنَّ الشِّرکَ لَظُلمٌ عَظیمٌ»(1): «به یاد آور زمانی را که لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می کرد گفت: پسرم! چیزی را شریک خدا قرار مده که شرک به خدا ظلم بزرگی است». در جای دیگر کافران را به عنوان ظالمان معرفی می کند: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اَنفِقوا مِمَّا رَزَقناکُم مِن قَبلِ اَن یَأتِیَ یَومٌ لا بَیعٌ فیهِ وَ لا خُلَّهٌ وَ لا شَفاعَهٌ وَ الکافِرونَ هُمُ الظّالِمونَ»(2): «ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و کافران ستمکارانند». پس اگر کسی

1- لقمان: 13 .
2- بقره: 254 .

حتی برای یک لحظه کافر به خداوند باشد یا برای خدا شریک آورد، به نص قرآن او نمی تواند در منصب امامت قرار گیرد، لذا عالم به علم الکتاب نیست.

دلیل بسیار مهم دیگری در آیات قرآن وجود دارد که ارتباط بین عالم به علم الکتاب بودن و ظالم نبودن را بیان می کند: «وَ کَتَبنا عَلَیهِم فیها اَنَّ النَّفسَ بِالنَّفسِ وَ العَینَ بِالعَینِ وَ الاَنفَ بِالاَنفِ وَ الاُذُنَ بِالاُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الجُروحَ قِصاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ کَفّارَهٌ لَهُ وَ مَن لَم یَحکُم بِما اَنزَلَ اللّهُ فَاوُلئِکَ هُمُ الظّالِمونَ»(1): «در تورات برایشان مقرر کردیم که جان در ازای جان و چشم در برابر چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در ازای گوش و دندان به جای دندان و زخم ها به مانندش، پس کسی که آن را ببخشد این کار کفّاره ای برای اوست، و کسی که به حکم آنچه خدا فرو فرستاد داوری نکند پس ستمکاران همینان باشند». طبق این آیه کسانی که طبق ما اَنزَل اللّه حکم نکنند ظالم هستند. پس کسی که عالم به ما انزل اللّه باشد می تواند بر طبق آن حکم کند و ظالم نباشد.

در بین کسانی که بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله ادعای جانشینی پیامبر و امامت کردند، کدام یک می توانند ادعا کنند که برای یک لحظه کافر و مشرک به خدا نبوده اند؟! کدام یک می توانند ادعا کنند که عالم به تمام ما انزل اللّه هستند تا بر طبق آن حکم کنند؟! گواه تاریخ در این مورد چیست؟!

اعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام

در اعلمیّت امیرالمؤمنین علیه السلام به ما انزل اللّه بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله در هیچ کدام از فرق اسلامی تردیدی نیست. همه اذعان دارند آن کسی که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله تمام علم الکتاب نزد اوست، کسی نیست جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که خداوند صریحاً بیان فرموده تمام علم الکتاب نزد ایشان است.

1- مائده: 45 .

«وَ یَقولُ الَّذینَ کَفَروا لَستَ مُرسَلاً قُل کَفی بِاللَّهِ شَهیداً بَینی وَ بَینَکُم وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ»(1): «کسانی که کافر شدند می گویند: تو فرستاده نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد».

وارثان علم الکتاب بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله

همان طور که بیان شد این علم به وجود مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله از طریق وحی رسیده و بعد از ایشان به ائمه هدی علیه السلام به ارث رسیده که امیرالمؤمنین علیه السلام اولین ایشان و حضرت بقیه اللّٰه علیه السلام آخرین ایشان هستند. این مطلب در روایات اهل بیت علیهم السلام به وفور مشاهده می گردد.

ما به عنوان نمونه دو حدیث را ذکر می کنیم:

حدیث اول: (از شیعه)

عبد الرحمان بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که درباره آیه «وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ» فرمودند: «ما را قصد کرده و علی علیه السلام اول و افضل و بهترین ماست».(2)

حدیث دوم: (از شیعه)

ابن بُکَیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند و می گوید: من خدمت آن جناب بودم و سخن از علم سلیمان علیه السلام به میان آمد و قدرتی که به او داده شده بود. فرمود: به سلیمان بن داوودعلیه السلام چه چیز داده شده؟ به او یک حرف از اسم اعظم داده بودند ولی امام شما کسی است که خداوند در این آیه می فرماید: «قُل کَفی بِاللَّهِ شَهیداً بَینی وَ بَینَکُم وَ مَن

1- رعد: 43 .
2- بحار الانوار: ج 26 ص 172.

عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ». به خدا قسم نزد علی علیه السلام تمام علم کتاب بود. عرض کردم: صحیح می فرمایید، فدایتان شوم.(1)

حدیث سوم: (از اهل سنت)

سعید بن جبیر نقل کرده است: ابن عباس صحابی پیامبر درباره قول خداوند «وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ»، بیان کرد که منظور علی علیه السلام است که علم الکتاب نزد اوست.(2)

قبلاً بیان شد که جناب آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان علیه السلام که آن قدرت خارق العاده را از خود نشان داد، تنها یک حرف از علم الکتاب را نزد خود داشت. حال وقتی به نص قرآن کریم و روایات، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از ایشان تمام علم الکتاب نزدشان است، اگر روزی قرار شود تمام این علم را برای مردم دنیا مکشوف سازند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ !

چرا امامان علم الکتاب را ظاهر نکردند؟

سؤالات زیادی در اینجا مطرح است، مثل اینکه چرا ائمه هدی علیه السلام این علم را مکشوف نساختند؟ و آیا در این دنیا زمانی خواهد آمد که این علوم مکشوف شده و مردم از آن بهره مند گردند؟ آیا ظرف دنیا برای پذیرش آثار این علوم گنجایش دارد؟ و سؤالات فراوان دیگر ....

اینکه چرا اهل بیت علیهم السلام این علوم را مکشوف نساختند و در ظاهر از آن بهره نمی بردند، ساده ترین دلیلی که برای آن می توان بیان کرد این است که مردم ایشان را

1- بحار الانوار: ج 26 ص 170.
2- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج 1 ص 401.

رها کرده و به سراغ جاهل ترین افراد امت رفتند و خلافت آنها را پذیرفتند، و صد البته ظرفیت و توان پذیرش این علوم را نداشتند و هنوز به بلوغ فکری و قلبی پذیرش علم الهی نرسیده بودند، تا جایی که اگر کسی ادعا می کرد مثلاً یکی از ائمه علیهم السلام علم غیب می داند، مدعی و بقیه شیعیان را واجب القتل می دانستند، و اگر خود امام علیه السلام از روی تقیه انکار نمی کردند ایشان را نیز به شهادت می رساندند.

تا جایی که ائمه هدی علیهم السلام دستور به کتمان این امر داده می فرمودند: «احدی قدرت تحمل پذیرش این مطلب را ندارد جز ملائکه مقرب و انبیای مرسل و مؤمنینی که قلوبشان را خدا مورد امتحان قرار داده است».

شاهد این مطلب در روایات فراوان دیده می شود که به چند مورد اکتفا می کنیم:

حدیث اول:

وهب بن وهب قرشی گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گروهی از اهل فلسطین بر حضرت باقرعلیه السلام وارد شدند و او را از مسائلی چند سؤال کردند و ایشان جواب داد. ... سپس فرمود: جدم امیر المؤمنین علیه السلام حاملانی را از برای علم خویش نیافت تا آنجا که آه سرد از سینه پر درد می کشید و بر سر منبر می فرمود: از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید. در میان سینه من علم بسیاری است. آه ! آه ! آگاه باشید که کسی را نمی یابم که آن را تحمل کند، و آگاه باشید که من بر شما از جانب خدا حجت رسایم. پس دوست مدارید گروهی را که خدا بر ایشان خشم کرده است. آنان از آخرت نومید شده اند چنان که کافران از صاحبان قبرها که مردگانند نومید شده اند.(1)

1- بحار الانوار: ج 3 ص 224.

حدیث دوم:

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی نزد علی بن الحسین علیه السلام سخن از تقیّه پیش آمد. آن حضرت فرمودند: به خدا اگر ابوذر می دانست آنچه در دل سلمان بود او را می کشت، در صورتی که پیامبرعلیه السلام میان آن دو برادری برقرار کرد! پس درباره مردم دیگر چه گمان دارید؟ همانا علم علماء صعب و مستصعب است، و جز پیامبر مرسل یا فرشته مقرب یا بنده مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده طاقت تحمل آن را ندارد. سپس فرمود: از این رو سلمان از جمله علما شد. او مردی از ما خانواده است، و از این جهت او را در ردیف علماء آوردم.(1)

حدیث سوم:

امام صادق علیه السلام فرمود: حدیث ما صعب و مستصعب است. تحمل آن را ندارد جز سینه های نورانی یا دل های سالم یا صاحبان اخلاق نیکو. همانا خدا از شیعیان ما پیمان (به ولایت ما) گرفت، چنان که از بنی آدم (به ربوبیت خود) پیمان گرفت و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم»؟ پس هر که نسبت به ما (به پیمان خویش) وفا کند، خدا بهشت را به او پاداش دهد، و هر که ما را دشمن دارد و حقّ ما را به ما نرساند، همیشه و جاودان در دوزخ است.(2)

حدیث چهارم:

امام باقرعلیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: حدیث آل محمدعلیهم السلام صعب و مستصعب است، جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن ایمان نیاورد. پس هر حدیثی که از آل محمدعلیهم السلام به

1- الکافی: ج 1 ص 401.
2- الکافی: ج 1 ص 401.

شما رسید و در برابر آن آرامش دل یافتید و آن را آشنا دیدید، بپذیرید، و هر حدیثی که دلتان از آن رمید و ناآشنایش دیدید، آن را به خدا و پیامبر و عالم آل محمدعلیهم السلام رد کنید. همانا هلاک شده کسی است که حدیثی را که تحمل ندارد برایش بازگو کنند، و او بگوید به خدا این چنین نیست! به خدا این چنین نیست! و انکار مساوی کفر است.(1)

حدیث پنجم:

شعیب حداد گوید: از امام ششم جعفر بن محمدعلیه السلام شنیدم که می فرمود: «حدیث ما سخت است و تحمل آن را ندارد جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را با ایمان آزموده یا مدینه حصینه (شهری که دژ و قلعه محکم دارد).

عَمرو شاگرد شعیب از او پرسید: ای شعیب مدینه حصینه کدام است؟ گفت: من خود معنی آن را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. به من فرمودند: قلب مجتمع (قلبی که با قلوب دیگر بر سر ایمان به خدا و اطاعت امر او اتحاد دارد) است.(2)

امامان علم الکتاب را چه زمانی ظاهر می کنند؟

در پاسخ به این سؤال که این علوم در چه زمانی مکشوف خواهد شد، ارتباط اصلی غدیر و ظهور و تجلّی غدیر در ظهور روشن می گردد. دوران ظهور همان دوران باشکوه ظهور علم آل محمدعلیهم السلام است که خداوند وعده آن را داده و این وعده در متن قرآن کریم بارز است:

1- الکافی: ج 1 ص 401.
2- بحار الانوار: ج 2 ص 183 .

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یَعبُدونَنی لا یُشرِکونَ بی شَیئاً وَ مَن کَفَرَ بَعدَ ذلِکَ فَأولئِکَ هُمُ الفاسِقونَ»(1): «خدا به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند وعده داده که آنان را در زمین جانشین کند همان گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند جانشین کرد و البته دینشان را که برای آنان پسندید به مصلحت ایشان اقتدار بخشد و ترسشان را به ایمنی بدل کند تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من نگیرند، و هر کس پس از آن کافر گشت چنین کسانی همان زشتکاران باشند».

خلافت در علم جزئی از خلافت است

این خلافت و جانشینی برای علم خداوند نیز هست و ما این مطلب را از روایت استفاده می کنیم:

حدیث اول:

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خدای جلّ ذکره شب قدر را در ابتدای خلقت دنیا آفرید و در آن شب نخستین پیامبر و نخستین وصیّی که باید باشد را آفرید و حکم فرمود که در هر سال شبی باشد که در آن شب تفسیر و بیان امور تا چنان شبی در سال آینده فرود آید. هر کس آن شب را انکار کند علم خدای عز و جل را رد کرده، زیرا پیامبران و رسولان و محدثان جز به وسیله حجتی که در آن شب به آنها می رسد با حجتی که جبرئیل علیه السلام (در غیر آن شب) برای آنها می آورد، قائم نشوند و بپا نایستند (زیرا برنامه رهبری خلق و علم بدون اختلاف را در آن شب به دست می آورند).

1- نور: 55 .

راوی می گوید: عرض کردم: جبرئیل یا ملائکه دیگر نزد محدثان هم می آیند؟ فرمود: اما نسبت به پیامبران که شکی نیست، و نسبت به غیر ایشان ناچار باید از نخستین روز آفرینش زمین تا پایان جهان حجّتی برای اهل زمین باشد که خدای تعالی تفسیر امور را در آن شب بر محبوب ترین بندگانش نازل فرماید. به خدا سوگند که جبرئیل و ملائکه در شب قدر آن امر را برای آدم آوردند، و به خدا سوگند که آدم نمرد مگر آنکه برای او وصیّی بود، و برای همه پیامبران پس از آدم امر خدا در شب قدر می آمد؛ و برای وصی پس از او هم مقرر شد. به خدا سوگند که هر پیامبری از آدم تا محمدصلی الله علیه وآله در آن شب مأمور می گشت که به فلان کس وصیت کند (و شخصی را وصی خود قرار دهد).

خدای عزّوجل در قرآنش نسبت به خصوص والیان امر بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده کرده که در زمین جانشینشان کند، چنان که پیشینیان ایشان را جانشین کرد». تا آنجا که می فرماید: «و دینی را که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت به دل آنان آورد، تا تنها مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند. آنها که پس از این کافر شوند خود گنه پیشگانند». یعنی شما را پس از پیامبرتان جانشین علم و دین و عبادت خود کنم، چنان که اوصیاء آدم علیه السلام پس از او جانشین می شدند تا پیامبر بعد مبعوث می گشت. «تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند»، یعنی مرا عبادت کنند با ایمان به اینکه پیامبری بعد از محمدصلی الله علیه وآله نیست. کسانی که جز این گویند خودشان گنه پیشگانند. خدا هم والیان امر را بعد از محمدصلی الله علیه وآله در علم استقرار بخشید و ما هستیم آن والیان.

پس از ما بپرسید، که اگر به شما راست گفتیم، اعتراف کنید؛ ولی شما اعتراف نخواهید کرد. اما علم ما ظاهر است (زیرا اگر شما از ما نپرسید، دیگران می پرسند و

ص: 229

اگر شما از روی لجاج و عناد اعتراف نکنید، مردم بی غرضِ چیز فهمِ دیگر هستند. (و اما زمانی که دین خدا به وسیله ما در آن ظاهر گردد به طوری که میان مردم هیچ گونه اختلافی نباشد، آن را مدتی است که با گذشت شبانه روزها سپری شود، و چون وقتش رسد آشکار گردد و امر یکی شود (اختلاف از میان مردم رخت بر بندد).

ص: 180

به خدا سوگند که فرمان خدا جاری شده که میان مؤمنین اختلافی نباشد و به همین جهت ایشان را گواه مردم قرار داده است. بدین ترتیب که محمدصلی الله علیه وآله گواه ما باشد و ما گواه شیعیان خود و شیعیان ما گواه مردم دیگر. خدای عزوجل هرگز نخواسته که در حکم او اختلافی باشد و میان اهل علمش تناقضی وجود داشته باشد. سپس امام علیه السلام فرمودند:

برتری مؤمنی که «اِنّا اَنزَلناهُ» را با تفسیرش باور کند، بر کسی که در ایمانش به آن سوره چون او نیست، مانند برتری انسان است بر چهارپایان! و خدای عزّ و جلّ به وسیله مؤمنانِ به آن سوره از منکرین آن در دنیا برمی دارد آنچه را (یعنی تسلط کفار را بر مسلمین را) که به وسیله جهادکنندگان از خانه نشستگان بر می دارد، تا عذاب آنهایی که خدا می داند از انکار خود توبه نمی کنند در آخرت کامل باشد، و (چون سخن از جهاد به میان آمد، برای اینکه گمان نکنی در این زمان هم جهادی واجب است می گویم: «من در این زمان جهادی جز حج و عمره و همسایگی خوب سراغ ندارم».(1)

حدیث دوم:

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در مورد آیه 152 خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند وعده می دهد که در روی زمین

1- الکافی: ج 1 ص 250.

جانشینشان کند، همان طور که پیشینیان را جانشین کرد؛ و دینشان را که برای آنها پسندیده مستقر سازد، و بعد از نگرانی ها ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد نمود. مرا بندگی کنید! هیچ چیز را شریک من قرار ندهید، و اگر کسی بعد از این کافر شود از فاسقین است»، فرمودند: این آیه درباره مهدی موعودعلیه السلام و یاران او نازل شده است.

ادله و شواهد دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد که در زمان ظهور علوم آل اللّه علیهم السلام مکشوف شده و مردم به خاطر کامل شدن عقول تحمل و ظرفیت پذیرش آن را دارند(1)، از جمله اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّهً وَ نَجعَلَهُمُ الوارِثینَ»(2): «ما اراده کرده ایم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

ائمه هدی علیهم السلام وارثان زمین

در روایات مصداق مستضعفین در زمین که خداوند اراده کرده ایشان را وارث گرداند، ائمه هدی علیهم السلام معرفی فرموده اند که این وراثت زمان ظهور شروع گشته و در زمان رجعت ادامه خواهد داشت. در غیبت شیخ طوسی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که در تفسیر این آیه «ما اراده کرده ایم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»، فرمودند: اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیامبرند که خداوند مهدیِ آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند.(3)

1- حضرت باقر علیه السلام فرمود: «چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خِرَدشان کامل شود». الکافی: ج 1 ص 25 .

2- قصص: 5 .

3- بحار الانوار: ج 51 ص 54 .

و چه زیبا رسول اکرم صلی الله علیه وآله وجود مبارک امام مهدی علیه السلام را در خطبه غدیر وصف نمودند:

... بدانید که فرد آخرین از ما امامان قائم مهدی است. اوست که بر عموم ادیان پیروز می شود و از ستمگران انتقام می گیرد. اوست که حصار مملکت ها را فتح می کند و مرزهای کشورها را از بین می برد. اوست که هر طائفه ای از اهل شرک را می کشد، و هم اوست که برای اولیاء خدا خونخواهی می کند. یاور دین خداست و هم وی از دریای شگرف دانش مشت مشت علم برداشت می کند.

بدانید او کسی است که مقام هر صاحب فضیلتی را تثبیت می کند و هر جاهل و نادانی را در مرحله جهل خود می نشاند. اوست کسی که خدا وی را برای این مقام اختیار فرموده و وارث علم و دانش است و بر جمیع علوم احاطه دارد. اوست کسی که از طرف خدا خبر می دهد، و آگاه کننده مردم در مورد ایمان به خداست.

ای مردم! بدانید اوست رشید محکم، و امر بشریّت از طرف خدا بدو تفویض شده است. عموم پیشینیان و افرادی که در زمان وی خواهند بود، مژده رسان قیام و ظهور اویند. او حجّت باقی خداوند است و پس از وی حجتی نخواهد بود. حقی در جهان جز با او وجود ندارد و روشنایی و نوری در عالم جز نزد وی موجود نیست. هیچ کس بر او پیروز نمی شود، و احدی در آسیب رساندن به وی یاری نخواهد شد. او ولیّ خدا در کره خاک و فرماندار پروردگار در میان مردم و امین آفریننده در امور آشکار و نهان خلقت است.(1)

1- بحار الانوار: ج 37 ص 213.

کشف علوم آل محمدعلیهم السلام در عصر ظهور

به عنوان حُسن ختام روایتی از وجود مبارک باقرالعلوم علیه السلام بیان می گردد که حضرت صریحاً بیان می کنند که در زمان ظهور وجود مبارک امام مهدی علیه السلام این علوم را مکشوف خواهند ساخت.

ابی جارود می گوید: از امام باقرعلیه السلام شنیدم که می فرمود: «حدیث آل پیامبرصلی الله علیه وآله صعب مستصعب، سنگین، پوشیده، بدون زوائد و نورانی است، و تحمل آن را ندارد جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را با ایمان آزموده یا مدینه حصینه (شهری که دژ و قلعه محکم دارد)، زمانی که قائم ما قیام کند نطق می کند و قرآن او را تصدیق می نماید».(1)

1- بحار الانوار: ج 2 ص 191 .

تجلی نظم و وحدت الهی غدیر در عصر ظهور : محمد رضا شریفی

چکیده

1 . بعثت علت محدثه اسلام و غدیر علت مبقیه آن بود.

2 . غدیر تجلّی هدایتگران در آیه «لِکلِّ قَومِ هادٍ» بود.

3 . در غدیر با اطاعت از امامان هدایتگر، همه ملت ها تحت یک نظم و وحدت الهی به سر منزل مقصود می رسند.

4 . در معنای غدیر حضرت زهراعلیها السلام فرموده: «وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلمِلَّهِ، وَ اِمامَتَنا اَماناً مِنَ الفُرقَهِ».

5 . بیعت غدیر به معنای دست اتحاد مسلمین بر ولایت بود.

6 . دستور ابلاغ غدیر تا قیامت به معنای اتحاد همه مسلمین در همه مکان ها بر سر ولایت است.

7 . غدیر اتمام حجت نهایی بر سعادت ابدی در سایه اطاعت از امام معصوم علیه السلام برای وحدت و نظم نوین جهان و ارتباط همه قلب ها است.

8 . با جمله «حَسبُنا كِتابُ اللَّهِ" طعم شيرين غدير و رسيدن به آرزوهای بشريت در کامشان تلخ گرديد.

9 . سقيفه درهای رحمت گشوده را بست، و جهنّم را برای مسلمين به ارمغان آورد.

10 . با حاكميت جابرانه سقيفه، ائمه معصومين عليهم السلام نتوانستند غدير از دست رفته را به كام زندگی مردم برگردانند.

11 . غدير يعنی نظم و وحدت با پيروی از دين واحد و تشكيل يک حكومت واحد جهانی با مديريت مردی آسمانی به تضمين عصمت الهی.

12 . با آشكار شدن صراط مستقيم غدير در عصر ظهور و بسته شدن راه های انحرافی دين، حقيقت نظم و وحدت كلمه نمايان خواهد شد.

13 . با كنار گذاشتن غدير در سقيفه، بشريت به سمت بی نظمی و تفرقه پيش رفت.

14 . عوامل بی نظمی و تفرقه كه ريشه در فراموشی غدير دارد عبارتند از نفاق، دنياگرايی، حزبگرايی، بی تفاوتی، سطحی نگری، ترس و سُست عنصری.

15 . راه های ايجاد نظم و وحدت قبل از ظهور :

- اعتقاد به غدير.

- عمل به حديث ثقلين.

- امتحان الهی بر مبنای امامت در امّت اسلامی.

- ايمان مشروط به ولايت و اخذ دين از آنان.

- بيان حقايق اگر چه وحدت بر هم خورد.

- رجوع به خدا و رسول در اختلاف

مقدمه

دیروز علامه امینی ها و دلسوختگان غدیر با زحمات خود، از کتب عامه اصل واقعه غدیر و تردید در آن و شبهات وارده در لفظ «مولا» را پاسخ داده و اثبات نموده اند. امروز نوبت شکافتنِ سرزمینِ نورانی و پر برکت غدیر است، که سالیان زیادی است به خاطرِ دشمنی با غدیر خم، گنجینه های معرفتی آن پنهان مانده و بشر از دستیابی به آن محروم شده است.

آنچه پیش رو دارید با موضوع «تجلّی نظم و وحدت الهی در عصر ظهور»، بیان گوشه ای از یکی از این ارتباط هاست؛ که به محضر شهیده دفاع از غدیر، حضرت زهراعلیها السلام تقدیم می نمایم.

انبیاعلیهم السلام بنیان گذاران وحدت بر اساس دین واحد خدا

خداوند متعال پس از خلقت آدم تا امروز رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد، تا مردم با ایمان به آنها در راه خدا متحد شوند، و دچار ذلت و خواری تفرقه نگردند. انبیاء و رسولان نیز یکی پس از دیگری با تبلیغِ دینی واحد، وظیفه خود را در راه این هدف انجام دادند، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «اِنَّ الدّینَ عِندَ اللّٰهِ الاِسلامُ»(1): «همانا دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

تا نوبت به خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله رسید، و خداوند دین ایشان را خاتم الادیان، و قرآن معجزه جاوید را قانون واحد الهی و تنها قانون نامه آسمانی برای بشریّت معرفی فرمود؛ و با این بعثت بر مؤمنین منّت نهاد؛ آنجا که می فرماید: «لَقَد مَنَّ اللّٰهُ عَلَی المُؤمِنینَ اِذ بَعَثَ فیهِم رَسولاً مِن اَنفُسِهِم»(2): «خداوند بر مؤمنان منّت نهاد (و نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت».

1- آل عمران: 19 .
2- آل عمران: 164 .

بیست و سه سال دوره رسالت سراسر حادثه، همراه با رنج و مشقت و اذیت برای پیامبرصلی الله علیه وآله، برای دعوت همه مردم به توحید و یکتاپرستی و ترک عادات جاهلیت، در حال سپری شدن بود. همان گونه که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «ما اوذِیَ نَبیٌّ مِثلَ ما اوذیتُ»: «هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار قرار نگرفت».(1) آخرین سال عمر شریف ایشان وقایع مهمی را در خود جای داده بود، و آن حضرت به امر الهی در حالی خود را برای سفر آخرت آماده می نمود که دو حکم الهی یکی حج و دیگری اعلان ولایت باقی مانده بود.

لذا اجرای این دو حکم با هم قرین گشته و بلافاصله پس از حجه الوداع و فراغت از آن خداوند به پیامبرش فرمود: «فَاِذا فَرَغتَ فَانصَب»(2): «پس هنگامی که از آن کار مهم فارغ شدی منصوب کن».

کنگره عظیم وحدت در سرزمین غدیر

واقعه تاریخی غدیر خم، در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد که در واقع اعلان رمز اتحاد مسلمانان بر سر ولایت امامان معصوم علیهم السلام بود. خداوند به وسیله پیک وحی حضرت جبرئیل علیه السلام، قبولی رسالتِ بیست و سه ساله آن حضرت را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ»(3): «ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده (به مردم) برسان! و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای»!

1- کشف الغمه فی معرفه الأئمه: ج 2 ص 537 ؛ بحار الانوار: ج 39 ص 56 .
2- انشراح: 7 .
3- مائده: 67 .

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند بر رسالت خاتم الاوصیاء و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام مهر تأیید زد و فرمود: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً»(1): «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین شما پذیرفتم»؛ و این به معنای لزوم اتحاد مسلمین بر سر دین کاملی بود که در غدیر مورد رضای ربّ تبارک و تعالی قرار گرفت.

غدیر روز تجلی هدایتگران الهی

بیست و سه سال مردم با علت محدثه اسلام یعنی پیامبرصلی الله علیه وآله آشنا شده بودند، ولی علت مبقیه اسلام حضرت علی علیه السلام را در آیه «اِنَّما اَنتَ مُنذِرٌ وَ لِکُلِّ قَومٍ هادٍ»(2): «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است»، جستجو می کردند و پرسش داشتند. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: «اَنَا المُنذِرُ وَ عَلِیٌّ الهادی وَ بِکَ یا عَلِیُّ یَهتَدِی المُهتَدون»: «من ترساننده امت و علی راهنمای آنان است»، و سپس فرمودند: «یا علی! توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد».(3)

خداوند روز غدیر را زمان پاسخگویی به همه این سؤالات بشریت قرار داده، همان گونه که فرموده است: اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ»: «ما را به راه راست هدایت کن».(4) روزِ غدیر را روزِ تجلّیِ هدایتگران الهی قرار داد، و بنابراین آیه «لِکُلِّ قَومٍ هادٍ»(5) تفسیر شد و نیاز بشریت پاسخ داده شد.

1- مائده: 3 .
2- رعد: 7 .
3- تفسیر ثعلبی: ج 5 ص 272 ؛ شواهد التنزیل: ج 1 ص 381 ؛ تفسیر رازی: ج 19 ص 14 ؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی: ج 13 ص 103 ؛ جامع البیان طبری: ج 13 ص 72 .
4- فاتحه: 6 .
5- رعد: 7 .

پیامبر خداصلی الله علیه وآله نیز به امر الهی برای متذکر شدن چنین موضوع مهم در این روز تاریخی فرموده اند: «یَومُ غَدیرِ خُمٍّ اَفضَلُ اَعیادِ اُمَّتی»(1): «افضل اعیاد امّت من روز غدیر خم است».

خطبه غدیر یا ندای وحدت

پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه های مفصل با ندای «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ»(2) بشریتِ تشنه معارفِ غدیر را به زیر چتر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام فراخوانده، تا در کنار زلال برکه غدیر سیراب گردند و با اطاعت از امامان هدایتگر همه ملت ها تحت یک نظم و وحدت الهی، به سر منزل مقصود برسند.

حضرت زهراعلیها السلام ثمره قبول ولایت و اطاعت از امام را نظم و وحدت الهی معرفی کرده و در خطبه فدکیه با صراحت می فرمایند: «... وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلمِلَّهِ وَ اِمامَتَنا اَماناً مِنَ الفُرقَهِ»(3): «خداوند برای سامان یافتن جامعه اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را بر همه واجب کرده، و برای در امان ماندن از تفرقه ما را پیشوا و امام مردم قرار داده است».

امام هادی علیه السلام در متن زیارت جامعه کبیره کلام حضرت زهراعلیها السلام را تفسیر نموده و در بخشی از آن می فرمایند: «... وَ بِمُوالاتِکُم ... ائتَلَفَتِ الفُرقَهُ»، یعنی اختلاف و تفرقه با اعتقاد به امامت و دوستی اهل بیت علیهم السلام تبدیل به وحدت می گردد.

1- امالی الصدوق: ص 125 ؛ روضه الواعظین: ج 1 ص 102 .
2- الاحتجاج: ج 1 ص 511 ؛ اعلام الوری بِاَعلام الهدی: ص 165 .
3- احتجاج: ج 1 ص 99 .

بیعت، تجلی وحدت در غدیر

پیامبر خداصلی الله علیه وآله به منظور ایجاد نظم و وحدت بین ملت های مسلمان و تداوم آن در جوامع بشری از همه مردم 120000 نفری حاضر در غدیر خم(1)، برای حضرت علی علیه السلام و اوصیاء طاهرینشان بیعت گرفتند(2) و در خطبه غدیر فرمودند:

اَلا وَ اِنّی عِندَ انقِضاءِ خُطبَتی اَدعوکُم اِلی مُصافَقَتی عَلی بَیعَتِهِ وَ الاِقرارِ بِهِ، ثُمَّ مُصافَقَتِهِ بَعدی. اَلا وَ اِنّی قَد بایَعتُ اللَّهَ وَ عَلِیٌّ قَد بایَعَنی وَ اَنا آخِذُکُم بِالبَیعَهِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

آگاه باشید! پس از پایان خطبه ام شما را برای بیعت با او و اقرار به امامتش فرا می خوانم که با من و سپس با او دست بیعت دهید. آگاه باشید! همانا من با خدا بیعت نموده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از طرف خداوند برای او بیعت می گیرم.

در روز بیستم ذی الحجه در توقفی سه روزه در سرزمین غدیر(3)، علاوه بر مردان زنان نیز با پیامبر و علی علیهما السلام بیعت نمودند، و بر قبول ولایت علی علیه السلام بر خودشان اقرار کردند. پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر فرمودند:

وَ قَد اَمَرَنِیَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ اَن آخُذَ مِن اَلسِنَتِکُمُ الاِقرارَ بِما عَقَدتُ لِعَلِیٍّ مِن اِمرَهِ المُؤمِنینَ وَ مَن جَاءَ بَعدَهُ مِنَ الاَئِمَّهِ مِنّی وَ مِنهُ.(4)

1- بحار الانوار: ج 21 ص 385 ، 393 ، 396 ؛ ج 37 ص 111 ، 150 . اثبات الهداه: ج 2 ص 136 . عوالم العلوم: ج 15/3 ص 299 . الغدیر: ج 1 ص 32 ، 546 .
2- الیقین: ص 357 ؛ بحار الانوار: ج 21 ص 388 387 ؛- 37 ص 214.
3- الیقین: ص 285 ؛ التحصین: ص 537 ؛ بحار الانوار: ج 6 ص 53 ، ج 21 ص 388 387 ؛ عوالم العلوم: ج 15/3 ص 42 ، 60 ، 65 ، 97 .
4- احتجاج: ج 1 ص 65 .

خداوند به من فرمان داده که از زبان های شما در مورد امامت علی و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند اقرار بگیرم.

غدیر، تجلّی اتحاد مورد رضای خداوند

پس از واقعه غدیر و اعلان ولایت، در سایه اطاعت و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام برای رسیدن به وحدت و نظم نوین جهانی قلب ملت ها می تپید، و بشریّت سعادتی غیر قابل وصف و دیدنی را پیش روی خود می دید. بنابراین تمام موجودات برای برخورداری از چنین حکومتی انتظار می کشیدند.

با کُند شدن ضربان قلب رسالت انتظار می رفت با تپش دوباره ولایت پیکره بی جان اسلام روح تازه بگیرد؛ تا هیچ حقّی از کسی پایمال نگشته و کسی مورد ظلم واقع نشود. این همان پیش بینی خداوند حکیم در روز غدیر بود، که با اعلان رسمی ولایت پیامبرصلی الله علیه وآله تداوم نظم و وحدت را در بین مردم تضمین می کرد.

ولی طعم شیرین غدیر و رسیدن به آرزوهای حقیقی، با گفتن «حَسبُنا کتابُ اللَّهِ»(1) در کام بشریت تلخ گردید، و اهل سقیفه مردم را از رسیدن به لذّت های دنیوی و اُخروی محروم نمودند.

سقیفه تجلی تفرقه و اختلاف

اهل سقیفه مانند بقیه مسلمانان در روز غدیر دستور پیامبرشان در مورد «ثقلین» را شنیدند که رمز اتحاد در اسلام بود، و متعهد شدند به سفارش آن حضرت عمل کنند، ولی نسبت به کلام ایشان و عهد خود بی اعتنا شدند. پیامبرصلی الله علیه وآله روز غدیر در میان آن انبوه جمعیت فرمود:

1- الالفین (ترجمه آقای وجدانی): ص 929 ؛ امالی مفید: ص 36 مجلس 5 ؛ بحار الانوار: ج 25 ص 88 ؛ نهج الحقّ و کشف الصدق: ص 273 .

مَعاشِرَ النّاسِ اِنَّ عَلِیّاً وَ الطَّیِّبینَ مِن وُلدی هُمُ الثَّقَلُ الاَصغَرُ وَ القُرآنُ الثَّقَلُ الاَکبَرُ فَکُلُّ واحِدٍ مُنبِئٌ عَن صاحِبِهِ وَ مُوافِقٌ لَهُ، لَن یَفتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوضَ.(1)

ای مردم! همانا علی و پاکان از فرزندان من از نسل او ثقل(2) اصغر و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از آن دو از دیگری خبر می دهد و موافق با اوست. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

اهل سقیفه با عدم پذیرش ولایت الهی اهل بیت علیهم السلام تفرقه و اختلاف را آغاز کردند و با پایه گذاری دین دیگری بر ضد ولایت علی علیه السلام پرچم تفرقه بین مسلمین را برافراشتند. پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه مفصّل غدیر به این موضوع اشاره نموده و این آیه را قرائت فرمودند: «وَ مَن یَبتَغِ غَیرَ الاِسلامِ دیناً فَلَن یُقبَلَ مِنهُ وَ هُوَ فِی الآخِرَهِ مِنَ الخاسِرینَ، اللَّهُمَّ اِنّی اُشهِدُکَ وَ کَفی بِکَ شَهیداً اَنّی قَد بَلَّغتُ»(3): «هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حقّ) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است».

همچنان با این اعتقاد بسیاری از انسان ها در ضلالت و گمراهی به سر برده و با اطاعت و پیروی از اهل سقیفه نسبت به نعمت بزرگ الهی که ولایت الهی اهل بیت علیهم السلام است کافر شده، و سخط و عذاب الهی را برای خود فراهم نموده اند.

در صورتی که با قبول ولایت و اطاعت از امام زمانشان علی بن ابی طالب علیه السلام خداوند درهای آسمان و زمین را بر روی آنان می گشود: «وَ لَو اَنَّ اَهلَ القُری آمَنوا وَ اتَّقَوا لَفَتَحنا عَلَیهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الاَرضِ وَ لکِن کَذَّبوا فَأَخَذناهُم بِما کانوا

1- الاحتجاج: ج 1 ص 60 .
2- به چیز گرانبها و ارزشمند ثقل گویند.
3- الاحتجاج: ج 1 ص 61 .

یَکسِبونَ»(1)، تا دیگر مسلمین دچار تفرقه و بی نظمی نشوند.(2) همچنین اگر همه مردم در قبول ولایت متفق می شدند، خداون، جهنم را خلق نمی کرد. در روایت آمده که حضرت فرمودند: «لَوِ اجتَمَعَ النّاسُ عَلی حُبِّ عَلِیِّ بنِ اَبی طالِبٍ لَما خَلَقَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ النّارَ»(3) «اگر مردم بر محبت حضرت علی علیه السلام اجتماع می کردند، خداوند آتش را خلق نمی کرد».

خداوند در مورد مزد رسالت بیست و سه ساله پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «قُل لا اَسأَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلاَّ المَوَدَّةَ فِی القُربی»(4): «بگو: در برابر این (رسالت و تبلیغ) پاداشی از شما نمی طلبم» !

اما اهل سقیفه با دشمنی آشکار در مقابل علی علیه السلام و غصب خلافت آن حضرت و تکذیب فرمان الهی در مورد قبولِ وصایت و خلافت بلافصل ایشان بعد از نبی صلی الله علیه وآله، پایه های ظلم و ستم را محکم کرده و اهل بیت علیهم السلام را یکی پس از دیگری به وسیله زهر یا شمشیر به شهادت رساندند، همان گونه که پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمودند: «ما مِنّا اِلاّ مَسمومٌ اَو مَقتولٌ»(5): «هیچ یک از ما (معصومین) نیست مگر آنکه یا مسموم و یا مقتول است».

وعده وحدت الهی در عصر ظهور

با این بنیان شومی که بین مسلمین نهاده شد ائمه معصومین علیهم السلام در زمان حیاتشان به خاطر اینکه عنان حکومتِ ظاهری به دست آنها نبود، نتوانستند طعم شیرین و لذیذ

1- الاحتجاج: ج 1 ص 109 .
2- الاحتجاج: ج 1 ص 99.
3- بحار الانوار: ج 39 ص 247 .
4- شوری: 23 .
5- کفایه الاثر: ص 227 . بحار الانوار: ج 44 ص 139 .

غدیر خم و برکاتِ آن را به ذائقه های مردم برگردانند. این است که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به دلیل تحقّق وعده الهی برای اجرای حکومتِ عدل گستر، هیچ ظالم و ستمگری قدرت تعرض به ایشان را نداشته و بیعتی نیز از طرف ستمکاران بر گردن آن حضرت نمی باشد. همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «یَقومُ القائِمُ وَ لَیسَ ِلاَحَدٍ فی عُنُقِهِ عَهدٌ وَ لا عَقدٌ وَ لا بَیعَهٌ»(1): «در حالی ظهور می کند که از هیچ کسی در گردن او عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

در حکومت مهدی علیه السلام گرچه ظالمین و فرقه های ضالّه از اجرای اهداف علوی ناخوشایندند، ولی خداوند برای تحقّق اهداف غدیر ظرف زمانی را با نام عصر ظهور انتخاب نموده تا با حکومت عدل گستر در آن زمان نظم جهانی و وحدتِ الهی به دنیا برگردانده شود.

نظم و وحدت یعنی پیروی از یک دین واحد و تشکیل یک حکومت واحد جهانی با مدیریت مردی آسمانی تبار به تضمین عصمتی الهی، که قرآن در سوره احزاب به این عصمت الهی اشاره نموده و فرموده است: «اِنَّما یُریدُ اللّهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطهیراً»(2): «همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

وعده دین واحد الهی را خداوند در قرآن چنین بیان می فرماید: «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(3): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حقّ فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»!

1- کافی: ج 1 ص 342 .
2- احزاب: 33 .
3- توبه: 33 . صف: 9 .

روایات زیادی از طرف اهل بیت علیهم السلام در مورد تحقق وعده های خدا به ما رسیده از جمله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «المَهدِیُّ مِن عِترَتی مِن وُلدِ فاطِمَه، یُقاتِل عَلی سُنَّتی کَما قاتَلتُ اَنَا عَلَی الوَحیِ»: «مهدی از عترت من است و از فرزندان فاطمه علیها السلام است، او بر اساس سنّت من پیکار می کند چنان که من بر اساس وحی پیکار نمودم».(1)

بنابراین، منتظران مصلح در سرتاسر عالم، برای نفس کشیدن و زندگی در آن عصر ظهور لحظه شماری می کنند.

وحدت حقیقی بر اساس صراط مستقیم

اهمیت نظم و وحدت الهی، در صدر اسلام از طرف حضرت باری تعالی مورد عنایت بوده است و تحت عنوان تألیف قلوب به آن اشاره شده است. خداوند در قرآن می فرماید:

هُوَ الَّذی اَیَّدَکَ بِنَصرِهِ وَ بِالمُؤمِنینَ، وَ اَلَّفَ بَینَ قُلوبِهِم لَو اَنفَقتَ ما فیِ الاَرضِ جَمیعاً ما اَلَّفتَ بَینَ قُلوبِهِم وَ لکِنَّ اللّهَ اَلَّفَ بَینهُم اِنَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ.(2)

اوست آنکه تو را با یاریش و به وسیله مؤمنین تأیید کرد، و دل های آنها را با هم الفت داد! اگر تمام آنچه روی زمین است صرف می کردی تا دل های آنان را الفت دهی نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 130. کشف الغمه: ج 3 ص 267 . الزام الناصب: ص 53 . الغیبه (شیخ طوسی): ص 43 . ینابیع الموده: ج 3 ص 86 ، 88 .
2- انفال: 62 ، 63 .

از برکات زمان ظهور امام زمان علیه السلام نیز تألیف قلوب خواهد بود. صادق آل محمدعلیه السلام می فرماید: «خداوند به وسیله آن حضرت بین دل های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می بخشد».(1)

همچنین در فرازی از دعای ندبه آمده است: «اَینَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ وَ الرِّضا»: «کجاست آنکه میان پراکندگی صلاح و رضا را جمع می کند»؟

حقیقت نظم و وحدت چنگ زدن به ریسمان الهی است، همان گونه که خداوند می فرماید: «وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا».(2)

بنابراین، در مسیر صراط مستقیم حرکت کردن و دوری جستن از راه های انحرافی و تفرقه، همان اطاعت و پیروی از خداوند باری تعالی است که در سوره انعام می فرمایند: «وَ اَنَّ هذا صِراطی مُستَقیماً فَاتَّبِعوهُ وَ لا تَتَّبِعوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُم عَن سَبیلِهِ ذلِکُم وَصّاکُم بِهِ لَعَلَّکُم تَتَّقونَ»(3): «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حقّ دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید»!

با آشکار شدن صراط مستقیم و بسته شدن راه های انحرافی دین در عصر ظهور، حقیقت نظم و وحدت کلمه که خدا وعده داده نمایان خواهد شد. از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود: «تُرِکتُم عَلَی المَحَجَّهِ البَیضاءِ الّتی لیلُها کَنَهارِها ...»(4): «بر راه روشنی گزارده شدید که شبش همانند روز روشن است». پس راه واضح است به حدی که سیر کننده در آن گمراه نمی گردد.

1- الکافی: ج 1 ص 332 .
2- آل عمران: 103 .
3- انعام: 153 .
4- مسند احمد بن حنبل: ج 4 ص 126 .

وحدت غدیر با معرفی صراط مستقیم

در غدیر خم راهِ روشن و واضح و صراط مستقیم الهی توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله معرفی و تبیین گردید، همان گونه که در خطابه غدیر در تفسیر سوره حمد آن حضرت فرمودند:

مَعاشِرَ النّاسِ، اَنَا صِراطُ اللَّهِ المُستَقیمُ الَّذی اَمَرَکُم بِاتِّباعِهِ، ثُمَّ عَلِیٌّ مِن بَعدی ثُمَّ وُلدی مِن صُلبِهِ اَئِمَّهٌ یَهدونَ اِلَی الحَقِّ وَ بِهِ یَعدِلونَ. «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم، الحَمدُ لِلَّهِ رَبِّ العالَمینَ، الرَّحمنِ الرَّحیمِ، مالِکِ یَومِ الدّینِ، اِیّاکَ نَعبُدُ وَ اِیّاکَ نَستَعینُ، اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ، صِراطَ الَّذینَ اَنعَمتَ عَلَیهِم غَیرِ المَغضوبِ عَلَیهِم وَ لاَ الضّالّینَ». فِیَّ نَزَلَتْ وَ فیهِم نَزَلَت وَ لَهُم عَمَّت وَ اِیّاهُم خَصَّت.(1)

ای مردم! من آن صراط مستقیمی هستم که خداوند شما را به پیروی آن دستور داده، و بعد از من علی و سپس فرزندان من از نسل او پیشوایان هدایت به سوی حق هدایت می کنند و به حقّ دادگری می نمایند. سپس این آیات را تلاوت فرمود: «به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است. مالک روز جزاست. پروردگارا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم. ما را به راه راست هدایت کن، راه کسانی که به آنها نعمت بخشیدی، نه کسانی که بر آنان خشم و غضب نمودی و نه راه گمراهان». به خدا قسم (این سوره) درباره من و اهل بیت من نازل شده؛ شامل حال آنان است و به آنان اختصاص دارد.

بر هم زنندگان وحدت پس از پیامبرصلی الله علیه وآله

بعد از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دشمنان و منافقین در غدیرِ امیرالمؤمنین علیه السلام طمع کردند، و با غصب خلافت تا امروز راه هدایت را برای بشریت تاریک نموده اند.

1- الاحتجاج: ج 1 ص 62 .

بنابراین با این ظلم که بالاترین درجه ظلم است، فضای زندگی بشریّت را بعد پیامبرشان توأم با غم و سختی نمودند.

شهادت غمبار حضرت زهراعلیها السلام به عنوان اولین حادثه تلخ بعد از شهادت پیامبر خداصلی الله علیه وآله رقم خورد و لکه ننگی بر پیشانی غاصبین خلافت و مسلمانان آن زمان گذاشت. از لحظه ای که صدای ناله دختر پیامبرصلی الله علیه وآله بین در و دیوار به گوش رسید، محوریّت نظم و وحدت مسلمین از هم گسیخته شد. بنابراین با شهادت مظلومانه حضرت محسن بن علی علیه السلام در کنار مادر، سند مظلومیت غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام توسط غاصبین خلافت امضا گردید؛ و از آن لحظه به بعد مسلمین جهان و بشریّت به سمت بی نظمی و تفرقه کشیده شدند.

این است که در عصر ظهور، نظم و وحدت الهی به دست منجی بشریّت امام زمان علیه السلام برگردانده خواهد شد، و شروع حکومت عدالت گستر آن حضرت با انتقام از قاتلین حضرت زهرا و محسن بن علی علیهما السلام خواهد بود.

عوامل تفرقه مسلمانان

اشاره

ریشه های بی نظمی و تفرقه را در بیش از نیمی از خطابه پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد منافقین می توان جستجو کرد. بسیار جالب توجه است که حضرت در سرزمین غدیرخم فرمودند:

وَ سَأَلتُ جَبرَئیلَ اَن یَستَعفِیَ لِیَ السَّلامَ عَن تَبلیغِ ذلِکَ اِلَیکُم اَیُّهَا النّاسُ لِعِلمی بِقِلَّهِ المُتَّقینَ وَ کَثرَهِ المُنافِقینَ وَ اِدغالِ الآثِمینَ وَ خَتلِ المُستَهزِئینَ بِالاِسلامِ.(1)

- من از جبرئیل خواستم که از خدا بخواهد و مرا از تبلیغ این پیام به شما - ای مردم - معاف بدارد، زیرا از کمی پرهیزگاران و زیادی منافقان و فساد و تباهی سرزنش کنندگان و مکر و حیله مسخره کنندگان اسلام باخبرم.

1- الاحتجاج: ج 1 ص 59 .

مهمترین عوامل و ریشه های بی نظمی و تفرقه را می توان در تاریخ اسلام به خصوص زمان بعد از شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، بدون غرض ورزی و تعصبّات بی جا جستجو نمود و نتایج ذیل را به دست آورد. عوامل زمینه ساز بی نظمی و تفرقه عبارتند از:

1 . نفاق.

2 . دنیاگرایی.

3 . حزب گرایی

4 . بی تفاوتی.

5 . سطحی نگری.

6 . ترس و سست عنصری.

7 . حسادت.

8 . کینه توزی.

با بررسی این عوامل در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله و بعد از ایشان به نتایج مشابهی می رسیم، و آن اینکه با وجود این علل و ریشه ها حقّ حضرت علی علیه السلام گرفته شد، و پایه های ظلم و ستم چیده شده و گسترش پیدا می کند. تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام که طبق وعده الهی تمام این ریشه ها توسط آن بزرگوار نابود شده و موانع اجرای اهداف غدیر برطرف خواهد شد؛ و بشریت از برکات غدیر و تجلّی اهداف آن - که نظم و وحدت یکی از آنهاست - برخوردار خواهد شد.

1 : نفاق عامل اختلاف

اشاره

گروه نفاق در طول رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله اقدامات زیادی انجام دادند از جمله: نوشتن صحیفه ملعونه اول، صحیفه ملعونه دوم، قصد ترور

پیامبرصلی الله علیه وآله در گردنه هرشی،

نافرمانی از جیش اسامه، تمرّد از آوردن کاغذ و دوات برای نوشتن وصیت آخر پیامبرصلی الله علیه وآله؛ و بسیاری از اقدامات دیگر.

در زمان حیات رسول خداصلی الله علیه وآله منافقین نقاب بر چهره داشتند، ولی بعد از شهادت ایشان با بالا بردن شمشیرهای برهنه بر روی سر صاحب غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام در سقیفه بنی ساعده و غصب خلافت ایشان چهره هایشان آشکار گشت.

بزرگترین شخصیتی که در طول تاریخ اسلام نقاب از چهره نفاق منافقین کنار زد و اهداف پلید آنها را آشکار نمود و در این راه با دفاعی جانانه از صاحب غدیر تا آخرین نفس ایستاد، شهیده دفاع از غدیر حضرت زهراعلیها السلام بود.

از مهمترین آموزه های حوادث ناگوار تاریخ اسلام به خصوص بعد از شهادت پیامبرصلی الله علیه وآله، شناسایی چهره های پلید و پنهانی دشمنان به ظاهر دوست است؛ اما مهمتر از آن شناساندن آن چهره های نقابدار به همه مردم است، همان طور که محور اساسی مبارزات حضرت زهراعلیها السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان تا آخرین لحظات عمر کوتاه آن حضرت شناساندن و افشای خط نفاق و اقدامات مخفیانه آنان بود.

لذا رسالتی که دختر پیامبرصلی الله علیه وآله به عهده داشت آن چنان سنگین و باارزش بود، که در اجرای آن مصیبت هایی از جمله شکستن سینه و پهلو و سقط جنین و نیلی شدن صورت بهای سنگین این افشاگری شد.

پس نکات ذکر شده نشان از این دارد که طراحانِ غصب خلافت هر چند در ظاهر همراه پیامبرصلی الله علیه وآله بودند و با او رفت و آمد داشتند و خود را جزء خواص جا زده بودند، اما دل های آنان را خار نفاق گرفته بود و فقط منتظر فرصتی بودند که به اهداف شومشان برسند. با شهادت پیامبرصلی الله علیه وآله به تعبیر حضرت زهراعلیها السلام خار نفاق که در دل های

آنها خلیده بود آشکار گشت،(1) و فصل غمباری برای اهل بیت علیهم السلام آغاز شد. در نتیجه منزل وحی که به عنوان مجمع مخالفین خلافت غصبی شناخت شده بود، با آتش نفاق شعله ور شد، و با همین شعله های نفاق دختر پیامبرصلی الله علیه وآله به شهادت رسید.

نفاق و عصر ظهور

در عصر ظهور حضرت بقیه اللَّه علیه السلام برای اتمام حجت و رفع عذر، با پیروان همه ادیان با کتاب های آسمانی خودشان بحث و محاجّه می کند، و نویدهای موجود در کتاب های هر آیینی را که از آمدن مصلح جهانی خبر داده اند به آنها یادآوری می کند. هر کس ایمان بیاورد از او می گذرد؛ و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر و الحاد خود اصرار بورزد، به سزای خود می رسد.

این معنی به اهل کتاب انحصار ندارد، بلکه از فرقه های به ظاهر مسلمان نیز که خود را اهل قرآن می دانند، هر کس در برابر حق تسلیم نشود طعمه شمشیر می گردد. خداوند تبارک و تعالی به امامان اهل بیت علیهم السلام نیرویی عطا فرموده که هر کس را ببینند تشخیص می دهند که آیا اهل ایمان است یا اهل نفاق؛ چنان که امام باقرعلیه السلام می فرماید: «اِنّا لَنَعرِفُ الرَّجُلَ اِذا رَأَیناهُ بِحَقیقَهِ الایمانِ وَ حَقیقَهِ النِّفاقِ»(2): «هنگامی که ما شخصی را ببینیم مؤمن یا منافق بودن او را می شناسیم».

2 : دنیاگرایی عامل اختلاف مسلمین

اشاره

یکی از عواملی که مانع از پذیرش حق توسط مردم گشته و در طول تاریخ رسالت انبیاء الهی به شکل های مختلف از آن جلوگیری نموده، دنیا طلبی است. در این آزمون

1- خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام : «ظَهَرَ فیکُم حَسیکَهُ النِّفاقِ».
2- روزگار رهایی: ج 2 ص 629 ح 851 . اصول کافی: ج 1 ص 438 .

دینداری، انسان ها چه زود دین خود را در مقابل این متاع اندک فروخته اند و صفحات تاریخ نیز گواه این مطلب است.

وحدت و نظم از نیازهای فطری بشری است که خداوند حکیم پیش بینی آن را نموده، و شرط رسیدن به آن را نیز پیروی از انبیاء الهی و اوصیاء ایشان قرار داده است. لکن توجه صرف به خواسته های نفسانی و زیاده طلبی ها و قدرت طلبی، مانع از اطاعت فرامین الهی شده، و جاری نشدن قوانین در بین مردم و ملت ها باعث از هم پاشیدگی و تفرقه و بی نظمی خواهد شد.

اگر صفحات تاریخ صدر اسلام و دوره رسالت پیامبر اسلام حضرت محمدصلی الله علیه وآله را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که یکی از مهمترین واجبات الهی که دیگر واجبات را نیز تحت تأثیر خود قرار داده، بحث معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشینی پیامبر خداصلی الله علیه وآله بوده است، که آن حضرت نیز در مکان ها و زمان های مختلف متذکر این موضوع شده اند و شاخص اصلی این اعلان ولایت روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری یعنی روز غدیر خم است.

لذا بزرگترین نگرانی پیامبرصلی الله علیه وآله این بود که این کار به نحو شایسته ای صورت پذیرد و بعد از ایشان وحدت مسلمین و نظم دچار تزلزل نشود؛ اما متأسفانه در دوره رسالت ایشان و به خصوص پس از شهادت آن بزرگوار، دنیا طلبان و کسانی که از روی طمع اسلام آورده بودند، با استفاده از دنیا طلبی مردم توانستند بر جامعه حکومت کنند و مانع از اجرای دقیق احکام الهی شوند.

غصب فدک ثمره دنیا طلبی

غصب فدک نیز ثمره دنیا طلبی و جاه طلبی شورای سقیفه بود، زیرا درآمدِ فدک ابزار مناسبی برای در بند کردن مردم دنیاپرست بود. لذا با تمام قدرت ارث حضرت

زهراعلیها السلام غصب گردید و آن حضرت برای دفاع از حقِّ به تاراج رفته خود، بین جمعیت با ابابکر مناظره کرد؛ لکن خلیفه غاصب در جواب اهانت ها روا داشت و اراجیف غیر معقول مطرح کرد. اما دنیاطلبان حاضر در جلسه به سبب ترس از به خطر افتادن دنیای خود هیچ اعتراضی نکردند و حق را پایمال نمودند.

از بیان مطالب ذکر شده نتیجه می گیریم که اگر کسی دنیاگرا شد، دنیا و آخرت خود و دیگران را ویران و بی نظم کرده و باعث تفرقه بین مردم و جوامع بشری می شود، و بسته به جایگاه خود و نحوه اجرای اهداف پلید شیطانی این اثر بیشتر خواهد شد. جاه طلبان سقیفه که بار سنگین شهادت یگانه دخت سول خداصلی الله علیه وآله را به دوش کشیدند، سرانجام با فروختن دین و دنیای خود بزرگترین اثرِ تفرقه و بی نظمی را در جهان بشریت از خود بر جای گذاشتند .

رفع دنیاگرایی در عصر ظهور

در عصر ظهور و حکومت عدالت گستر حضرت بقیه اللَّه علیه السلام دنیامحوری هیچ رنگ و بویی نخواهد داشت و با مدیریت ایشان به اذن الهی، با ریشه کن شدن صفت رذیله دنیاپرستی و دنیاگرایی، بی نظمی و تفرقه ناشی از این صفت رذیله تبدیل به نظم و وحدت بین بشریت خواهد شد. چنان که پیامبر خداصلی الله علیه وآله می فرماید:

یَقسِمُ المالَ صِحاحاً وَ یَملأ اللَّهُ قُلوبَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ غِنیً وَ یَسَعُهُم عَدلُهُ.(1)

مال را عَلَی السویه تقسیم می کند و دل های امت محمدصلی الله علیه وآله را با بی نیازی پر می کند و عدالتش همه آنها را فرا می گیرد (و دیگر کسی خود را ناگزیر از ستم نمی بیند).

1- الملاحم و الفتن: ص 165 . کشف الغمه: ج 2 ص 483 .

اميرالمؤمنين عليه السلام با قرائت اين آيه خبر از وفور نعمت ها در عصر ظهور مى دهد: «وَ نُرِيدُ اَن نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ استُضعِفوا فِى الاَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّةً وَ نَجعَلَهُمُ الوارِثينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُم فِى الاَرضِ»(1): «ما اراده كرده ايم به آنان كه روى زمين به ضعف كشيده شده اند منت نهاده، آنها را وارثان و پيشوايان زمين قرار دهيم».(2)

امام باقرعليه السلام در اين باره مى فرمايد:

وَ تُجمَعُ اِلَيهِ اَموالُ الدُّنيا مِن بَطنِ الاَرضِ وَ ظَهرِها فَيَقولُ لِلنّاسِ: تَعالَوا اِلى ما قَطَعتُم فيهِ الاَرحامَ وَ سَفَكتُم فيهِ الدِّماءَ الحَرامَ وَ رَكِبتُم فيهِ ما حَرَّمَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. فَيُعطي شَيئاً لَم يُعطِهِ اَحَدٌ كانَ قَبلَهُ وَ يَملَأُ الاَرضَ عَدلاً وَ قِسطاً وَ نوراً كَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً وَ شَرّاً.(3)

ثروت هاى روى زمين و گنج هاى درون آن از تمام نقاط جهان به سوى او گرد مى آيد. آنگاه خطاب به مردم مى فرمايد: بياييد اين همان متاع دنياست كه براى آن با خويشاوندان قطع رحم كرديد، و خون هاى حرام را ريختيد، و به حريم گناهان وارد شديد، و مرتكب محرمات الهى شديد. اين ثروت ها را چنان در اختيار مردم قرار مى دهد كه در تاريخ بخشش هاى جهان بى سابقه خواهد بود. زمين را پر از عدل و داد و نور مى كند، همان گونه كه مملو از جور و ستم و شر شده باشد.

1- قصص: 5 .

2- روزگار رهايى: ج 2 ص 608 ح 809 . الزام الناصب: ص 238 . الامام المهدى عليه السلام : ص 50 . ينابيع الموده: ج 3 ص 94.

3- غيبت نعمانى: ص 237. الزام الناصب: ص 433. بحار الانوار: ج 52 ص 351.

3 : حزب گرایی عامل اختلاف مسلمین

اشاره

با ظهور اسلام و دعوت به سوی نظم و وحدت الهی، در سایه هدایتگری های خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله، قبائل و احزاب یکی پس از دیگری به دین اسلام رو آوردند. خدا در قرآن می فرماید: «وَ رَأَیتَ النّاسَ یَدخُلونَ فی دینِ اللَّهِ أفواجاً»(1): «مردم را می بینی که گروه گروه در دین خدا وارد می شوند». این گونه پیکره امت اسلامی شکل گرفته و با تدبیر و حسن خلق رسول خداصلی الله علیه وآله این دین جهانی گشت.

متأسفانه پس از شهادت آن حضرت، گردانندگان سقیفه و احزاب آن دوره از تعصبات قبیله ای و حزبی یاران پیامبرصلی الله علیه وآله بهره برده و ساختار نظام اجتماعی امت اسلامی را بر هم زدند. با کنار زدن حقیقت غدیر و روی کار آمدن باطل، بزرگترین خیانت اهل سقیفه به بشریت آشکار گردید، که ثمره آن جلوگیری از تداوم نظم و وحدت الهی بود. در سقیفه ملاک برای تعیین خلیفه، دین خدا و وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و لیاقت و کاردانی افراد نبود، بلکه بحث ها بر محور قبیله گرایی یا عصبیّتِ حزبی بود.

در اینجا اشاره ای خواهیم داشت به گروه هایی که در آن شرایط حضور داشتند. عرب بر اساس محیط قبیلگی زندگی می کرد و این محیط و مناسبات آن بود که زمینه را برای شکل گرفتن احزاب گوناگون آماده می کرد. این احزاب عبارت بودند از: حزب ثلاثه، حزب تیم و عَدیّ، حزب امویان و طُلَقاء، حزب انصار خَزرَج که شامل دو جناح مخالفِ هم بود: جناحِ سعد بن عباده و جناحِ بشیر بن سعد، و حزب انصارِ اَوس.

1- نصر: 2.

بعد از شهادت پیامبرصلی الله علیه وآله بعضی افراد پیشِ روی جامعه آن زمان اهداف و فعالیت های خود را در قالب گروه و حزبِ خاص انجام می دادند، و با دید حزبی و قبیله ای در جریانات گام برداشته و اقدام نمودند، و باعث تفرقه و بی نظمی در امت اسلام می شدند.

برچیدن حزب گرایی در عصر ظهور

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «یَعطِفُ الهَوی عَلَی الهُدی اِذا عَطَفوا الهُدی عَلَی الهَوی وَ یَعطِفُ الرَّأیَ عَلَی القُرآنِ اِذا عَطَفُوا القُرآنَ عَلَی الرَّأیِ، وَ یُریهِم کَیفَ عَدلُ السّیرَهِ وَ یُحیِی مَیِّتَ الکِتابِ وَ السُّنَّهِ»(1): «هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند او امیال نفسانی را به هدایت بر می گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند او آراء و افکار را به قرآن باز می گرداند. او به مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود. او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می سازد».

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «اَلمُلکُ یَومَئِذٍ لِلَّهِ»(2) فرمودند: «یَرفَعُ المَذاهِبَ عَنِ الاَرضِ فَلا یَبقی اِلاَّ الدّینُ الخالِصُ»(3): «همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند». سپس فرمود:

فَوَ اللَّهِ یا مُفَضَّلُ لَیُرفَعُ عَنِ المِلَلِ وَ الاَدیانِ الاختِلافُ وَ یَکونُ الدّینُ کُلُّهُ واحِداً، کَما قالَ جَلَّ ذِکرُهُ: «اِنَّ الدّینَ عِندَ اللَّهِ الاِسلامُ».(4)

1- روزگار رهایی: ج 2 ص 609 ح 811 . نهج البلاغه: ص 195 . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج 9 ص 40 ؛ منتخب الاثر: ص 297 . بحار الانوار: ج 51 ص 130 .

2- حج: 56 .

3- الزام الناصب: ج 2 ص 87 ، 144.

4- آل عمران: 19.

ای مفضل، به خدا سوگند ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند، چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده: به راستی دین نزد خدا عبارت از اسلام است و بس.(1)

لذا امام زمان علیه السلام در عصر ظهور با تأییدات الهی طبق سیره و سنّت اجداد طاهرینشان امت واحد دور از هر تفرقه و بی نظمی را مدیریت خواهند نمود.

4 : بی تفاوتی عامل رشد تفرقه

ایجاد بی نظمی و تفرقه در امت اسلامی فقط به وسیله گروه حاکم غاصب نبود، بلکه آفت بی تفاوتی در رگ های اصحاب نامدار و توده مردم جریان پیدا کرد و غیرت دینی محو شد؛ و مدینه شاهد غصب حقوق سیاسی و مالی و اجتماعی امام علی علیه السلام گردید.

مردمی که در قبال اطاعت و پیروی از علی علیه السلام و یاری آن حضرت در گرفتن حق غصب شده، بی تفاوتی نشان دادند، نسبت به این بی تفاوتی نیز هیچ توجیه قابل قبولی نداشتند؛ زیرا در طول رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله از روز «یوم الدار» و نزول «وَ اَنذِر عَشیرَتَکَ الاَقرَبینَ»، و در زمان ها و مکان های دیگر به خصوص اعلان رسمی ولایت در روز غدیر، نسبت به خلافت علی علیه السلام برای همه مردم اتمام حجت شده بود. حضرت زهراعلیها السلام در مسجد مدینه خطاب به مردم فرمودند:

یا مَعاشِرَ الفِتیَهِ وَ اَعضادَ المِلَّهِ ، وَ اَنصارَ الاِسلامِ، ما هذِهِ الغَمیزَهُ ... .(2)

1- بحار الانوار: ج 29 ص 277. روزگار رهایی: ج 2 ص 6519 .
2- نهج الحیاه: ح 57 . بحار الانوار: ج 29 ص 277.

هان ای جوانمردان! ای بازوان ملت و ای یاوران اسلام! این سستی و بی تفاوتی در مورد حقوق من چرا؟ این سهل انگاری در برابر آفت و ستم و بیداد برای چه؟ آیا پدر گرانمایه ام پیامبرصلی الله علیه وآله نمی فرمود: «حرمت هر کس با گرامی داشتن فرزندش رعایت می گردد؟ چه زود رنگ پذیرفتید و بی درنگ در غفلت خفتید؟!

البته کسانی که بنای قدرت طلبی و غصب خلافت را داشتند با آماده سازی قبلی خود، هر مانعی را که سدّ راه خود می دیدند به راحتی با این مردم بی تفاوت از پیش روی خود بر می داشتند. از این رو با اقداماتی از قبیل کتمان فضائل علی علیه السلام، انحراف افکار عمومی از قضیه غدیر خم، و ادعای نسخ فرمان پیامبرصلی الله علیه وآله، نقش مؤثری در بی تفاوتی مردم داشتند.

5 : سطحی نگری عامل اختلاف

از صفات رذیله ای که امت اسلامی زمان بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله را دچار تفرقه و بی نظمی نمود، سطحی نگری آنهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این زمینه می فرمایند: «ما اَخافُ عَلَی اُمَّتی الفَقرَ وَ لکِن اَخافُ عَلَیهِم سوءَ التَّدبیرِ».(1) می فرماید که من بر امّت خود از ناحیه فقر اقتصادی بیم ندارم! یعنی فقر امت مرا از پا در نمی آورد، ولی از یک چیز دیگر بر امّت خود بیمناکم و آن کج فکری، بد فکری، بد اندیشی، جهل و نادانی است. اگر مردم مسلمان، روشن بینی و دور بینی و آینده بینی و عمق بینی و ژرف بینی را از دست دهند و ظاهر بین شوند، آن وقت است که برای اسلام خطر پیدا می شود.

سطحی نگری پیروان رسول خداصلی الله علیه وآله سبب شد تا بسیاری از گرایش ها و معیارهای جاهلی بر قوانین عقلی و شرعی مقدم شود. این افراد با طراحان سقیفه که آشکارا

1- عوالی اللئالی: ج 4 ص 39.

خلافت حضرت علی علیه السلام را انکار کردند و مسیر خلافت و ولایت را به انحراف کشاندند، همراهی کرده و با بیعتشان خلافت غصبی را تثبیت نمودند.

تبلیغات جَوسازان آن چنان در بین مردم سطحی نگر تاثیر گذاشته بود که همان حرف ها و یاوه های جاه طلبان سقیفه را تکرار می کردند و به عنوان ایراد به علی علیه السلام می گفتند: «تو چهره ات خنده روست و مزاح می کنی. مردی باید خلیفه شود که عبوس باشد و مردم از او بترسند».(1)

همچنین در تاریخ نقل شده که در جریان غصب فدک ساده لوحی و خوش باوری مردم به کمک غاصبین آمد. هنگامی که در مسجد پیامبرصلی الله علیه وآله بین حضرت زهراعلیها السلام و ابوبکر مناظره رخ داد، ابوبکر حدیثی دروغین را به پیامبرصلی الله علیه وآله نسبت داد، و آنگاه فاطمه علیها السلام با استناد به آیات قرآن، جعلی و دروغ بودن آن حدیث را به خوبی هویدا ساخت. اما کلمات ظاهر پسند ولی دروغین ابوبکر مردم را فریب داد و کسی برنخاست تا سند حدیث را جویا شود، و بپرسد که آخر این چه حدیثی است که تنها تو شنیده ای و هیچ یک از همراهان و صحابیان رسول خداصلی الله علیه وآله آن را نشنیده اند؟ چرا دخت رسول خداصلی الله علیه وآله این حدیث را قبول ندارد؟

اما مصیبت دیگر این بود که حضرت زهراعلیها السلام شب ها سوار بر مرکب می شد و با مولا علی علیه السلام به مجالس انصار و مهاجرین و در خانه آنها می رفت و از آنها طلب یاری می نمود؛ اما آنها با بینشی ضعیف چنین جواب می دادند: «ما با ابوبکر بیعت کرده ایم. اگر همسر تو و پسر عمویت (علی علیه السلام) در این امر بر ابوبکر سبقت می گرفت ما از علی علیه السلام سرنتافته و با ابوبکر بیعت نمی کردیم».(2)

1- عمر این تبلیغات مسموم را بین جامعه پخش نموده بود.
2- الامامه و السیاسه: ج 1 ص 19.

آری، سطحی نگری مردم که در رفتار و گفتارشان عیان بود، خلافت غصبی را تقویت کرد و اهل بیت علیهم السلام را به حاشیه راند و چنان کرد که حضرت زهرای اطهرعلیها السلام با باری از غم وا ندوه خلوتِ «بیت الاحزان» را برگزید.

6 : ترس و سست عنصری عامل تفرقه

ایجاد نظم و وحدت در امت اسلامی بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله طبق فرمایش حضرت زهراعلیه السلام با اطاعت و پیروی از علی علیه السلام قابل اجرا بوده است، اما آنچه که مردم را از اطاعت بازداشت و نسبت به آن حضرت رویگردان شدند، ترسی بود که با توجه به سست عنصری مردم ظهور پیدا کرد، و غاصبان خلافت با استفاده از آن قدرت ظالمانه خود را تثبیت نمودند.

با مرور در تاریخ اسلام در می یابیم که خلفای غاصب چگونه عملکردی در رسیدن به قدرت داشتند. تشنگان قدرت با شمشیرهای برهنه مرگ پیامبرصلی الله علیه وآله را انکار کردند و ناشران این خبر را تهدید به مرگ نمودند تا فرصت خوبی برای اجرای برنامه های پیش بینی شده خود داشته باشند.

آنان با سازماندهی گروه های خود، ورود و خروج از مدینه را ممنوع اعلان کرده، و کسانی که قصد فرار و خارج شدن از مدینه را داشتند ترور کردند، و با هجوم به مخالفان توسط قبیله بنی اسلم بیعت با خلیفه را قطعی نمودند، و مخالفان خود را به اتهام ارتداد از صحنه خارج ساختند.(1)

عده ای را با تهدید به قتل و عده ای را با ضرب و شتم از صحنه خارج کردند. مردم در آن هیاهو و آشوب جز نهیب و سایه شمشیر چیزی نمی دیدند، و آنان که ترس و

1- تاریخ الامم و الملوک: ج 3 ص 226 ، 227.

زبونی در قلبشان ریشه افکنده بود و جان و مال خویش را دوست داشتند و اصالتی برای دین و ایمان قائل نبودند، دم فرو بسته سفارشات رسول خداصلی الله علیه وآله را به فراموشی سپردند، و سقیفه را با بیعتشان پایدار کردند. فضا چنان غبارآلود شد که خانه وحی به عنوان خانه فتنه معرفی شد، و صدای ریحانه نبی صلی الله علیه وآله از بین در و دیوار به گوش رسید!

ترس و زبونی و سست عنصری سکوتِ خفّت باری را بر مدینه حاکم نمود و اهل مدینه را به ذلت و خواری کشاند و آنان برای همیشه محکوم تاریخ شدند. اما حضرت زهراعلیها السلام در برابر این ترس سکوت نکرد و تا پای جان از صاحب غدیر دفاع کرد. قرائت خطبه فدکیه در مسجد و همچنین قرائت خطبه برای زنان مهاجر و انصار گواه بر سرزنش آن حضرت در مورد این صفت رذیله است.

7 : حسادت عامل اختلاف

با گذری در تاریخ می یابیم که صفت ناپسند حسد دست قابیل را به خون برادرش هابیل آلوده کرد و برادران یوسف را به آن ستم بزرگ وادار نمود؛ بسیاری از آنچه از قتل ها، فتنه ها، دشمنی ها و انحرافات رخ داده ریشه در همین صفت رذیله دارد؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می فرمایند: «اُصولُ الکُفرِ ثَلاثَهٌ: الحِرصُ وَ الاستِکبارُ وَ الحَسَدُ»(1): «سه چیز از اصول کفر است: حرص و تکبّر و حسد».

در حوادث بعد از شهادت رسول خداصلی الله علیه وآله به روشنی آشکار است که چگونه صفات نیک بعضی از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله تحت الشعاع صفت نکوهیده حسد قرار گرفت و نتوانستند از امتحان عظیم وصایای پیامبرصلی الله علیه وآله روسفید بیرون آیند.

1- اصول کافی: ج 2 ص 289.

8 : کینه توزی با اهل بیت علیهم السلام عامل تفرقه

اشاره

یکی از عوامل بی نظمی و تفرقه در امّت اسلامی کینه توزی بعضی از خواص و مردم قبائل آن زمان می باشد؛ که منشأ بعضی از این کینه توزی ها نسبت به پیامبرصلی الله علیه وآله و خاصه حضرت علی علیه السلام بوده، و بعضی دیگر کینه توزی بین قبائل بوده است.

این کینه توزی ها در زمان رسالت رسول خداصلی الله علیه وآله با توجه به مجاهدت های علی علیه السلام ایجاد گشت، و بعد از شهادت پیامبرصلی الله علیه وآله بُروز داده شد. پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: «ضَغائِنُ فی صُدورِ اَقوامٍ عَلَیکَ لا یُظهِرونَها حَتّی یَفقِدونی»(1): «کینه هایی از تو در دل قومی است که آن را برای تو آشکار نمی کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند».

حضرت زهراعلیها السلام در حالی که در اُحد بر مزار حمزه سید الشهداءعلیه السلام عزاداری می کرد، وقتی از ایشان پرسیدند: «چرا مردم بر ضدّ شما و علی علیه السلام تهاجم آوردند و حقّ مسلم او را غصب کردند؟ فرمود:

لکِنَّها اَحقادٌ بَدرِیَّهٌ وَ تِراتٌ اُحُدیَّهٌ کانَت عَلَیها قُلوبُ النِّفاقِ مُکتَمِنَهً ِلاِمکانِ الوُشاهِ فَلَمَّا استُهدِفَ الاَمرُ اَرسَلَت عَلَینا شَآبیبَ الآثارِ.(2)

این همه کینه توزی ها از جنگ بدر و انتقامجویی ها از جنگ احد است که بر دل های منافقان پنهان بود، اما روزی که حکومت او را غصب کردند تمام آن کینه ها و حسادت ها را بر ما فرو ریختند.

کینه توزی بین مسلمین عامل تفرقه

مکّیان مهاجر و غیر مهاجر، در پی به دست آوردن فرصتی مناسب برای فرو

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج 4 ص 107.

2- بحار الانوار: ج 43 ص 156 . نهج الحياه: ح 23.

نشاندن کینه های دیرینه خود بودند، ولی در زمان حیات رسول خداصلی الله علیه وآله زمینه آن فراهم نشد. از این رو، انصارِ اوس و خزرج همواره در این هراس بودند که به خاطر نبودن پیامبرصلی الله علیه وآله مکّیان انتقام گذشته را بگیرند.

این هراس و آن کینه ها مانع از آن شد که با هم وحدت داشته باشند و گفتار رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد وصایت و خلافت علی علیه السلام را پیروی نمایند؛ و عدم این اتحاد باعث نقش آفرینی در سقیفه شد.

رفع کینه ها در عصر ظهور

در عصر ظهور طبق وعده ای که پیامبرصلی الله علیه وآله داده اند ریشه کن شدن کینه توزی ها و تفرقه به دست حضرت مهدی علیه السلام صورت می پذیرد، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدند: آیا مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است؟ فرمود:

لا، بَل مِنّا مَن یَختِمُ اللَّهُ بِهِ الدّینَ کَما فَتَحَ بِنا وَ بِنا یُنقَذونَ مِنَ الفِتنَهِ کَما اُنقِذوا مِنَ الشِّرکِ وَ بِنا یُؤَلِّفُ اللَّهُ بَینَ قُلوبِهِم بَعدَ عَداوَهِ الفِتنَهِ کَما اَلَّفَ بَینَ قُلوبِهِم بَعدَ عَداوَهِ الشِّرکِ وَ بِنا یُصبِحونَ بَعدَ عَداوَهِ الفِتنَهِ اِخواناً کَما اَصبَحوا بَعدَ عَداوَهِ الشِّرکِ اِخواناً فی دینِهِم.(1)

آری! مهدی از ماست. خداوند به وسیله او دین را به اتمام می رساند، چنان که به وسیله ما آغاز نمود. به دست ما از فتنه رهایی می یابند، چنان که به دست ما از شرک رهایی یافتند. خداوند پس از کینه های فتنه گری به دست ما در میان آنها الفت و صمیمیّت ایجاد می کند، چنان که بعد از کینه توزی های

1- روزگار رهایی: ج 2 ص 594 ح 764 . بحار الانوار: ج 51 ص 93 . منتخب الاثر: ص 152 ، 180 . البیان: ص 86 . الزام الناصب: ص 257 . الملاحم و الفتن: ص 67 ، 134 . ینابیع الموده: ج 3 ص 166 . نور الابصار: ص 171 ، 231 . المهدی علیه السلام : ص 77 . بشاره الاسلام: ص 287 .

شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنان که بعد از عداوت شرک به دست ما برادر ایمانی گشتند.

اعتقاد به غدیر تنها راه وحدت الهی

اشاره

برای نظم و وحدتی بر اساس دین الهی چند پایه قابل توجه است:

1 : اعتقاد به واقعه مهم تاریخی غدیر خم و قبول ولایت

بنابراین اعتقاد به اینکه در روز غدیر خم خداوند حکیم هدایتگرانی را برای بشریت و امت واحد اسلامی پیش بینی نموده و وظیفه انسان ها پیروی و اطاعت از ایشان است، باعث می شود محوریت انسجام اسلامی و نظم بین ملت ها حفظ شود؛ و با قبول ولایت انسان ها در زیر چتر عظیم ولایتِ الهی حضرات معصومین علیهم السلام به نعمت وحدت و نظم الهی دست پیدا کنند.

2 : عمل به حدیث ثقلین و اطاعت از کلام پیامبرصلی الله علیه وآله

اگر تمام مسلمانان به حدیث ثقلین عمل کرده بودند می توانست وحدت اسلامی قوی بین آنها ایجاد گردد، به حدّی که بادها نتواند آنها را به حرکت درآورد و طوفان ها نتواند آن را از جا بَرکند، و کسی متعرض آن نشده و دشمنان اسلام آنها را سست نگردانند، و این تنها راه خلاصی مسلمانان و نجات آنهاست، و ماسوای آن باطل و گفتاری بی معناست.

ثقل اکبر و ثقل اصغر هر دو باعث ایجاد وحدت و نظم در مسلمین هستند، به شرط آنکه این دو به فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله از هم جدا نشود.

امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الَّذینَ اِن مَکَّنّاهُم فِی الاَرض ...»(1): «کسانی که اگر آنها را در روی زمین امکانات دهیم، نماز را بپاَ می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و عاقبت امور از آنِ خداوند است». درباره این آیه می فرماید:

اِنَّها لَم تَرعَ حَقَّ نَبِیِّها اَما وَ اللَّهِ لَو تَرَکوا الحَقَّ عَلی اَهلِهِ لَمَا اختَلَفَ فِی اللَّهِ تَعالی اثنان.(2)

این امت حق و حریم پیامبرصلی الله علیه وآله را در مورد اهل بیتش رعایت نکردند. به خدا سوگند اگر این امت حقّ را از سرچشمه زلال اهل بیت می گرفتند حتی دو نفر هم در مورد پروردگار اختلاف نمی کردند.

3 : امتحان الهی بر مبنای امامت در امت اسلامی

خداوند متعال این امت را بعد از شهادت پیامبرش بر مسئله امامت به حقّ امتحان کرده؛ آنجا که می فرماید: «وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا»(3): «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید» !

از آیات دیگر نیز استفاده می شود که وصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله همانند وصیت دیگر انبیاء عدم تفرقه و ایجاد اتحاد بر محور حقّ و حقیقت است، که قرآن عظیم می فرماید: «شَرَعَ لَکُم مِنَ الدّینِ ما وَصّی بِهِ نوحاً وَ الَّذی اَوحَینا اِلَیکَ وَ ما وَصَّینا بِهِ اِبراهیمَ وَ موسی وَ عیسی اَن اَقیموا الدّینَ وَ لا تَتَفَرَّقوا»(4): «آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و

1- حج: 41 .
2- روزگار رهایی: ج 2 ص 625 ح 845 . الزام الناصب: ص 89 .
3- آل عمران: 103 .
4- شوری: 14 .

عیسی علیهم السلام سفارش کردیم این بود که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». «وَ لا تَکونوا کَالَّذینَ تَفَرَّقوا وَ اخْتَلَفوا مِن بَعدِ ما جاءَهُمُ البَیِّناتُ وَ اولئِکَ لَهُم عَذابٌ عَظیمٌ»(1): «مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ پس از آنکه نشانه های روشن پروردگار به آنان رسید» !

مسلم در صحیح نقل کرده است که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

سألتُ ربّی ثلاثاً فأعطانی اثنتین و منعنی واحدةً. سَأَلتُ رَبّی اَن لا یَهلِکَ اُمّتی بِالسُّنَّةِ فَأعطانیها، وَ سَأَلتُهُ اَن لایَهلِکَ اُمَّتی بِالغَرَقِ فَأعطانیها، وَ سَأَلتُهُ اَن لا یَجعَلَ بَأسَهُم بَینَهُم فَمَنَعَنیها.(2)

از پروردگارم سه چیز درخواست کردم، دو تای آن را به من عطا نمود و مرا از یکی از آنها منع کرد. از او درخواست کردم امتم را با قحطی هلاک نگرداند، و پذیرفت. درخواست نمودم که امتم را با غرق هلاک نکند، و پذیرفت. ولی خواستم که بینشان نزاع نباشد، و آن را نپذیرفت.

4 : ایمانِ مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام و اخذ دین از طریق آنان

ایمانی مانع از تفرقه و بی نظمی است که مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام باشد، و چون مردم بر اساس باورهای اعتقادی خود زندگی کرده و پایبند هستند، اگر زندگی ها بر اساس اعتقادات غیر سنّت الهی باشد بی نظمی و تفرقه آشکار می گردد.

خداوند باری تعالی در روز غدیر خم با معرفی حضرت علی علیه السلام و اعتقاد به آن حضرت پایه های دوستی و برادری را با یک اعتقاد واحد چید، و مردم پس از

1- آل عمران: 105 .
2- صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراط الساعه: ج 4 ص 2216 ح 2890 .

پذیرفتن دین اسلام با این اعتقاد مؤمن گردیدند و با یکدیگر برادر شدند، زیرا در قرآن آمده: «اِنَّمَا المُؤمِنونَ اِخوَةٌ»(1): «مؤمنین با هم برادرند».

5 : بیان حقایق در سنّت الهی و سیره معصومین علیهم السلام

بیان حقایق در سنّت الهی و سیره معصومین علیهم السلام آشکارا آمده، حتی جایی که احتمال یا یقین بر ایجاد اختلاف بوده باز هم بیان حقیقت لازم بوده و ترک نشده است و عمل به آن نیز سفارش شده است. اینک به نمونه هایی از موارد تقدیمِ حقّ بر وحدت در سنّت الهی و در سیره معصومین علیهم السلام اشاره می کنیم:

1 . سنّت الهی

خداوند با علم ازلی می دانست که با دستور ابلاغ به پیامبرش بین حق و باطل جدایی حاصل می شود، و این ابلاغ باعث دو دستگی می شود، ولی حتی در انجام ندادن این کار پیامبرش را تهدید می کند «وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ»(2): «و اگر (آنچه را که خدا به تو وحی نموده به مردم نرسانی، رسالت او را انجام نداده ای» !

2 . سیره رسول خداصلی الله علیه وآله در ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر

پیامبرصلی الله علیه وآله می دانست که مسلمانان با طرح این مسئله اختلاف کرده و به دو دسته شیعه علی علیه السلام و مخالف او تقسیم می شوند، ولی در عین حال از بیان حقّ کوتاه نیامد.

3 . سیره حضرت علی علیه السلام در حکومتداری

آن حضرت می دانست که با طرد معاویه و طلحه و زبیر، حکومتش بر هم خورده و وحدت اسلامی متلاشی خواهد شد؛ ولی در عین حال دست به این کار زد.

1- حجرات: 10.
2- مائده: 67 .

4 . سیره حضرت زهراعلیها السلام

حضرت زهراعلیها السلام با آنکه می دانستند امت اسلامی بعد از شهادت پدر از هر طرف مورد تعرض است و مردم نیز تازه مسلمان بودند. با این همه چنان مطلب را مهم دیده که از خانه به سوی مسجد می آید و با ابوبکر محاجّه می کند و به دفاع از حقّ امام زمانش قیام می نماید.

5 . سیره امام حسین علیه السلام

کاری که امام حسین علیه السلام کرد و بعد از واقعه عاشورا چه نهضت ها و قیام هایی را در جامعه به راه انداخت همگی توجیه گر این نکته است که هنگام تعارض بین بیان حقِّ و مسئله وحدت اسلامی، بیان حق مقدّم است.

6 . رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه وآله

از دیگر راه های ایجاد نظم و وحدت الهی، در هنگام اختلاف در جانشینی پیامبرصلی الله علیه وآله رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه وآله است، که خداوند می فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اَطیعوا اللّهَ وَ اَطیعوا الرَّسولَ وَ اولِی الاَمرِ مِنکُم فَاِن تَنازَعتُم فی شَی ءٍ فَرُدُّوهُ اِلَی اللَّهِ وَ الرَّسولِ اِن کُنتُم تُؤمِنونَ بِاللَّهِ وَ الیَومِ الآخِرِ ذلِکَ خَیرٌ وَ اَحسَنُ تَأویلاً»(1): «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر از خود را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و پیامبر باز گردانید. اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

همچنین خداوند می فرماید: «وَ اَطیعوا اللَّهَ وَ رَسولَهُ وَ لا تَنازعوا فَتَفشَلوا وَ تَذهَبَ ریحُکُم وَ اصبِروا اِنَّ اللَّهَ مَعَ الصّابِرین»(2): «فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و

1- نساء: 59 .
2- انفال: 46 .

نزاع و کشمکش نکنید، تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است»!

بنابراین با رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه وآله در مسائل و موضوعات خارجی از جمله تعیین امام و جانشینی بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله باعث ایجاد نظم و وحدت الهی در امت اسلامی شده ایم.

معرفی آخرین وحدت بخش انسان ها در خطابه غدیر

در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در حجه البلاغ پیامبرصلی الله علیه وآله با معرفی ائمه اثنی عشرعلیهم السلام و خصوصاً حضرت مهدی علیه السلام نظم و وحدت را برای آینده بشریت از طرف خداوند به ارمغان آورده فرمودند:

اَلا اِنَّ خاتَمَ الاَئِمَّهِ مِنَّا القائِمُ المَهدِیُّ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام مهدی قائم از ماست.

اَلا اِنَّهُ الظّّاهِرُ عَلَی الدّینِ.

آگاه باشید! او بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

اَلا اِنَّهُ المُنتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ.

آگاه باشید! او انتقام گیرنده از ستمگران است.

اَلا اِنَّهُ فَاتِحُ الحُصونِ وَ هادِمُها.

آگاه باشید! او فتح کننده دژها و ویران کننده آنهاست.

اَلا اِنَّهُ قاتِلُ کُلِّ قَبیلَهٍ مِن اَهلِ الشِّرکِ.

آگاه باشید! او بر همه طوایف و قبایل اهل شرک غلبه یافته و آنها را هدایت می کند.

اَلا اِنَّهُ مُدرِکٌ بِکُلِّ ثارٍ لاَوِلِیاءِ اللَّهِ.

آگاه باشید! او گیرنده خونبهای همه اولیای خداست.

اَلا اِنَّهُ النّاصِرُ لِدینِ اللَّهِ.

آگاه باشید! او یاری کننده دین خداست.

اَلا اِنَّهُ الغَرّافُ فی بَحرٍ عَمیقٍ.

آگاه باشید! او جرعه نوش و پیمانه گیر از دریای بیکران الهی است.

اَلا اِنَّهُ یَسِمُ کُلَّ ذی فَضلٍ بِفَضلِهِ وَ کُلَّ ذی جَهلٍ بِجَهلِهِ.

آگاه باشید! او هر صاحب فضیلتی را به مقدار فضلش و هر نادانی را به قدر نادانی اش نشان دهد و علامت نهد.

اَلا اِنَّهُ خِیَرَهُ اللَّهِ وَ مُختارُهُ.

آگاه باشید! او برگزیده و انتخاب شده خداوند تبارک و تعالی است.

اَلا اِنَّهُ وارِثُ کُلِّ عِلمٍ وَ المُحیطُ بِهِ.

آگاه باشید! او وارث همه علوم و احاطه دارنده بر همه فهم ها و ادراک ها است.

اَلا اِنَّهُ المُخبِرُ عَن رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ المُنَبِّهُ بِأَمرِ ایمانِهِ.

آگاه باشید! او حکایت از پروردگارش کند و از او خبر دهد و نشانه های او را برافراشته سازد.

اَلا اِنَّهُ الرَّشیدُ السَّدیدُ.

آگاه باشید! او راه یافته و استوار است.

اَلا اِنَّهُ المُفَوَّضُ اِلَیهِ.

آگاه باشید! اوست که همه امور مردم به او واگذار شده است.

اَلا اِنَّهُ قَد بَشَّرَ بِهِ مَن سَلَفَ مِنَ القُرونِ بَینَ یَدَیهِ.

آگاه باشید! اوست که پیشینیان از قرن ها پیش به ظهور او بشارت داده اند.

اَلا اِنَّهُ الباقی حُجَّهً وَ لا حُجَّهَ بَعدَهُ وَ لا حَقَّ اِلاّ مَعَهُ وَ لا نورَ اِلاّ عِندَهُ.

آگاه باشید! اوست حجت باقی خداوند و پس از او حجتی نخواهد بود. حقی نیست مگر با او، و نوری جز نزد او نیست.

اَلا اِنَّهُ لا غالِبَ لَهُ وَ لا مَنصُورَ عَلَیهِ.

آگاه باشید! کسی بر او چیره نخواهد شد و بر او پیروز نگردد.

اَلا وَ اِنَّهُ وَلِیُّ اللَّهِ فی اَرضِهِ وَ حَکَمُهُ فی خَلقِهِ وَ اَمینُهُ فی سِرِّهِ وَ عَلانِیَتِهِ.

آگاه باشید! او ولیّ خدا در زمین و داور او در میان خلق و امانتدار او در امور نهان و آشکار اوست.

برکات وحدت بخش عصر ظهور

اشاره

چهار نقطه اصلی در عصر ظهور وجود دارد که که ثمره آنها تحقق هرچه دقیق تر و آسان تر وحدت است:

1 : وحدت کلمه

امام هادی علیه السلام می فرماید: «هُوَ الَّذی یَجمَعُ الکَلِمَ وَ یُتِمُّ النِّعَمَ وَ یُحِقُّ اللَّهُ الحَقَّ وَ یُزهِقَ الباطِلَ، وَ هُوَ مَهدِیُّکُمُ المُنتَظَرُ»: «او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، و نعمت ها را کامل می سازد، و خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد. او مهدی منتظر شماست».

آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کرد: «بَقِیَّهُ اللَّهِ خَیرٌ لَکُم»(1) و سپس فرمود: «به خدا سوگند بقیه اللَّه اوست».(2)

1- هود: 86 .
2- روزگار رهایی: ج 2 ص 663 ح 943 . الزام الناصب: ج 1 ص 168 .

2 : عزت مؤمنین در سایه عدل

در دعای ندبه می خوانیم: «اَینَ مُعِزُّ الاَولِیاءِ وَ مُذِلُّ الاَعداءِ». امام صادق علیه السلام فرمود: «اَوَما عَلِمتَ اَنَّ لِلحَقِّ دَولَهً وَ لِلباطِلِ دَولَهً، وَ کِلاهُما ذلیلٌ فی دَولَهِ صاحِبِهِ. فَمَن اَصابَتهُ دَولَهُ الباطِلِ اقتُصَّ مِنهُ فی دَولَهِ الحَقِّ»(1): «مگر نمی دانی که برای حق دولتی و برای باطل دولتی است، و هر یکی در دولت دیگری خوار و بی مقدار است. کسی که در دولت باطل مورد ستم قرار گیرد در دولت حق از او رفع ستم می شود».

3 : جمع عقول بندگان

درباره شرایط زندگی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام می خوانیم:

اِذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤوسِ العِبادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقولَهُم وَ اَکمَلَ بِهِ اَخلاقَهُم، ثُمَّ مَدَّ اللّهُ لِشیعَتِنا فی اَسماعِهِم وَ اَبصارِهِم حَتّی لا یَکونَ بَینَهُم وَ بَینَ القائِمِ بَریدٌ یُکَلِّمُهُم فَیَسمَعونَ وَ یَنظُرونَ اِلَیهِ وَ هُوَ فی مَکانِهِ.

هنگامی که قائم ما قیام کند دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آنها را گرد آورد و رشد آنها را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می افزاید و در میان قائم علیه السلام و آنها مانع و سدی نمی ماند. هر وقت قائم علیه السلام بخواهد با آنها سخن بگوید آنها هر کجا باشند می شنوند، و آنها هر کجا هستند نگاه می کنند و او رادر اقامتگاه خود می بینند.(2)

1- روزگار رهایی: ج 2 ص 653 ح 919 . غیبت نعمانی: ص 319 . بحار الانوار: ج 52 ص 365 . الزام الناصب: ص 215.
2- روزگار رهایی: ج 2 ص 622 ح 840 . بشاره الاسلام: ص 254 . بحار الانوار: ج 52 ص 336 ح 72 . غیبت نعمانی: ص 4 . منتخب الاثر: ص 483 . الزام الناصب: ص 139 .

4 : وفور نعمت و امنیت

همچنین درباره زندگی در روزگار حضرت بقیه اللّه الاعظم علیه السلام فرمود: «اِذا قامَ حَکَمَ بِالعَدلِ وَ اِرتَفَعَ فی اَیّامِهِ الجَورُ وَ آمَنَت بِهِ السُّبُلُ وَ اَخرَجَتِ الاَرضُ بَرَکاتِها وَ رُدَّ کُلُّ حَقٍّ اِلی اَهلِهِ وَ لَم یَبقَ اَهلُ دینٍ حَتّی یُظهِروا الاِسلامَ وَ یَعتَرِفوا بِالایمانِ»(1): «چون قائم قیام کند به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکت های خود را ظاهر می کند و هر حقّی به صاحب حق بر می گردد و پیرو هیچ آیینی نمی ماند جز اینکه به اسلام می گرود و به آن ایمان می آورد».

سپس فرمود: «تَأمَنُ السُبُلُ، تَمشِی المَرأَهُ بَینَ العِراقِ وَ الشّامِ لا تَضَعُ قَدَمَیها اِلاّ عَلَی النَّباتِ وَ عَلی رَأسِها مِکتَلُها لا یُهَیِّجُها سَبُعٌ وَ لا تَخافُهُ»(2): «راه ها امن می شود، به گونه ای که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد، در حالی که جواهراتش را بر سرش بگذارد و هیچ درنده او را نترساند و او هم از درنده ای هراس نداشته باشد».

نتیجه سخن

از اهداف بلند غدیر جلوگیری از تفرقه و بی نظمی بین بشریت و امت اسلام بوده است؛ ولی این هدف بزرگ غدیر مثل دیگر اهداف آن تحقّق عملی پیدا نکرد، اما تجلّی نظم و وحدت الهی با حکومت عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام صورت می گیرد.

1- روزگار رهایی: ج 2 ص 639 ح 883 . ارشاد مفید: ج 2 ص 384 . منتخب الاثر: ص 308 . اعلام الوری: ج 2 ص 290. بحار الانوار: ج 52 ص 338 . الملاحم و الفتن: ص 55 .

2- روزگار رهایی: ج 2 ص 640 ح 885 . بحار الانوار: ج 52 ص 316 . منتخب الاثر: ص 474 .

منابع و مآخذ

1 . كشف الغمه فى معرفه الأئمه، اربلى، على بن عيسى، محقق، مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، 1381ق.

2 . بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الأطهارعليهم السلام، مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، ناشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ دوم، 1403ق.

3 . تفسير ثعلبى، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ثعلبى نيشابورى ابواسحاق احمد بن ابراهيم، ناشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، 1422 ق.

4 . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حسكانى عبيد اللَّه بن احمد، تحقيق: محمد باقر محمودى، ناشر: سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامى، تهران، چاپ اول، 1411 ق.

5 . تفسير روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، شهاب الدين محمود الآلوسى، تحقيق: على عبدالبارى عطى، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، 1415ق.

6 . الأمالى (للصدوق)، ابن بابويه، محمد بن على، ناشر: اعلمى، بيروت، چاپ پنجم، 1400 ق 1362 ش.

7 . روضه الواعظين، فتال نيشابورى، ناشر: انتشارات رضى، قم، چاپ اول.

8 . الاحتجاج، احمد بن على طبرسى، ناشر: مرتضى، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.

9 . اعلام الورى بأعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ سوم، 1390 ق.

10 . اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، ناشر: اعلمى، بيروت، چاپ اول، 1425 ق.

11 ـ عوالم العلوم و المعارف والاحوال، بحرانی اصفهانی، عبداللّه بن نوراللّه، محقق و مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، چاپ دوم، 1382 ش.

12 . الیقین، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق و مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، ناشر: دار الکتاب، قم، چاپ اول، 1413 ق.

13 . التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق و مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، ناشر: مؤسسه دار الکتاب، قم، چاپ اول، 1413 ق.

14 . الالفین، علامه حلی حسن بن یوسف، انتشارات دار الهجره قم، 1409 ق.

15 . نهج الحقّ و کشف الصدق، علامه حلی، حسن بن یوسف، ناشر: دارالکتاب اللبنانی، بیروت، چاپ اول، 1982 م.

16 . الأمالی (للمفید)، شیخ مفید، محمد بن محمد، محقق و مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

17 . الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق و مصحح: عاشور، علی، ناشر: خیام، قم، چاپ اول، 1400 ق.

18 . کفایه الأثر، علی بن محمد خزاز قمی، انتشارات بیدار قم، 1401 ق.

19 . من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال چاپ دوم، 1413 ق.

20 . الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.

21 . عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق و مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378 ق.

22 . الغیبه للحجه، طوسی، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: تهرانی، عباداللّه و ناصح، علی احمد، ناشر: دار المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول،

1411 ق.

23 . الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب علیه السلام، یزدی حایری، علی بن زین العابدین، محقق و مصحح: عاشور، علی، ناشر: مؤسسه الاعلمی، بیروت، چاپ اول، 1422 ق.

24 . كشف الغمه فى معرفه الأئمهعليهم السلام، اربلى، على بن عيسى، محقق و مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، 1381 ق.

25 . نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: دشتى، محمد، ناشر: مشهور، قم، چاپ اول، 1379 ش.

26 . الارشاد للمفيد، مفيد، محمد بن محمد، مترجم:رسولى محلاتى، سيد هاشم، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، بى تا.

27 . اسرار آل محمدعليهم السلام، ترجمه كتاب سليم، سليم بن قيس هلالى، محقق و مترجم: انصارى زنجانى خوئينى، اسماعيل، ناشر: نشر الهادى، قم، چاپ اول، 1416 ق.

28 . شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبه اللَّه، محقق و مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ناشر: مكتبه آيه اللَّه المرعشى النجفى، قم، چاپ اول، 1404 ق.

29 . صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بن ابراهيم، دارالقلم، بيروت.

30 . ينابيع الموده، سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى، الشريف الرضى، قم.

31 . سيره ابن هشام، ابى محمد عبدالملک بن هشام، شركه الحلبى، مصر 1355ق، 1936م.

32 . اسدالغابه، ابن اثير على بن محمد الجزرى، دار احياء التراث العربى، بيروت.

33 . تاريخ الامم و الملوک، ابى جعفر محمد بن جرير طبرى، موسسه الاعلمى، بيروت.

34 . صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج النيشابورى، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقى، دار احياء التراث العربى، بيروت.

35 . الطبقات الکبری، ابن سعد، دار صادر، بیروت.

36 . المسند، الامام احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت.

37 . الامامه و السیاسه، ابن قتیبه عبداللَّه بن مسلم الدینوری، شرکه الحلبی، مصر.

38 . الغدیر، عبدالحسین امینی، موسسه الاعلمی الطبعه الاولی، 1414 ق، دارالکتاب العربی، بیروت.

39 . صحیح سنن التزمذی، محمد بن عیسی الترمذی، دار الفکر، بیروت.

40 . موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، معهد باقر العلوم، دار المعروف، قم، 1415ق، 1995 م.

41 . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، المکتبه العصریه، بیروت، 1420ق، 2000 م .

42 . نهج الحیاه، محمد دشتی، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ سوم، 1378ش.

43 . تاریخ الغیبه الصغری، محمد الصدر، دار الکتاب الاسلامی، 1424 ق، 1382 ش .

44 . جامع البیان طبری، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، دار الفکر، بیروت، 1426ق، 2005م

تجلی عدالت علوی در حکومت مهدوی : محمد مجتهدی

چکیده

1 . غدیر به عنوان وصیتنامه اجرائی پیامبرصلی الله علیه وآله قابل ملاحظه است.

2 . در این وصیتنامه به آغاز و انجام هدایت الهی توجه شده است.

3 . در این وصیتنامه مشخصات حکومت مهدوی بیان شده است که هفده خصوصیت است.

4 . فرازهای دعای ندبه مفسّر فرازهای خطبه غدیر درباره قالب سیستم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام است.

5 . غدیر طرح دو حکومت با یک محور است: علوی و مهدوی.

6 . آتش سقیفه بر سر غدیر را جز آب عدالت مهدوی خاموش نمی کند.

7 . یک هماهنگی و وحدت روش بین امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام وجود دارد.

8 . میزانیت حق و عدل در حکومت امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام.

واقعه غدیر یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام است. غدیر برای حضرت علی علیه السلام مانند بعثت برای رسول خداصلی الله علیه وآله است. جنبه های تاریخی و سیاسی و حقوقیِ غدیر از زاویه عقل و نقل قابل بررسی و تحقیق است، اگر چه در طول تاریخ صدها شرح و تفسیر در موضوعات تاریخی و مباحث استدلالی امامت آن به رشته تحریر درآمده است، اما از جنبه حقوقی و محتوای اجرایی کمتر مورد توجه واقع شده است.

غدیر وصیتنامه اجرائی پیامبرصلی الله علیه وآله

از آنجا که اسلام دارای یک نظام و سیستم جامع هدایتی با کلیه ملزوماتش بوده، لذا جلوه حقیقی اجرایی آن بعد از زمان رسالت پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه وآله از غدیر انتظار می رفت، ولی صد افسوس که این آرزو جامه عمل نپوشید.

غدیر جدا از جنبه های گوناگون، از جنبه وصیتی نیز قابل توجه است. بیان رسول خداصلی الله علیه وآله در آخرین لحظات زندگی نسبت به اسلام و احکام آن، حکم یک وصیتنامه را دارد؛ و قاعده وصیت این است که به اهمّ موضوعات اشاره شود، و با اجرای موضوعات اصلی، جزئیات خواه ناخواه اجرا خواهد شد.

توجه به آغاز و انجام هدایت الهی

در وصیتنامه الهی غدیر، رسول خداصلی الله علیه وآله پس از توجه دادن به عظمت توحید، مسئله اساسی دیگری را که امامت و ولایت امامان بعد از خود است مطرح می کند. سپس به جایگاه حضرت علی علیه السلام در اسلام و همچنین خودش اشاره می نماید. آنگاه از آخرین وصیّ خود یعنی حضرت مهدی علیه السلام سخن می گوید، که این قسمت از پیام رسول خداصلی الله علیه وآله قابل توجه است.

دقت در این وصیت الهی این مطلب را آشکار می نماید که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله به آغاز و انجام هدایت دین توجه بیشتر دارد. یعنی اگر هدایت جامعه بعد از رسالت با امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام آغاز می شود، به طور قطع و یقین سرانجامش از آنِ حضرت مهدی علیه السلام است.

مشخصات حکومت مهدوی در غدیر

در این پیام مشخصات حکومت مهدوی - که صورتِ عمليِ حکومت علوی است - بیان می گردد که دقت در هر یک از فرازهای این قسمت از خطبه این حقیقت را آشکارا بیان می کند. رسول اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به حاضران این گونه می فرمایند:

ای مردم! آخرین هادی این امت مهدی از ماست و فرزند من است. با این ویژگی ها:

1 . آگاه باشید که او بر همه دین ها غالب آمده و حقیقت دین اسلام را ظاهر خواهد نمود.

2 . آگاه باشید که او از ظالمین و ستمکاران انتقام می گیرد.

3 . آگاه باشید که او تمام دژهای مستحکم را فتح کرده و همه را ویران خواهد کرد.

4 . آگاه باشید که او نظام شرک را برچیده و نظام هدایت را جایگزین خواهد نمود.

5 . آگاه باشید که او انتقام گیرنده از خون به ناحقّ ریخته اولیاء خداست.

6 . آگاه باشید که او یاور و حامی دین خداست.

7 . آگاه باشید که او بهره گیرنده دریای ژرف حقایق است.

8 . آگاه باشید که او مشخص کننده فضیلت هر صاحب فضل و جهالت هر جاهل است.

9 . آگاه باشید که او انتخاب شده و برگزیده خداوند است.

10 . آگاه باشید که او وارث همه علوم است و بر آنها احاطه و اشراف دارد.

11 . آگاه باشید که او خبر دهنده از جانب خداوند و بیانگر مراتب ایمان و استوار کننده آیات الهی است.

12 . آگاه باشید که او رشید و استوار در صراط مستقیم است.

13 . آگاه باشید که همه امور به او تفویض شده است.

14 . آگاه باشید که به آمدن او پیشینیان بشارت داده اند.

15 . آگاه باشید که او آخرین حجت خداوند است، و بعد از او حجتی نخواهد بود و هیچ حقی نخواهد بود مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

16 . آگاه باشید که بر او نه کسی غالب خواهد بود و نه پیروز.

17 . آگاه باشید که او ولیّ و حکم کننده و امینِ پنهان و آشکار خداوند در زمین است.

آنگاه بعد از این معرفی صریح و گویا می فرماید: «ای مردم! آنچه لازم و ضروری بود برای شما روشن کرده و تفهیم نمودم». یعنی دیگر هیچ بهانه ای برای نپذیرفتن وجود ندارد، و به یقین استمرار حاکمیت علوی به حاکمیت مهدوی ختم خواهد شد.

با توجه به این شاخصه های گویا، و با نگاهی به فرازهایی از دعای ندبه - که آن نیز بیان معصوم علیه السلام است - قالب سیستم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و نوع اجرای آن به وضوح معلوم می شود. در واقع آنچه قرار بود به دست با کفایت علی علیه السلام اجرا شود، به دست این ذخیره غدیر انجام خواهد گرفت.

طراحی دو حکومت علوی و مهدوی در غدیر

پس در غدیر تصویر دو حکومت با یک محور طراحی شده است. گویی رسول عالیقدر از نیّت منافقان و کافران خبر داشت که چه توطئه ای در سر دارند، و نخواهند

گذاشت سنّت نبوی به امامت علوی اتصال یابد. گویی می بیند که چگونه سنّتش به بدعت تبدیل شده و ظلم و ستم جایگزین عدل و قسط خواهد شد؛ و چه ستم و ظلمی که شعله آتش آن تا ظهور زبانه خواهد کشید، و کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نخواهد توانست این آتش شعله گرفته از سقیفه را، با آب عدالت مهدوی خاموش کند، چرا که «اِذا قامَ الحُجَّهُ سارَ بِسیرَهِ اَمیرِالمُؤمِنینَ عَلِیٍ علیه السلام»(1): «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند به مانند سیره امام علی علیه السلام رفتار می نماید». در حقیقت یک هماهنگی و وحدت روش بین این دو امام همام برقرار است.

از آنجا که بر اساس آیه صریح قرآن: «وَ اِذا حَکَمتُم بَینَ النّاسِ اَن تَحکُموا بِالعَدلِ»(2) بنیان حکومت امام عصرعلیه السلام بر تحقق عدل الهی در تمام زمینه هاست، و روایات رسیده از معصومین علیه السلام این حقیقت را آشکار می نماید. وجود سه واژه عدل و عقل و حق، که از نظر کاربردی در فرهنگ اسلام و تشیع بیشتر استفاده شده و از موقعیت مقدسی برخوردار است، و علی رغم معانی متفاوت هر سه در نهایت به یک معنی ختم می شود و اینکه هر شی ء آن گونه که خداوند می خواهد سر جایش باشد و تحقق این امر انجام نمی پذیرد، مگر به دست منتخب خداوند حکیم، علیم و مهربان.

نکته مهمتر اینکه عدالت اگر چه واژه بسیار شیرین و مورد قبول مؤمن و کافر است، اما در اجرا تلخ و ناگوار است. بیان امیرِ کلام حضرت علی علیه السلام گواه این مطلب است، آنجا که فرمودند: «عدالت به هنگام سخن گفتن دارای میدان وسیعی است، اما به هنگام عمل بسیار ضیق است».

1- بحار الانوار: ج 47 ص 54 .
2- نساء: 58 .

وحدت روش بین امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام

نکته جالب دیگر اینکه حضرت مهدی علیه السلام فرزند کسی است که رسول معظم علیه السلام او را معیار حق قرار داده، هم در دنیا و هم در آخرت. «عَلِیٌّ مَعَ الحَقِّ وَ الحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ یَدورُ حَیثُما دار»(1): «علی همراه حق و حق همراه علی است. حق می گردد همان جا که علی می گردد». «عَلِیٌّ مَعَ الحَقِّ وَ الحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ وَ لَن یَفتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوضَ یَومَ القِیامَهِ»(2): «علی با حق و حق با علی است، و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در روز قیامت کنار حوض بر من وارد گردند».

این حدیث از احادیث عجیب است، چرا که علی علیه السلام را میزان حق معرفی می کند؛ زیرا که حق محض علی علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام فرزند چنین شخصیتی است و همه افعال و رفتار او حق محض است، چون پدرش حق محض بوده و او به سیره پدرش عمل خواهد کرد. لذا تمام آنچه در دوران حکومت ایشان اتفاق می افتد و او انجام خواهد داد حق است. آن روز است که عدل زیباترین آرزوی انسان ها تحقق می یابد. به عبارت ساده باید گفت: حضرت مهدی علیه السلام در اجرای نظام عدالت پا جای پای حضرت علی علیه السلام خواهد گذاشت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «العَدلُ اَساسٌ بِهِ قِوامُ العالَمِ»(3): «عدل اساسی است که هستی بدان استوار و محکم است». یا در بیانی کوتاه شکل حیات را معین می نماید: «العَدلُ حَیاهٌ»(4): «عدل زندگی است».

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج 2 ص 297 .
2- تاریخ بغداد: ج 14 ص 321 .
3- بحار الانوار: ج 75 ص 83 .
4- غرر الحکم و درر الکلم: ص 26 ح 307.

در این بیان، مولا چهار چوب زندگی را معلوم می کنند؛ و چون در زمان حیات خود با توجه به مشکلات ایجاد شده چنان که شایسته بود اجراء نشد در حاکمیّتِ سراسر عدلِ حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد شد.

همچنین می فرماید: «العَدلُ حَیاةُ الاَحکامِ»(1): «حیات و روح احکام با عدل است». حکمی که عدل در آن نباشد حکم مرده را دارد، و در ایام حکومت حضرت بقیه اللّٰه علیه السلام تمام احکام صادره بر اساس عدل خواهد بود.

«الرَّعِیَّهُ لا یُصلِحُها اِلاَّ العَدلُ»(2): «رعیت جز به عدل اصلاح نمی پذیرد». یعنی اصلاح وضع مردم در همه زمینه ها بستگی به عدالت حاکم دارد؛ و چون حاکمان با حقیقت عدالت مأنوس نیستند وضع مردم هم روز به روز بدتر می شود. در حکومت حقّه مهدوی چون عنصر عصمت مقدم بر عدالت است، آن حضرت با روندی آسان به اصلاح وضع رعیّت و مردم می پردازد، چون برای حکومت صِرف عدالت کافی نیست، بلکه عصمت لازم است.

«اِنَّ العَدلَ میزانُ اللَّهِ سُبحانَهُ الَّذی وَضَعَهُ فِی الخَلقِ وَ نَصَبَهُ لِاِقامَهِ الحَقِّ فَلا تُخالِفهُ فی میزانِهِ وَ لا تُعارِضهُ فی سُلطانِهِ»(3): «عدل ترازویی است که خداوند سبحان در میان خلق برای برپایی حقّ قرار داده، پس با او در میزانش مخالفت نکن و با او در حاکمیّتش معارضه منما».

در این بیان، عدل به ترازو تشبیه شده و مخالفت با آن مخالفت با حاکمیت خداوند خواهد بود؛ و کسی که توان اجرای عدالت را ندارد عملاً با خدا در حال معارضه است.

1- غرر الحکم و درر الکلم: ص 31 ح 440.
2- غرر الحکم : ص 224 ح 88 .
3- همان: ج 2 ص 508 .

تصویری از حکومت مهدوی بر اساس غدیر

حضرت صادق علیه السلام حکومت حضرت مهدی علیه السلام را این گونه به تصویر می کشد:

اِذا قامَ القائِمُ حَکَمَ بِالعَدلِ وَ ارتَفَعَ فی اَیّامِهِ الجَورُ وَ آمَنَت بِهِ السُّبُلُ وَ اَخرَجَتِ الاَرضُ بَرَکاتِها وَ رَدَّ کُلَّ حَقٍّ اِلی اَهلِهِ وَ لَم یَبقَ اَهلُ دینٍ حَتّی یُظهِروا الاِسلامَ وَ یَعتَرِفوا بِالایمانِ، ... وَ حَکَمَ بَینَ النّاسِ بِحُکمِ داوُدَ وَ حُکمِ مُحَمَّدٍعلیه السلام. فَحینَئِذٍ تُظهِرُ الاَرضُ کُنوزَها وَ بَرکاتِها، تُبدی زینَتَها فَلاَ یَجِدُ الرَّجُلُ مِنکُم یَومَئِذٍ مَوضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لا لِبِرِّهِ لِشُمولِ الغِنی جَمیعَ المُؤمِنینَ ... اِنَّ دَولَتَنا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَم یَبقَ اَهلُ بَیتٍ لَهُم دَولَهٌ اِلاّ مَلَکوا قَبلَنا لِئَلاّ یَقولوا: «اِذا رَأَوا سیرَتَنا لَو مَلَکنا سِرنا مِثلَ سیرَهِ هؤُلاءِ»، وَ هُوَ قَولُ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ العاقِبَهُ لِلمُتَّقین».(1)

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند همه چیز را این گونه متحول می کند:

1 . حکومتش بر اساس عدل است.

2 . ظلم و جور در ایام حکومتش از بین می رود.

3 . راه ها در پرتو حکومتش امن و امان می گردد.

4 . زمین برکاتش را خارج می نماید.

5 . حقّ هر کسی به خودش می رسد.

6 . جز اسلام دینی باقی نمی ماند و همه با ایمان به اسلام شناخته می شوند.

7 . در میان مردم همانند حضرت داود و حضرت محمّدعلیهما السلام حکم و داوری می نماید.

1- اعلام الوری بأعلام الهدی: ص 462 .

8 . به برکت وجود حضرت زمین گنج های خود را آشکار می سازد و برکات خود را نمایان و آشکار می نماید.

9 . کسی در آن زمان برای انفاق و صدقه موردی پیدا نمی کند، زیرا همه بی نیاز و غنی هستند.

حضرت صادق علیه السلام در ادامه به یک نکته اساسی اشاره دارد و می فرماید:

دولت ما آخرین دولت است. همه کسانی که قرار بود حکومت کنند قبل از ما به حکومت می رسند تا چنانچه روش ما را در حکومت ببینند نگویند: «اگر ما به حکومت می رسیدیم مانند اینان حکومت می کردیم» ! و این همان گفته خداوند متعال است که فرمود: «وَ العاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ».

آری عاقبت از آنِ متقین است و رأس و امیر آن وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است. به امید آن روز زیبا که طلوع عدالت علوی در حکومت مهدوی است.

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم.

2 . اعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1390 ق.

3 . بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

4 . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه اللّه، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی، قم، چاپ اول ، 1404 ق.

5 . غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ناشر: دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، 1366 ش

تجلی عبودیت انسان بر اساس غدیر در ظهور : محمد رضا فریدونی

چکیده

1 . غدیر بزرگترین رخداد عظیم الهی است، که توانست با تحقق خود عالی ترین و برترین فضیلت را برای دین برگزیده الهی رقم زند و از مرزهای اسلام عبور کند، و با جهانی شدن نه تنها در اسلام بلکه در تاریخ بشریت ثبت گردد.

2 . دین برگزیده الهی اسلامی است که در روز غدیر تجلی و ظهور رسمی یافت.

3 . دلائلی که از قرآن اثبات می شود، یأس مخالفان از نفوذ در دین در آیه اکمال، پر نمودن جایگاه رهبری الهی مسلمین بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله با معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

4 . ارتباط واقعه غدیر خم با عصر ظهور امام زمان علیه السلام.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یَعبُدونَنی لایُشرِکونَ بی شَیئاً وَ مَن کَفَرَ بَعدَ ذلِکَ فَأولئِکَ هُمُ الفاسِقونَ.(1)

خداوند به بعضی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند وعده داده که ایشان را در زمین جانشین قرار دهد همان گونه که پیشینیان ایشان را خلیفه و جانشین قرار داد؛ و (به شما وعده داد که) برای ایشان دینشان را که برگزیده و مورد رضایت اوست برتری و قدرت بخشد، و تمامی هراس آنان را به آرامش و امنیّت تبدیل نماید.

(آنگاه که این زمینه ها آماده و محقّق گشت) باید تنها مرا پرستش نمایند و به من هیچ شرکی نورزند، و اگر کسانی بعد از این امور کفر و ناسپاسی ورزند، بدانند که ایشان همان فاسقند.

وعده تفوُّق دین مورد رضای خدا

آنچه در بدو امر از آیه شریفه برداشت می شود این است که خداوند وعده تفوّق و برتری دین مورد رضای خویش را بر هر قدرت و عقیده ای اعلام می دارد. شکّی نیست که وعده الهی قطعاً به وقوع خواهد پیوست، زیرا که فرموده: «کانَ وَعدُهُ مَفعولاً».(2) ولی آنچه باید روشن شود تشخیص و شناخت دین برگزیده الهی است، که کدام دین مصداق «دینَهُمُ الَّذِی ارتَضی لَهُم» بوده و قرار است بر هر قدرت و دینی تسلّط و قدرت پیدا کند؟

شایسته است برای شناسایی تنها دین مرضیِّ الهی به کلام وحی رجوع نماییم. قرآن مجید در آیتی که در حجّه الوداع نازل شده می فرماید: «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم

1- النور: 55 .
2- المزّمّل: 18 .

وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً». (1) با توجّه به این فراز آیه شریفه روشن می شود: دین برگزیده و مورد رضای الهی اسلامی است که در آن روز تجلّی و ظهور رسمی یافت. ویژگی مهم این آیه آن است که از دین برگزیده الهی خبر می دهد. بنابراین ضرورت دارد که در آن تدبّر و تفقّه شود تا با دقّت بیشتر ارکان دین مقبول و برگزیده الهی که در آن روز مفتخر به دریافت نشان والای رضایت پروردگار گردید را باز شناخت.

تأمین آینده دین در غدیر

کدام رخداد عظیم بود که توانست با تحقّق خود اکمال دین را با «الیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم» هستی بخشد، و با «اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی» تمامیت نعمت را به نمایش نهد و با «رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دیناً» عالی ترین و برترین فضیلت را برای دین برگزیده الهی رقم زند، و مسلمانان متعهّد و متدیّن به آن را بزرگی و عظمت بخشد؟

تدبّر در قرآن ما را در رسیدن به پاسخ صحیح کمک می کند. شکّی نیست که لازمه یأس امید است؛ یعنی باید امیدی باشد تا بر اثر وقوع امری تبدیل به یأس گردد. باید دید از نظر قرآن امید مخالفان برای نفوذ در دین نسبت به چه موضوعی بوده است؟

تدبر و دقت در موقعیت قرآنی آیه اکمال

اشاره

برخی ساده اندیشان، احکام مُحرّماتی را که در صدر آیه شریفه ذکر گردیده، محمل این اکمال و اتمام و رضایت الهی پنداشته اند، که با تأمّلی اندک بی پایگی نظریه آنان روشن می گردد:

1- المائده: 3 .

یکم: با توجه به فراز پایانی آیه، می بینیم حکم تحریم برخی مأکولات که در صدر آیه ذکر گردیده با دو شرط اضطرار و استفاده در حدّ لزوم می شکند: «فَمَنِ اضْطُرَّ فی مَخمَصَهٍ غَیرَ مُتَجانِفٍ ِلاِثمٍ فَاِنَّ اللّهَ غَفورٌ رَحیمٌ». اگر امید مخالفان اسلام برای نفوذ در دین به خوردن آن محرمات باشد، ناچار پس از نزول آیه باید مخالفان اسلام تنها بر مضطرین امید بندند، زیرا فقط ایشان از حکم تحریم خارجند! جالب آنکه حتّی موردی ذکر نشده که مخالفان اسلام با ترویج و تبلیغ خوردن گوشت های حرام مذکور توانسته باشند در دین خدا نفوذ نمایند! بدیهی است که در این صورت نمی توان مدعی شد نزول این احکام باعث یأس مخالفان از نفوذ در دین گردیده است.

دوم: با تدبّر در قرآن می بینیم آیات مشابه دیگری نیز نازل گردیده که حکم تحریم برخی محرّمات را در خود دارد، یا حتّی در برخی موارد به محرّمات ذکر شده در این آیه نیز در آیات دیگر اشاره گردیده است(1)، حال آن که از فضائلی که در این آیه به قول مدّعیان به این احکام داده شده در آیات مشابه هیچ خبری از آن فضیلت یا فضائل نیست! اگر اعلام این محرّمات به لحاظ اهمیّتشان دارای چنین فضائلی هستند که سبب اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت الهی گردد، می بایست برای همین احکام در آیات دیگر یا احکام مشابه که از نظر اهمیّت شأنی کمتر از احکام صدر آیه شریفه اکمال ندارند، نیز چنین فضائلی رقم می خورد، در حالی که چنین نشد و این امر خود نشانی روشن از عدم صلاحیّت احکام مذکور در ایجاد یأس کفار از نفوذ در دین را دارد.

سوّم: اگر قرار باشد نزول این احکام سبب اکمال دین و ایجاد یأس برای مخالفان نسبت به نفوذ در دین شود، ناچار باید این احکام آخرین احکام نازله در قرآن باشند، حال آن که قرآن و روایات و عرف این مطلب را نمی پذیرند.

1- البقره: 173. النحل: 115 .

اما قرآن:

1 . در همین سوره آیات احکامی بعد از آیه اکمال نازل شده است، مثلاً: «الیَومَ اُحِلَّ لَکُمُ الطَّیِّباتُ وَ طَعامُ الَّذینَ اُوتواالکِتابَ حِلٌّ لَکُم وَ طَعامُکُم حِلٌّ لَهُم ...» .(1) که این آیه خود بیان می دارد آیه اکمال آخرین آیه حکمی نیست.

2 . با تأمّل در قرآن و با استنادِ به اقوال جمهور مفسرین، هیچ آیه ای از کتاب خداوند، تصریحاً یا تلویحاً دالّ بر این نکته نیست که امید مخالفانِ اسلامِ واقعی برای نفوذ در دین از طریق اکل گوشت های حرام بوده است.

اما روایات:

اهل سنّت خود معتقدند که آیه اکمال آخرین آیه حکمی نیست:

1 . «اِنَّ آخِرَ آیَهٍ نَزَلَت آیَهُ الرِّبا».(2)

2 . «قالَ عُمَرُ: اِنَّ آیَهَ الرِّبا آخِرُ ما نَزَلَت وَ قُبِضَ رَسولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله قَبلَ اَنْ یُبَیِّنَ لَنا شَأنَها».(3)

3 . «عَنِ ابْنِ عَبّاسٍ: آخِرُ آیَهٍ نَزَلَت آیَهُ الرِّبا».(4)

طبری در یک اظهار نظر جالب می گوید: «هیچ دانشمندی نمی تواند بپذیرد که وحی تا هشتاد روز قبل از رحلت آن حضرت قطع گردد، بلکه چون رحلت نزدیک است باید وحی بیشتر و پی در پی آید، به ویژه آن که آیات احکامیّه بعد از آیه اکمال مانند حکم «کلاله» نازل شده است. لذا نمی توان گفت که اکمال دین به اکمال احکام و عبادات است».(5)

1- المائده: 5 .
2- المجموع، النووی: ج 10 ص 55 . سنن ابن ماجه: ج 2 ص 764 ح 2276.
3- المبسوط، السرخسی: ج 12 ص 114 .

4- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 764 ح 2276. عمده القارى، العينى: ج 11 ص 202.
5- تفسير جامع البيان، طبرى: ج 6 ص 52 .

اما عُرف:

1 . روشن است که حکم تمامی موضوعات مبتلا به مسلمانان تا روز قیامت در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله نیامده بود و فریقین در زمان غیبت حجّت الهی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از نظر اهل سنّت و در عصر غیبت امام عصر عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف از نظر شیعه برای رسیدن به احکام موضوعات جدید و مستحدثه که حکم صریح آنها در سنّت وجود ندارد، با استفاده از قواعدی مانند «اصاله البرائه» و «قاعده لا ضرر» و «قاعده ید» یا «قیاس و استحسان» و غیره، به استنباط احکام می پردازند و بر آن اساس فتوی می دهند. حال چگونه می توان مدّعی شد اکمال دین با بیان احکام تمامی موضوعات محقّق شده باشد؟!

پس نزول چند حکم تحریمی نسبت به چند موضوع که بعضاً مکرّرند، مسلّماً سبب اکمال دین نشده و بالتّبع عامل ایجاد یأس کامل مخالفان از نفوذ در اسلام نمی گردد.

2 . اختلاف در فتاوای فقهاء و عمل کردن مسلمانان به فتاوای مختلف که خود به نوعی دلیل بر تغییر احکام می باشد، به هیچ وجه سبب امید دشمنان برای نفوذ در اسلام نشده است. البته بدیهی است وجود برخی از فتاوای متعارض در پاره ای از احکام، حکایت از آن دارد که لااقل بعضی از آن فتاوا با حکم الهی موافقت ندارد؛ و با توجّه به آن که وعده الهی نسبت به یأس مخالفان و اکمال دین کلّی بوده و استمرار آن یأس را تا روز قیامت بیان می دارد و نیز آن که در عصر غیبت حجّت الهی حضرت ولی عصر عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف اکمالی در احکام نسبت به تمامی موضوعات به وجود نیامده است، ناچار باید پذیرفت که یأس کفّار و اکمال دین ارتباطی با نزول احکام ندارد.

بعد از آنکه عدم صلاحیّت احکام نازله در صدر آیه به عنوان عامل اکمال دین و یأس کامل از نفوذ در آن ثابت گشت، مجدداً به بررسی سؤال مطرح شده در آغاز نوشتار می پردازیم.

بررسی علل یأس دشمنان در غدیر

تدبّر در قرآن ما را در رسیدن به پاسخ صحیح کمک می کند. شکّی نیست که امید لازمه یأس است. یعنی باید امیدی باشد تا بر اثر وقوع امری تبدیل به یأس گردد. لذا برای درک حقیقت، باید دید از نظر قرآن امید مخالفان برای نفوذ در دین نسبت به چه موضوعی بوده است؟

قرآن در بخشی از آیتی می فرماید: «نَتَرَبَّصُ بِهِ رَیبَ المَنونِ»(1): «در کمین و منتظر مرگ او هستیم». بر این اساس روشن می شود امید مخالفان اسلام معطوف به بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه وآله بوده است. با رحلت آن حضرت جایگاه رهبری الهی مسلمین خالی می شود و رخنه ای در دین ایجاد می گردد که اگر تدبیری در جهت رفع و دفع این ثلمه اندیشیده نشود، ریاست طلبان با نفوذ در رهبری یا به دست گرفتن سکّان آن، زمینه ای برای نفوذ در دین ایجاد می کنند. بدین رو امید مخالفان نفوذ در رهبری اسلامی بوده، و اگر قرار باشد این امید تبدیل به یأس گردد باید از طرف خداوند تکلیف رهبری بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روزی از ایّام حجّه الوداع روشن شده باشد تا زمینه یأس کامل کفّار فراهم گردد و وعده الهی در «الیَومَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَروا مِن دینِکُم» کاملاً محقّق گردد.

1- الطور: 30 .

تولد رسمی امامت و ولایت

با مراجعه به تاریخ درمی یابیم تنها روزی که در آن ایّام حائز چنین رخداد عظیمی بوده روز غدیر خم است، که در آن روز امامت و ولایت تولّدی رسمی پیدا کرد. رسول خداصلی الله علیه وآله از تمامی مؤمنین در همه اعصار و امصار نسبت به آن میثاق گرفت و ارزشمندترین رسالت الهی خویش را ابلاغ فرمود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درِ غدیر خم به فرمان الهی «یا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ»(1) عهده دار امر ابلاغ امر مهم و سرنوشت ساز و حیاتیِ امامت و ولایت به مسلمانان گردید، و طی تشریفات باشکوه و بی بدیلی که در ابلاغ هیچ تنزیلی چنین سابقه و نظیری نداشت، امر ابلاغ را انجام داد و با ابلاغ رسمی آن دستور الهی و اخذ میثاق، حصنی عظیم برای صیانت از تنها دین منتخب الهی ایجاد گردید.

اگر این گونه نمی شد، اسلام بدون سرپرست الهی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله هم چون دیگر ادیان ابراهیمی که دست خوش تحریف گردیدند، اثری از اسلام نبوی باقی نمی ماند و راه برای رهجویان حقیقی همیشه بسته می ماند.

ارتباط غدیر با عصر ظهور

اما واقعه غدیر با عصر ظهور چه ارتباطی دارد؟ بدون تردید باید اذعان نمود بدون شناخت واقعه غدیر تمامی ویژگی های عصر ظهور آشکار و شناخته نمی شود. غدیر یکی از پایه های اساسی عصر ظهور است. حضرت ولی عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف تنها و آخرین وارث بلا فصل غدیر یعنی امامت و ولایت است. با توجّه به اینکه آن حضرت وظیفه نجات بشریّت را بر عهده دارند، حسّاسیّت و سنگینی وظیفه ایشان روشن می شود. آن حضرت مجری اراده الهی در تسلّط و تمکّن اسلام غدیری در

1- المائده: 67 .

زمان ظهور است. تحقّق وعده الهی با بیان «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ»(1) بر عهده ایشان نهاده شده است.

در حقیقت، عصر ظهور زمان به فعلیّت رسیدن اقتدار و تفوّق کامل غدیر یعنی امامت و ولایت الهی و غلبه غدیر و صاحبان غدیر بر همه مکاتب و قدرت ها خواهد بود. اراده الهی در روز غدیر، ابلاغ امامت منصوصه ای بود که با اقدام رسول اکرم صلی الله علیه وآله تحقّق پیدا کرد، امّا پیروزی و تسلّط و تمکّن بر همه ظالمان و حکومت های شیطانی، در عصر ظهور و با قیام حضرت ولی عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف محقّق خواهد شد.

در نهایت، باید گفت: روز غدیر روز اعلام رسمی موجودیّت دین منتخب و برگزیده الهی و عصر تفوّق و برتری آن دین بر همه ادیان و حکومت هاست.

غدیر از آغاز تا جهانی شدن

«غدیر» در لغت به گودال هایی گفته می شود که در آن آب باران جمع شده باشد.(2) و «غدیر خم» نام یکی از برکه هایی است که بین راه مکه و مدینه و در نزدیکی «جحفه» محل تقاطع مسیرهای مدینه، مصر، عراق و نجد در صدر اسلام قرار داشت. غدیر خم به «ابواء» مرقد مطهر مادر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام نیز نزدیک است. شهرت «غدیر خم» به سبب برکه آب یا نزدیکی اش به «ابواء» یا «جحفه» نیست، بلکه عظمت و شهرت آن به اعتبار وقوع مهمترین رویداد تاریخ، نه تنها در اسلام که در تاریخ بشریت است!

1- الصف: 9 .
2- الغدیر: مستنقع ماء المطر و سمی بذلک لان السیل غادره ای ترکه. مقاییس اللّغه، ابن فارس.

بهتر است درباره عظمت آن روز بی بدیل به توصیف حضرت امام صادق علیه السلام گوش سپاریم. آن حضرت درباره غدیر فرمایشاتی بسیار مهم بیان فرمودند که به دو فراز از آن اشاره می شود:

1 . «وَ هُوَ عیدُ اللَّهِ الاَکبَرُ»، یعنی سرآمد همه اعیاد عید غدیر است. آری! غدیر عید خداوند است، آن هم عِیدُ اللَّهِ الاَکبَر! هیچ رخدادی و در هیچ زمانی چنین عظمتی نیافت.

2 . «لَعَلَّکَ تَری اَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ یَوماً اَعظَمُ حُرمَهً مِنهُ؟ لا وَاللَّهِ، لا وَاللَّهِ، لا وَاللَّهِ!(1)

عظمت روز غدیر تنها مربوط به اسلام نیست. شکوه و برتری روز غدیر بر تمامی ایّام آفرینش و همه رویدادها در تاریخ بشریّت است؛ زیرا در بیان حجّت خدا حدّ و مرزی برای عظمت غدیر بیان نشده است! لذا باید گفت: غدیر تنها مربوط به اسلام نیست، بلکه غدیر از مرزهای اسلام عبور کرده و جهانی شده است.

کمال بندگی در غدیر

با معرفی امام امامت و ولی ولایت الهی در غدیر خم، تنها راه رسیدن به رضای الهی و اوج گرفتن برای رسیدن به کمال بندگی هموار گشت. امّا سیه دلانِ کژاندیش و ریاست خواهان فرصت طلب که با تبعیّت از شیطان، همواره به دنبال هواهای نفسانی خود بودند و غدیر برای آنان خوشایند و مبارک نبود، مانند ابرهای سیاه خواستند جلوی نور خورشید غدیر را بگیرند.

آنان هر چند توانستند آسمان هدایت الهی را از روز رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تا به امروز برای بسیاری ابری نمایند، امّا هرگز نتوانستند خورشید ولایت را بپوشانند. نور هدایت الهی از پس ابرهای غفلت و گمراهی، همچنان حیاتبخش زندگی دنیوی

1- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی: ج 3 ص 143 .

و اخروی حقجویان است. البتّه چون خداوند اراده پیروزی غدیر و صاحبان غدیر بر هر قدرت و تفکّری را نموده، و با آیه شریفه «هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ» وعده پیروزی و نصرت دین برگزیده اش را بر همه ادیان و مسلک ها داده است، بدیهی است وعده الهی انجام خواهد یافت و حقیقت جویان جمال خورشید هدایت را در آسمان بدون ابر گمراهی در عصر آخرین حجّت الهی و با ظهور منجی موعود نظاره گر خواهند بود.

حرکت به سوی تعالی غدیر در عصر ظهور

با ظهور حضرت ولیّ عصر عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف و آماده شدن زمینه های ظهور، حرکتِ عمومی به سوی تعالی و تحقّق خواست الهی در عروج انسان ها از طریق عبادت خداوند آغاز می شود که با آیه «ما خَلَقتُ الجِنَّ وَالاِنسَ اِلاّ لِیَعبُدونَ»(1) بیان فرموده است، چرا که خود فرموده: «یَعبُدونَنی لا یُشرِکونَ بی شَیئاً».(2) در چنین بستر آماده ای و در پرتو امامت و ولایت الهی درهای عروج و تعالی انسان ها با اتکا به عبادت خالصانه خداوند گشوده و عبادت الهی جان می گیرد و انسان آرزومند را به اوج تعالی می رساند.

السَّلامُ عَلَی المَهدِیِّ الَّذی وَعَدَ اللَّهُ تَعالی بِهِ الاُمَمَ اَن یَجمَعَ بِهِ الکَلِمَ وَ یَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ وَ یَملَأَ بِهِ الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلا کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً.

1- الذاریات: 56 .
2- النور: 55 .

انتقام کربلای غدیر در عصر ظهور : مجید مسعودی

چکیده

1 . ارتباط منطقی بین دعای ندبه و غدیر آن است که با غصب حقّ امامان غدیر، عیدی برای شیعه باقی نگذاشته اند و ما در عیدمان بر این مسئله ندبه و زاری می کنیم.

2 . به فرموده امامان حقّ، غدیر اعاده نخواهد شد و روز به روز بر ابعاد این ظلم افزوده خواهد شد تا حضرت ولی عصرعلیه السلام ظهور کند.

3 . غدیر نقطه پایان رسالت بود و آغاز فصل تازه ای از دین، که در پرده سقیفه پنهان شد، تا ایام ظهور که پایان دولت شب است.

4 . به حکم خطبه غدیر و دعای ندبه، غدیر آخرین سخن و اتمام حجت پیامبرصلی الله علیه وآله بود.

5 . به حکم خطبه غدیر و دعای ندبه، پس از پیامبرصلی الله علیه وآله مردم تا هنگام ظهور به جاهلیت بازگشتند.

6 . تاراج حق غدیر به غصب حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام تمام نشد، بلکه درباره امامان بعد از او هم ادامه یافت.

7 . غصب حق غدیر تا امروز ادامه دارد.

8 . در خطبه غدیر خبر از غصب حق غدیر، و در دعای ندبه چگونه مرثیه خواندن بر این حقّ غصب شده را به ما آموخته اند.

9 . در میان این همه حقوق از دست رفته، غم یک حق بیش از همه با ظهور آنچه با غدیر باید احیا می شد زنده خواهد شد و آن غم کربلاست.

10 . غمِ غدیر از کربلا مرثیه ای دوباره یافته و تا قیام قائم ادامه می یابد.

مقدمه

موضوع این مقاله انعکاس خطبه غدیر در دعای ندبه است؛ و از آنجا که در چارچوب یک مقاله هرگز نمی توان به طور همه جانبه در این باره سخن گفت، تنها به یکی از اصلی ترین موضوعات مشترک در این دو مأخذ و برقراری ارتباط منطقی بین آنها پرداخته ایم. امید آنکه بتوان باب جدیدی را در این زمینه گشود؛ بدین معنی که نه تنها در دعای ندبه، بلکه در تمامِ دعاها و زیارت نامه های مرتبط با حضرت ولیّ عصرعلیه السلام حتماً نشانه هایی از غدیر و پیامدهای آن را بتوان مشاهده کرد.

امّا در این مورد خاص، دعای ندبه را امام صادق علیه السلام به شیعیان تعلیم داده تا در زمان غیبت بخوانند، به ویژه در چهار عید بزرگ؛ یعنی جمعه، غدیر، فطر و قربان. اما از آنجا که «ندبه» به معنایِ عزاداری، سوگواری، زاری و نوحه سرایی است، این سؤال مطرح می شود که چرا بر مزیّتِ خواندن آن در چهار عید یاد شده تأکید گردیده است.

در یک پاسخ کوتاه به این سؤال، می توان به روایتی از امام باقرعلیه السلام استناد کرد که فرموده اند: «هیچ عیدی برای مسلمانان وجود ندارد - نه عید فطری و نه عید قربانی - جز این که غم و اندوه آل محمدعلیهم السلام در آن تجدید می شود، چرا که می بینند حقِّ آنها در دست دیگران است». (1)

بنابراین وقتی ما در روز جمعه یا اعیاد دیگر این دعا را می خوانیم، یعنی اینکه خود را به گونه ای در غم و اندوه حقوق از دسته رفته آل محمدعلیهم السلام شریک دانسته، و با ناله و شیون به درگاه خداوند، خواهان ظهور هر چه زودتر آن منتقم حقیقی هستیم که بیاید و اعاده حقّ نماید. لیک درباره ماهیت این حقّ جا دارد که از خود بپرسیم:

- این حقّ در اصل چه بوده و از چه زمانی به تاراج رفته است؟

- این حقّ در کجا و چگونه و طیِّ چه مراحلی به شخص یا گروهی تفویض شده است؟

- آیا آن گونه که امام باقرعلیه السلام فرموده اند، این حقّ هنوز در دست دیگران است؟

- آیا در دعای تعلیم داده شده از سوی امام صادق علیه السلام به شیعیانش، اشاره ای به این موضوع شده است؟

برای پاسخ به سؤال اول و دوم، کافی است خاطره غدیر و تفویض حقِّ جانشینی علی علیه السلام پس از پیامبرصلی الله علیه وآله را از سوی خداوند به یاد آورده، و سپس به مرورِ ماجرای سقیفه و پیامدهایش در طول تاریخ تا به امروز بپردازیم.

اما برای پاسخ به سؤال سوم و چهارم که موضوع اصلی این مقاله است ترجیح می دهیم ابتدا دو آیه از قرآن را همراه تأویل آنها از امام معصوم علیهم السلام یادآور شویم:

1- علل الشرائع: ج 2 ص 389 .

الف: «ظَهَرَ الفَسادُ فِی البَرِّ وَ البَحرِ بِما کَسَبَت اَیدِی النّاسِ»(1): «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم کرده اند آشکار شد».

در تأویل آن می خوانیم: «به خدا سوگند تأویل این آیه باز می گردد به زمانی که انصار گفتند: از ما امیری باشد و از شما نیز امیری».(2)

ب: «وَ اللَّیلِ اِذا یَغشی وَ النَّهارِ اِذا تَجَلّی»(3): «سوگند به شب آن زمان که سیاهیش جهانی را بپوشاند؛ و سوگند به روز آن زمان که نورش جهانی را روشن سازد».

امام باقرعلیه السلام در تأویل آن به محمد بن مسلم می فرماید: «شب در این آیه همان دومی است که پرده سیاهش را در دولتی که برایش فراهم شده بود، بر فراز ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کشید، و آن حضرت تا قیام قائم علیه السلام صبر می کند تا مهلت او پایان پذیرد؛ و روز همان قائم ما اهل بیت است که هرگاه بپا خیزد، بر دولت باطل چیره می شود».(4)

این آیه به خوبی نشان می دهد که آنچه از حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام به تاراج رفته، تا قیام قائم علیه السلام هرگز اعاده نخواهد شد. همچنین فسادی که در روز سقیفه بر خشکی و دریا گسترده شد، روز به روز بر ابعادش افزوده شده تا این که سرتاسر زمین را فرا گیرد؛ و تنها با ظهور حضرت وَلی عصرعلیه السلام است که بساط این فساد برچیده خواهد شد.

بنابراین اگر از هم اکنون به این نتیجه قطعی برسیم، چه بسا به خطا نرفته باشیم که غدیر نقطه پایان رسالت بود و آغاز فصل تازه ای از دین؛ که در پرده شب پنهان شد و ناتمام ماند تا ایّام ظهور؛ و ظهور نقطه پایانِ دولت شب است و ادامه آن فصلِ ناتمام که با نور محض آشکار می گردد.

1- روم: 41 .
2- روضه کافی (ترجمه رسولی محلاتی): ج 1 ص 83 . البرهان: ج 4 ص 351 .
3- لیل: 1 ، 2 .

4- تفسیر برهان: ج 5 ص 677 .

با این همه لازم است در تأیید و توجیه این نتیجه قطعی که چکیده و فشرده مقاله پیش روست به نمونه هایی از هر دو مأخذ (خطبه غدیر و دعای ندبه) اشاره کرده و بررسی تفصیلی آن را به کتابی مستقل موکول نماییم.

1 : آخرین سخن و اِتمام حجت

در خطبه غدیر:

ای مردم ! این آخرین باری است که من در چنین اجتماع انبوهی می ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و فرمانبردار امر پروردگارتان باشید و بدانید که خدای عزّوجلّ صاحب اختیار و معبود شماست. سپس پیامبرش که اکنون شما را مورد خطاب قرار داده وَلیِّ شماست. بعد از من، علی علیه السلام صاحب اختیار و امام شما به امر پروردگارتان است. آنگاه امامت در نسلِ من از فرزندانِ او (علی علیه السلام) خواهد بود، تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید.

ای مردم ! من همان صِراط مستقیم خداوندم که شما را به پیروی از آن دستور داده، و پس از من علی صِراط مستقیم است، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایتگرند. همان کسانی که به سوی حقّ هدایت نموده و بر اساس حقّ به عدالت رفتار می کنند.

در دعای ندبه:

«آن زمان که روزگار پیامبرصلی الله علیه وآله به آخر رسید؛ او وَلیِّ خود علی علیه السلام را برای هدایت مردمان معرفی کرد؛ زیرا خودش بیم دهنده بود و هر قومی را هدایتگری باید.

سپس در حالی که انبوه مردم در برابرش بودند فرمود: «هر کس که من مولای اویم علی هم مولای اوست. خداوندا دوستانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار.

یاری دهنده اش را یاری کن و کسی را که دست از یاری اش می کشد درمانده ساز».

و فرمود: «هر کس که من پیامبرش هستم علی امیر اوست».

و فرمود: «من و علی از یک درختیم و دیگر مردمان از درختان گوناگون هستند».

همچنین او را در جایگاه هارون نسبت به موسی قرار داد.

بدین سان او (علی علیه السلام) پس از پیامبرصلی الله علیه وآله، راهنمایِ هدایت از گمراهی بود، و نوری در تاریکی جهل و رشته محکم ارتباط با خداوند و راهِ راست او بود. در خویشاوندی اش با پیامبر و پیشینه اش در دین جلوتر از او کسی نبود؛ و در مناقب کسی به گَردِ منقبتی از او نمی رسید.

اما گویی رسول خداصلی الله علیه وآله این واقعیت را می دانست که اُمّتش پس از او حقِّ علی علیه السلام را رعایت نمی کنند و بنای ناسازگاری با او را می نهند. چه اینکه می دانیم علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله و همراه ایشان برای تنزیل قرآن جنگید تا آنجا که خونِ دلاوران عرب را ریخت، و پهلوانانشان را کشت، و با گرگ صفتانشان جنگید، و از این رو دل های آنان پُر از کینه های جنگ بَدر و خَیبرِ و حُنَین و جنگ های دیگر گردید».

بنابراین مسلم است که آنان به دنبال فرصتی می گشتند تا انتقام خود را از فرزند ابوطالب بگیرند و مرهمی بر زخم های کهنه خویش بگذارند؛ و چه فرصتی بهتر از روزگاری که پیامبرصلی الله علیه وآله از دنیا رفته باشد!

2 : جاهلیت پس از رسول خداصلی الله علیه وآله تا هنگام ظهور

در خطبه غدیر:

ای مردم! به شما هشدار می دهم که من رسول خدا هستم و پیش از من نیز پیامبرانی بوده اند. اکنون اگر بمیرم یا کشته شوم آیا شما از دین خدابرمی گردید؟

پس، هر کس که به جاهلیّت برگردد، به خداوند ضرری نمی رساند و خداوند به زودی به شکرگزاران پاداش می دهد. نیز آگاه باشید آن کس که به صبر و شکر توصیف شده، علی است و سپس فرزندانِ من از نسل او.

ای مردم! به زودی پس از من، پیشوایانی خواهند بود که به سوی آتش دعوت می کنند و روز قیامت یاری نمی شوند. پس بدانید که خداوند و من، از آنان بیزاریم. آنان و یارانشان، و همفکران و پیروانشان در پایین ترین طبقه آتش هستند، و چه بسیار بد است مأوای متکبّران.

در دعای ندبه:

بنابراین، آنان نیز دشمنی اش را به دل گرفتند و بَنایِ ناسازگاری با او را گذاشتند، و او به ناچار، پیمان شکنان و ستیزه جویان و از دین بیرون شدگان را از پای درآورد.

و آن زمان که از این جهان رخت بر بست و او را شقی ترین فردِ آخرالزّمان، به پیروی از شقی ترین پیشینیان (قابیل) به شهادت رساند، دستور رسول خداصلی الله علیه وآله درباره هدایتگرانِ پس از او نیز همچنان نادیده گرفته شد. تا آن جا که جز گروهِ اندکِ وفادار به رعایتِ حقِّ اهل بیت علیهم السلام، همه اُمّت بر دشمنیِ آنها پافشاری کردند و برای براندازی نسل پیامبر و تبعید فرزندانشان متّحد شدند؛ و بدین ترتیب گروهی کشته، گروهی اسیر و گروهی تبعید و آواره گشتند.

امّا تقدیر الهی برای آنان (خاندان پیامبر) بدان سان رقم خورد که امیدِ پاداش می رفت؛ زیرا زمین از آنِ خدا است و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت همه خَیرهااز آنِ متّقین است."

پس این است آن حقّی که به تاراج رفت. حقّی که از سوی خداوند به پیامبرش وَحی شد و ابلاغ آن را در غدیر خم شرط پایان رسالتش قرار داد.

با وجود این، تاراج این حقّ تنها با انتقام از علی علیه السلام تمام نشد، و به تأیید دعای ندبه درباره هدایتگرانِ پس از او نیز همچنان ادامه یافت. امّا سؤال مهم این است که آیا هنوز هم این حقّ در دست دیگران است؛ آن گونه که امام باقرعلیه السلام فرمودند؟ آیا در خطبه غدیر به این حقیقت اشاره شده، و در دعای ندبه هم نشانه هایی از آن آمده است؟

3 : آری، هنوز هم !

در خطبه غدیر:

ای مردم ! به خدا و رسولش و نوری که همراه او نازل شده است ایمان بیاورید پیش از آنکه صورت هایی را مَحو و نابود کنیم و آن صورت ها را به پشت برگردانیم.(1)

اما آن نور از جانب خداوند در من نهاده شد و سپس در علی بن ابی طالب علیه السلام، و آنگاه در نسل او تا مهديِ قائم علیه السلام که حقِّ خدا و حقِّ ما را می گیرد. یقیناً که خداوند عزّوجلّ ما را حجّت قرار داده است بر تمام سهل انگاران، دشمنان، مخالفان، خیانت پیشگان، گنهکاران و ستمگران از همه جهانیان.

1- نساء: 47 .

بنابراین امام صادق علیه السلام به ما آموخته است که چگونه برای یادآوریِ آن حقِّ از دست رفته که هنوز هم در دست دیگران است مرثیه بخوانیم.

در دعای ندبه:

کجاست آن مهیّا شده ای که رشته ستمگران را پاره می کند؟ کجاست آن خُرد کننده و کوبنده جاه و جلال تجاوزگران؟

کجاست آن ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست آن نابود کننده فاسقان و شورشگران و گردن فرازان؟

کجاست آن دروکننده شاخه های گمراهان و ستیزه جویان؟ کجاست آن که زَنگارِ کج فکری ها و هواپرستی ها را بزداید؟

کجاست آنکه رشته های دروغ و تهمت را پاره کند؟ کجاست آنکه تجاوزگران و سرکشان را نابود سازد؟

کجاست آن که دشمنان و گمراهان و بی دینان را ریشه بَرکَنَد؟

با این همه، گویی در میان این حقوق از دست رفته و هنوز هم در دستِ دیگران گرفتار شده، عَلَم مصائب و غم یک حقِّ ناحقّ گشته بیش از همه در اهتزاز است. عَلَم مصائب و غم کربلا ! کربلایی که فرصت آن را اهل شُبهه ایجاد کردند. همان مردمان پیمان شکن خیانت پیشه ناسازگار، با دل هایی گندیده از پلیدی شرک و بدن هایی آکنده از آلودگی کفر. آن گونه که حرمت ها را دریدند، و بر بستر مرگ رسول خداصلی الله علیه وآله بانگ بی وفایی زدند و در شکستن پیمان خود شتافتند و عهدهای محکمی را که بر جانشینی علی علیه السلام بسته بودند نادیده گرفتند ...

و بدین سان برای اهل شُبهه فرصتی فراهم کردند تا آنان بتوانند اهل بیت برگزیده حقّ را در کربلا بکُشند و نسل او را براندازند و حریمش را بشکنند و یارانش را از دَم

تیغ بگذرانند.(1)

ما در دعای ندبه می خوانیم: «اَینَ الطّالِبُ بِدَمِ المَقتولِ بِکَربَلاء؟ کجاست خونخواهِ آن کشته دشت کربلا»؟ آری! دقیقاً از همین کربلاست که مرثیه غدیر آغاز دوباره ای یافته و تا قیام قائم علیه السلام ادامه می یابد. پس اگر سوگواری باید کرد این گونه باید:

فَعَلَی الاَطائِبِ مِن اَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِما وَ آلِهِما فَلیَبکِ الباکونَ؛ وَ اِیّاهُم فَلیَندُبِ النّادِبونَ؛ وَ لِمِثلِهِم فَلتُذرَفِ الدُّموعُ وَلیَصرُخِ الصّارِخونَ، وَ یَضِجَّ الضّاجّونَ، وَ یَعِجَّ العاجّونَ.

تنها بر پاکانِ برگزیده اهل بیتِ محمّد و علی علیه السلام و خاندانشان، گریه کنندگان باید بگریند، و شیون کنندگان باید شیون کنند. و تنها برای آنهاست که سوگواران باید سوگواری کنند، اشک ها باید ریزان شود، ناله ها از دل برآید، فریادها به آسمان رسد و بانگ واویلا سر داده شود.

کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجا هستند فرزندان حسین؟ آن شایستگان و راستگویانِ یکی پس از دیگری؟ کجاست راهی پس از راهی؟ کجاست برگزیده ای پس از برگزیده ای؟ کجا هستند خورشیدهای تابان؟ کجا هستند ماه های فروزان؟ کجا هستند ستارگانِ درخشان؟

کجا هستند نشانه های دین و پایه های دانش؟ کجاست آن بقیّه اللّهی که از عترتِ هدایتگر هرگز جدا نیست؟

کجاست آن مهیّاشده ای که رشته ستمگران را پاره می کند؟ کجاست آن ساماندهِ کژی ها و ناراستی ها که انتظارش را می کشند؟ کجاست آن دور کننده سِتَم؛ که به امیدش دل بسته اند؟

1- زیارت جامعه ائمه المؤمنین: مفاتیح الجنان.

4 : قرآن و وارثانِ بر حق آن

در خطبه غدیر:

«ای مردم! در قرآن بیندیشید و آیاتش را بفهمید، و به آیات محکمش بنگرید و آیات متشابهش را وانهید.

سوگند به خدا هرگز زَواجرِ قرآن (باطنِ آیات) را برای شما آشکار نمی کند و تفسیرش را روشن نمی سازد، مگر این کسی که من دست او را گرفته به سوی خود بالا می برم و بازویش را گرفته و به شما اعلام می دارم: هر کس که من صاحب اختیار او هستم این علی صاحب اختیار اوست.

ای مردم! این علی برادر و جانشین و نگه دارنده علم من است. او وَصیِّ من در میان اُمّتم بر تفسیر کتابِ خدا و دعوت به آن می باشد، و عمل کننده به آنچه خدا را راضی می کند».

سُلیم بن قیس هلالی در کتاب خود روایتی را از سلمان فارسی چنین آورده است:

در شبِ همان روز (روز سقیفه) علی علیه السلام همراه حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام به درِ خانه مهاجرین و انصار رفته، حقّ از دست رفته اش را به آنان یادآوری فرمود و آنها را به یاری خویش فراخواند.

از این میان، تنها چهل و چهار نفر آمادگی خود را برای یاری آن حضرت اعلام کردند. حضرت به آنان فرمود صبحِ فردا در حالی که سرها را تراشیده و شمشیرهایشان را حمایل کرده اند، نزد ایشان بیایند. امّا صبحِ فردا به جز چهار نفر که ساعاتی بعد به هفت نفر رسیدند کسی بر سر قولِ خود حاضر نشد. این دعوت سه شب تکرار شد، ولی هر صبح نتیجه همان بود که بود.(1)

1- اسرار آل محمد علیهم السلام : ص 221 ، 222 .

بنابراین وقتی علی علیه السلام هیچ یار و یاوری به جز سه یا چهار یا هفت نفر نیافت، دست از مبارزه آشکار با غاصبان خلافت برداشت و فقط به جمع و تدوین قرآن پرداخت. این گونه که سلمان برای سُلیم روایت می کند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام عکس العمل یارانش را چنین دید از خانه بیرون نیامد و عبا بر دوش نیفکند مگر برای نماز، تا اینکه قرآن را آن گونه که بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شده بود جمع کرد؛ همراه تأویل و تفسیرش، و مشخص نمودن آیات ناسخ و منسوخ، خاصّ و عام، محکم و متشابه و ... .

و آن زمان که کار به اتمام رسید، آن حضرت قرآنِ تدوین شده اش را برداشته به مسجد پیامبرصلی الله علیه وآله رفت، در حالی که ابوبکر و عمر در مسجد بودند و مردم در اطرافشان. امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد و نظرِ جمع را به خود معطوف داشته، با صدایی که همه بشنوند فرمود:

بدانید که من پس از غسل و کفن و دفن پیامبرصلی الله علیه وآله، به کاری روی نیاوردم مگر به جمع و تدوین قرآن. امّا در این قرآن تمام آیاتی که بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شده آمده، و آیه ای نیست مگر آنکه تنزیلش را نزد پیامبرصلی الله علیه وآله خوانده ام و آن حضرت تأویل و ظاهر و باطن و عام و خاصّ و ناسخ و منسوخش را به من آموخته است.

بنابراین شما در فردای قیامت نمی توانید ادعا کنید که ما از این موضوع آگاه نبودیم.(1) همچنین به درگاه خداوند عذری ندارید که بگویید من شما را به یاریِ خود فرا نخواندم، و حق را به شما یادآوری نکردم، و شما را به کتاب خدا از ابتدا تا انتهایش دعوت ننمودم.

1- این فرموده علی علیه السلام دقیقا به آیه 172 سوره اعراف: «اِنّا کُنّا عَن هذِهِ غافِلین» و تأویل آن در تفاسیر روائی شیعه اشاره دارد.

اینجا بود که عمر برخاست و گفت: «ما خود قرآنی داریم که از قرآنِ تو بی نیازمان می کند» ! و علی علیه السلام با قرآنی که تدوین و تنظیم کرده بود به خانه بازگشت.(1)

اکنون به نظر شما آنچه که امام صادق علیه السلام در دعای ندبه به ما آموخته، مبیّن چه حقیقتی است؟

در دعای ندبه:

اَینَ المُؤَمَّلُ ِلاِحیاءِ الکِتابِ وَ حُدودِهِ؟ کجاست آن آرزو شده ای که اِحیا کند کتاب خدا و حدود آن را؟

اَینَ مُحیی مَعالِمِ الدّینِ وَ اَهلِهِ؟ کجاست آن زنده کننده نشانه های دین و اهلِ دین؟

5 : سُنّت ها و فرائض

در خطبه غدیر

ای مردم ! با دینِ کامل و تفقّه (دانایی در دین) خانه خدا را زیارت کنید. ای مردم ! نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید، همان گونه که خدای عزّوجلّ به شما فرموده است. امّا اگر زمانی طولانی بر شما گذشت و کوتاهی نموده و فراموش کردید، علی صاحب اختیار و سرپرست شماست که معارف دین را برایتان تبیین کند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را یک به یک برشمرده و بشناسانم؛ یا در این مدت کوتاه به تمام حلال ها دستور داده و از همه حرام ها بازتان دارم. بنابراین مأمورم که از شما بیعت گرفته و با شما دست بدهم بر پذیرشِ آنچه از سوی خدای عزّوجلّ درباره امیرالمؤمنین و

1- اسرار آل محمّد علیهم السلام : ص 222 ، 223.

اوصیای بعد از او آورده ام. همان امامانی که از من و از نسل او (علی) هستند و تا روز قیامت که خداوند در آن به حقّ حُکم می کند به حقّ قیام می کنند و مهدی از آنان است.

در این فرازها از خطبه غدیر به تصریح آمده که انجام سنّت ها و فرائض و عمل به حرام و حلال منوط به اِحراز دین کامل یعنی پذیرش ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. ولی به نظر می رسد که این موارد هم به دست فراموشی سپرده شده و به مرور زمان رنگ باخته؛ چرا که امام صادق علیه السلام در دعای ندبه از این حقیقت نیز چنین پرده برداشته است:

در دعای ندبه :

اَینَ المُدَّخَرُ لِتَجدیدِ الفَرائِضِ وَ السُّنَنِ؟ کجاست آنکه برای تازه کردنِ فرائض و سُنّت ها ذخیره شده است؟

اَینَ المُتَخَیَّرُ ِلاِعادَهِ المِلَّهِ وَ الشَّریعَهِ؟ کجاست آن برگزیده ای که کیش و آیین محمّدی را از نو بَنا کُنَد؟

و سرانجام اگر از آن دسته افرادی هستیم که به خواندن دعای عهد در هر صبح مبادرت داشته یا هر از چند گاهی آن را می خوانیم، سعی کنیم که به فرموده رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر از روی تفقّه باشد، نه صرفاً از روی عادت یا ثواب! و تنها در این صورت است که به مفهوم واقعی و ما بازاء عباراتی چنین پی خواهیم بُرد:

«وَ اعمُرِ اللّهُمَّ بِهِ بِلادَکَ وَ اَحیِ بِهِ عِبادَکَ، فَاِنَّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ: «ظَهَرَ الفَسادُ فِی البَرِّ وَ البَحرِ بِما کَسَبَت اَیدِی النّاسِ» وَاجْعَلهُ اللّهُمَّ ... مُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِن اَحکامِ کِتابِکَ وَ مُشَیِّداً لِما وَرَدَ مِن اَعلامِ دینِکَ وَ سُنَنِ نبیِّکَ». (1)

1- دعای عهد: مفاتیح الجنان.

پس ای فریادرَسِ دادخواهان! به فریادِ این بنده گرفتار کوچک ترینت عنایت کن و بزرگ آقایش را به او بنما، ای توانمندِ مطلق! و بدین سان سوزِ دل و اندوه سینه اش را مرهمی بگذار و آتش درونش را فرو نشان؛ ای کسی که بر عرش قرار گرفته و بازگشت و سرانجامِ کار به سوی اوست! (1)

منابع و مآخذ

1 . قرآن مجید.

2 . اسرار آل محمدعلیهم السلام، ترجمه کتاب سلیم هلالی، سلیم بن قیس، مترجم: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، نشر الهادی، قم، چاپ اول، 1416 ق.

3 . روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر: انتشارات علمیه اسلامیه، تهران ، نوبت چاپ: اول، بی تا.

4 . سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، هاشم حسینی بحرانی، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، آفاق، 1374 ش.

5 . علل الشرائع، شیخ صدوق، ناشر: داوری، قم، چاپ اول.

6 . مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

1- ترجمه عباراتی از دعای ندبه.

ریشه کن شدن مظلومیت غدیر در عصر ظهور : محمد حسین طغیانی

چکیده

1 . با دقت در وقایع عصر ظهور به این نتیجه می رسیم که تجلّی واقعی و کامل غدیر تنها در عصر ظهور است.

2 . «اَینَ المُدَّخَرُ لِتَجدیدِ الفَرائِضِ وَ السُّنَنِ»، یعنی اوجب واجبات امامت است که با ظهور امام زمان علیه السلام محقق می شود.

3 . امام زمان علیه السلام در زمان ظهور مردم را متوجه فراموشی و از دست دادن غدیر می فرماید.

4 . در ظهور ریشه ظلم و ظالم کنده می شود، در حالی که ظالم تر از غاصبین ولایت وجود ندارد.

5 . اگر غدیر به گوش جهانیان می رسید کافر و مشرکی نبود، و این قدر تفرقه بین مسلمین نبود.

6 . در عصر ظهور به مظلومیت مظلومترین افراد یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام خاتمه داده می شود.

با دقت در وقایع عصر ظهور به این نتیجه می رسیم که تجلّی واقعی و کامل غدیر تنها در عصر ظهور است؛ چرا که در وصف صاحبِ عصر ظهور و منجی آخرالزمان در دعای ندبه می خوانیم: «اَینَ المُدَّخَرُ لِتَجدیدِ الفَرائِضِ وَ السُنَن»: «کجاست ذخیره شده برای تجدید فرایض و سنّت ها»؟

امامت بزرگ ترین فریضه عصر ظهور

چیست آن فرائض که در زمان حجه بن الحسن علیه السلام تجدید می شود؟ آیا نماز و روزه و حج و جهاد است؟ گرچه با این کلام می توان تمام اینها را از مصادیق فرائض الهی محسوب کرد، ولی اساس آن فرائض چیزی جز امامت نیست؛ همان فریضه ای که در موردش خداوند متعال به پیامبر می فرماید: «یا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ وَ اِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ»(1): «ای پیامبر، آنچه را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن، که اگر چنین نکنی رسالت الهی را به انجام نرسانده ای».

به راستی اگر نماز و روزه را جزء فرائض حساب کنیم، بی انصافی است که ولایت و امامت که رکن رکین اسلام است را از دائره بزرگترین فرائض الهی خارج کنیم، چرا که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «علی جان! اگر کسی به اندازه عمر نوح بندگی خدا کند و به اندازه کوه احد طلا و جواهر در راه خدا انفاق کند، و آن قدر عمرش طولانی شود که هزار سفر به حج مشرف شود، و آخر عمر هم بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود، ولی ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نمی رسد و داخل بهشت نخواهد شد».(2)

1- مائده: 67 .
2- ارشاد القلوب: ج 2 ص 257 . بحار الانوار: ج 27 ص 173 باب 7 . ثواب الاعمال: 204 .

تجلی امامت در عصر ظهور

باید به منکرین ولایت گفته شود: اگر در نامه اعمالتان عبادتی همچون عبادت حضرت نوح علیه السلام باشد، هم از جهت کمیّت و هم از جهت کیفیّت، یعنی 2500 سال عبادت همراه با اخلاص و زحمت جهت هدایت مردم به سمت خدا و ابلاغ رسالت؛ و اگر در نامه اعمالتان انفاق بسیار باشد که از قطع وابستگی به دنیا نشأت گرفته است؛ و اگر در نامه اعمالتان حج و عمره بسیار است، همان حج و عمره ای که با هر طوافش دریایی از گناهان محو می شود؛ و اگر در نامه اعمالتان ثواب شهید و شهادت در راه خداست، همان شهادتی که خداوند متعال در وصف آن می فرماید: «وَ لا تَحسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوا فی سَبیلِ اللّهِ اَمواتاً بَل اَحیاءٌ عِندَ رَبِّهِم یُرزَقونَ»(1): «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند»، با این همه اگر نامه اعمال از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خالی باشد، باید از بهشت و نعمت آن چشم بپوشد؛ چرا که منکر ولایت بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

حال سؤال اینجاست که اگر فریضه امامت اشرف فرائض است، آیا در عصر ظهور تجلّی و ظهور و بروز نمی یابد؟!

لذا باید گفت: خدایا! فرج تجدید کننده امامت و ولایت را برسان! همان که زنده کننده غدیر و پیامش و زنده کننده نام امیرالمؤمنین علیه السلام است. اما به راستی آیا فریضه ای مهم تر و با عظمت تر از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد، که زنده کننده فرائض الهی آن را زنده کند؟!

1- آل عمران: 169.

در جواب این پرسش باید گفت: خیر! چرا که خوارزمی در مناقبش می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

و لا یَقبَلُ اللَّهُ ایمانَ عَبدٍ اِلاّ بِوِلایَتِهِ وَ البَرائَهِ مِن اَعدائِهِ.(1)

خدا عمل و ایمان هیچ بنده ای را قبول نمی کند مگر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنان آن حضرت.

پس بدون امامت نه توحید ارزشی دارد و نه عقیده به نبوّت، چه رسد به فروع دین مانند خمس و زکات و جهاد.

تجدید فرائض در عصر ظهور

باید پرسید: آیا به غیر از زمان حضرت حجت علیه السلام فرائض الهی تجدید می شود؟ فریضه مهمِ اطاعت از رسول خدا و اولی الامر او که خداوند درباره اش می فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اَطیعوا اللَّهَ وَ اَطیعوا الرَّسولَ وَ اولِی الاَمرِ مِنکُم»(2): «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر را» !

اگر تا به حال مردم خود را در پوشش اطاعت از رسول خداصلی الله علیه وآله مؤمن معرفی کرده و از اطاعت اولی الامر سرباز زدند، باید بدانند تخلف از اولی الامر تخلف از خداوند و رسول خداست؛ و این آگاهی و بیداری تنها در زمان ظهور حجت بن الحسن علیه السلام صورت می گیرد، و آن حضرت مردمِ غفلت زده را متوجه واجب ترک شده می کند و پیام فراموش شده غدیر را به یادشان می آورد؛ و تفسیر واقعی و درست آیات الهی را بیان می کند و مردم را با اولی الامرِ واقعی آشنا می نماید و دستورات فوت شده الهی را

1- مناقب خوارزمی: ص 25. مائه منقبه: المنقبه 100. بحار الانوار: ج 2 ص 131.
2- نساء: 59 .

احیاء می کند؛ و اطاعت واقعی از رسول خداصلی الله علیه وآله را به یاد آنها می اندازد؛ چرا که اطاعت از رسول خداصلی الله علیه وآله در پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ همان اطاعتی که در غدیر خم بر آن از مردم پیمان گرفت.

حدیث ثقلین در عصر ظهور

آیا مدعیان دروغین اطاعت از رسول خداصلی الله علیه وآله حدیث ثقلین را به یاد نمی آورند؟ باید گفت: آنها در عوض اطاعت از اهل بیت رسول خداصلی الله علیه وآله شعار «حَسبُنا کِتابُ اللّهِ» را سر دادند و مردم را از پیرویِ اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله باز داشتند.

پس باید گفت: خدایا ! ظهور احیاء کننده غدیر را برسان؛ همان کسی که با آمدنش غدیر و پیامش رنگ تازه ای به خود می گیرد. «اَینَ المُعَدُّ لِقَطعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ»: «کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیّاً گردیده است».

آری، تنها اوست که با آمدنش ریشه ظلم و ظالم کنده خواهد شد. اگر پرسیده شود که آیا ظالمتر از غاصبین ولایت در این عالم وجود دارد؟ باید گفت: خیر؛ چرا که غصب ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اساس ظلم و تعدّی است و تمام اقسام ظلم در وجود غاصبین خلافت وجود دارد.

اگر خداوند متعال شرک را ظلم بزرگی معرفی می کند و می فرماید: «اِنَّ الشِّرکَ لَظُلمٌ عَظیمٌ»(1): «شرک ظلم بزرگی است»؛ باید گفت: آنها که منکر ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام شده و غدیر و پیامش را از ناحیه خداوند متعال ندانسته و در مقابل حضرت علی علیه السلام جبهه گرفتند، مبتلا به شرک در اطاعت شدند و خود را در زمره ظالمین قرار دادند؛ همان ظلمی که در زمان ظهور به آن رسیدگی شده و ریشه آن قطع می گردد.

1- لقمان: 13 .

مجازات ظالمین به امامت در عصر ظهور

اگر خداوند متعال تعدی به مردم را ظلم می داند و می فرماید: «اِنَّمَا السَّبیلُ عَلَی الَّذینَ یَظلِمونَ النّاسَ وَ یَبغونَ فِی الاَرضِ بِغَیرِ الحَقِّ اولئِکَ لَهُم عَذابٌ اَلیمٌ»(1): «مجازات بر کسانی مجاز است که به مردم ظلم و ستم می کنند و در زمین به ناحقّ ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است»؛ باید گفت: آیا آنان که ریسمان به گردن ولی اللّه انداختند و خلافت او را غصب کردند ظالم نیستند؟ و آیا این ظلم رسیدگی نمی شود و حق مظلوم به او برگردانده نمی شود؟

بله، همانا اوست که در زمان ظهورش غاصبین خلافت را از قبرهایشان بیرون می کشد و آنها را وسیله امتحان افرادی قرار می دهد و مردم را امر به بیزاری از آنها می کند، و سپس آنها را به دار می آویزاند و بدن پلیدشان را می سوزاند و خاکسترش را به دریا می دهد؛ چرا که در حقیقت بنیانگذاران ظلم و تعدی همان ها بودند؛ همان ظالمانی که به غدیر پیامبرصلی الله علیه وآله و داماد و وصی او تعدّی کردند.

آیا ظلمی بالاتر از اینکه مردمی را که طالب فیض هدایت بودند از سرچشمه فیض بی بهره کردند؟ آیا ظلمی بالاتر از اینکه مردم را از عالم ترین و معصوم ترین فرد زمین دور کردند و آنها را در ضلالت قرار دادند؟

غاصبین ولایت در زمان ظهور باید هم جوابگوی حقّ غصب شده امام و مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام باشند و هم جوابگوی مردمی که طالب نور ولایت بودند، ولی به دست راهزنان راه از این نعمت محروم شدند. اگر غدیر و پیامش به گوش تمام مردم جهان می رسید دیگر کافر و مشرکی وجود نداشت، و در اسلام نیز این قدر اختلاف و تفرقه بین مسلمانان نبود، تا به وسیله این تفرقه دشمنان اسلام و مسلمین هر روز با حیله و مکری جدید آنها را مورد استعمار قرار دهند.

1- شوری: 42 .

انتقام مظلوم ترین مظلوم در عصر ظهور

اما از همه مهم تر این که در عصر ظهور به مظلومیتِ مظلوم ترین فرد عالم خاتمه داده می شود. آیا مظلومیت از این بالاتر که اول مسلمان و ایمان آورنده به رسول خداصلی الله علیه وآله و عالم ترین فرد بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله و معصوم ترین شخص شجاع ترین، سخی ترین، عابدترین و زاهدترین فرد عالم 25 سال خانه نشین شود و مردم نسبت ارتداد به او دهند و حتی جواب سلام او را ندهند؟

آیا مظلومیّتی از این بالاتر که همان ها که در روز غدیر خم گفتند: «بَخٍ بَخٍ لَکَ یَابنَ اَبی طالِبٍ»(1) درب خانه او جمع شدند و خانه او را آتش زدند و همسر او را ما بین در و دیوار قرار دادند؟

آیا مظلومیتی از این بالاتر که خطبه غدیری که 120 هزار نفر شاهد عینی و سمعی او بودند، به فراموشی سپرده شده و صاحب آن با بی توجهی مردم مواجه شود؟

آری! در عصر ظهور ابتدا به مظلومیت حضرت علی علیه السلام رسیدگی می شود، و غدیر و پیامش که همان امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است، احیاء می شود و بنیانگذاران این ظلم و تابعین آنها مورد مؤاخذه واقع می شوند و جاهلین از آنها بیدار می شوند و از کرده خود توبه می نمایند، و دوستی علی علیه السلام و آل او را سرلوحه فکر و عمل خویش قرار می دهند.

انتقام از غاصبین خلافت در عصر ظهور

اگر خداوند متعال تعدی از حدود الهی را ظلم می داند و می فرماید: «وَ مَن یَتَعَدَّ حُدودَ اللَّهِ فَقَد ظَلَمَ نَفسَهُ»(2): «هر کس از حدود الهی تجاوز کند بر خودش ظلم کرده

1- ترجمه فضائل الخمسه من الصحاح السّته (محمد باقر ساعدی): ج 2 ص 152 . الطرائف: ص 311 . مناقب امام علی بن ابی طالب علیه السلام : 69 . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج 1 ص 200 .
2- طلاق: 1 .

است». آیا تخلف از دستور رسول اللّٰه و امیرالمؤمنین علیهما السلام تجاوز از حدود الهی و ظلم نیست؟! مگر خداوند متعال مؤمنین را امر به اطاعت خود و رسول و اولی الامرش ننموده است؟ مگر نفرموده: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اَطیعوا اللّٰهَ وَ اَطیعوا الرَّسولَ وَ اولِی الاَمرِ مِنکُم»؟(1) مگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله - که طبق صریح آیه اطاعت از او واجب است - در روز غدیر امر به امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام نفرموده اند. همان غدیر خمی که 89 نفر از علمای اهل تسنن آن را نقل کرده اند و آن را قطعی دانسته و تخلف از آن را جایز ندانسته اند.

مگر خداوند نفرموده: «قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلاَّ المَوَدَّةَ فِی القُربی»؟(2) پس چرا از حدود الهی تجاوز کردند؟ چرا به واسطه دشمنی با حضرت علی علیه السلام خلافت او را غصب کردند و ریسمان بر گردن او انداختند و او را به مسجد کشاندند؟

مگر خداوند متعال نفرموده: «اِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَ رَسولُهُ وَ الَّذینَ آمَنوا الَّذینَ یُقیمونَ الصَّلاةَ وَ یُؤتونَ الزَّکاةَ وَ هُم راکِعونَ»؟(3) پس چرا ولیّ اللّٰه را رها کردند و تابع مشرکین و کافرانی شدند که به لات و عزی قسم یاد کردند که لحظه ای به محمدصلی الله علیه وآله ایمان نیاوردیم!!

مگر رسول خداصلی الله علیه وآله نفرمودند: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ»(4): «هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست»؟ پس چرا تعدّی کردند؟ آری؛ غاصبین ولایت و پیروان آنها همه در دسته ظالمین هستند، که در عصر ظهور به حساب آنها رسیدگی شده و حقّ غصب شده به صاحب حقّ برگردانده می شود.

1- نساء: 59 .
2- شوری: 23 .
3- مائده: 55 .
4- فرازی از خطبه غدیر.

پس صبح و شام برای آمدن آن منجی دعا کنیم و با اشک های ریزان بگوییم: «اللهم عجّل لولیک الفرج»؛ چرا که تنها در زمان حکومت اوست که حقّ غصب شده مولایمان به او برگردانده می شود و نام مبارکش در محل ولادتش و در تمام جهان بر مأذنه ها برده می شود. تنها در زمان ظهور منجی آخرالزمان است که لبخند خوشحالی بر لبان امیرالمؤمنین علیه السلام و همسر با وفا و مظلومه اش می نشیند. پس اگر منتظر آمدن آن عصر و زمانی، با قلب و لسان و عمل بگو: «اللهم عجّل لولیّک الفرج».

منابع و مآخذ

1 . قرآن کریم.

2 . ارشاد القلوب، دیلمی، مترجم: سید عبدالحسین رضایی، ناشر اسلامیه، چاپ سوم، 1377ش.

3 . بحار الانوار، علامه محمدتقی مجلسی، ناشر اسلامیه، سال چاپ مختلف، چاپ مکرر.

4 . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مترجم: صادق حسن زاده، انتشارات ارمغان طوبی، چاپ اول، سال 1382ش.

5 . فضائل الخمسه من الصّحاح الستّه، سید مرتضی فیروزآبادی، ناشر اسلامیه، چاپ دوم، 1392ق.

6 . الطرائف، سید بن طاووس، ترجمه داوود الهامی، نشر نوید اسلام، چاپ دوم، 1374 ش.

7 . مناقب امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی، ناشر دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، 1424ق.

8 . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی، موسسه طبع و نشر، چاپ اول، 1411 ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109